

◀ (V-1)

- عرضه (Supply): مقداری که عرضه می‌شود.
- تقاضا (Demand): مقداری که درخواست/تقاضا می‌شود.

مهم‌ترین علت حرکت (بالا و پایین شدن) قیمت، شکل‌گیری **عدم تعادل** در عرضه و تقاضا است و هرچه عدم تعادل بزرگ‌تر باشد، حرکت قیمت هم بزرگ‌تر خواهد بود.

عرضه آن مقداری است که در دسترس است و **تقاضا** آن مقداری است که در آن قیمت برای آن خریدار وجود دارد.

ما باید دنبال مناطق عدم تعادلی باشیم که **فعالیت کمتری** در آن‌ها وجود دارد.

◀ (ویدئو زیرنویس آلفونسو - ۲)

قوانین اصلی سیستم عرضه و تقاضا آلفونسو:

۱. ما در سه تایم فریم فرکتالی همسویی داریم: در کوچکترین تایم‌فریم‌مان برای ورود برنامه‌ریزی می‌کنیم، هم جهت با جهت حرکت مارکت که در هر سه تایم فریم مشاهده می‌شود.
۲. تایم کوچکتر با دو تایم بالاتر همسو نبود: در تایم میانی باید به دنبال ناحیه ورود برگردیم و سپس در ناحیه کوچکتر وقتی به ناحیه مد نظر میانی رسید پوزیشن بگیریم. (همیشه تایم ورود به معامله ما کوچکترین تایم فریم است).
۳. دو تایم پایین‌تر خلاف جهت تایم بالاتر بود: ناحیه ورود را بر اساس زون‌های تقاضا و یا عرضه در بالاترین تایم پیدا کرده و سپس در پایین‌ترین تایم و در بهترین نقطه به معامله ورود می‌کنیم. (چون نواحی مشخص شده در تایم بالا معمولا در تایم‌های کوچکتر وسعت زیادی دارند بنابراین در محدوده‌های مشخص شده تایم بالا زمانی ورود می‌کنیم که نواحی خوبی در تایم پایین و داخل زون‌های تایم بالا شکل گرفته باشد).

به دلایل مختلفی همیشه قیمت به این نواحی برنمی‌گردد زیرا موانع زیادی در مسیر حرکتی وجود دارد (قیمت در مسیر مستقیم حرکت نمی‌کند) و وقتی قیمت به موانع برخورد می‌کند به نواحی ما اهمیت نمی‌دهد. چندین نوع مانع داریم که شامل موارد زیر می‌باشند:

۱. عدم تعادل (Imbalance) در تایم فریم بالاتر (HTF)؛

۲. برخورد با خط روند تایم فریم بالاتر؛

۳. برخورد با مووینگ ۲۰ (EMA 20) تایم بالاتر.

اگر قیمت در تایم پایین هم جهت با تایم‌های بالاتر نباشد، باید منتظر شویم به یک ناحیه D/S تایم میانی برسد، ولی گاهی این اتفاق نمی‌افتد و قیمت پیش از رسیدن به این نواحی شروع به حرکت در جهت تایم میانی و بالاتر می‌شود. این شرایط مثلا زمانی اتفاق می‌افتد که خط روند ما مووینگ و D/S با یکدیگر تلاقی دارند؛ در چنین شرایطی باید منتظر باشیم که قیمت خط روند صعودی/نزولی را بشکند و تشکیل یک ناحیه D/S جدید را داده و سپس در **برگشت به این ناحیه** ما وارد پوزیشن شویم. مثلا قیمت در تایم روزانه و هفتگی نزولی و در تایم ماهانه صعودی است، منتظر می‌مانیم تا به ناحیه تقاضا ماهانه برسد ولی پیش از رسیدن به ناحیه تقاضا به خط روند صعودی ماهانه و همچنین مووینگ ماهانه برخورد می‌کند، در چنین شرایطی منتظر می‌مانیم خط روند نزولی هفتگی را شکسته سپس یک ناحیه D هفتگی جدیدی را تشکیل دهد و در نهایت با رسیدن به این ناحیه (برگشت به ناحیه D هفتگی جدید) پوزیشن لانگ را می‌گیریم.

- اگر قیمت در هر سه تایم فریم یک جهت بود (مثلا صعودی) در هر کف‌سازی در تایم پایین خرید می‌کنیم و بالعکس.

◀ (ویدئو زیرنویس آلفونسو - ۳)

انواع کندلها:

۱. کندل **ERC**: کندل‌های با بدنه بزرگ که فاصله باز و بسته شدن کندل از هم زیاد است (بدنه از مجموع سایه‌ها بزرگ‌تر است).
۲. کندل **Basing** (بیس): بدنه کوچک است. بدنه کندل نصف یا کمتر از نصف کل محدوده کندل است. این کندل‌ها برای پیدا کردن CP با کمک می‌کند. کندل‌های بیس در نواحی بیشتر دیده می‌شوند که قیمت در حال استراحت است. بیس‌ها مشابه گره‌ها هستند.
۳. کندل **Failed ERC** (ناموفق): کندل‌های ۵۰٪ که بدنه‌های درشت‌تری هم نسبت کندل‌های بیس دارند. این کندل‌ها بخاطر داشتن سایه‌های بلند ERC نقض شده هستند.

◀ (V-4)

- انواع عدم تعادل‌ها: اکستریم‌ها (انتهاپی‌ترین نقاط دره‌ها/قله‌ها) در برابر الگوهای ادامه دهنده (CP)
- عرضه و تقاضا، پرایس اکشن (حرکت قیمت) را به وجود می‌آورد و حرکت قیمت باعث ایجاد الگوها می‌شود.
- کندل **مارابوزو**: کندل‌هایی با بدنه پر و سایه بسیار ریز و یا بدون سایه.



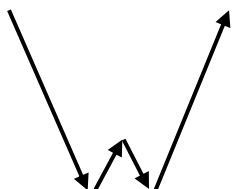
دو نوع عدم تعادل در عرضه و تقاضا وجود دارد: ۱. دره‌ها و قله‌ها؛ ۲. الگوهای ادامه‌دهنده (CP)

۱. **دره‌ها و قله‌ها**: حالت V شکل دارند (دره‌ها) و یا V معکوس (قله‌ها). دره‌ها و قله‌ها معمولاً واکنش‌هایی در برابر عدم تعادل‌های قبلی هستند. زمانی که قله‌ها و دره‌ها واضح نیستند آن‌ها را بصورت CP در نظر می‌گیریم.
- ویژگی‌های دره/قله:
- برای محاسبه محدوده SD در نقاط انتهایی (Extremes) استفاده می‌شود.
 - بیشترین احتمال موفقیت در نقاط انتهایی رنج SD یا نزدیک آن است.
 - آن‌ها عناصر سازنده یک روند هستند.

ساختار دره‌ها و قله‌ها بصورت چهار فرمت زیر است:

- Drop-Rally یا Drop-Base-Rally
- Rally-Drop یا Rally-Base-Drop

مهم: وقتی دره‌ای یا قله‌ای یا CP می‌بینیم، باید دقت کنیم که تشکیل چنین عدم تعادلی صرفاً نواحی "تقاضای بالقوه" را نشان می‌دهد نه بیشتر و نه کمتر.

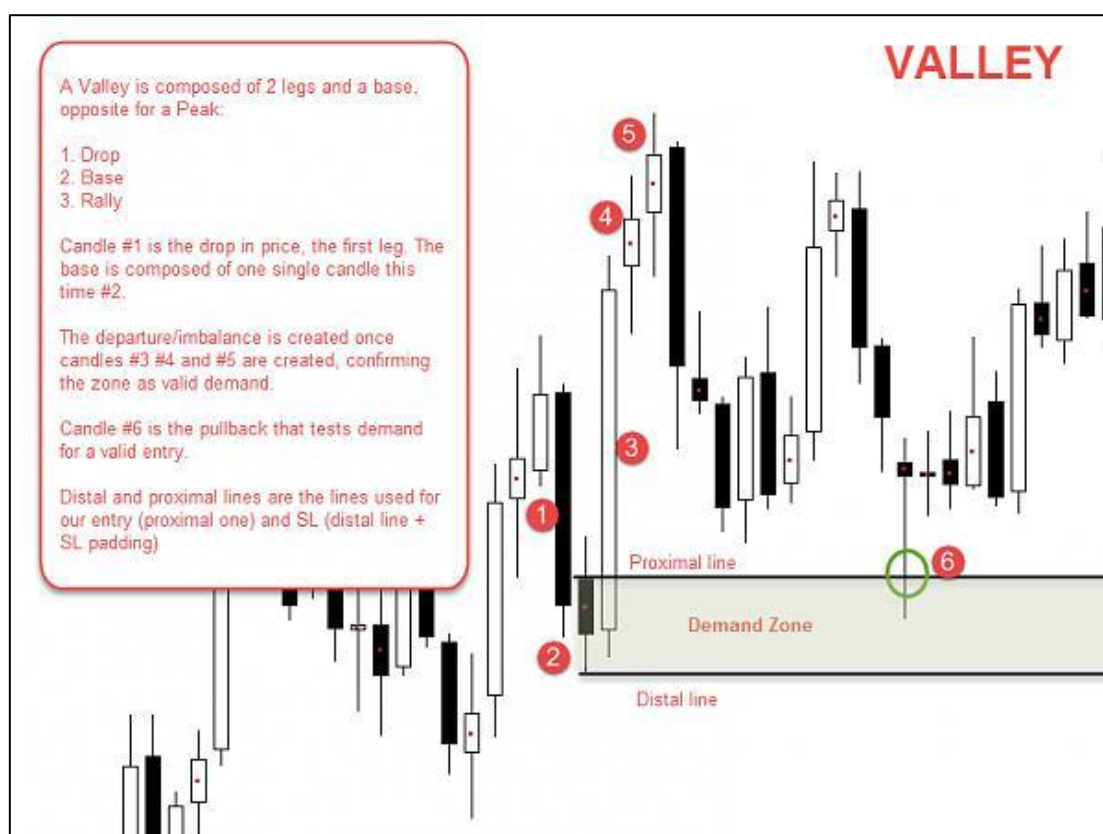


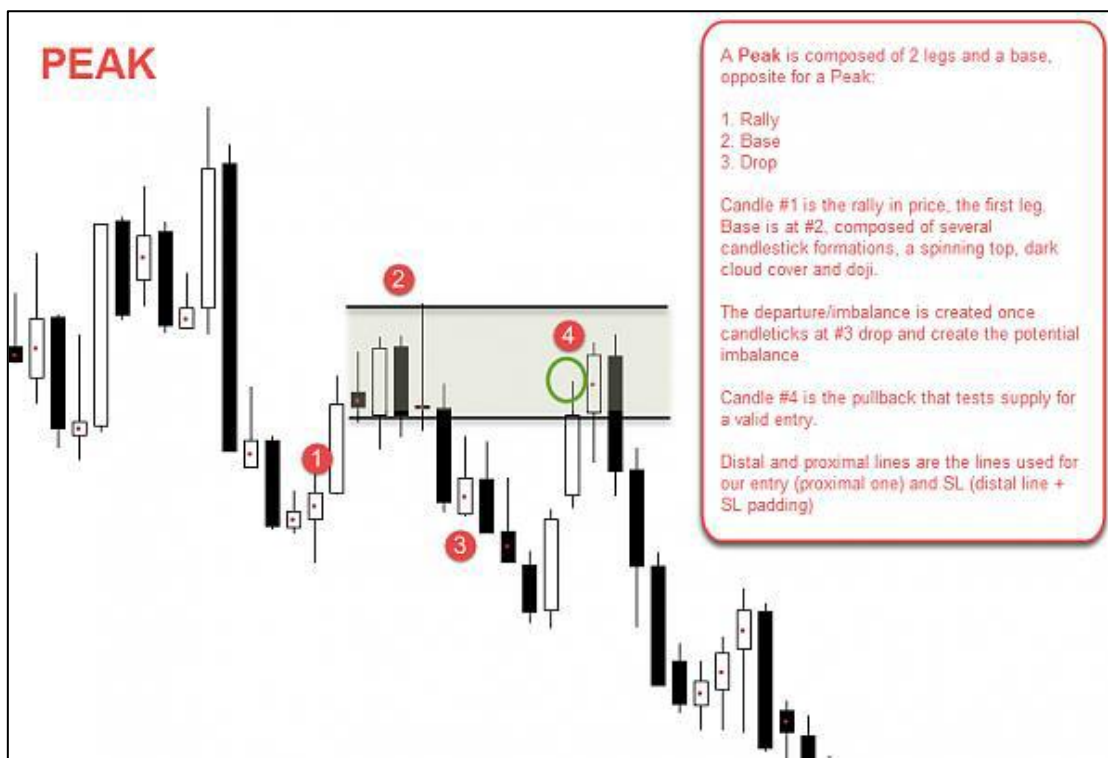
یک دره به معنی تقاضای بالقوه است و از موارد زیر تشکیل شده است:

- ۱ یک لگ/حرکت به سمت پایین
- یک بیس/مکث
- یک لگ/حرکت به سمت بالا

زمانی می‌توانیم یک دره را تأیید کنیم که هر ۳ آیتم بالا (و در شرایط خاص دو مورد اول و آخر) را داشته باشد.

مهم: بیس دره و قله اجباری نیست که حتما دارای کندل‌های بیس باشد یا اینکه ناحیه بیس می‌تواند فقط یک کندل باشد.





۲. **الگوهای ادامه دهنده (CP):** الگوهای ادامه‌دهنده یک مکث در بازار است قبل از اینکه قیمت روند فعلی خود را ادامه دهد. در روند صعودی ما به یک رالی و به دنبال آن بیس و سپس یک رالی دیگر نیاز داریم. در روند نزولی یک دراپ، به دنبال آن بیس و سپس یک دراپ دیگر نیاز داریم. لگ‌ها در CP باید از کندل‌های ERC و یا Failed ERC تشکیل شده باشند. مکث در الگوهای CP را می‌توانیم برای انباشتگی (تجمع) سفارشات خرید خریداران و یا توزیع سفارش فروش فروشندگان بدانیم. **نکته مهم:** گاهی پیدا کردن محل و ترسیم CP ممکن است بسیار مشکل باشد. CP‌ها از الگوهای زیر تشکیل شده‌اند:

- Rally-Base-Rally

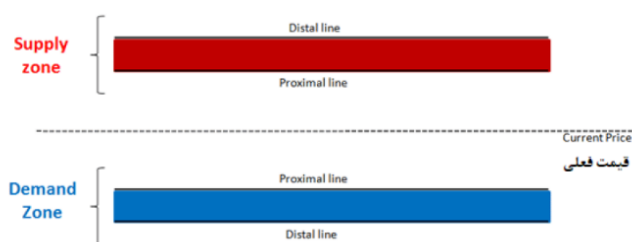
- Drop-Base-Drop

برخی از ویژگی‌های CP‌ها:

- CP‌ها بهترین مدل برای ترید در جهت مومنتوم هستند. هنگامی که با روند ترید می‌کنید یا از سطح یک تایم فریم بزرگ‌تر در حال برگشتید.
- کندل‌های ERC یا Failed ERC نمی‌توانند بخشی از مکث CP باشند.
- وقتی خط روند در تایم فریمی که در آن قرار دارد شکسته شده یا یک تایم فریم بزرگ‌تر کنترل را در دست دارد، احتمال موفقیت کم است.
- زمانیکه قیمت مدتی است در حال حرکت سریع است و بیش از ۳ الگوی ادامه دهنده متوالی تشکیل شده، CP دارای شانس کمی است.
- در ابتدای تغییر روند، در برگشت‌های بالقوه یا پس از یک ترید WoW که با روند و مومنتوم تایم بالاتر همراه است، CP دارای شانس زیادی است.



◀ (V-5)



هر چقدر که لازم است باید به عقب برگردیم تا بتوانیم چارت را بهتر ببینیم

چگونه می‌توانیم یک سطح را به روشی ثابت و روشمند ترسیم کنیم:

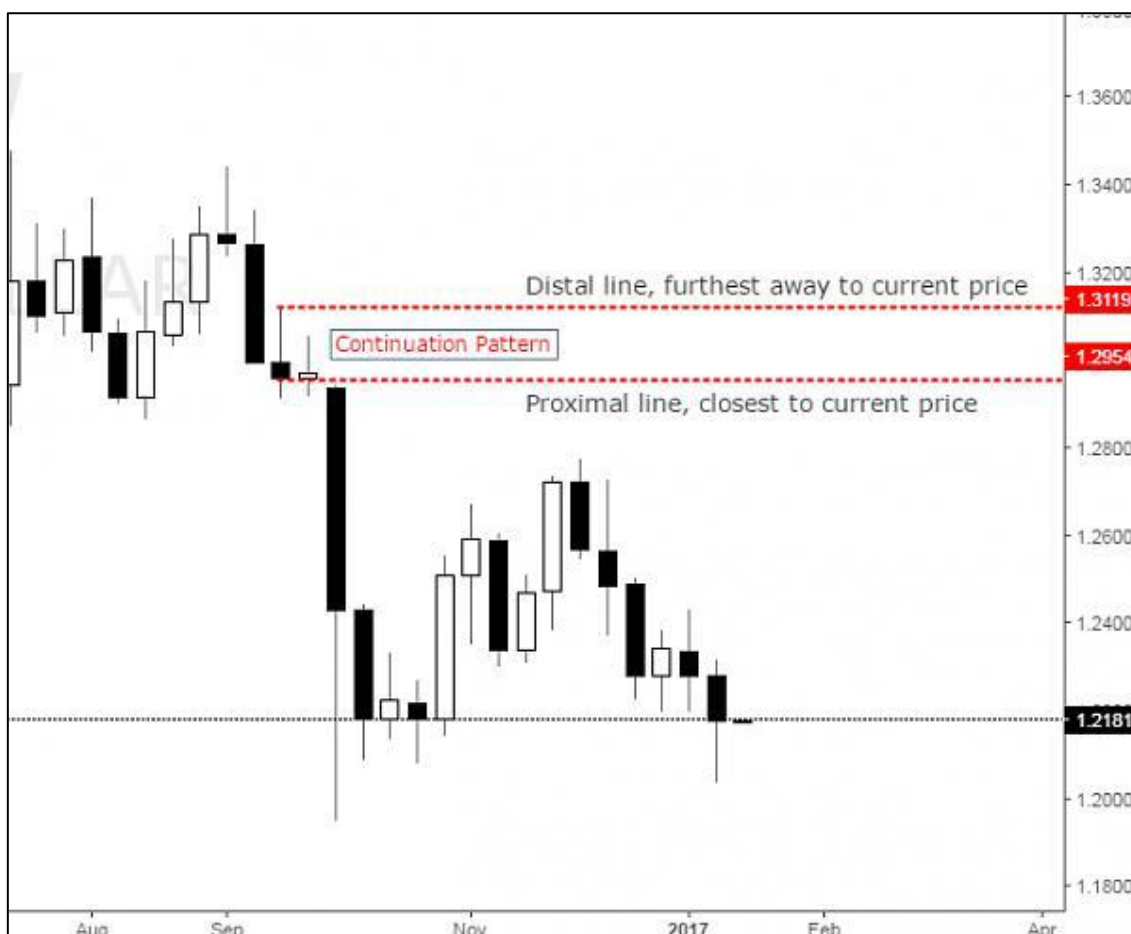
۱. پروکسیمال لاین: خطی که به قیمت فعلی ما نزدیک است.

۲. دیستال لاین: خطی از قیمت فعلی ما دور است.

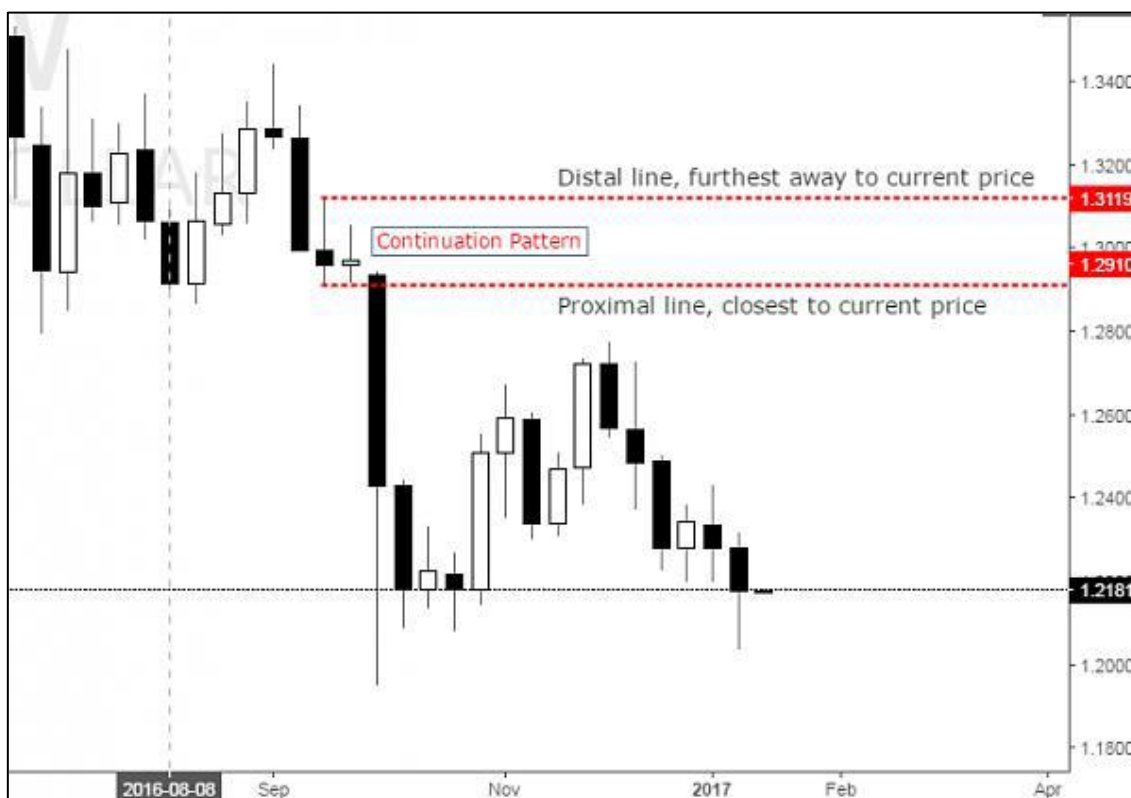
قواعدی برای ترسیم انعطاف‌پذیری در ترسیم پروکسیمال لاین:

- زمانی که بیس ما یک تک کندل باشد.
- زمانی که کندل‌های تشکیل دهنده بیس درهم تنیده و کوچک هستند، می‌توانیم خط پروکسیمال را به گونه‌ای ترسیم کنیم که سایه‌های پایینی (عرضه) یا سایه‌های بالایی (تقاضا) را بیوشاند.

حالت اول: پروکسیمال لاین در پایین‌ترین باز/بسته شدن کندل بیس در نظر گرفته شده.



حالت دوم: پروکسیمال لاین سایه‌های زیرین را می‌پوشاند زیرا بدنه و سایه‌ها بسیار درهم تنیده و کوچک هستند (در بسیاری از مواقع قیمت به سایه‌های نواحی مشخص کرده برخورد کرده و برمی‌گردد، بنابراین این نوع ترسیم شانس ورود به معامله را افزایش می‌دهد).



برای دیستال لاین همیشه باید آخرین نقطه دورترین سایه‌ها را در نظر بگیریم.

بیس تک کندلی

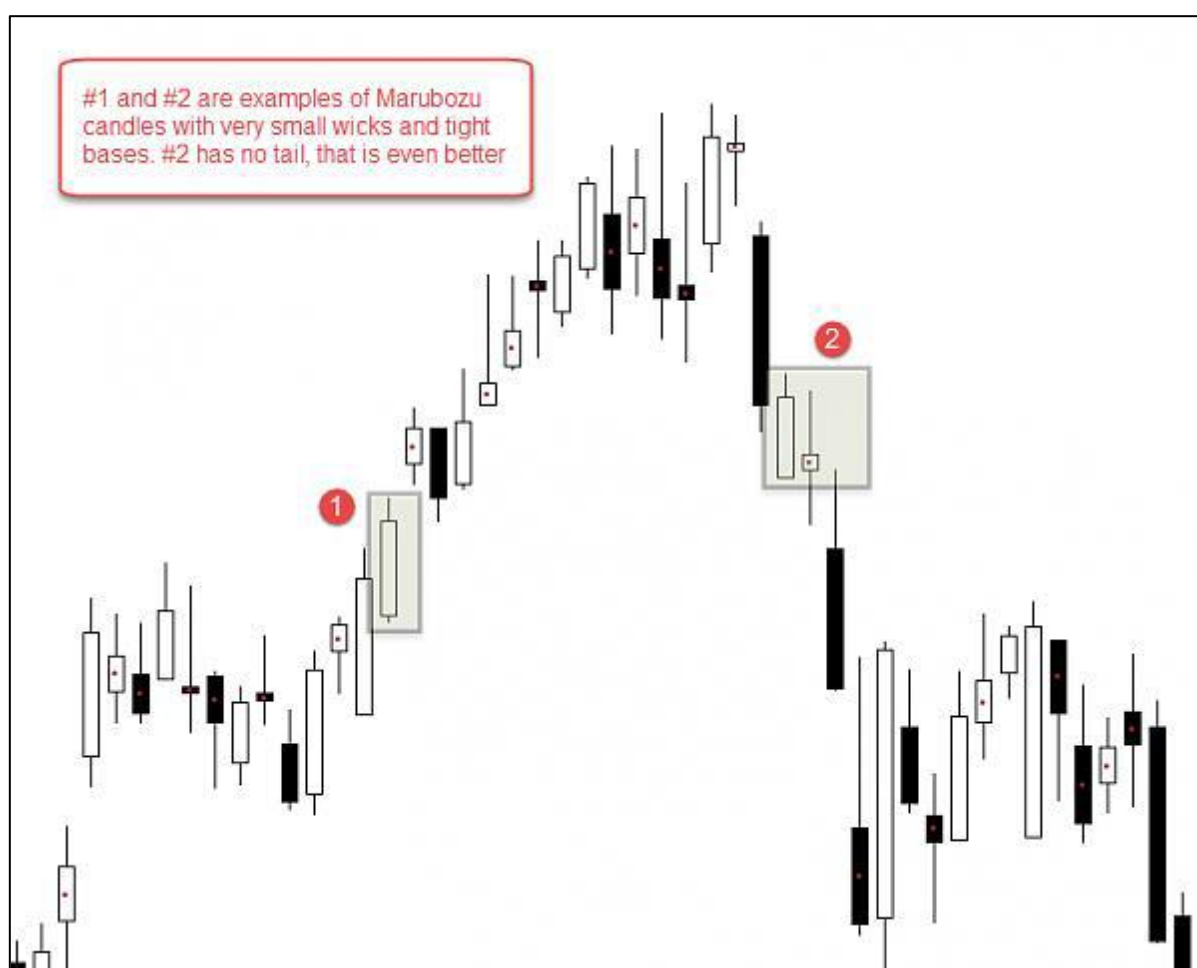
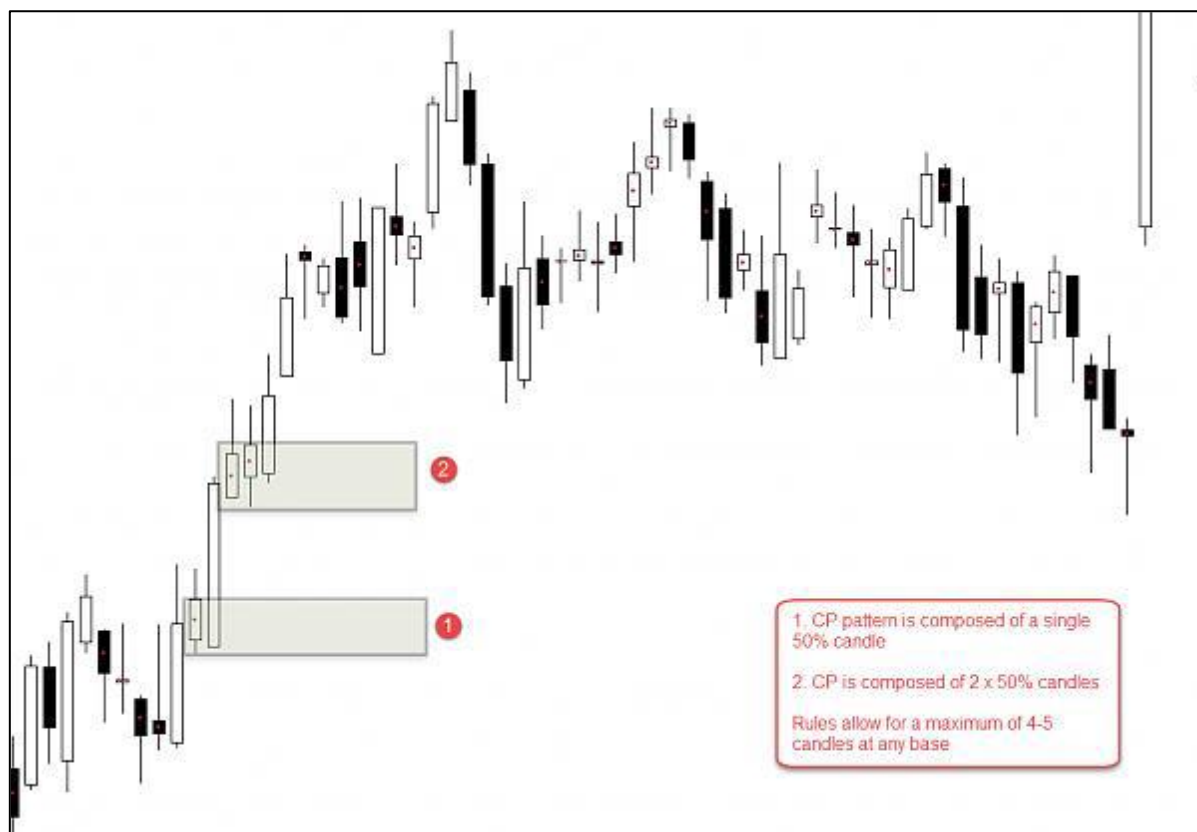


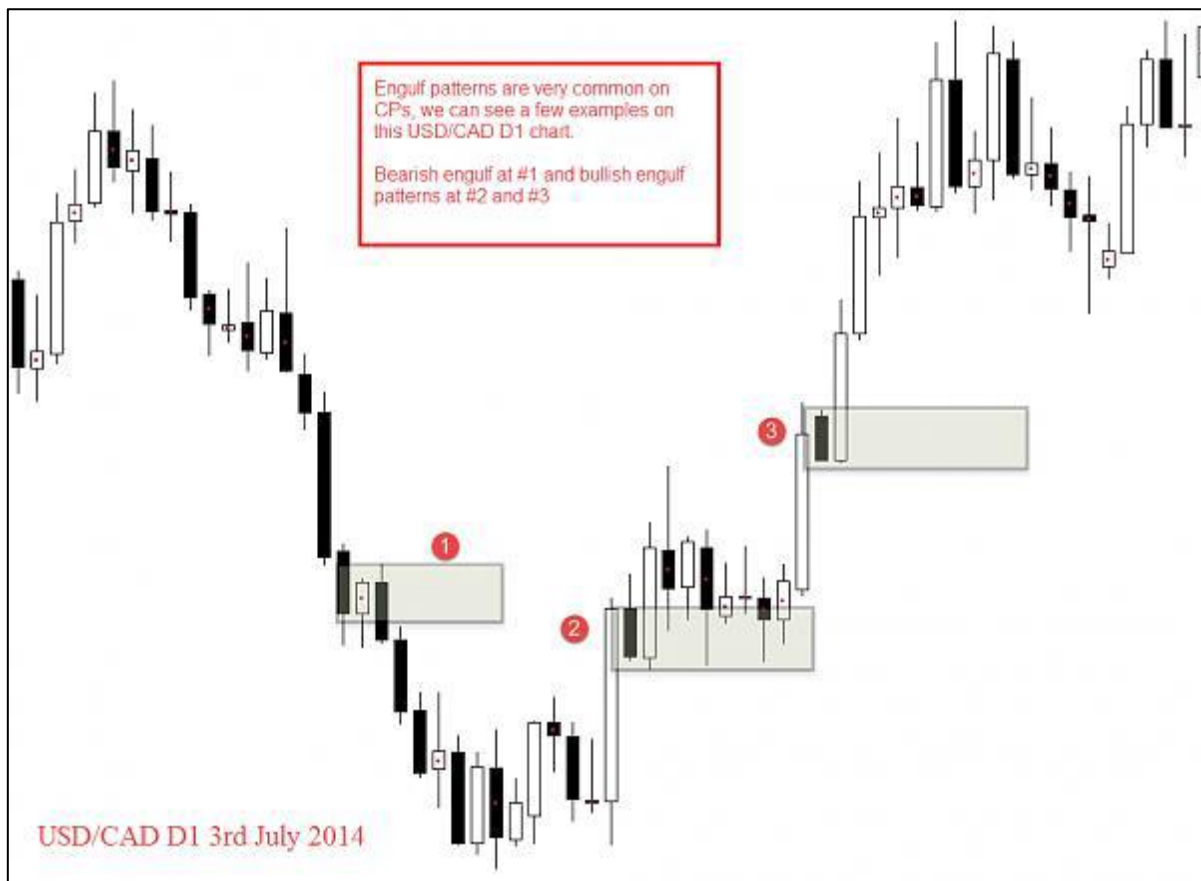
رایج‌ترین فرم‌های کندل در CPها:

۱. کندل بیس ۵۰٪
 - اگر فاصله بین باز شدن و بسته شدن کندل ۵۰٪ یا کمتر از کل محدوده کندل باشد، یک کندل بیس در نظر گرفته می‌شود.
 - زمانی که زون ما تک کندل باشد و خیلی سایه نداشته باشد، توصیه می‌شود که در ترسیم ناحیه از بالاترین تا پایین‌ترین بخش کندل را در نظر بگیریم. زیرا در اغلب موارد قیمت فقط سایه‌ها را تست کرده و از آن دوباره برمی‌گردد بدون اینکه به پولبک بزند.
۲. چندین کندل ۵۰٪ در بیس

رایج‌ترین سناریو در چارت. ما معمولاً چند کندل بیس را می‌بینیم که بیس را تشکیل می‌دهند.
۳. کندل ماروبوزو
 - کندلی در هم تنیده که (تقریباً) فاقد سایه است و بسیار نادر هستند. ما از ماروبوزوها زمانی استفاده می‌کنیم که بدنه بسیار کوچکی دارند. ماروبوزوهای با بدنه بزرگ هرگز در بازار مکث ایجاد نخواهند کرد.
 - این کندل‌ها پس از شکسته شدن یک زون تایم فریم بالاتر یا زمانی که معاملات WoW ایجاد می‌شوند، سیگنال‌های صعودی/نزولی بسیار قوی هستند و در CPها رایج می‌باشند.
۴. الگوی اینگالفینگ

الگوهای اینگالفینگ صعودی و نزولی در CPها بسیار رایج هستند. اگر این الگوها در جهت مومنتوم باشند و عدم تعادل متضاد بسیار دور باشد، فرمت‌هایی با شانس بالا برای ورود به معامله هستند.



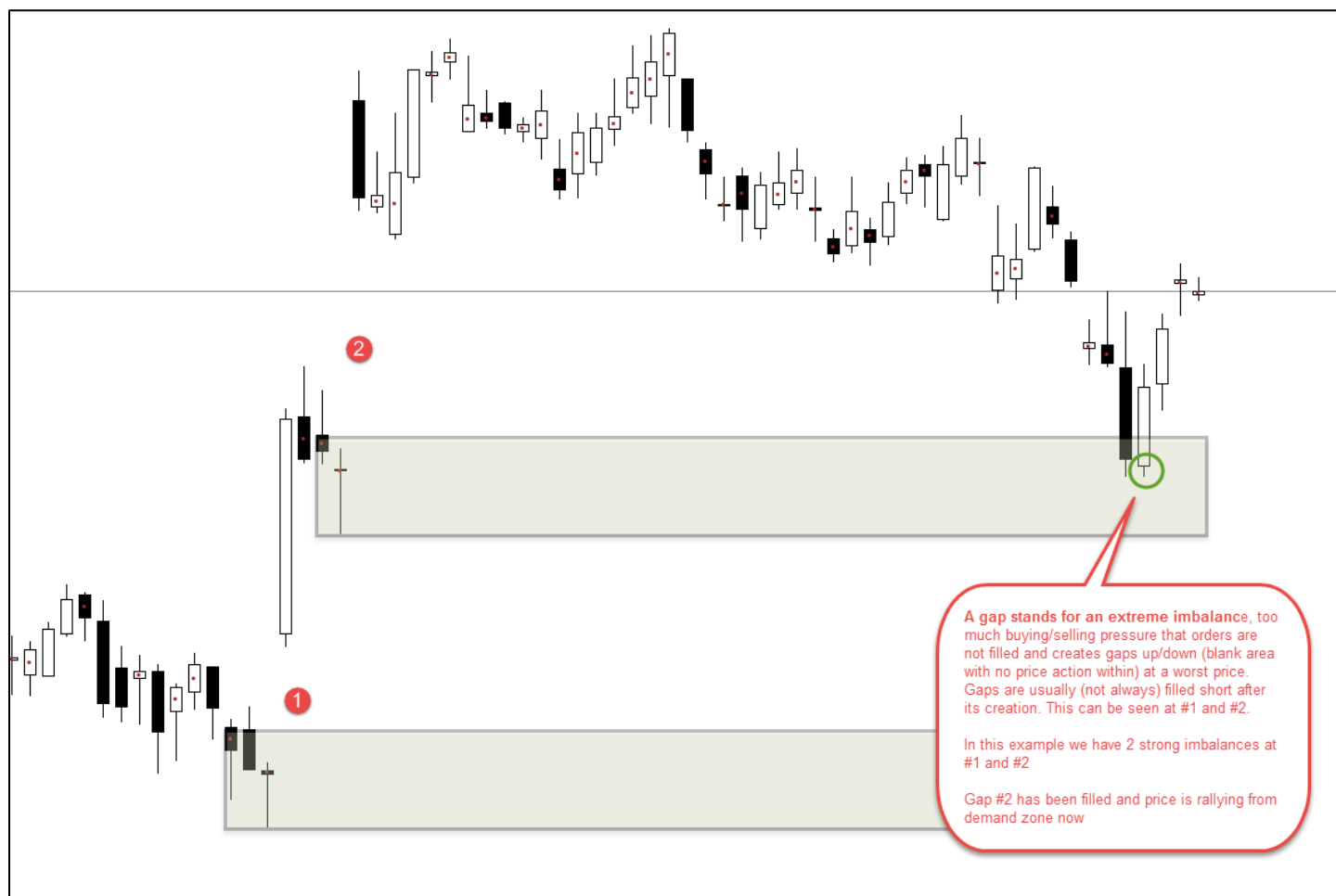


گپ قوی‌ترین شکل از عدم تعادل

نواحی که در آن هیچگونه حرکت قیمتی نداریم، زیرا آنقدر فشار خرید یا فروش زیاد بوده که سفارشات پر نشده‌اند. گپ‌های در روند نزولی را گپ نزولی و گپ‌های در روند صعودی را گپ صعودی می‌نامیم. گپ‌ها معمولاً مدتی بعد از اینکه ساخته می‌شوند پر می‌شوند. گپ‌ها هم می‌توانند نشان دهنده یک عدم تعادل قوی باشند و هم نشان دهنده سردرگمی، ترس و یا طمع در بازار باشند. برای تشخیص بهتر گپ باید یک تحلیل از بالا به پایین انجام دهیم.

گپ حرفه‌ای: واکنش‌های شدید در برابر عدم تعادل تایم بالاتر یا سطوح فلیپ (سطح حمایتی که به مقاومت تبدیل می‌شود و یا برعکس) هستند (مانند شرایط خبری و...). در گپ حرفه‌ای معمولاً تایم فریم بالاتر کنترل قیمت را در دست دارد یا یک منطقه فلیپ قوی وجود دارد.

گپ غیرحرفه‌ای: معمولاً در نزدیکی یا داخل عدم تعادل تایم فریم بالاتر اتفاق می‌افتد.



◀ (ویدئو زیرنویس آلفونسو - ۵) - (V-6)

الگوهای کندلی

۱. Engulfing = کندل بعدی کندل قبلی خود را بطور کامل پوشش دهد.
۲. Piercing = مشابه اینگلفینگ با این تفاوت که کندل دوم نتوانسته بطور کامل قبلی را پوشش دهد.
۳. Haramis = یک کندل (ERC) و بعد یک کندل با رنگ مخالف و تقریباً ۵۰٪ کندل قبلی که در دل کندل قبلی قرار می‌گیرد.
۴. Spinning tops = کندل‌های کوچک با بدنه‌ها و سایه‌های بسیار کوچک هستند.
۵. Dojis
۶. Morning Stars (Bullish) and Evening stars (Bearish) = از سه کندل پشت سر هم تشکیل شده، یک کندل صعودی/نزولی قوی، سپس یک بیس (مکت) و بعد یک کندل نزولی/صعودی قوی.

◀ (ویدئو زیرنویس آلفونسو - ۶) - (V-7)

چگونه زون‌ها را کمی گسترده‌تر کنیم:

۱. یک کندل بیس: بهتر است از بالاترین قیمت تا پایین‌ترین قیمت یک کندل را پوشش بدیم.
۲. چندین کندل بیس: بهتر است همپوشانی کندل‌ها و سایه‌ها را در صورتی که زون را خیلی عریض نمی‌کند در نظر بگیریم.

۳. یک کندل پیش از کندل‌های بیس است که یک سایه دارد که بهتر است آن سایه را در ترسیم زون در نظر بگیریم، ولی اگر سایه خیلی بزرگ بود منطقی است آن را در نظر نگیریم.

..... (V-7-19) ◀

دره‌ها، قله‌ها و CPها

انواع و مدل‌های مختلف عدم تعادل‌ها:

۱. سوئینگ: دره‌ها و قله‌ها؛ شکل V

۲. مکث: CPها - اگر نتوانیم سوئینگ را پیدا کنیم، آنها CP هستند.

هر جا کندل بیس دیدیم نباید آن را CP بدانیم، CP شرط دارد، کندل‌های ورودی و خروجی CP باید ERC باشد ($CP = ERC + Base + ERC$)

..... (V-8) ◀

نحوه ترسیم نواحی بیس (Base)

یک بیس تشکیل شده از:

۳. یک کندل مارابوزو (مارابوزوهای کوچک مد نظر است)

۱. یک کندل ۵۰٪

۴. مجموعه‌ای از کندل‌های ۵۰٪ و کندل‌های غیر ۵۰٪

۲. حداکثر تا ۶ کندل ۵۰٪

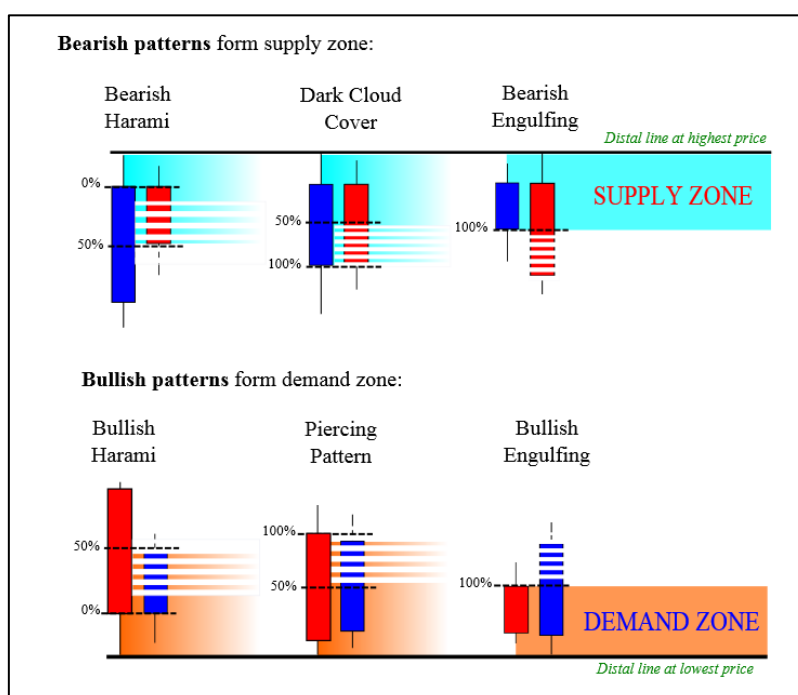
در ترسیم مناطق از کندل‌های Failed ERC و یا کندل‌های دارای سایه‌های بلند استفاده نمی‌کنیم. ما نیاز به یک توقف و یک بیس واضح نیاز داریم.

زون ترسیم شده حتما باید بیس ما را پوشش دهد

برای ترسیم باید یک توقف واضح ببینیم تا ترسیم کنیم. هرچه یک بیس واضح‌تر باشد قدرتمندتر است.

نکته: زمانی که بیس را ترسیم می‌کنیم برای نواحی تقاضا سایه‌های بالایی و برای نواحی عرضه سایه‌های پایینی کندل‌ها در نظر نمی‌گیریم.

الگوی اینگلفینگ مهم‌ترین الگو است.



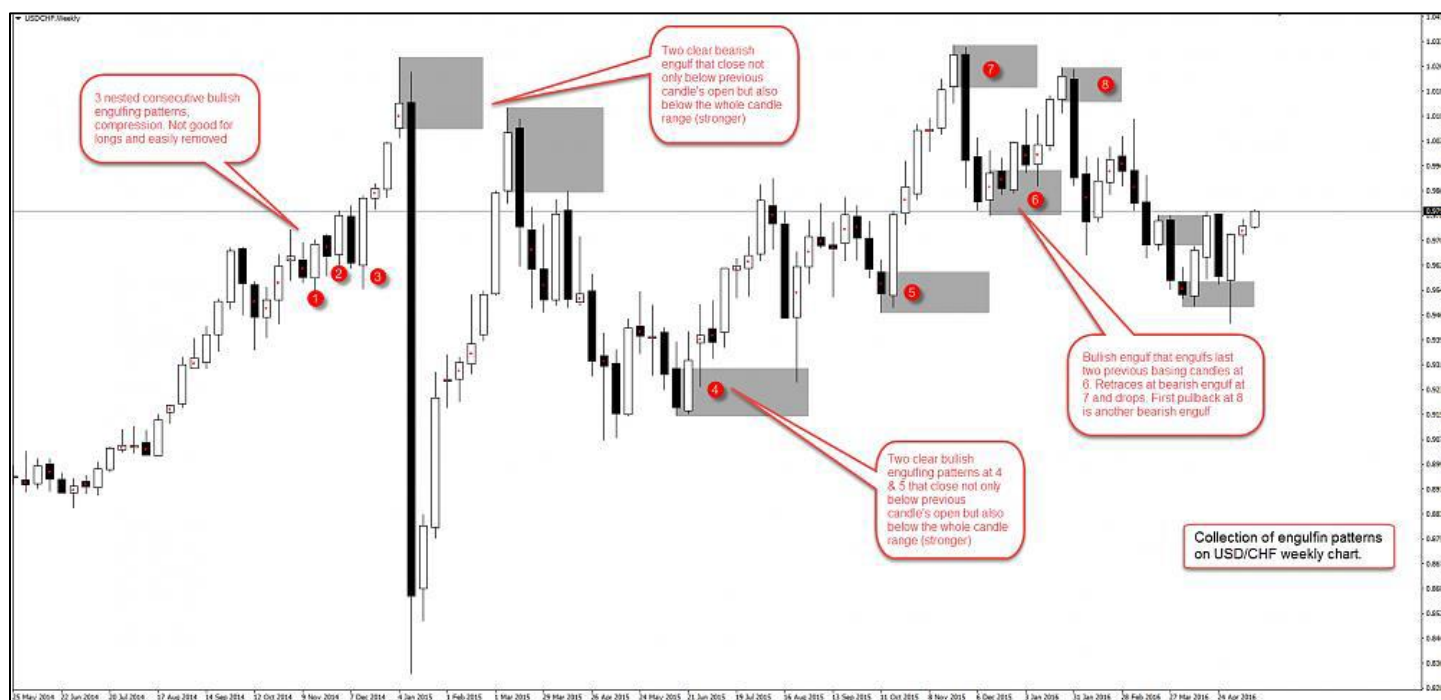
ویژگی‌های مناطق دارای الگوی اینگلفینگ:

- کندلی که کندل قبل از خود را اینگلف می‌کند نباید یک کندل ۵۰٪ باشد.
- ما حداقل یک کندل در بیس نیاز داریم. اگر الگو در یک ناحیه DS تایم بالاتر تشکیل شده باشد، احتمال موفقیت بیشتری دارد.
- در اینگلفینگ لزومی به اینگلف سایه‌ها نیست ولی اگر باشد بهتر است.
- بیش از یک کندل می‌تواند اینگلف شود، اما حداقل یک کندل قبل باید اینگلف شود.
- اگر کندل اول یک کندل تنگ و فشرده باشد و کندل ۵۰٪ هم نباشد، آنگاه این الگو احتمال موفقیت بیشتری دارد.
- کندل دوم (کندل اینگلف کننده) بهتر است یک کندل ERC باشد و یک کندل ۵۰٪ نباشد.

نحوه تشخیص و ترسیم الگوی اینگلفینگ بر روی چارت:

مثال اینگلفینگ صعودی

۱. پیدا کردن بیس که قیمت در آنجا یک عدم تعادل قابل قبولی ایجاد کرده باشد.
۲. پیدا کردن یک کندل ERC صعودی که بالای کندل‌های بیس قبلی ساخته شده باشد (کندل اینگلف کننده را پیدا می‌کنیم).
۳. کندل اینگلف کننده باید بالای بدنه کندل قبلی خودش بسته شده باشد.
۴. اگر در ناحیه بیس چندین کندل با نواحی باز و بسته شد تقریباً یکسان داشتیم، بهتر است که کندل اینگلف کننده همه آن‌ها را پوشش دهد.
۵. اگر یکی از کندل‌های بیس از نظر اندازه و بلندی با سایر کندل‌های بیس متفاوت بود و بالاتر از بقیه کندل‌های اینگلف شده بیس قرار داشت، آنگاه می‌توان از آن کندل صرف نظر کرد و فقط بقیه کندل‌هایی را که هم سطح و هم اندازه هستند را در نظر گرفت.
۶. پروکسیمال لاین دقیقاً بر روی نقطه باز/بسته شدن اولین کندل اینگلف شده قرار می‌گیرد و اگر هیچ کندلی فراتر از محدوده اولین کندل اینگلف شده قبل از آن قرار نداشته باشد می‌توانیم پروکسیمال لاین را عقب‌تر نیز رسم کنیم.
۷. دیستال لاین را از پایین‌ترین محدوده الگوی اینگلفینگ رسم می‌کنیم (تعداد کندل‌های سمت چپ مهم نیست).
۸. کندل اینگلف شده می‌تواند یک کندل ۵۰٪ یا یک کندل غیر ۵۰٪ باشد.



نحوه استفاده از الگوهای اینگلفینگ و Piercing:

۱. آنها سازنده عناصر یک ترند هستند.
۲. آنها معمولا در انتهای یک روند صعودی یا نزولی رخ می‌دهند.
۳. الگوهای اینگلفینگ ممکن است ساختار کندلی یا مومنتوم باشند. اگر چنین چیزی رخ دهد، روند جدید در حال شکل‌گیری است.
۴. الگوهای اینگلفینگ معمولا در نواحی عرضه و تقاضای تایم بالاتر رخ می‌دهند.
۵. این الگوها می‌توانند در فلیپ زون‌ها و نواحی عرضه و تقاضایی که مجدد تست می‌شوند رخ بدهند. همچنین در CPها هم زیاد دیده می‌شوند. اگر الگوهای اینگلفینگ را در فلیپ زون‌ها ببینیم احتمالا قیمت آماده انجام یک اصلاح بزرگ یا حتی یک تغییر روند است.
۶. الگوهای اینگلفینگ هر جایی قابل استفاده نیستند، در واقع الگوهای برگشتی خوبی هستند و خیلی بهتر است که در نواحی عرضه و تقاضای تایم فریم بالاتر مشاهده شوند.

الگوی Piercing

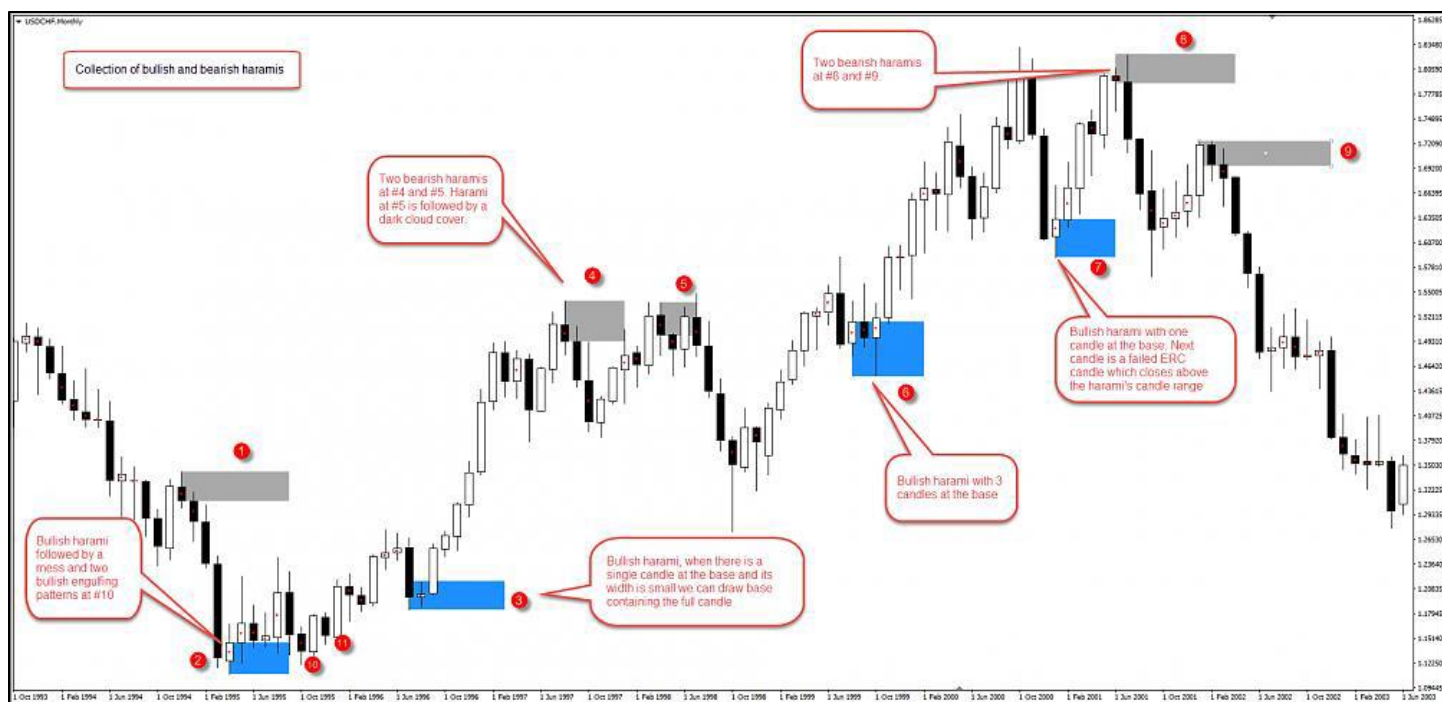
این الگو در اصل یک الگوی اینگلفینگ است که Failed شده.

این الگو در واقع الگوی بازگشتی است که در ناحیه تقاضا مشاهده می‌شود. در حالی که الگوی dark cloud cover الگوی بازگشتی است که در ناحیه عرضه ظاهر می‌گردد.



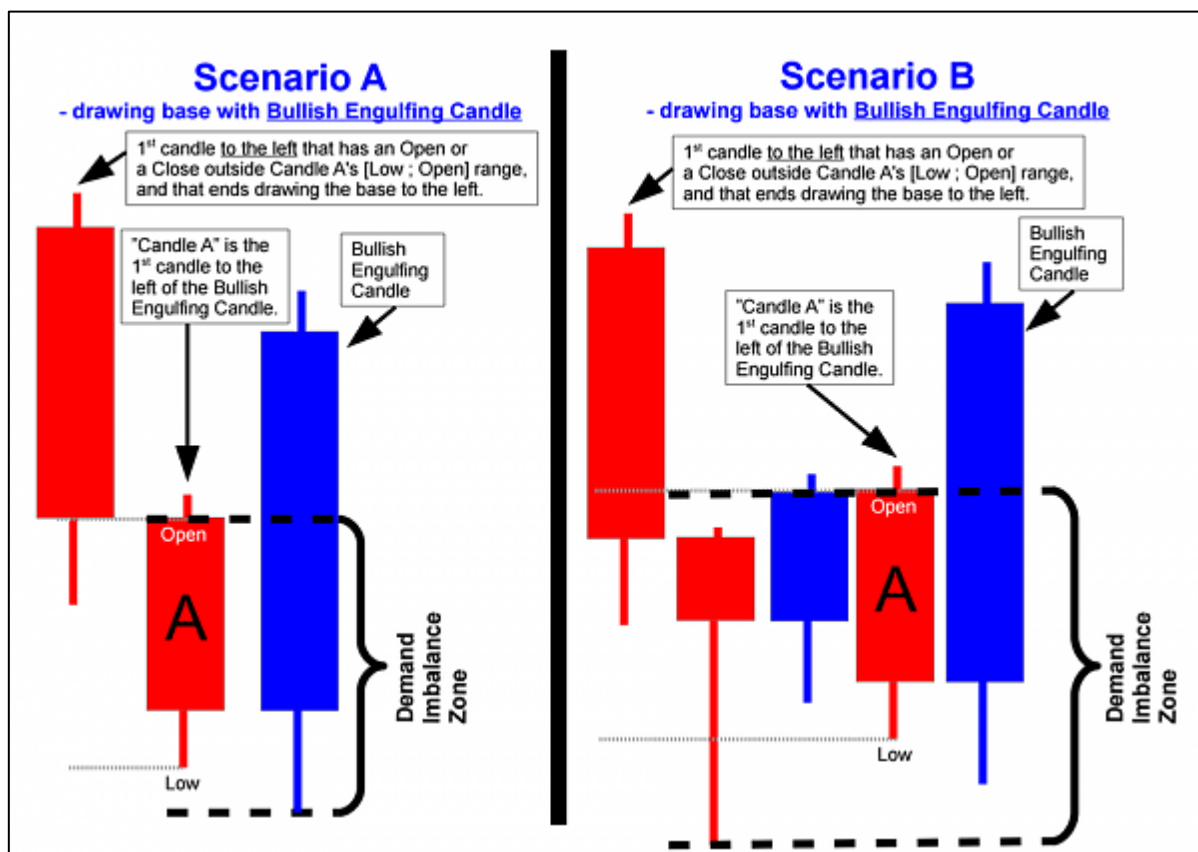
Harami الگوی

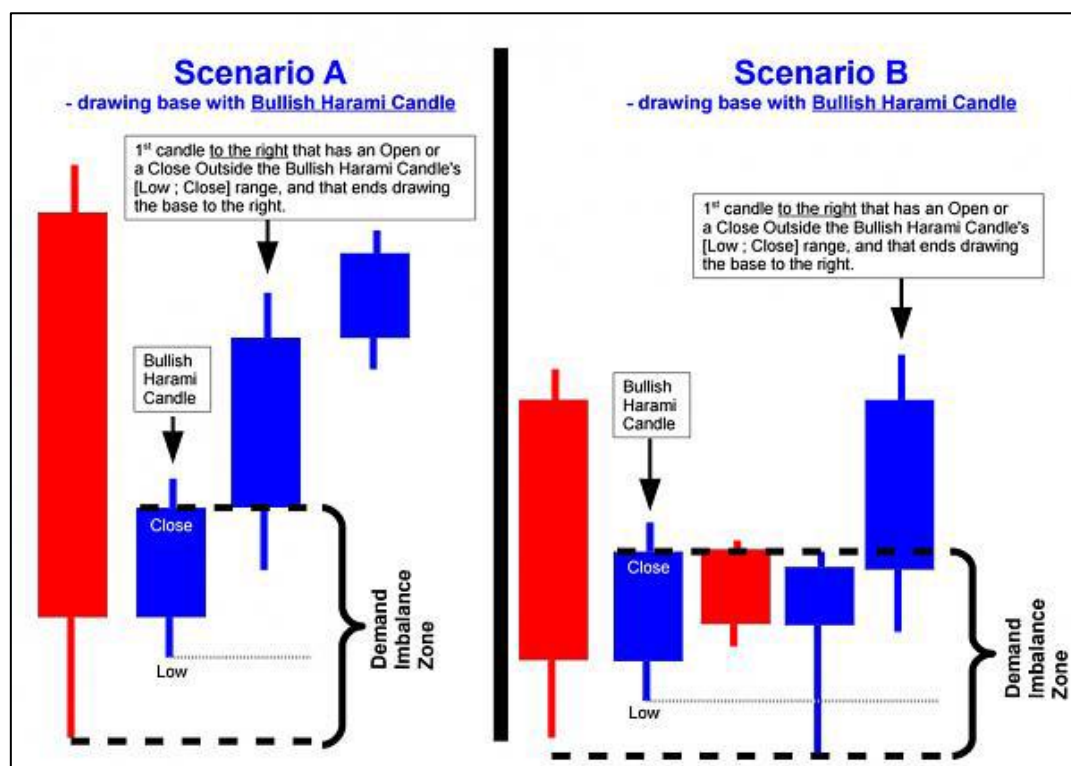
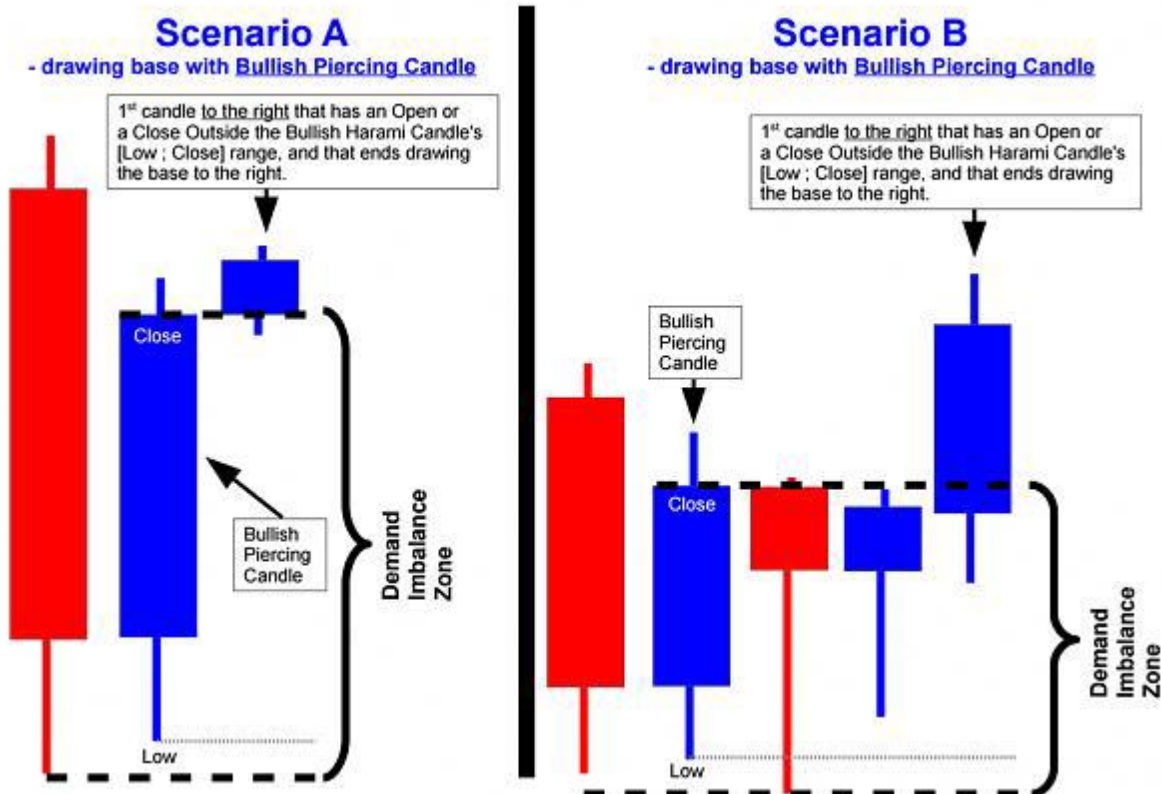
این الگو زمانی رخ می‌دهد که یک کندل کوچک بلافاصله پس از یک کندل بزرگ شکل بگیرد و بدنه آن بطور کامل در محدوده بدنه کندل قبل باشد.



نزدیک و دور رسم کردن خطوط پروکسیمال لاین و دیستال لاین از یکدیگر در تعیین بیس

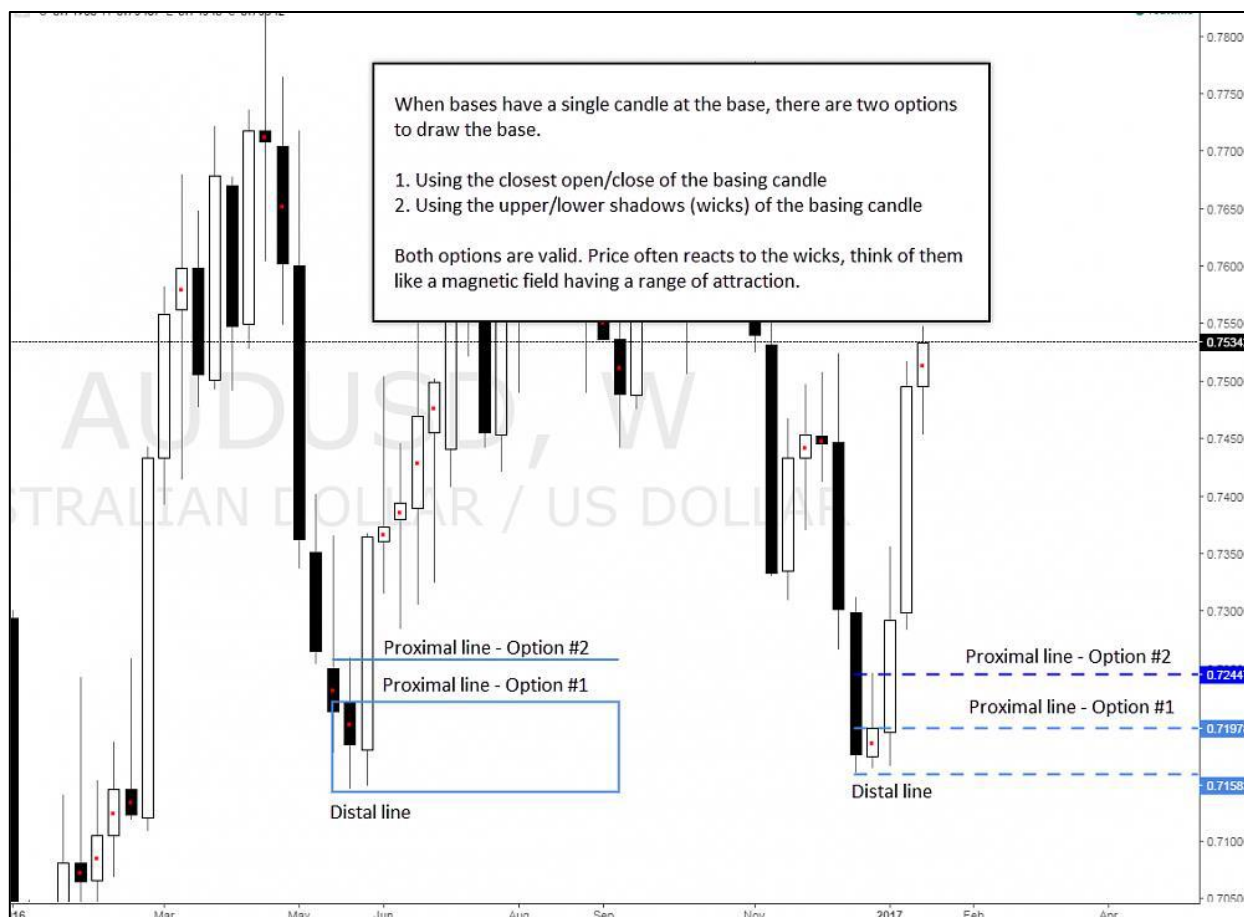
الگوی اینگلفینگ





نحوه ترسیم ناحیه بیس زمانی که فقط یک کندل در بیس وجود دارد.

۱. با استفاده از نزدیکترین close/open کندل بیس.
۲. با استفاده از سایه‌های بالایی و پایینی کندل بیس. از این حالت زمانی می‌توانیم استفاده کنیم که کندل بیس یک کندل خیلی بزرگ و یا یک کندل Failed ERC نباشد.



◀ (ویدئو زیرنویس آلفونسو - ۸) - (۷-۹)

ترسیم خط روند:

- ما باید دو دره یا دو قله مشخص و واضح قبلی را به هم وصل کنیم. اگر قله‌ها یا دره‌ها مشخص نبودند آن‌ها یک مکث (توقف موقت قیمت) در نظر می‌گیریم.
- هر وقت یک قله یا دره جدید به وجود آمد باید خط روند را به روز کنیم.
- هر تایم فریم مجزا از تایم فریم دیگر، خط روند خودش را دارد. پس به روزرسانی خط روند باید برای حداقل ۳ تایم فریم متوالی خودمان صورت گیرد.
- از CPها برای ترسیم خطوط روند استفاده نمی‌کنیم مگر اینکه ۳ تا یا بیشتر بصورت متوالی باشند که به آن Over-Extension می‌گوییم.
- برای ترسیم خط روند نباید از بالا، پایین یا حتی وسط چارت شروع کنیم.

ترسیم خط روند صعودی:

۱. باید نزدیکترین HH به قیمت کنونی را پیدا کنیم.
۲. به سمت پایین و چپ حرکت می‌کنیم و آخرین دره واضح را مشخص می‌کنیم؛ این دره، دره اول ما است.
۳. دوباره به سمت چپ پایین حرکت می‌کنیم تا زمانی که یک دره پایین‌تر ببینیم؛ این دره دوم ما است.

۴. دو دره را با یک خط روند صعودی به هم وصل می‌کنیم.
۵. سپس زمانی که دره جدیدی شکل گرفت که لگ دوم آن بالاتر از HH دره قبلی بود، باید خط روند را آپدیت کرد.
- * برای ترسیم خط روند نزولی به سمت بالا و چپ حرکت کرده و قله‌ها را مشخص می‌کنیم.

◀ (V-10)

چگونه خطوط روند را روشمند ترسیم کنیم؟

گاهی شناسایی دره‌ها و قله‌ها و تشخیص نقاط حرکتی خط روند بسیار مشکل است که در این شرایط باید کندل به کندل چارت را بخوانیم، حتی با صدای بلند!

مهارت در خواندن رفتار قیمت (Price Action) کلید درک کامل عرضه و تقاضا و رسم خط روند است.

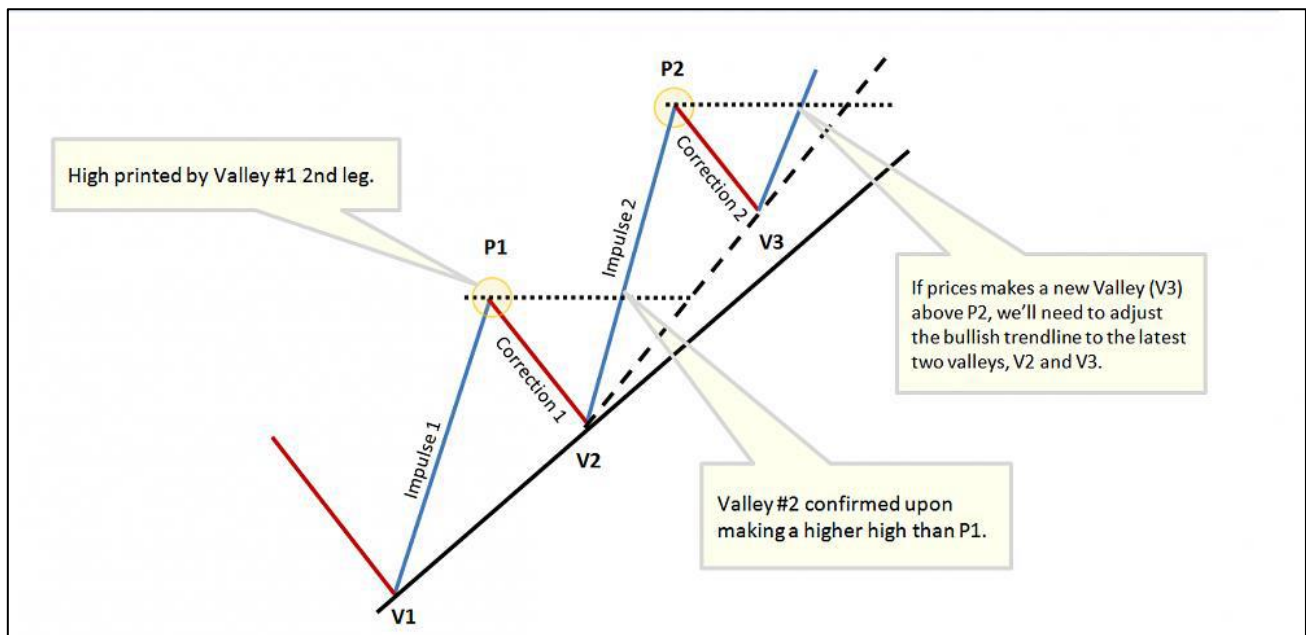
هدف از ترسیم ترند لاین:

۱. تشخیص مناطق بالقوه برگشتی.
 ۲. تشخیص موج‌های صعودی و نزولی در هر تایم‌فریم (به ویژه دو موج آخر) و اتصال آن‌ها به یکدیگر.
 ۳. اطلاع سریع از شکل‌گیری موج مخالف تا اگر تغییر در حرکت موج اتفاق می‌افتد سریعاً به تایم فریم بالاتر رفته و حرکت قیمت را بررسی کنیم. بخاطر همین ما از توالی سه تایم فریم استفاده می‌کنیم.
 ۴. شکست یک خط روند با کندل OHCL (کندلی که بطور کامل خارج از ترندلاین تشکیل شود) برای ما یک منطقه عدم تعادل بالقوه ایجاد می‌کند.
 ۵. استفاده از خط روندها در ترکیب با تحلیل تایم‌فریم‌های چندگانه و توالی ۳ زمانی، به ما کمک می‌کند نقطه دقیق برای ستاپ معاملاتی جدید را تعیین کنیم.
 ۶. خطوط روند می‌تواند به ما ۳ سیگنال بدهند، ۱. نشانه ادامه روند اگر اعتبارش حفظ شده و به آن احترام گذاشته شود، ۲. اگر شکسته شود، سیگنال برگشتی به ما بدهند ۳. همچنین اگر شکسته شوند، می‌توانند سیگنال پولبک به یک تایم فریم بالاتر باشند.
- برای رسم خط روند حداقل به ۲ برخورد آخرین قله‌ها و یا دره‌ها نیاز داریم، اگر تعداد برخوردها بیشتر باشد خط روند ساختاری کامل، بالغ و قدرتمند خواهد بود.

مثال‌هایی از رسم خطوط روند صعودی (برای نزولی عکس موارد زیر را انجام می‌دهیم):

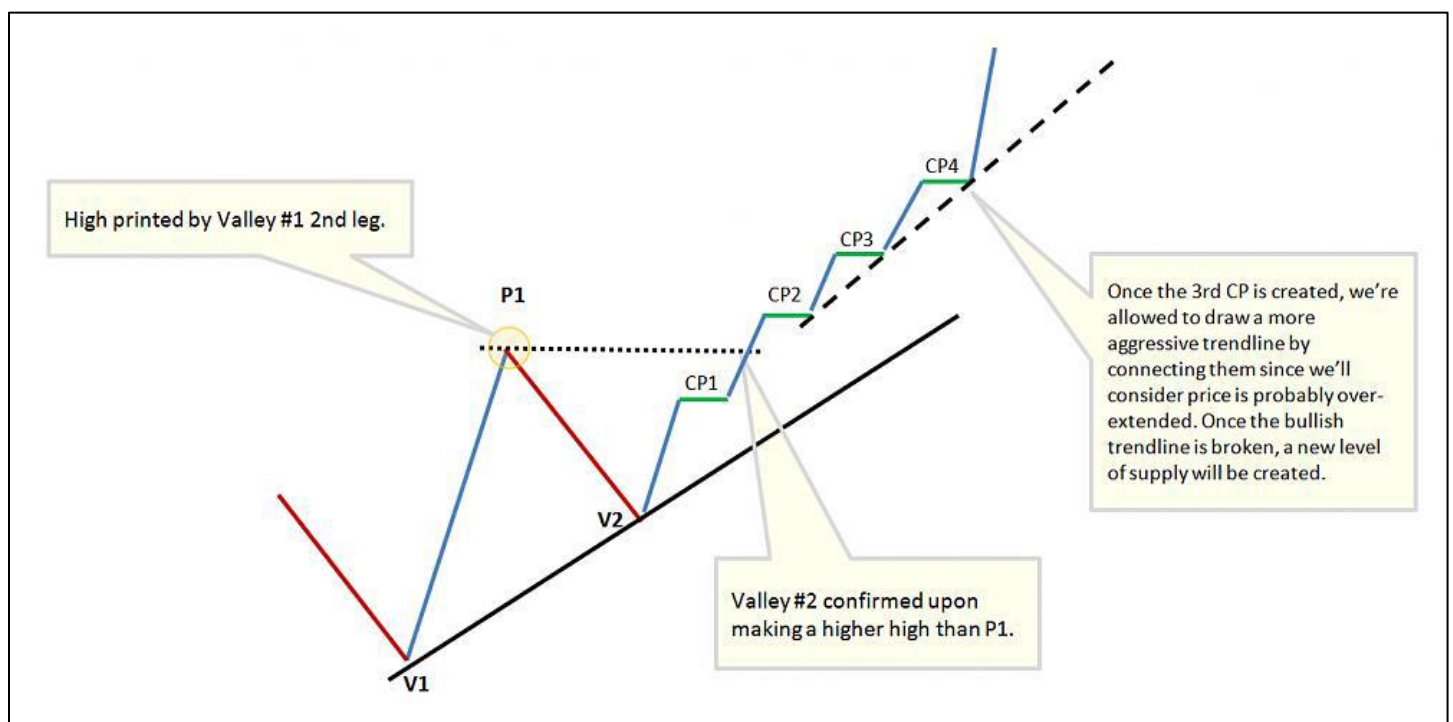
■ قوانین رسم خط روند صعودی با اتصال حداقل ۲ دره:

- همیشه دره آخر را برای رسم خط روند صعودی به یکدیگر متصل کنید .
- برای "قله ۱" (P1) هیچ معیار دیگری غیر از مطابقت با تعریف قله وجود ندارد. یک خط روند صعودی فقط به دلیل وجود دو دره خط روند نیست. های (high) دره دوم باید بالاتر از های (high) دره اول باشد و لو (low) دره اول باید همیشه پایین‌تر از لو (low) دره دوم باشد و فرم یک W متمایل به سمت چپ داشته باشد.
- دره دوم از لگ دوم (موج ۲) باید بالاتر از اولین دره لگ دوم در P1 باشد.
- زمانی که قیمت یک هایلر های (Higher High) از P1 تشکیل دهد، دره ۲ تأیید می‌شود.
- خط روند صعودی را با اتصال آخرین دره (V2) رسم می‌کنیم، سپس به سمت پایین و چپ بیایید و آن را به دره قبلی در V1 وصل کنید.
- دره ۲ هرگز نباید lower low پایین‌تر از دره شماره ۱ تشکیل دهد. دره شماره ۳ هرگز نباید lower low پایین‌تر از دره شماره ۲ تشکیل دهد.
- اگر قیمت یک دره جدید ایجاد کند، باید خط روند را دوباره تنظیم کرده و دره شماره ۲ و ۳ را به هم متصل کنیم، همیشه باید خط روند را به روز کنیم و آخرین دو دره را به هم متصل کنیم.



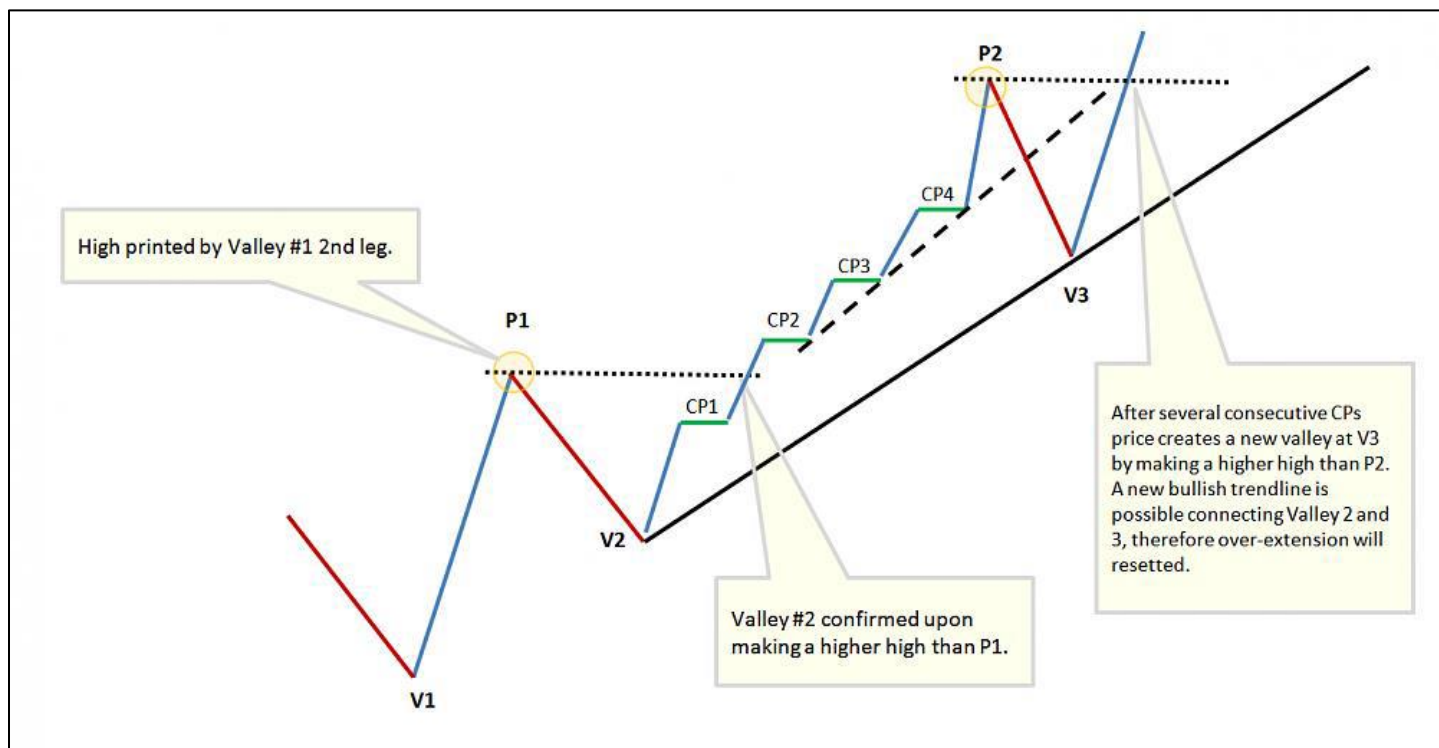
از الگوهای ادامه دهنده (CP) نمی‌توان برای اتصال یک خط روند استفاده کرد (Over Extension)

- از الگوهای ادامه دهنده (CP) برای اتصال خطوط روند استفاده نمی‌شود. ما فقط از دره‌ها و قله‌ها استفاده خواهیم کرد.
- دیدن CP ها قبل از ایجاد دره جدید امکان‌پذیر است (CP 1). آن‌ها برای ترسیم خط روند مهم نیستند، زیرا ما مجاز نیستیم از آن برای اتصال خط روند استفاده کنیم.
- فقط در صورت ایجاد ۳ یا بیشتر از CP، CP پی در پی (3 and 4, CP)، از CP برای ترسیم خط روند تهاجمی‌تر (با شیب تیز) استفاده خواهیم کرد.



وقتی Over Extension پایان یافت:

- اگر قیمت ۳ یا بیشتر CP های متوالی را به وجود آورده باشد، ما این تایم فریم را Over Extended در نظر می‌گیریم.
- اگر بعد از یک سری CP های پی در پی قیمت یک دره جدید ایجاد کند over extension ریست خواهد شد، در این شرایط ما مجاز خواهیم بود خط روند جدیدی ترسیم کنیم که دو دره جدید آخر یعنی V2 و دره جدیدی که over extension را ریست کرده و پایان داده (V3) را به هم متصل کند.



چگونه خطوط روند را رسم کنیم؟

- جدیدترین دو دره و یا دو قله واضح را به هم وصل کنید. این دره‌ها و قله‌ها باید مشخص و واضح باشند، اگر اینطور نیستند، آن‌ها را مکث (pause) در نظر بگیرید. اگر آن‌ها واضح نیستند، بیس باید نامشخص و ضعیف باشد و به هر حال انتظار می‌رود حذف شود.
- هر بار که دره یا قله جدیدی به وجود آمد، خط روند را به روز کنید.
- هر تایم فریم خط روند خاص خود را دارد و مستقل از سایر تایم فریم‌ها است و این همان جایی است که این ذهنیت subjectivity وجود دارد.
- از الگوهای ادامه دهنده (CP) برای اتصال خطوط روند استفاده نمی‌شود مگر اینکه ۳ یا بیشتر وجود داشته باشد.
- هرگز با خط روند کندل‌ها برش نزنید. یعنی خط روند نمی‌تواند از داخل سایه‌ها و بدنه کندل‌ها عبور نماید. شما باید جدیدترین قله‌ها/دره‌ها را به دقت متصل کنید و مطمئن شوید که خط روند نه از میان کندل‌ها، نه سایه‌ها، نه بدنه کندل‌ها عبور نمی‌کند.

چگونه یک خط روند صعودی رسم کنیم؟

- قیمت فعلی و نزدیکترین highest high به قیمت فعلی را مشخص کنید.
- به سمت پایین و چپ بروید و آخرین دره واضح را پیدا کنید. این اولین دره ما خواهد بود.

- حرکت خود را به سمت پایین و چپ ادامه دهید و وقتی دیدید دره دیگری پایین‌تر از دره قبلی است بایستید، این دره دوم ما خواهد بود.
- دو دره را با یک خط روند صعودی متصل کنید.
- هر گاه دره جدیدی به وجود آمد که لگ دوم آن یک Higher High بالاتر از High دره قبل ساخته بود، خط روند را آپدیت کنید.

چگونه خط روند نزولی رسم کنیم؟

- قیمت جاری و نزدیکترین lowest low به قیمت جاری را مشخص کنید.
- به سمت بالا و چپ حرکت کرده و آخرین قله را پیدا کنید. این اولین قله ما خواهد بود.
- حرکت خود را به سمت بالا و چپ ادامه دهید و وقتی دیدید قله دیگری بالاتر از قله قبلی است بایستید، این دره دوم ما خواهد بود.
- دو قله را با یک خط روند نزولی به هم وصل کنید.
- هر گاه قله جدیدی به وجود آمد که لگ دوم آن یک Lower Low پایین‌تر از Low دره قبلی ساخته بود خط روند را آپدیت کنید.

◀ (V-11)

چه زمانی یک عدم تعادل جدید بعنوان یک ناحیه SD بالقوه مورد تأیید (نه قابل تردید) قرار می‌گیرد:

۲ شرط زیر وجود دارد و با داشتن یکی از دو شرط زیر آن منطقه تأیید می‌شود.

۱. بتواند یک زون مخالف را در همان تایم فریم حذف کند.
۲. بتواند ترند لاین را در همان تایم فریم بشکند.

این دو شرط اولیه هستند و باید موارد دیگری هم در نظر گرفته شود.

ما همیشه باید از خط روند استفاده کنیم تا وضعیت بازار را درک کنیم (بازار صعودی است یا نزولی)

خط روند فقط بعنوان یک توقف عمل می‌کند و با شکسته شدن آن نشان می‌دهد که در حال ایجاد تغییراتی در بازار هستیم.

سایر آیتم‌ها نیز در کنار این دو شرط باید در نظر گرفته شود مثلاً اینکه تایم فریم بالاتر چگونه است، قیمت در آن ناحیه چقدر ماندگار شده، قدرت حرکت از آن سطح چگونه بوده است و ...

باید با دید گسترده روی تایم فریم‌های بالاتر حواسمان به پیچش‌های بازار باشد و اینکه کجای این پیچ هستیم مهم است.

◀ (V-12)

کدامیک از مناطق SD ما "قابل تردید" هستند؟ (مناطق قابل تردید و غیرقابل تردید)

- * یک زون معتبر در هر تایم فریم تنها زمانی قابلیت تردید دارد که با آن توالی تایم فریم‌ها و تحلیل بالا به پایین ما همخوانی داشته باشد.
- * تردید کردن یک SD در تایم پایین در یک ناحیه SD تایم بالا برخلاف جهت تایم بالا ایده مناسبی نیست.
- * بیس‌های نامنظم قابلیت تردید ندارند.

تا زمانی که SD بعد از تشکیل تست نشده باشد (پولبک به آن نداشته باشیم) ناحیه تازه‌ای خواهد بود.

در نواحی آشیانه‌ای معمولاً قیمت را تایم فریم بالا در دست می‌گیرد بنابراین باید محتاطانه عمل کنیم و خلاف جهت تایم فریم بالا در این نواحی پوزیشن نگیریم.

اگر قیمت از یک ناحیه SD تایم بالا برگشت خورده باشد حق نداریم در نواحی نزدیک به آن ناحیه در تایم‌های پایین، خلاف جهت روند پوزیشن بگیریم به ویژه اگر ناحیه مد نظر یک CP باشد.

◀ (V-13)

چه زمانی یک عدم تعادل جدید بعنوان یک ناحیه SD بالقوه مورد تأیید قرار می‌گیرد:

تمامی عدم تعادل‌ها از ایمپالس‌ها ساخته می‌شوند ولی هر ایمپالسی لزوماً عدم تعادل نیستند.

مهم: داشتن یک عدم تعادل تأیید شده لزوماً به این معنی نیست که ما می‌توانیم از آن برای طرح‌ریزی و انجام یک ترید استفاده کنیم!

یک عدم تعادل بالقوه تحت دو شرایط می‌تواند شکل بگیرد، عبارتی همه ایمپالس‌ها تا زمانی که **دستاوردی** در پی نداشته باشند، همچنان به عنوان یک **عدم تعادل بالقوه** تلقی می‌شوند، این دستاوردها بسیار ساده هستند:

۱. یک عدم تعادل بالقوه باید یک عدم تعادل مخالف را حذف کند و/یا
۲. یک عدم تعادل بالقوه در صورتی ایجاد می‌شود که قیمت خط روند را با یک یا چند کندل قوی (OCHL Candle) بطور کامل بشکند.

نکات مهم:

- عدم تعادلی که یک ناحیه مخالف را حذف کرده باشد نسبت به عدم تعادلی که تنها یک خط روند را شکسته باشد قدرتمندتر است.
 - عدم تعادلی که هم یک ناحیه مخالف را حذف کرده باشد و هم یک خط روند را شکسته باشد نسبت به عدم تعادلی که فقط یک خط روند را شکسته قدرتمندتر است.
- عدم تعادل‌ها به ۳ دسته تقسیم می‌شوند:

- **دارای پتانسیل (بالقوه) (قله، دره، CP)**
- **ناحیه عرضه و تقاضای تأیید شده** (عدم تعادلی که خط روند را شکسته یا زون مخالف را حذف کرده باشد ولی همچنان نیاز به امتیازدهی و تحلیل بالا به پایین نیاز دارند)
- **ناحیه عرضه و تقاضای قابل معامله** (یک عدم تعادل تأیید شده زمانی که امتیازدهی شود قابل معامله خواهد بود، شامل تحلیل مولتی تایم فریم و قانون هم‌راستا بودن (هم راستا در یک جهت در ۳ تایم فریم))

SD تأیید شده الزاماً قابل ترید نیستند.

۱. عدم تعادلی که زون مخالف را حذف کرده باشد:

ناحیه‌ای معتبر شمرده می‌شود که یک ناحیه، ناحیه مخالف خودش را نابود کرده باشد؛ در این شرایط صرفاً تعداد برخورد به آن ناحیه مهم نیست، بلکه از بین بردن و نابودسازی آن ناحیه مهم است.

زمانی که دو ناحیه مخالف در دو تایم فریم مختلف کنار هم قرار گرفته باشند، اولویت ما ناحیه تایم فریم بالاست مگر اینکه زور تایم فریم پایین بیشتر بوده و ناحیه تایم فریم بالا را شکسته و آن را بی‌اعتبار کند.

- صرفاً ساخت HH یا LL توسط قیمت باعث معتبر شدن یک ناحیه نمی‌شود بلکه باید ناحیه مخالف خودش را حذف کند، تنها زمانی این HH و یا LL برای ما معتبر است که در شرایط ATH یا ATL باشیم و هیچ دیتای قبلی نداریم، بنابراین در این شرایط HH زدن یک S و LL زدن یک D برای ما تشکیل می‌دهد.
- زمانی که یک زون حذف شده درون یک ناحیه مخالف در تایم بالاتر قرار گرفته باشد باید به تایم‌های بالاتر دقت کرد.

نمونه‌ها

در شکل زیر ناحیه عرضه هفتگی که با شماره ۱ مشخص شده توسط ناحیه تقاضای هفتگی که با شماره ۳ مشخص شده و به وسیله چند تیک که با شماره ۲ مشخص شده حذف شده است. (تصویر زیر)



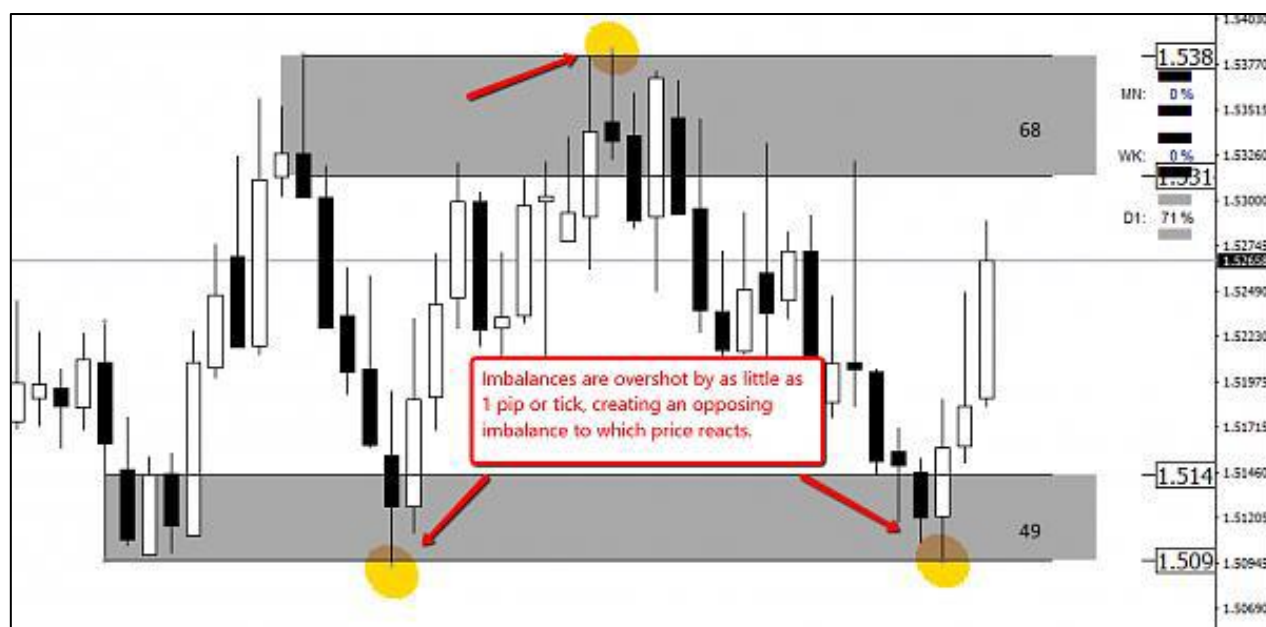
عدم تعادل‌ها می‌توانند به وسیله حتی ۱ پیپ یا تیک که عدم تعادل‌های مخالف را می‌سازند حذف شوند و کنار گذاشته شوند. (تصویر زیر)

۲. عدم تعادلی که یک خط روند را به وسیله یک کندل OHCL شکسته باشد:

برای آنکه یک عدم تعادل که یک خط روند را به وسیله یک کندل کامل شکسته است معتبر باشد نیازی به حذف ناحیه مخالف ندارد.

شکست خط روند به معنای این است که یک چیزی در پویایی بازار تغییر کرده است و گرنه این شکست خط روند اتفاق نمی‌افتاد. چیزی یعنی اینکه فروشندگان/خریداران در حال از دست دادن قدرت خود هستند و قیمت به دلیلی که برای ما مشخص نیست یک رالی را شروع کرده است. چرا این اتفاق افتاده؟ ما نمی‌دانیم و نیازی هم نیست که بدانیم.

یک شکست خط روند معمولاً زمانی اتفاق می‌افتد که یک ناحیه عرضه یا تقاضای مربوط به تایم فریم بالاتر برای مرتبه اول یا حتی برای مرتبه دوم تست شده باشند، و به همین دلیل است که در مواجه با نواحی تایم فریم‌های بالاتر تا زمانی که حذف نشده باشند وارد معامله نمی‌شویم.

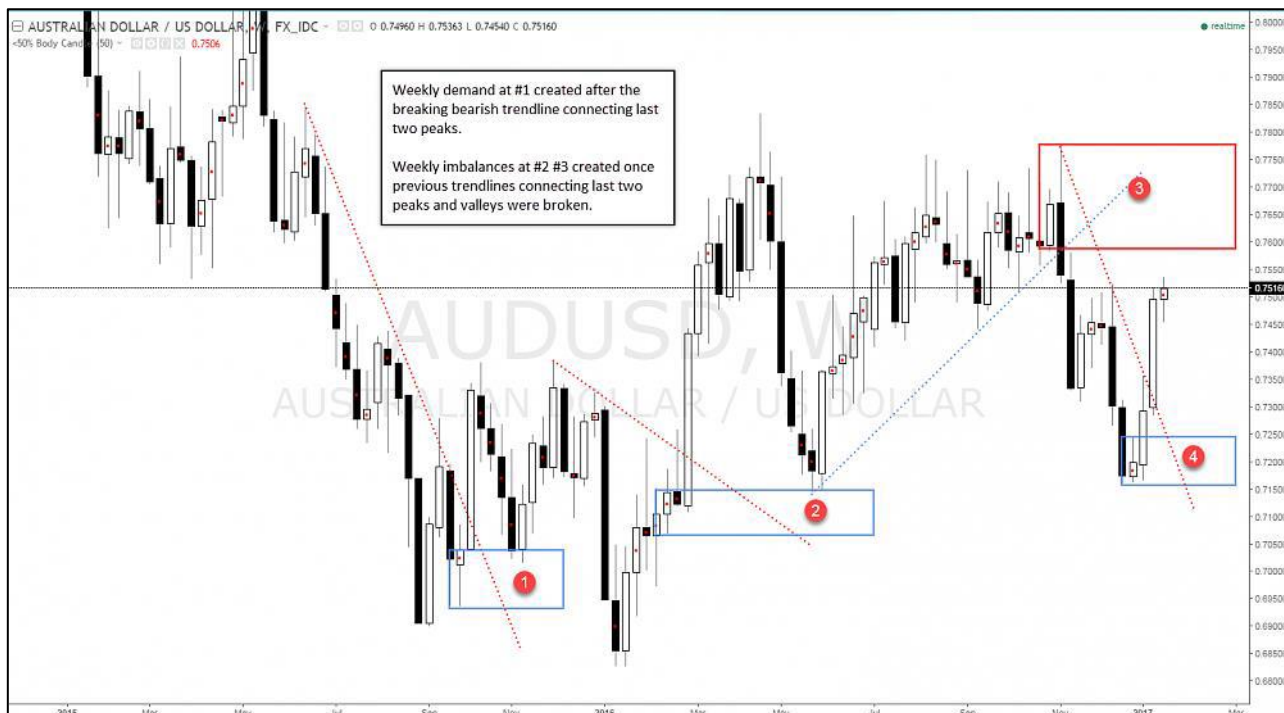


بنابراین قوانین ما اینها هستند:

- وقتی که یک خط روند شکسته می‌شود، عدم تعادلی که موجب شکست آن خط روند شده است به طور خودکار به عنوان یک ناحیه عرضه/تقاضای معتبر در نظر گرفته می‌شود، حتی اگر یک سطح مخالف حذف نشده باشد. **آیا بطور خودکار یک ناحیه قابل معامله نیز خواهد بود؟ خیر!** بلکه بر اساس سایر فاکتورها مثل تحلیل مولتی تایم فریم، قواعد مربوط به **توالی قیمتی** (قیمت در سه تایم فریم فراکتالی) و **ساختار و قواعد معامله‌پذیری**، آن ناحیه.
 - سطح جدید تا زمانی که یک ناحیه مخالف در تایم فریم بالاتر تست نشده باشد و کنترل را در دست نگرفته باشد قابل معامله خواهد بود. به این معنا که، اگر مثلاً یک خط روند صعودی در تایم فریم هفتگی شکسته شده باشد و یک الگوی اینگلفینگ نزولی به عنوان ناحیه عرضه مورد تأیید قرار گرفته باشد، این ناحیه عرضه جدید تا زمانی قابل معامله خواهد بود که یک ناحیه تقاضای ماهانه کنترل را در دست نگرفته باشد.
 - سطحی که پس از شکست خط روند ایجاد می‌شود تا زمانی معتبر است که قیمت به یک سطح مخالف نرسیده باشد و آن سطح بدون آنکه حذف شود کنترل را در دست داشته باشد.
 - عدم تعادل‌های بالقوه به عنوان نواحی معتبر در نظر گرفته نمی‌شوند، ما برای ترید کردن به دنبال نواحی عرضه و تقاضای واقعی هستیم نه فقط نواحی بالقوه‌ای که با قوانین ۱ و ۲ مطابقت نداشته باشد.
- زمانی که ATH و ATL ثبت می‌شود، آن هم برای ما یک عدم تعادل محسوب می‌شود.
- وقتی قیمت از یک ناحیه رنج خارج می‌شود، یک دستاوردی بدست می‌آورد (مثل شکست یک خط روند به همراه خروج با قدرت و یا شکست یک ناحیه مخالف به همراه خروج با قدرت) که در این صورت یک عدم تعادل خواهیم داشت و **یک ناحیه معتبر**.
 - وقتی قیمت به دلیل پویایی جریان سفارشات یک ناحیه تقاضا را ترک می‌کند سفارشات تقاضا همچنان در همان ناحیه باقی خواهند ماند. بخصوص اگر آن ناحیه یک ناحیه قابل معامله هم باشد، سفارشات زیادی از لحاظ تئوری در آن ناحیه وجود خواهد داشت. وقتی قیمت در آینده به همان ناحیه برمی‌گردد (به عنوان ناحیه بالقوه) باید بر این ناحیه که اکنون یک ناحیه مخالف محسوب می‌شود غلبه کند تا اینکه این ناحیه را کاملاً بشکند و به یک ناحیه عرضه معتبر تبدیل شود.
 - اولین باری که قیمت به یک ناحیه خوب برخورد می‌کند احتمالاً نمی‌تواند از آن ناحیه عبور کند (برگردانده می‌شود) این بخاطر سفارشات در انتظاری است که در آیتم قبل توضیح داده شد و همچنین بخاطر این است که معامله‌گران در اینجا وارد مارکت می‌شوند. این دانش برای پایه‌گذاری ستاپ‌های معاملاتی مختلفی استفاده شده است. گاهی اوقات قیمت چندین مرتبه به یک ناحیه برخورد می‌کند و هر بار بیشتر در آن ناحیه نفوذ می‌کند اما موفق نمی‌شود تا از آن عبور کند یا آن را کاملاً حذف کند. در این شرایط بیس شما تخت حمله قرار می‌گیرد و هر بار کوچکتر و کوچکتر می‌شود.
 - وقتی که قیمت کاملاً به داخل یک ناحیه نفوذ کند، حتی فقط با یک پیپ یا بیشتر، آنگاه آن ناحیه به عنوان یک ناحیه حذف شده در نظر گرفته می‌شود. این بدین معناست که سفارشات مخالف کاملاً منصرف شده‌اند و اکنون یک ناحیه عرضه جدید خواهیم داشت.

مثال: چارت هفتگی AUDUSD

در شکل زیر در مستطیل شماره ۱ یک ناحیه تقاضای هفتگی داریم که پس از شکست خط روند نزولی که دو قله آخر را به هم وصل کرده است شکل گرفته است. در مستطیل‌های شماره ۲ و ۳ عدم تعادل‌های هفتگی را داریم که با شکست خط روندهای قبلی که دو قله و دو دره آخر را به هم وصل کرده‌اند ایجاد شده‌اند.



مثال: چارت روزانه EURUSD

در شکل زیر در مستطیل شماره ۱ ناحیه تقاضای روزانه را داریم که پس از آن که خط روند نزولی شکسته، شکل گرفته است و در مستطیل شماره ۲ ناحیه عرضه روزانه را داریم که موجب شکست خط روند صعودی و همینطور موجب حذف ناحیه تقاضای روزانه در مستطیل شماره ۱ شده است. (بالای ناحیه ۲ هم زون است ولی ما همیشه زون‌هایی را که به خط روندمان نزدیک است را در نظر می‌گیریم)



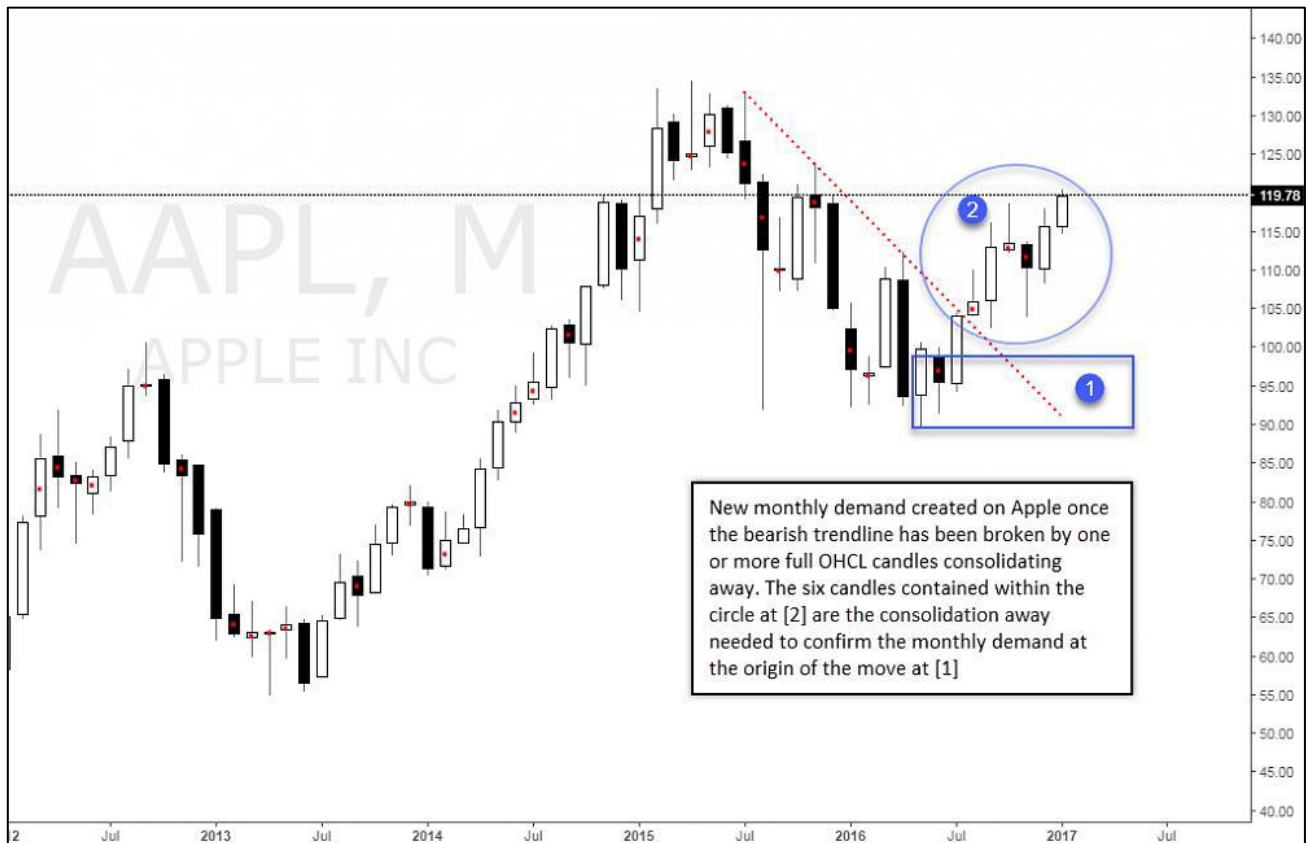
اگر شکست خط روند زمانی اتفاق بیافتد که ناحیه تایم فریم بالا کنترل را به دست بیاورد آنگاه این عدم تعادل جدید به عنوان یک WoW Trade در نظر گرفته می‌شود.

یک عدم تعادل بالقوه جدید زمانی که ناحیه مخالف حذف شده باشد، شکل می‌گیرد.

در تصویر زیر ناحیه تقاضای هفتگی جدید پس از حذف ناحیه عرضه هفتگی مخالف شکل گرفته است.



در شکل زیر ناحیه تقاضای ماهانه جدید وقتی ایجاد می‌شود که خط روند نزولی به وسیله یک یا چند کندل کامل شکسته شود. شش کندل موجود در دایره ۲ کندلهایی هستند که با خروج و تثبیت قیمت خارج از خط روند ناحیه تقاضای ماهانه و منشا حرکت را در ۱ تأیید می‌کند.



در تصویر زیر تقاضای روزانه ۱ زمانی ایجاد می‌شود که خط روند نزولی ۳ حداقل با یک کندل کامل شکسته شود. کندل‌های درون دایره ۵ مجموعاً ۱۰ کندل هستند که در طرف دیگر خط روند قرار دارند. عرضه روزانه ۲ هنگامی ایجاد می‌شود که حداقل یک کندل کامل در آن سوی خط روند تشکیل شود. کندل‌های درون دایره ۶ و کندل‌های پایین‌تر آن کندل‌های تأیید کننده عرضه هستند. عرضه روزانه ۲ همچنین ناحیه‌ای است که تقاضای تست شده ۱ را حذف کرده است.



مناطق ATH و ATL چه زمانی برای ما معتبر هستند، اول اینکه با یک کندل OHCL از زون دور شویم. دوم امتیازدهی به این نواحی:

- یک عدم تعادل با RR2 : هرچه این نسبت از ۲ بیشتر باشد بهتر است.
- یک ناحیه Base خوب: نواحی بیس که در آن کندل‌ها سایه‌های خیلی بلندی دارند یا تعداد کندل‌ها در آن خیلی زیاد است مناسب نیستند.
- به نحوه بسته شدن کندل‌ها در چارت ماهانه و هفتگی توجه کنید: برای شکار در High و Low ها.

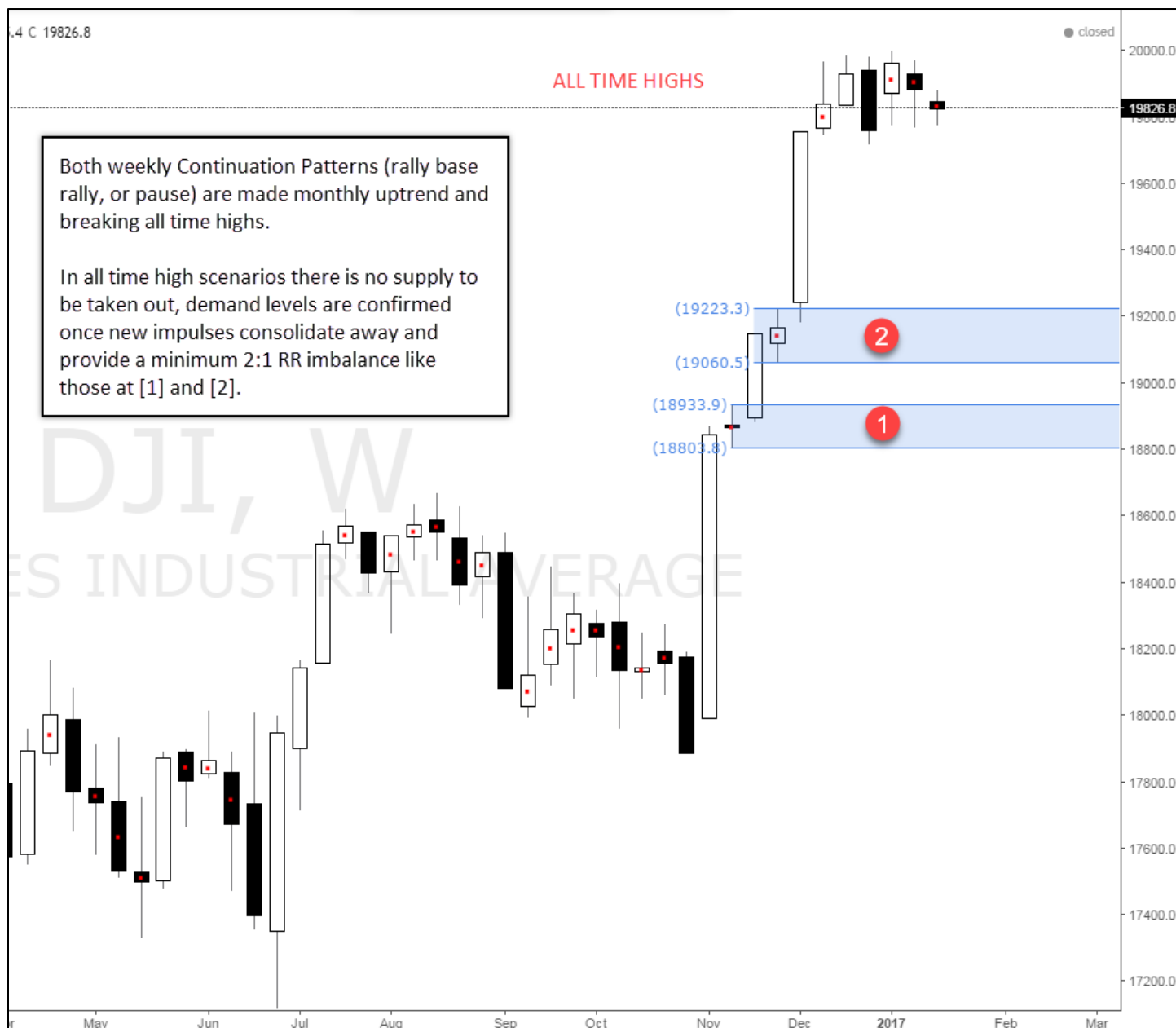
در تصویر زیر چرا ناحیه ۱ معتبر شده است؟

۱. حذف S مخالف قبلی خود.
 ۲. قیمت از آن ناحیه به سرعت دور شده
 ۳. ریسک به ریوارد بالای ۲ در ناحیه ۱
 ۴. شکل‌گیری کندل OHCL (که با شماره ۲ مشخص شده است)
 ۵. داشتن یک بیس تمیز
- * بسته شدن کندل شماره ۲ برای ما مهم است اگر این کندل برگشته و وارد ناحیه ۱ شود ناحیه ۱ از اعتبار خارج می‌شود.



در تصویر زیر چرا نواحی ۱ و ۲ بعنوان D تأیید شده‌اند؟

۱. شکل‌گیری کندل OHCL.
۲. دور شدن قیمت از نواحی
۳. داشتن ریسک به ریوارد بالای ۲
۴. داشتن یک بیس تمیز



در تصویر زیر ناحیه ۱ بخاطر کندل‌های دایره شماره ۴ از بین رفت و ناحیه ۲ تأیید شد. ناحیه ۳ هم بخاطر OHCL و



..... (V-15) ◀

تحلیل زنجیره‌ای

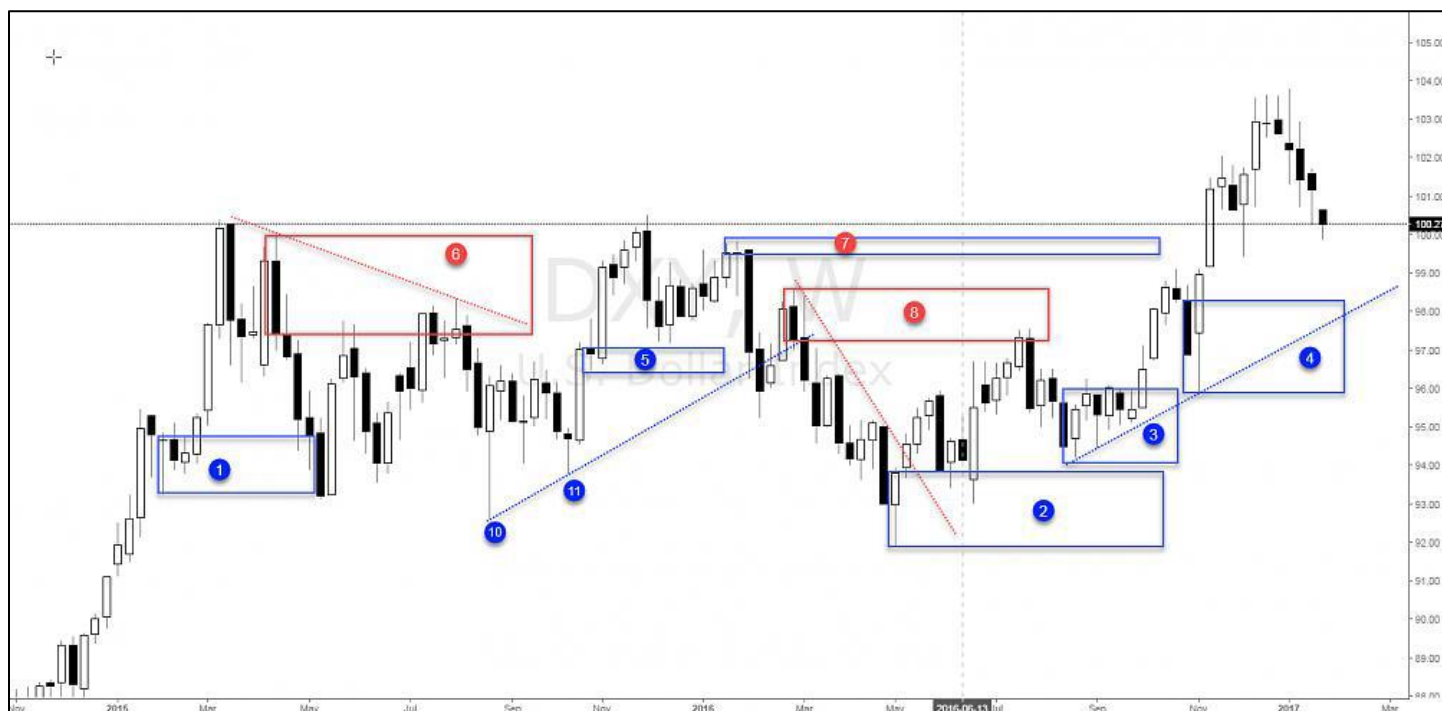
هر وقت ترندلاین شکسته شد اولین کاری که باید انجام دهیم این است که به تایم فریم بالاتر برویم و بررسی کنیم ببینیم در چه ناحیه‌ای از تایم بالا این شکست اتفاق افتاده است.

صرفاً ترسیم ترندلاین‌ها در یک تایم فریم کارا و مفید نیست.

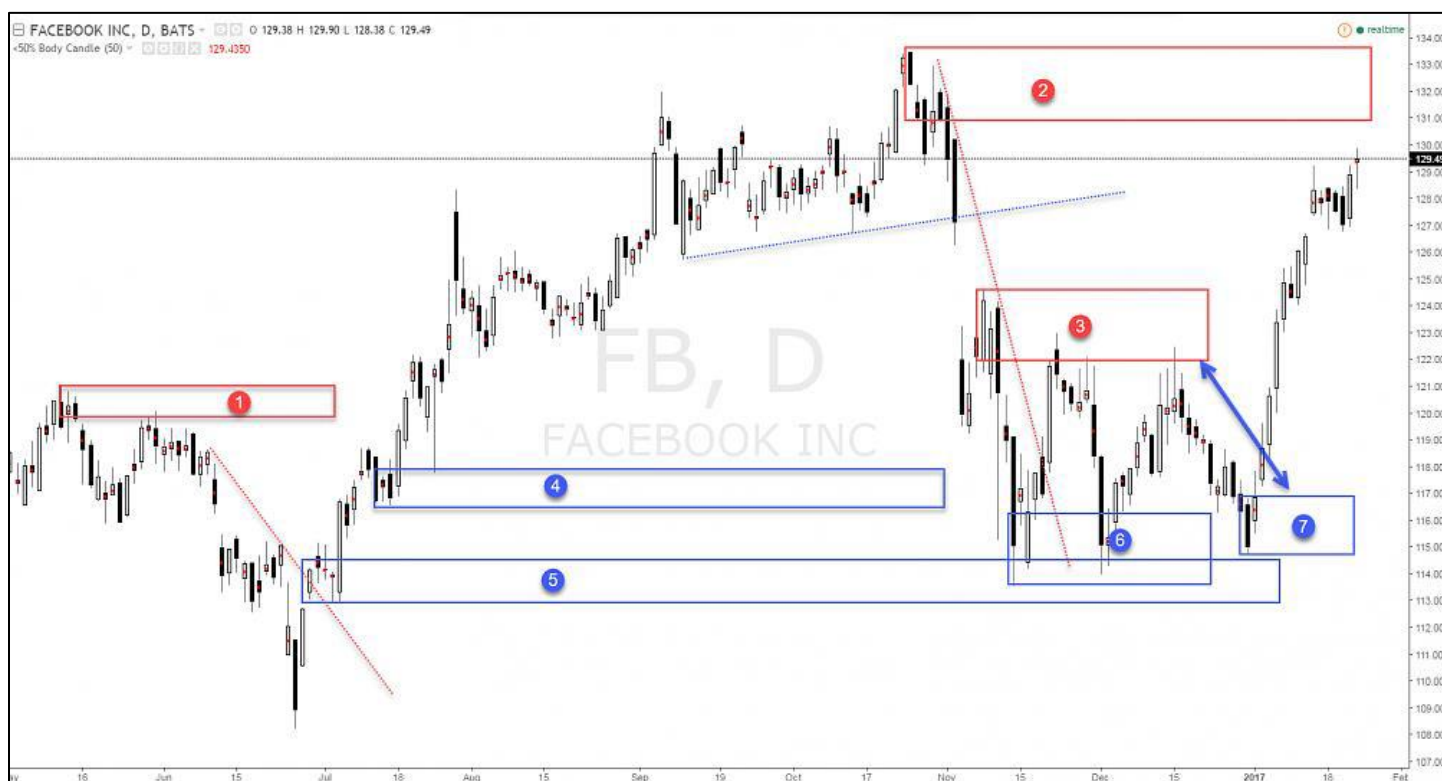
زنجیره چیست؟ ارتباط بین ترندلاین‌ها و زون‌ها و تقابل آن‌ها و حذف کردن یکدیگر زنجیره می‌گوییم. زنجیره کمک به شناسایی مناطق بالقوه می‌کند.

مثال:

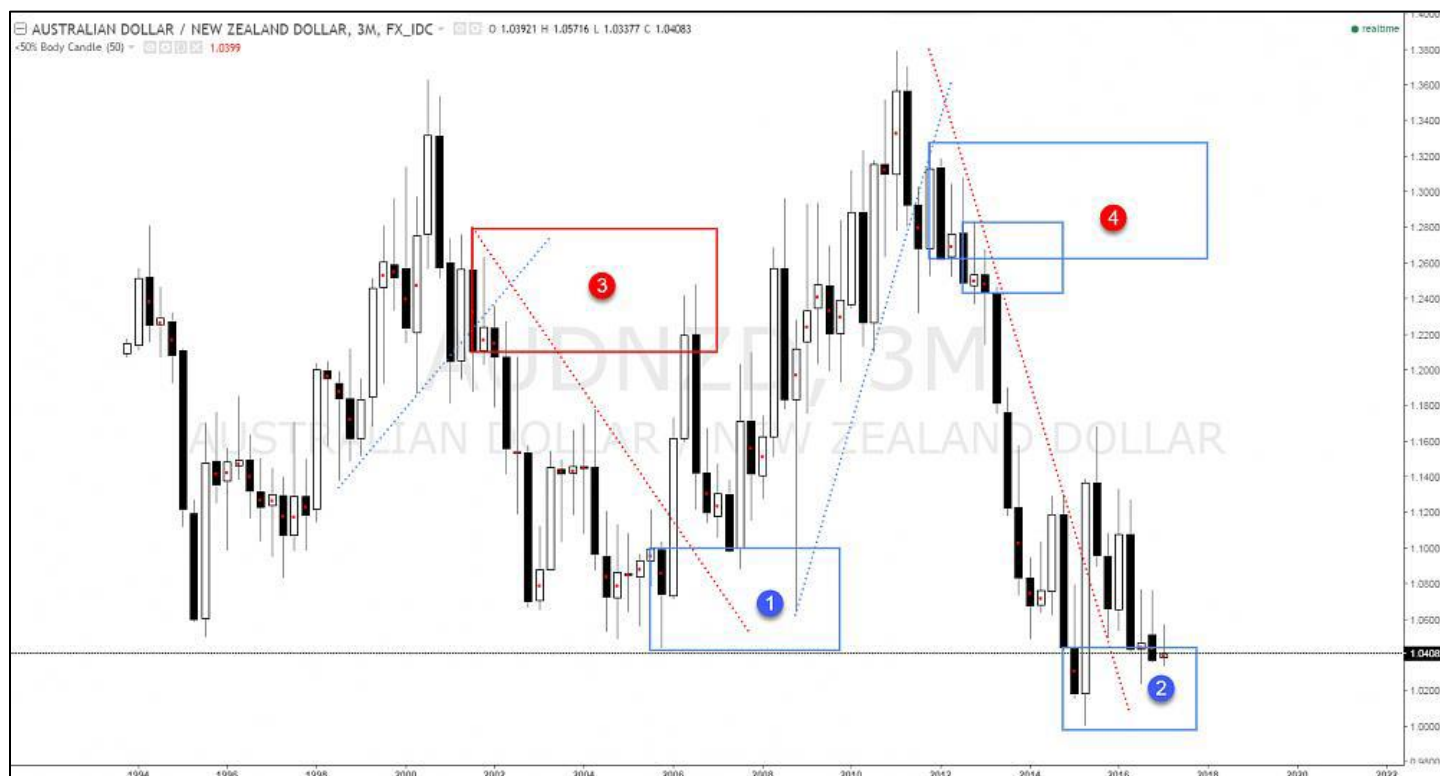
- منطقه ۱ بوسیله ناحیه ۶ (S) حذف شده است.
- ترندلاین نزولی به وسیله اتصال قله در ناحیه ۶ و قله قبلی آن یک ناحیه D را در شماره ۵ ایجاد کرده است.
- ناحیه ۵ بوسیله ناحیه ۷ از بین رفته است.
- ترندلاین صعودی بوسیله اتصال نقاط ۱۰ و ۱۱ یک ناحیه S در شماره ۸ ایجاد کرده است که توسط ناحیه D شماره ۳ حذف شده است.
- ناحیه شماره ۲ زمانی ایجاد شده که ترندلاین نزولی قبلی آن شکسته شده است.



مثال ۲. نمودار روزانه فیسبوک



مثال ۳. تایم ۳ ماهه AUDNZD

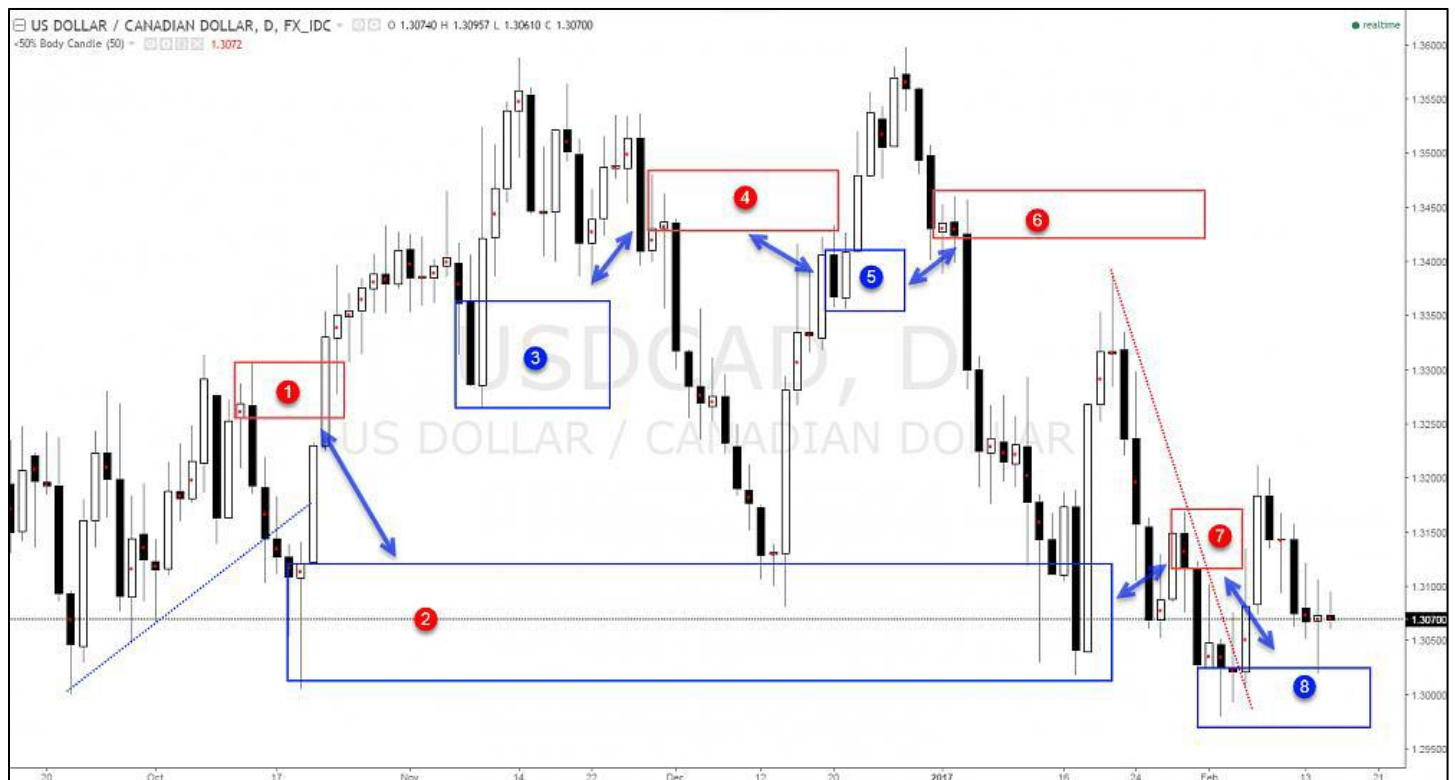


مثال ۴. تایم هفتگی موتورولا

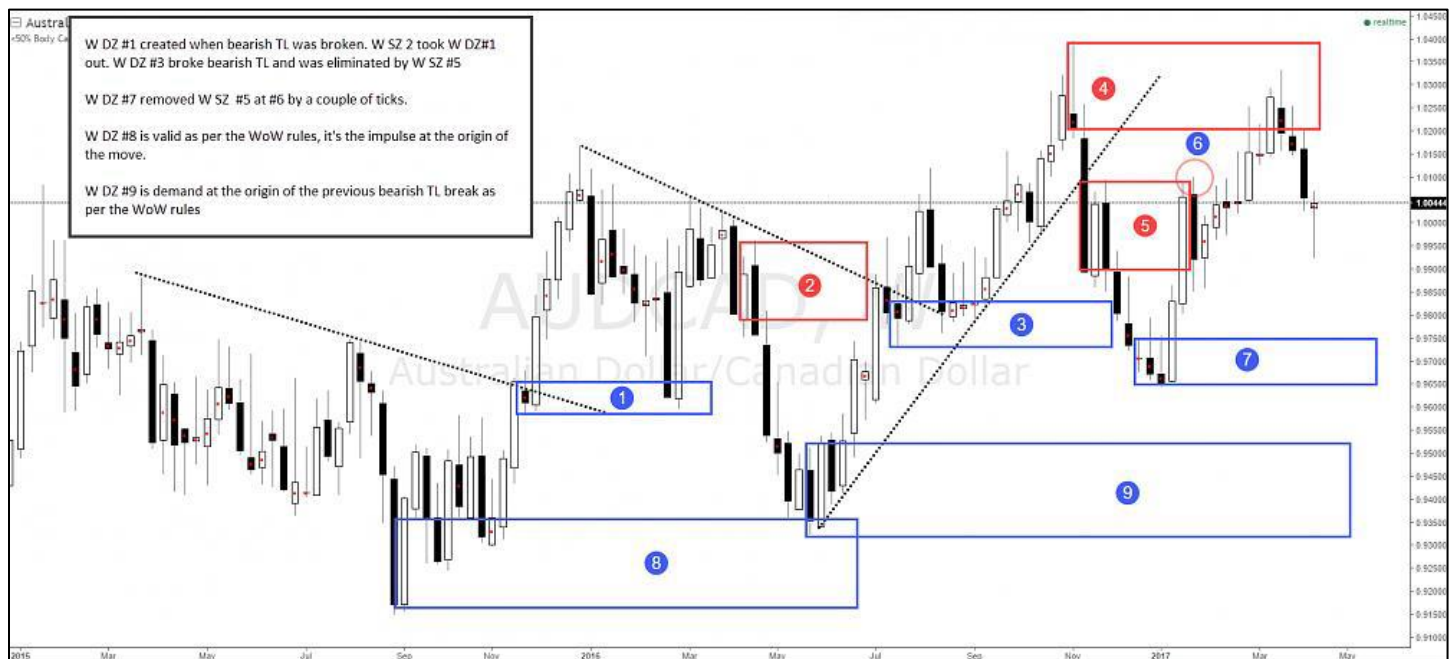


مثال ۵. تایم روزانه USD/CAD

ناحیه ۳ یک S را حذف کرده که در تصویر نیست.



مثال ۶. تایم هفتگی AUD/CAD

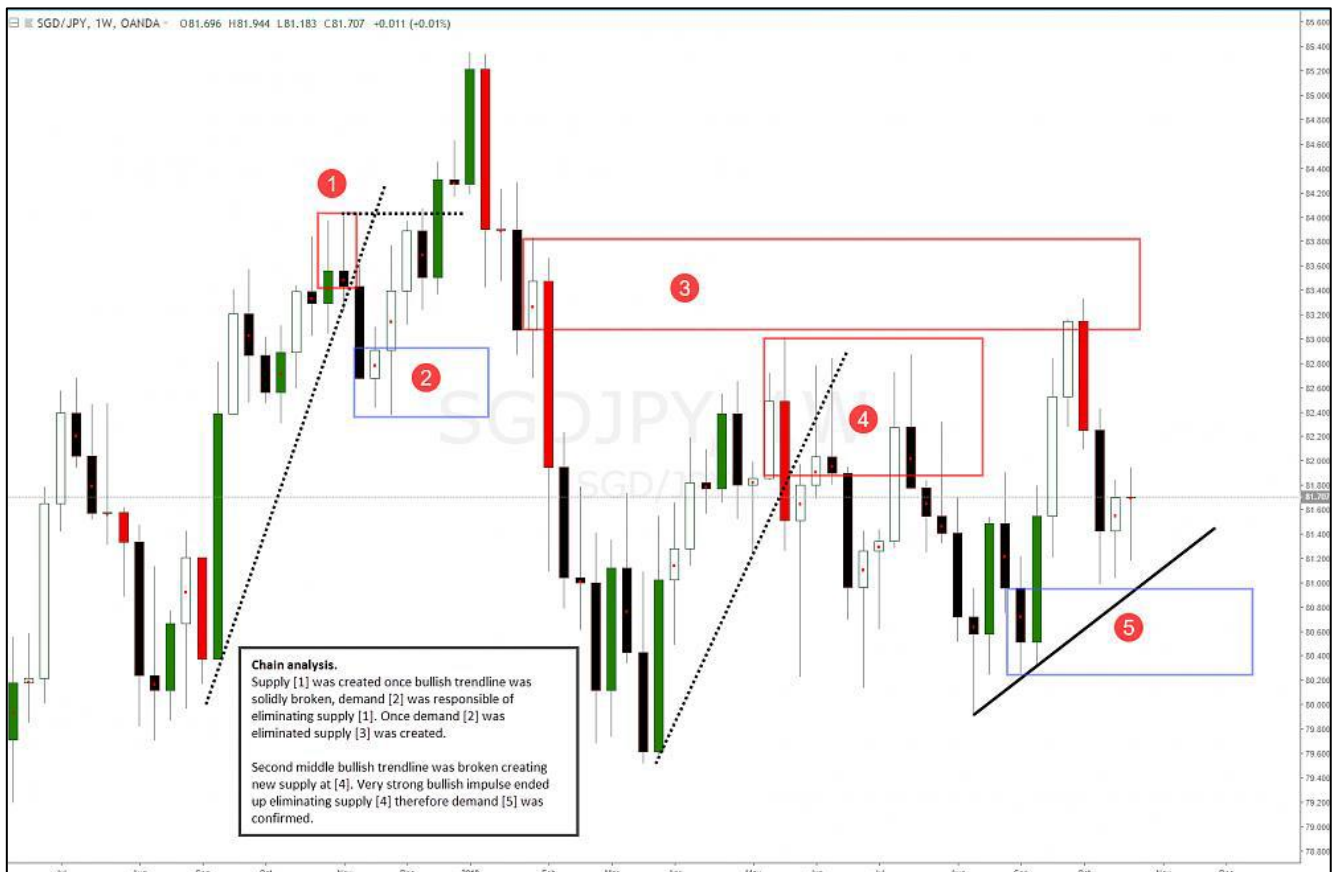


مثال ۷. تایم روزانه GBPCAD

تایم فریم بزرگتر صعودی است بخاطر همین به D ها احترام گذاشته و S ها براحتی حذف شده.



مثال ۸. تایم هفتگی SGDJPY



مناطق مبادله و پایایی (CPهای تایم کوچکتر در تایم بالا)

مناطق هستند در تقاطع سایه دو کندل که معمولاً سایه آن کندل‌ها در بر می‌گیرند. می‌شود این مناطق را در تقاطع کندل‌هایی که سایه ندارند هم دید ولی عموماً در کندل‌های سایه‌دار دیده می‌شود.

مناطق مبادله کمک به دیده شدن CPها می‌کند.

مناطق مبادله‌ای نواحی هستند که در آن‌ها سرمایه‌داران بزرگ را داریم که اوردرهای خود را در آنجا قرار می‌دهند (دارای فاز انباشتگی و توزیع (رنج)). این مناطق معمولاً در تقاطع کندل‌های ERC هستند و زمانی خوب کار می‌کنند که دو کندل ERC داریم.

اندازه‌ی سایه‌ها به ما می‌تواند نشان دهد که در تایم فریم پایین چه نوع کندل‌هایی قابل مشاهده هستند.

سناریوهایی که برای مناطق مبادله‌ای می‌تواند ایجاد شود:

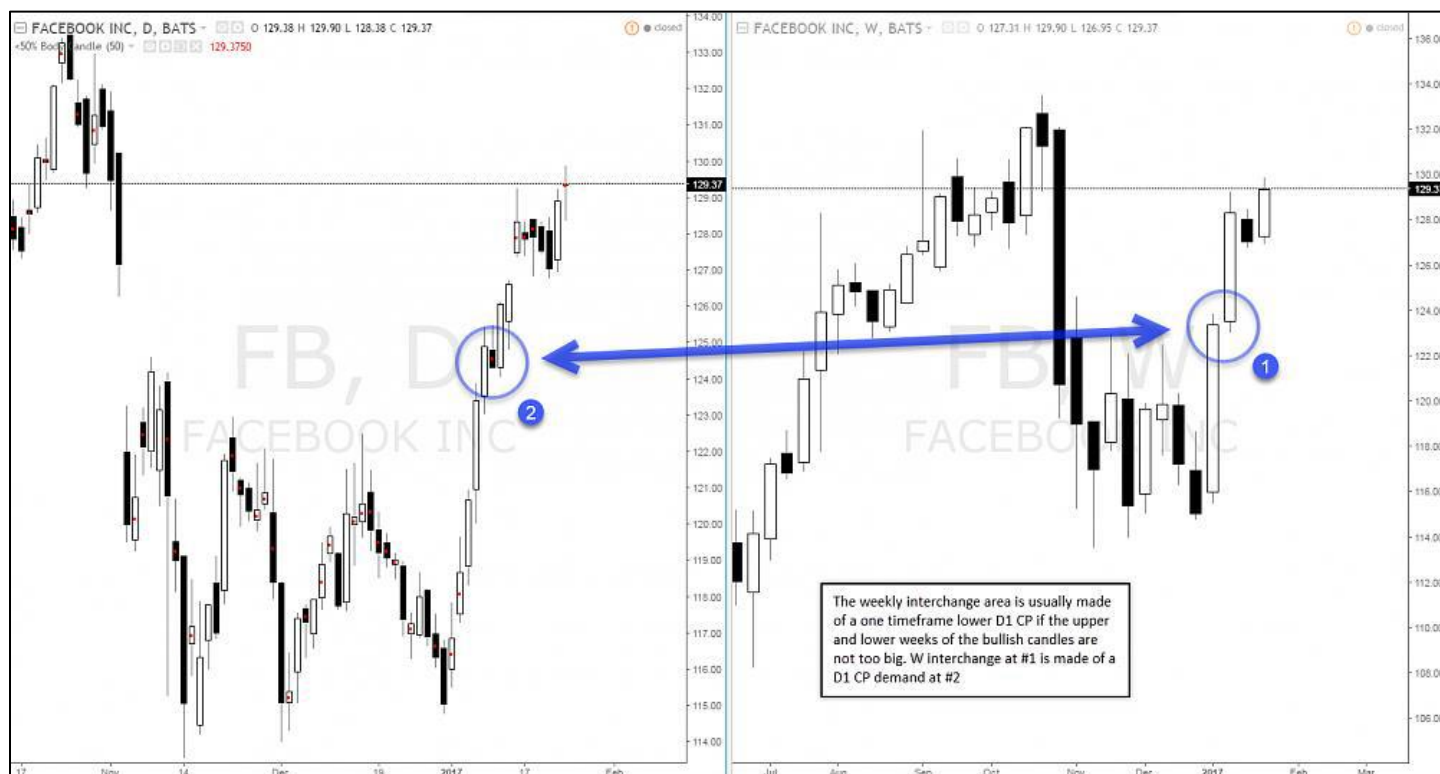
- هر دو کندل سایه کوچکی دارند؛
- یکی دارای سایه بالا و بدون سایه پایین باشد؛
- سایه کوچک زیرین، بدون سایه بالا؛
- سایه بالایی متوسط و بدون سایه پایین؛ و
- سایه پایین متوسط و بدون سایه بالا.

مناطق مبادله معمولاً CPهای ناآشنا هستند و باید برویم به تایم پایین تا آن‌ها را تشخیص دهیم.

کندل‌هایی که سایه‌های بزرگی دارند، خوب نیستند و معمولاً در تایم فریم پایین شامل دره‌ها و قله‌ها هستند.

مثال ۱

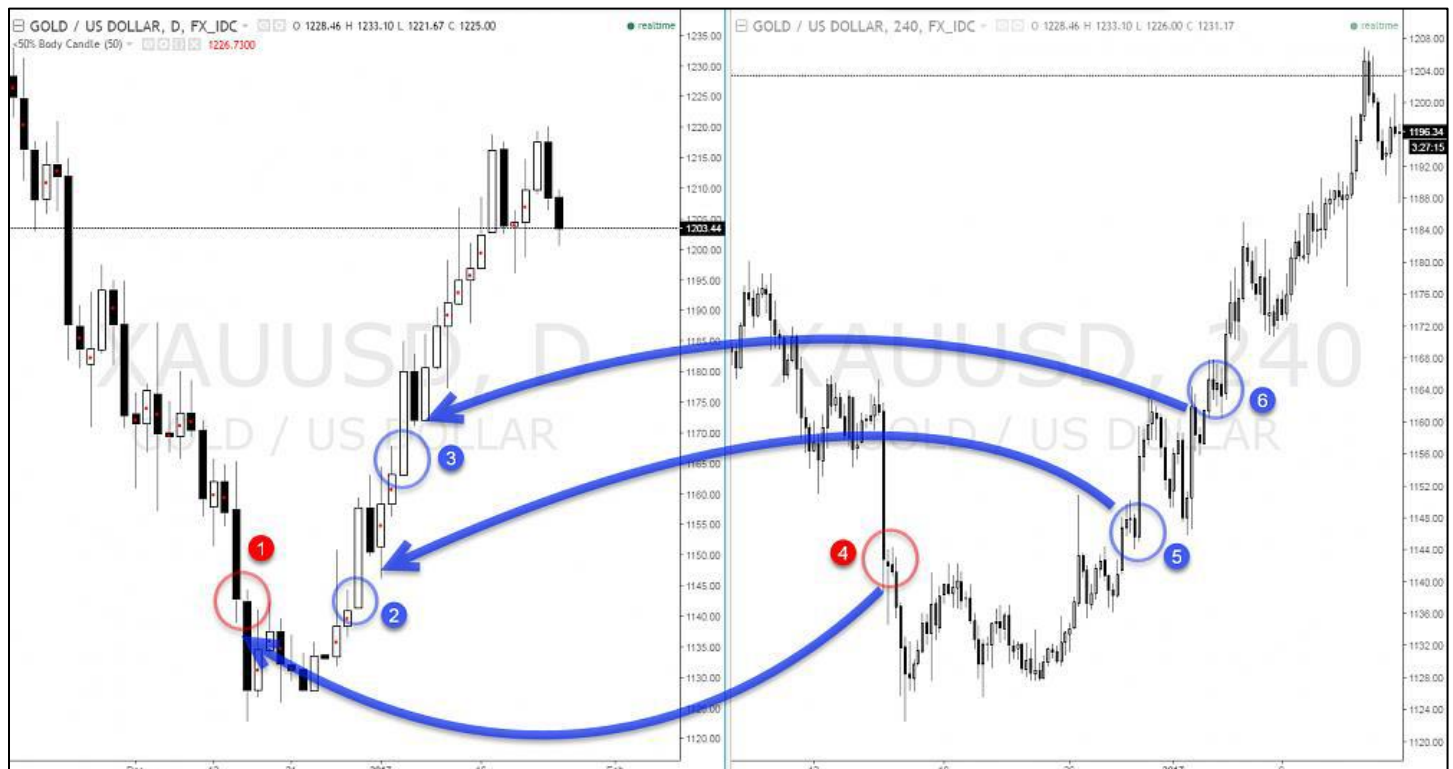




شماره ۱ شامل چندین منطقه مبادله‌ای است.

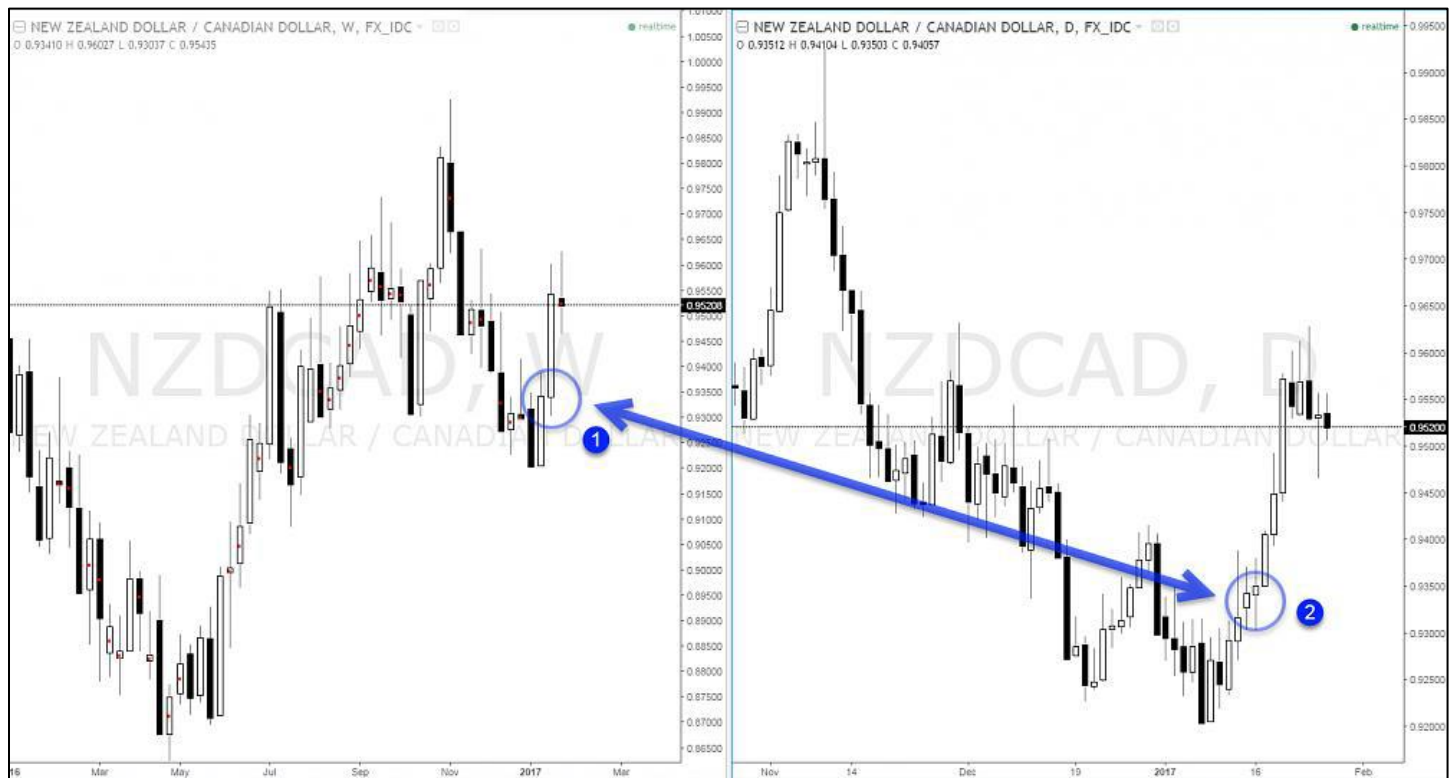


مثال ۴



مثال ۵

در اینجا EMA 20 هفتگی کنترل را در دسترس داشته و واکنش قیمت در ناحیه ۱ به این است.





◀ (V-17) - شروع بلاک ۲

روندها (روند دوست تو است تا زمانی که تمام شود):

۱. صعودی (Uptrend): به D ها احترام و S ها حذف می‌شوند.



چگونگی تشخیص روندهای صعودی:

- روش اول: بتوانیم یک ترندلاین صعودی رسم کنیم و حداقل یک منطقه مخالف را حذف کنیم.
- روش دوم: حداقل باید دو S حذف شود (جایی که نمی‌توانیم یک ترند صعودی ترسیم کنیم).

سقف روی سقف: دو سطح مجاور هم (مثلا یک دره با یک CP یا یک قله و یک CP) در این حالت این دو سطح را ما یک ناحیه (زون) در نظر می‌گیریم.



۲. نزولی (Downtrend): به S ها احترام و D ها حذف می‌شوند.

- روش اول: بتوانیم یک ترندلاین نزولی رسم کنیم و حداقل یک منطقه مخالف را حذف کنیم.
- روش دوم: حداقل باید دو D حذف شود (جایی که نمی‌توانیم یک ترند نزولی ترسیم کنیم).

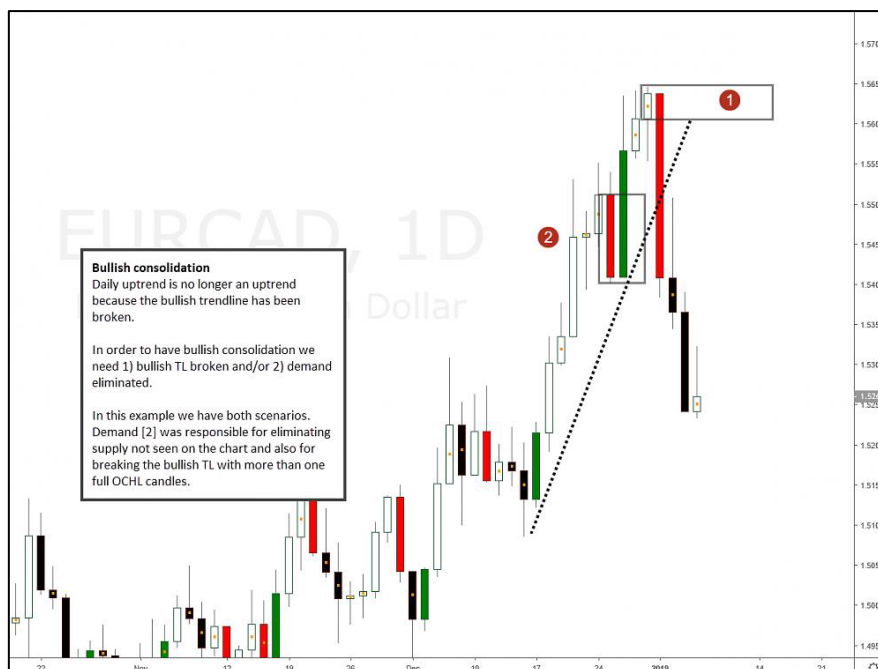
۳. رنج (فشردگی قیمت) (Consolidation): فشردگی صعودی / فشردگی نزولی. تشخیص اینکه روند نزولی و یا صعودی است دشوار است. فشردگی صعودی و یا نزولی به معنای فشردگی قیمت از روند قبلی خود است، یا یک مکث، بنابراین تا زمانی که نشانه‌های تغییر روند مشاهده نشد احتمالا قیمت روند قبلی خود را پس از مکث ایجاد شده مجدد شروع خواهد کرد.

فشردگی (رنج) صعودی: سه حالت

- حالت اول: خط روند صعودی ما بریک شود (حداقل با یک کندل)
- حالت دوم: قیمت باید آخرین D معتبر را نابود کند.
- حالت سوم: حالت اول + حالت دوم

زمانی که در فاز فشردگی صعودی هستیم، مجاز به لانگ زدن در جهت ترند قبلی نیستیم، مگر اینکه قیمت یک HH نسبت به بالاترین قیمت روند صعودی بزند و یا به یک D تایم بالاتر رسیده باشیم.

تصویر زیر (حالت اول)

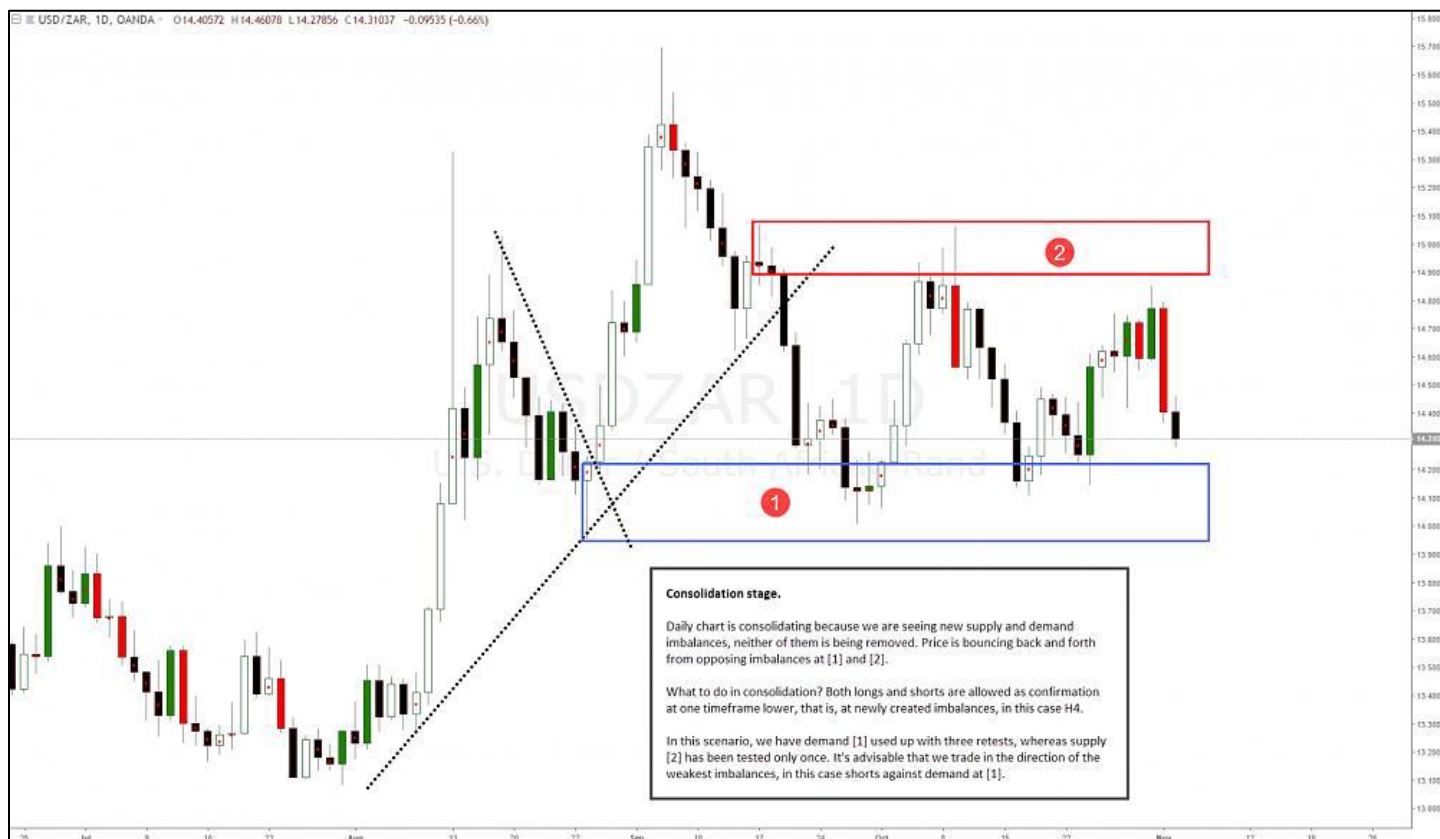


فشرده‌گی (رنج) نزولی: سه حالت

- حالت اول: خط روند نزولی ما بریک شود (حداقل با یک کندل)
- حالت دوم: قیمت باید آخرین S معتبر را نابود کند.
- حالت سوم: حالت اول + حالت دوم

زمانی که در فاز فشرده‌گی نزولی هستیم، مجاز به شورت زدن در جهت ترند قبلی نیستیم، مگر اینکه قیمت یک LL نسبت به پایین‌ترین قیمت روند نزولی بزند و یا به یک S تایم بالاتر رسیده باشیم.

در فاز فشرده‌گی مجاز به لانگ و شورت هستیم، به شرط گرفتن تأییدیه در تایم پایین.



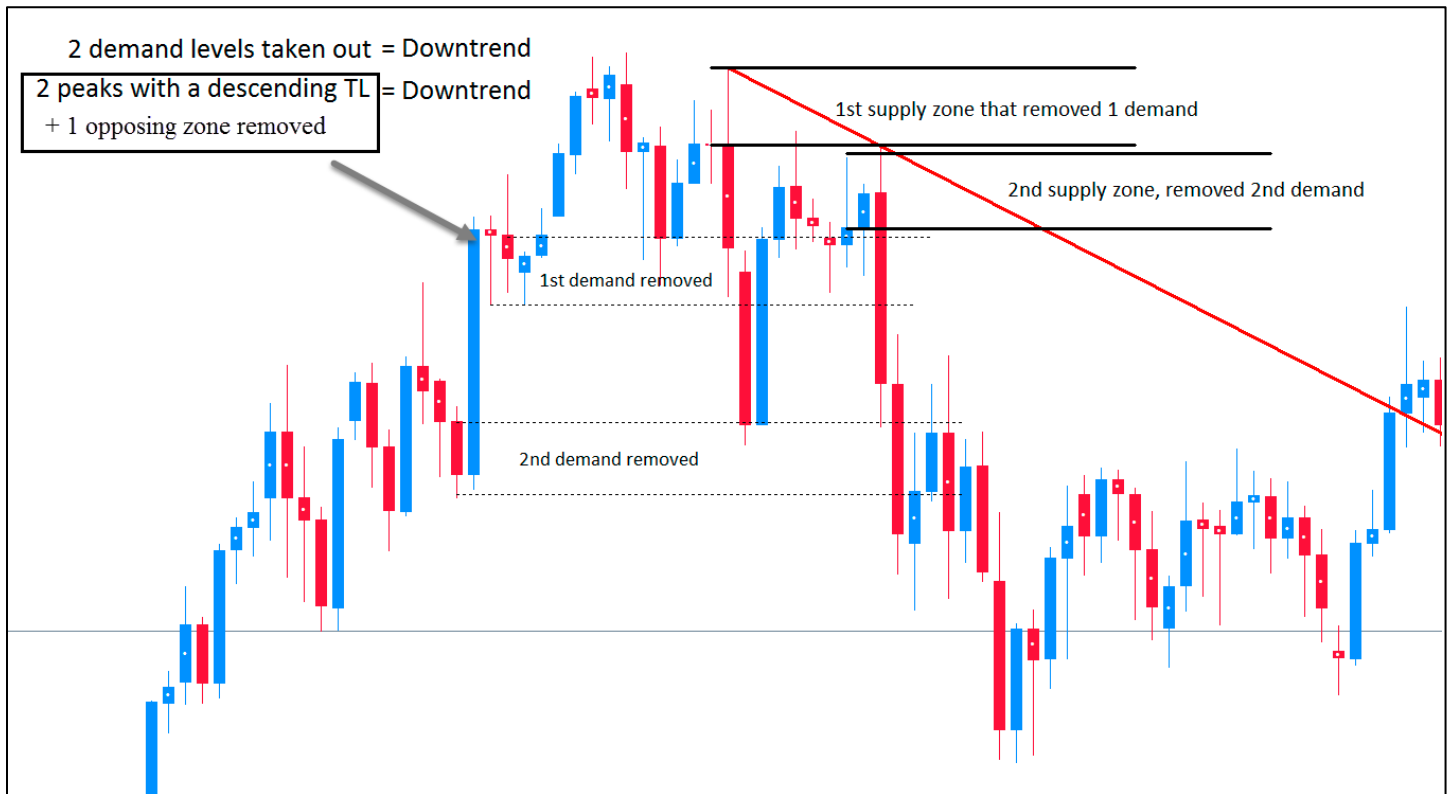
اگر هر تایم فریم یک روند متفاوتی داشته باشد، تایم بالاتر ما همیشه اولویت ماست (تصویر بزرگ قیمت).

مدام باید با ترسیم خطوط روند جدید و مناطق SD روندها را نیز به روز کنیم

ترند جدید چه زمانی ایجاد می‌شود: اگر قیمت دو D یا S را حذف کند از حالت رنج خارج شده و عملاً وارد فاز صعودی/نزولی شده‌ایم. معمولاً این در شرایطی است که تایم بالاتر یک نیرویی به قیمت وارد کند.

Over-Extension:

- معمولاً CPها کمک می‌کنند که بتوانیم خلاف روند ترید کنیم.
- Over-Extension زمانی اتفاق می‌افتد که یک عدم تعادل در تایم فریم بالا اتفاق می‌افتد.
- معمولاً زمانی که Over-Extension داریم قیمت تمایل دارد به منشاء حرکت خود برگردد به ویژه اینکه به یک عدم تعادلی در تایم بالا برخورد کرده باشیم. می‌توانیم از منشاء حرکت وارد پوزیشن شویم.
- اگر در Over-Extension یکی از نواحی CP ناحیه‌ای قبلی را حذف کرده باشد و یا یک پیک جدید بزند (دره یا قله جدید) اعتبار Over-Extension تا حد زیادی کم می‌شود.



هر عدم تعادلی (Imbalance) از مجموعه‌ای از ایمپالس‌ها تشکیل شده ولی هر ایمپالسی، عدم تعادل (Imbalance) نیست.

هر روند از موج‌های ایمپالس (موج‌های قوی) و اصلاح‌ها (Corrections) تشکیل شده است.

ایمپالس (Impulse): حرکت‌هایی در جهت روند موجود (ساختار: حرکت سریع، دارای کندل‌های ERC). ایمپالس‌ها نشان از تغییرات دینامیک در ترند فعلی هستند.

اصلاح: مکث و اصلاح در طی روند (ساختار: حرکت آرام، ریسک بالایی برای ترید دارند، می‌توان مناطق شکل‌گیری ایمپالس‌ها را حدس زد).



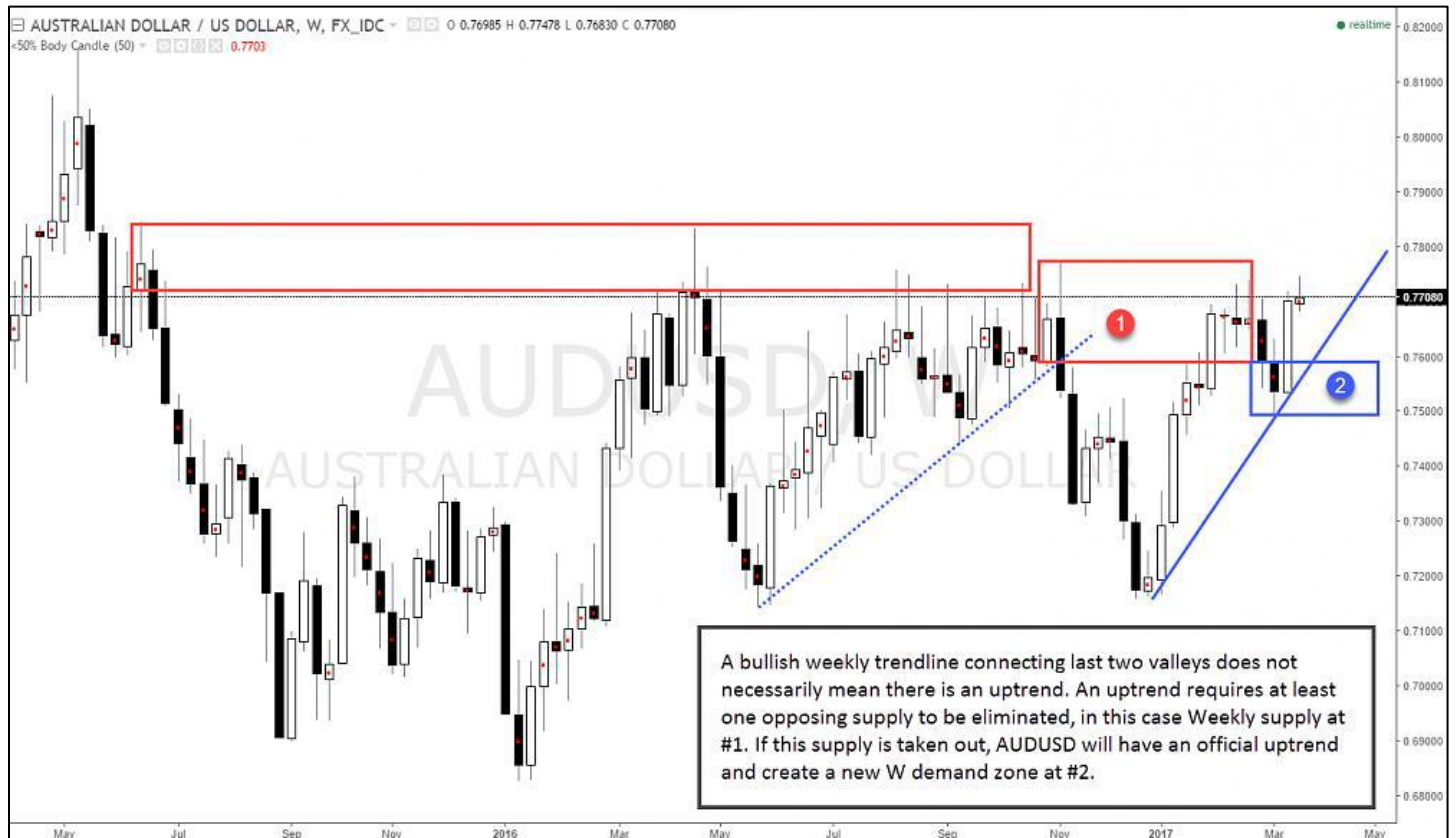
در تصویر زیر می‌توان از جریانات اصلاحی مناطق شکل‌گیری ایمپالس‌ها را تشخیص داد.



تصویر زیر: ایمپالس خلاف روند نشان از تغییر داینامیک بازار است.



در تصویر زیر ترند آبی صرفاً نمایش یک روند صعودی است ولی هنوز روند صعودی اصلی در تایم فریم ما شکل نگرفته.



در تصویر زیر ناحیه ۲ سوپلای نیست چون نه روندی را قطع کرده و نه ناحیه مخالف را حذف کرده.



در تصویر زیر در فاز فشردگی نزولی هستیم و هنوز ترند اصلی شکل نگرفته است.



◀ (V-18) (توضیحات و مثال‌های ویدئو ۱۷ روی چارت).....

* زمانی که ما یک ترند صعودی داریم که بر اثر Over-Extension ایجاد شده است و ایجاد CP‌های پشت سر هم کرده‌اند. در این شرایط CP‌ها مناطقی هستند که احتمال "موفقیت کمی" دارند. بنابراین بهترین نقطه برای ورود به پوزیشن در منشا حرکت است که قیمت دوباره به آن نقطه برگشته است.

◀ (V-18) (توضیحات احمدی و جمع‌بندی نکات و مراحل).....

◀ (V-20).....

تحلیل مولتی‌تایم فریم

هرچه تایم فریم بیشتری کنار هم قرار بدهیم دید و تحلیل بهتری خواهیم داشت.

روندها می‌توانند، بلند مدت، کوتاه مدت و میان مدت باشند. خیلی معمول است که روند بلند ما صعودی و روند کوتاه مدت ما نزولی است.

تایم فریم بلندمدت ما باید حداقل ۴ برابر بزرگتر از تایم فریم متوسط ما باشد.

در تصویر زیر، در شماره ۱، ماهانه صعودی و هفتگی نزولی است، در اینجا ما برای پوزیشن گرفتن ماهانه را معیار قرار می‌دهیم و در شماره ۲ هم ماهانه و هفتگی صعودی و روزانه نزولی است، بنابراین تمرکز ما روی تایم هفتگی است، پس همیشه باید صبر کنیم تا تایم فریم‌های کوچکتر خودشان را با تایم بالاتر خودشان همسو کنند.

TYPE OF TRADE	MONTHLY	WEEKLY	DAILY	H4	H1
1. POSITION	↑	↓	--	--	--
2. POSITION	↑	↑	↓	--	--

1. Monthly is up, weekly is down. WK has lost momentum and in either consolidation or a downtrend. We need to wait for price to realign with the MN uptrend at a MN demand area

2. Monthly and Weekly timeframes re up, D1 is down. D1 has lost momentum, it's in either consolidation or a downtrend. We need to wait for price to realign with the WK and MN uptrend's at a WK demand area, because the WK is the closest TF in an uptrend

Look for nested D1 zones within the WK and MN timeframes for your position type of trades
Highlighted cells show the timeframe we need to be looking at for an entry in the sequence.

حتی اگر دو تایم فریم پایین ما هم جهت ولی مخالف با تایم بالاتر باشد، باز هم بهتر است منتظر باشیم تا این دو تایم فریم همسو با تایم بالاتر خودش باشد.

مثال: در تایم ماهانه یک D داریم (شماره ۱). در هفتگی نیز یک D داریم (شماره ۲) که درون ماهانه قرار گرفته است و در روزانه هم یک D داریم (شماره ۳) که درون دیمندهای ماهانه و هفتگی قرار گرفته است.



انتخاب تایم فریم شخصی خود

تایم فریم‌های نويز دارند. زیرا تایم فریم‌های پایین تحت تاثیر تایم فریم‌های بالاتر خود هستند.

قانون ۵: میانگین سه تایم فریمی که انتخاب می کنید پس از تقسیم باید عدد ۵ به شما بدهد.

بهترین تایم مارکت شروع لندن تا نهار نیویورک

تایم فریم روزانه، راحت‌ترین تایم برای معامله کردن است.

← دقیقه ۴۹ = نمونه‌های چارت آلفونسو

← دقیقه ۶۰ = SD Range = محدوده عرضه و تقاضا (همان Curve مارکت)

قیمت چقدر بالا/پایین است که بخریم و یا بفروشیم. بعبارتی SD range درصدی است که نشان می‌دهد آن محصول (جفت ارز، استاک، ایندکس و...) چقدر ارزان یا گران است.

این نواحی مثل چراغ‌های راهنمایی قرمز است که وقتی به این مناطق می‌رسید حق خرید و فروش ندارید.

تایم فریم انتخابی ما برای SD range باید حداقل یک تایم فریم بالاتر از تایم فریم ترید ما باشد. و هر تایم فریم SD range اختصاصی خودش را دارد.

SD range ما همواره از اولین عدم تعادل شکل گرفته در بالا و پایین تشکیل شده است، مگر اینکه آن عدم تعادل از CP تشکیل شده باشد در حالتی که چارت روند نداشته باشد. چندین SD range می‌تواند در کنار هم وجود داشته باشد (چون هر تایم فریم SD range خودش را دارد). هیچ موقع تایم فریم ورود ما نباید بعنوان SD range انتخاب شود.

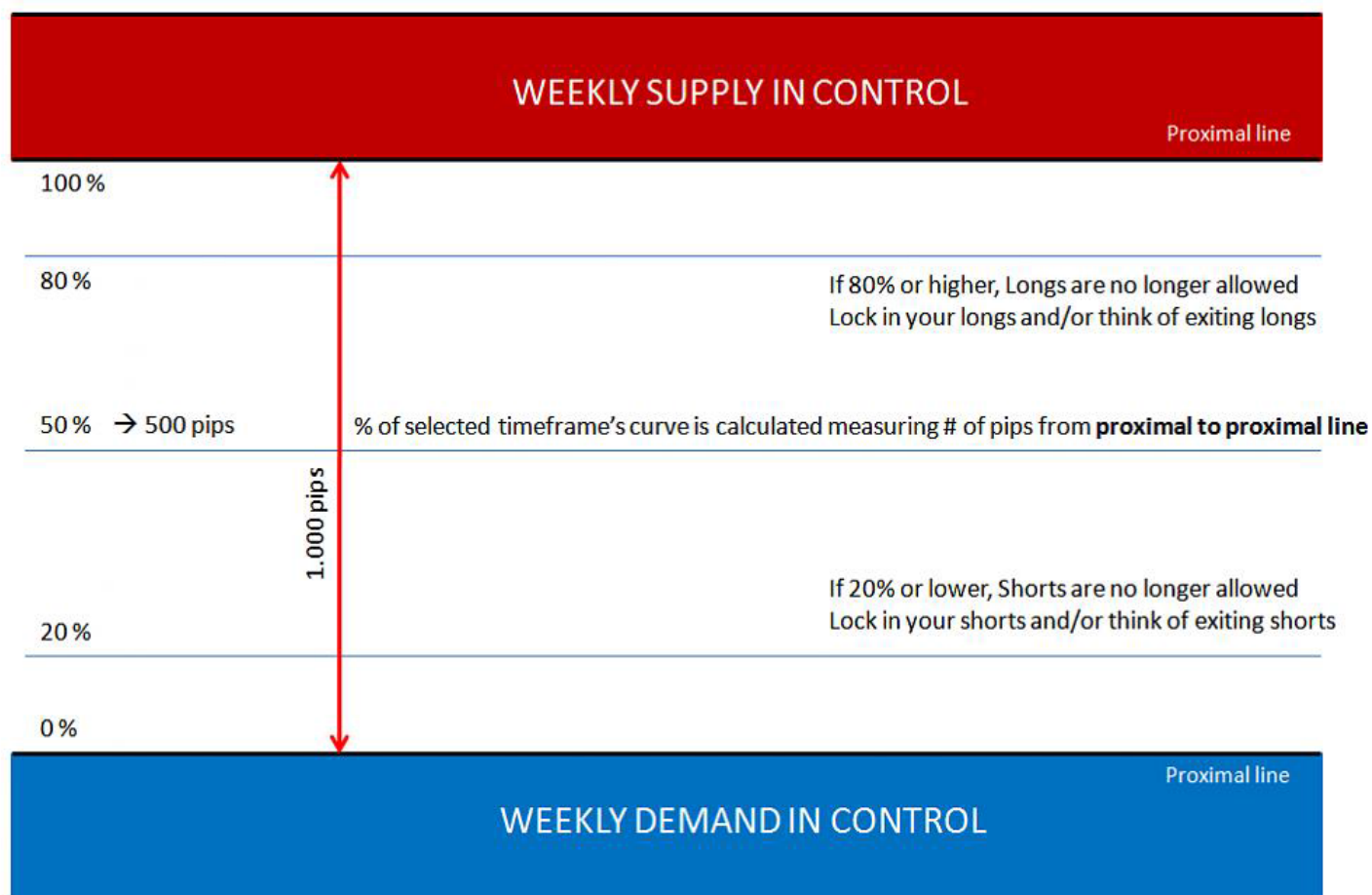
یک SD range تایم پایین نمی‌تواند برای ورود تایم بالاتر انتخاب شود. SD range ها می‌توانند تست شده، مصرف شده و یا تازه باشند.

بالا و پایین SD range: در روزانه و هفتگی: پایین ۰ الی ۲۵٪ - بالا ۷۵ الی ۱۰۰٪

در ماهانه: پایین ۰ الی ۱۵٪ - بالا ۸۵ الی ۱۰۰٪

* حتما باید صبر کنیم تا به این درصدها برسیم.

HIGH or LOW IN SD RANGE?



به محض اینکه یک S یا D را تاج کرد، اصطلاحاً می‌گوییم که S یا D قیمت را در دسترس گرفته است (کنترل را در دست دارد) تا زمانی که بریک شده یا منطقه مخالف را دست بگیرد. برای مشخص کردن SD range ها نواحی CP را وقتی ترند همراه CP نباشد انتخاب نمی‌شوند.

مثال ۱. EURUSD = سوپلای ۱ قیمت را در دست دارد و ترند آشکارا نزولی است و ما در این بخش لانگ نمی‌زنیم و صبر می‌کنیم تا در تایم روزانه (تایم ورود) یک نقطه ورود مناسب برای شورت بدهد.



۱. SD range های مهم شامل روزانه، هفتگی و ماهانه می باشند.

۲. CP ها جزء SD range نمی باشند مگر اینکه قیمت در جهت روند آن CP ها حرکت کند.

۳. اگر ترند لاین CP شکسته شد دیگر جزء SD range نمی باشد.

۴. ما در میانه SD range ها هیچ کاری نمی کنیم.

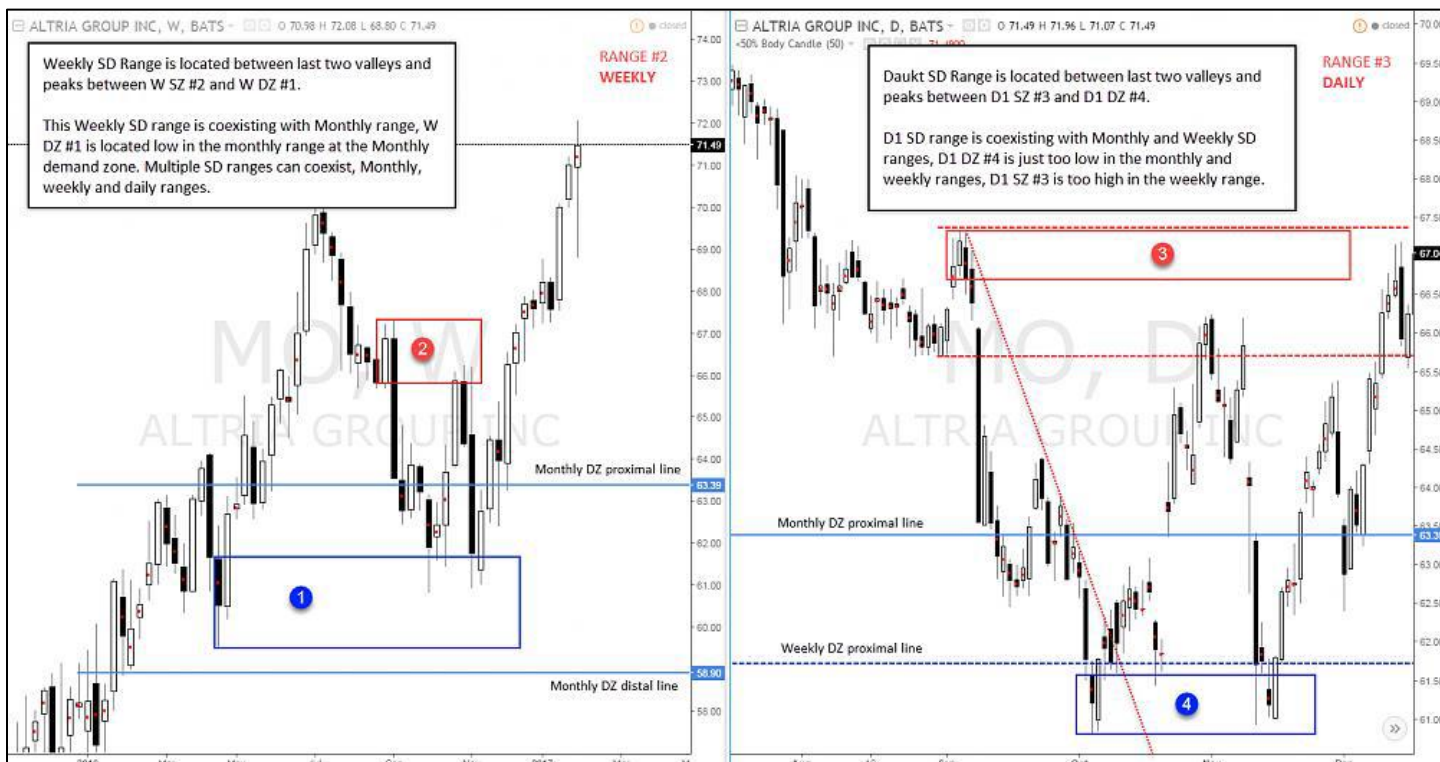
۵. هرچه تایم فریم بالاتر باشد SD range معتبرترند.

۶. در SD range ها همراه با ترند باید ترید کنیم برای احتمال موفقیت بالاتر.

* چندین SD range می توانند با هم وجود داشته باشند. (مثال زیر: هم در هفتگی و هم در ماهانه در پایین SD range هستیم).

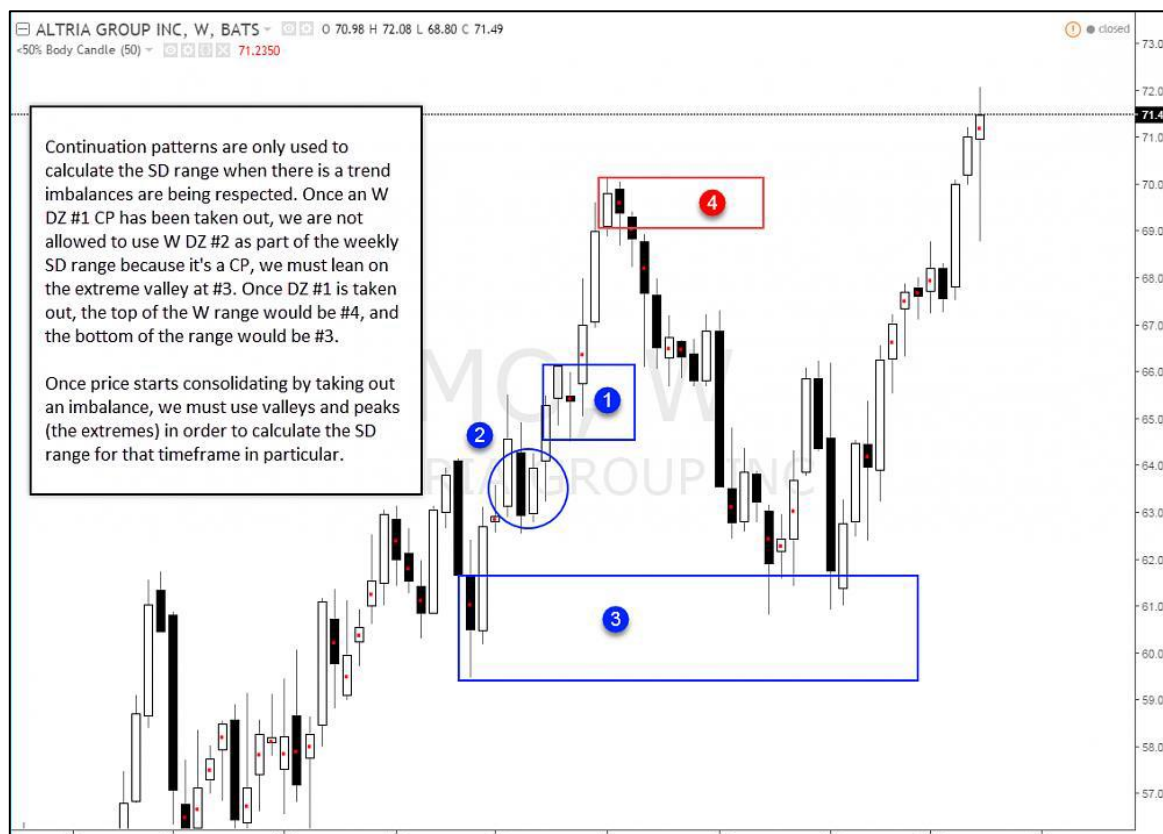


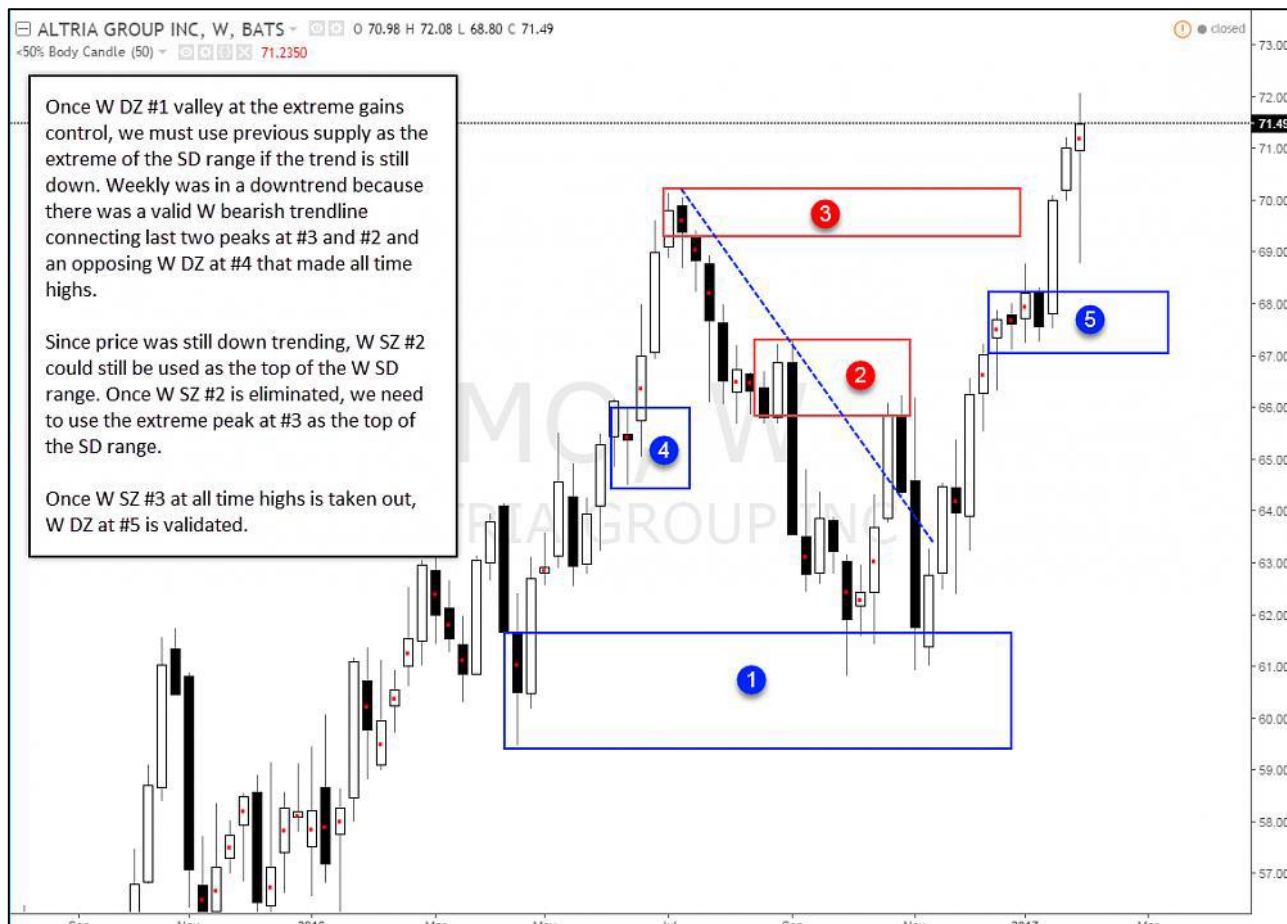
در روزانه، در بخش ۳ سوپلای و در بخش ۴ دیمند است. در بخش ۳ هم در روزانه و هم در هفتگی در بالا هستیم ولی در بخش ۴ هم در روزانه، هم هفتگی و هم ماهانه در پایین هستیم. پس ورود برای لانگ در ناحیه ۴ منطقی‌تر است.



موقعی که ATH هستیم، مدام لانگ می‌زنیم تا زمانی که استاپ بخوریم یا over-extension اتفاق بیافتد و در ATL برعکس.

ناحیه شماره ۲ چون CP بود، بخاطر اینکه روند تغییر پیدا کرده است معتبر نخواهد بود و بنابراین نقطه سوئینگ (شماره ۳) را بعنوان محدوده پایین SD range انتخاب می‌کنیم.

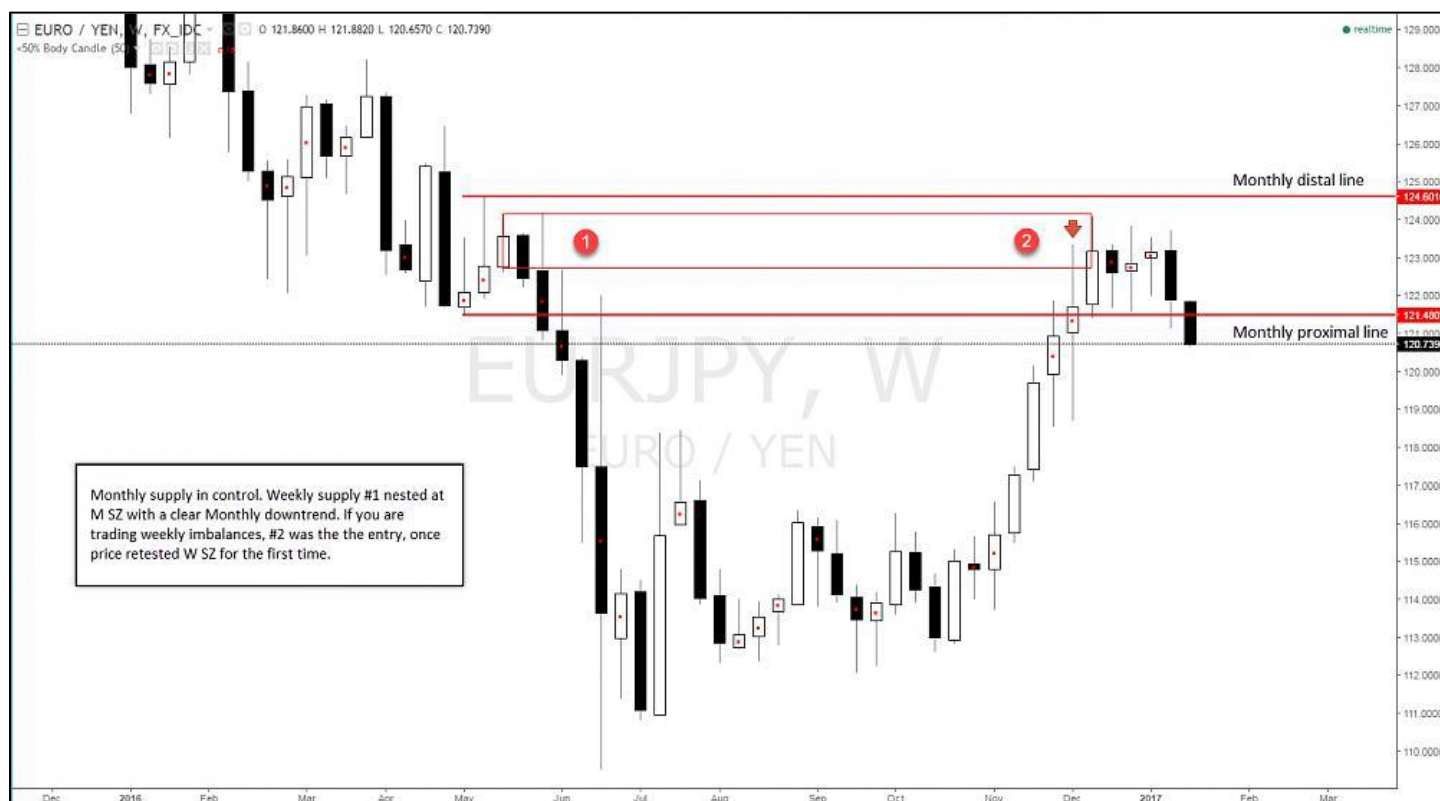




تصویر زیر نقطه ۳ سوپرای ماهانه است که کنترل بازار را در دست گرفته است



تصویر زیر: چارت هفتگی تصویر بالا است که یک سوپلای داخل سوپلای ماهانه قرار دارد. اینجا با توجه به اینکه سوپلای ماهانه قیمت را در دست دارد شورت گرفتن درست است.



تصویر زیر همان چارت های قبلی ولی در تایم روزانه است که سوپلای های روزانه در دل سوپلای های ماهانه و هفتگی قرار گرفته است (این چارت تأییدیه می دهد برای ورود به شورت)



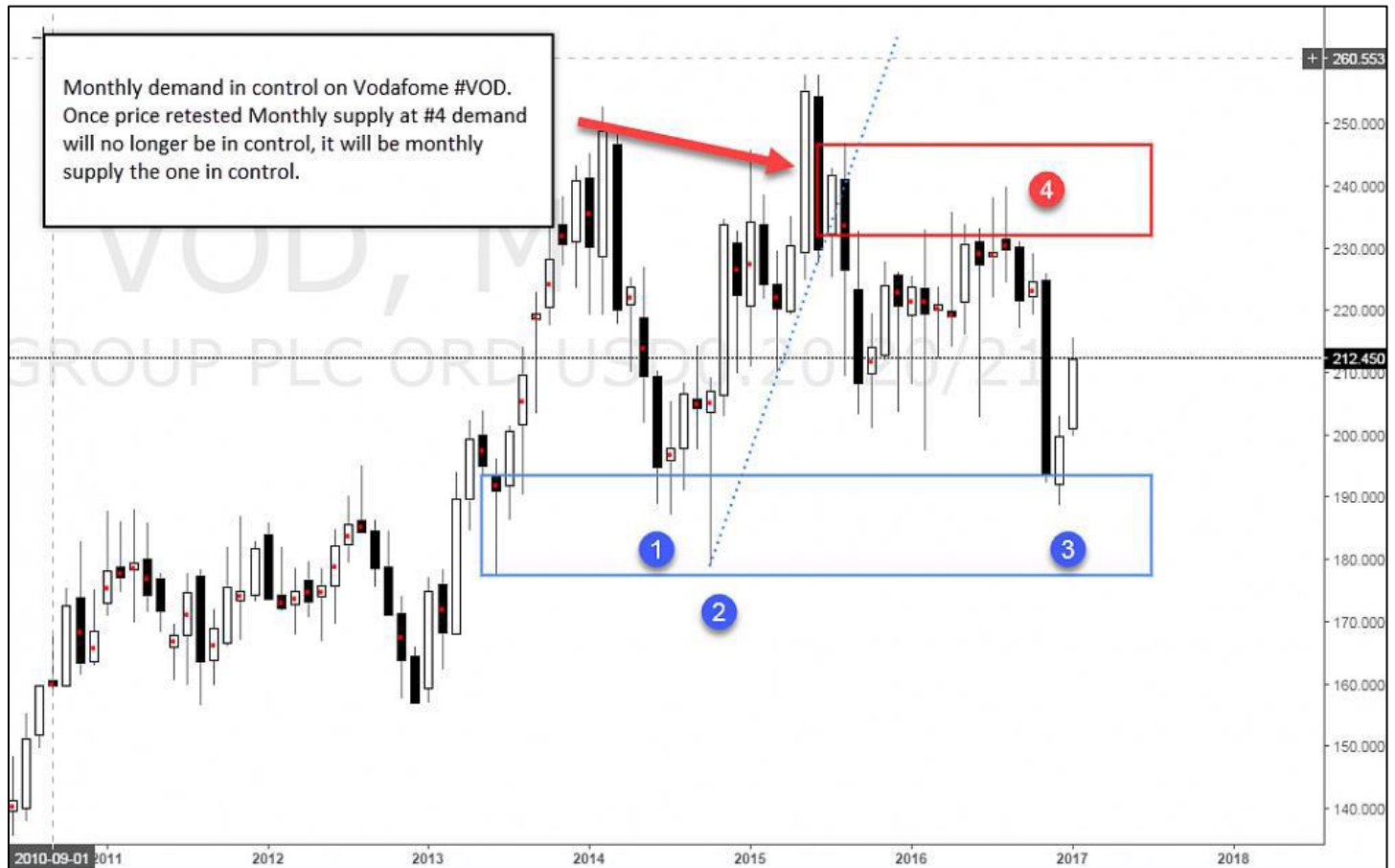
تصویر زیر: در ماهانه سوپلای داریم و در هفتگی هم سوپلای داریم (High in the curve) و سوپلای تایم بالا قیمت را در دست دارد.



مفهوم "یک زون کنترل را در دست دارد": هر وقت که قیمت زون را تست کند، می‌گوییم آن زون کنترل را در دست دارد. زمانی که اینگلف شده و یا منطقه‌ای مخالف کنترل را در دست بگیرد. SD range ربطی به این موضوع ندارد.



در تصویر زیر سوپلای ۴ کنترل را در دست داشت تا زمانی که دیمند ۳ (Low in the curve) کنترل را در دست گرفت.



مهم است که عدم تعادل‌ها را درست ترسیم کنیم ولی مهم‌تر از آن این است که بدانیم چقدر Low/High in the curve در SD range هستیم.

سطحی که قیمت را در دست دارد می‌تواند جزئی از SD range ما باشد.

تصویر زیر: در تایم روزانه چطور می‌توانیم در این مناطقی که قیمت را در دست دارند ورود بزنیم:

۱. می‌توانیم صبر کنیم که سطوح جدیدی از تقاضا () ایجاد شوند؛
۲. می‌توانیم منتظر گرفتن پوزیشن‌های WoW باشیم؛ و
۳. می‌توانیم اوردرد Set and Forget قرار دهیم.

PRICE AT WEEKLY DEMAND IN CONTROL?

DAILY as entry TF

CONFIRMATION

1. Wait for price to form BRAND NEW levels of demand on D1 within the WK demand area
2. Wait for D1 WoW longs as confirmation
3. Set limit orders at fresh areas of demand (blue rectangles). CPs often happen often at the beginning of the realignment

SET & FORGET

1. Look for original and fresh levels of demand within the WK demand zone
2. Set limit orders at the proximal line of those zones



..... (V-22) و (V-21) ◀

تریدهای مومنتومی / تریدهای لوکیشنی

ستاپ‌های مومنتومی: تریدهایی بر اساس حرکت قیمت. زمانی ایجاد می‌شود که فضای زیادی دارد برای حرکت به سمت منطقه مقابل خود. این حرکت بخاطر وجود تصویر بزرگ که دارای ترند بسیار واضحی است. این ستاپ‌ها کجا ایجاد می‌شوند:

- قیمت حرکت خودش را با ترند تایم فریم‌های بالاتر همراه می‌کند.
- محلی که ستاپ‌های WoW ترید داریم (بعد از تشکیل). قیمت از آن منطقه در جهت عدم تعادلی که قیمت را در دست دارد به حالت یک الی سه CP دور شده و سپس این Over-Extension ریست شده یک دره/قله جدید تشکیل شده و یک روند تازه ایجاد می‌شود.
- روند تایم فریم بالای ما در حال رنج زدن است. مثلاً قیمت تمایل دارد که از D ماهانه به سمت S ماهانه حرکت کند تا یکی از این‌ها دیگری را از بین ببرد. در این شرایط احتمال شکل‌گیری یک WoW ترید روزانه رخ دهد و قیمت با یک مومنتوم به سمت سوپلای ماهانه حرکت می‌کند.
- جایی که یک تایم فریم بالاتر شکسته شود. مثلاً مارکت دارای روند است و قیمت یک عدم تعادل هفتگی یا ماهانه را از بین می‌برد، در این شرایط قیمت تمایل دارد مومنتوم تریدهایی را در جهت آن شکست ایجاد کند.

دو سناریو از تریدهای مومنتومی:

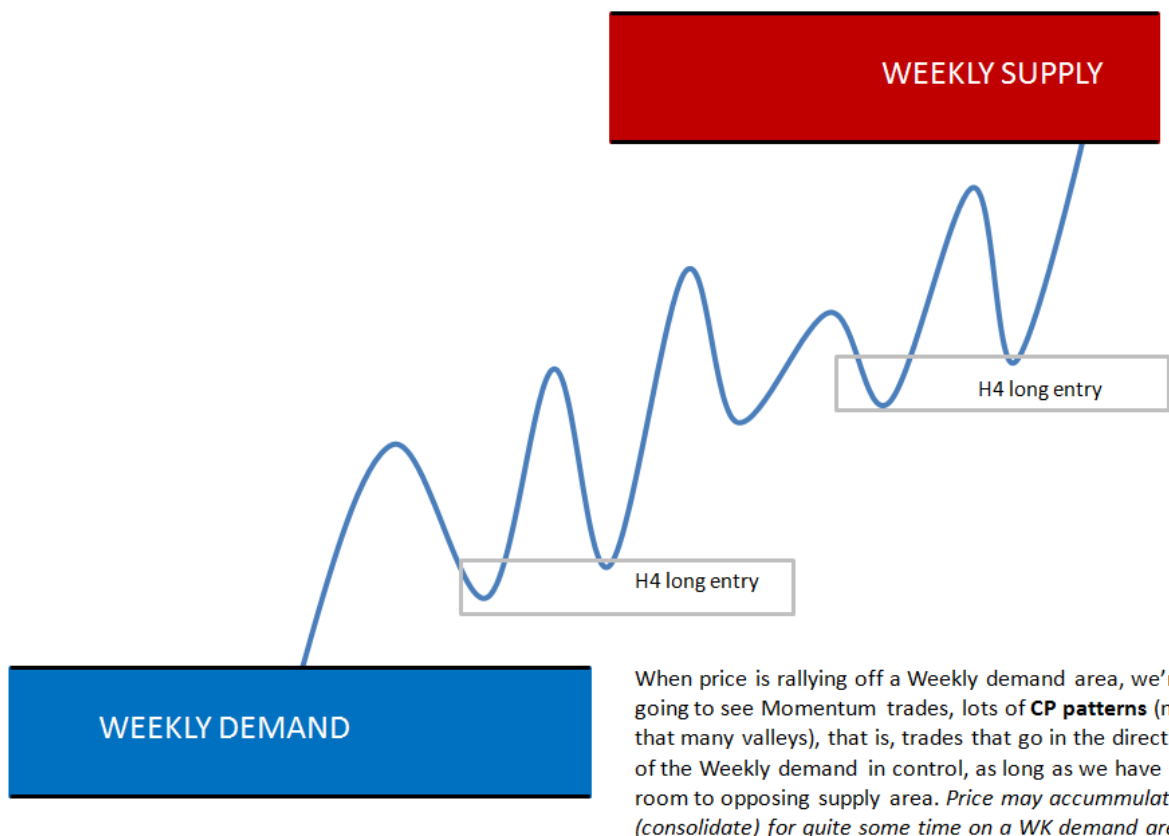
سناریو ۱:

- هفتگی نزولی
- روزانه نزولی
- دیمندهای روزانه در حال از بین رفتن هستند
- سوپلایهای روزانه جدید در حال شکل گیری هستند و به آنها احترام گذاشته می شود
- دو قله هم مشخص شده برای ترسیم ترندلاین روزانه
- ۴ ساعته نزولی
- دیمندهای روزانه در حال حذف شدن هستند
- سوپلای های جدید شکل گرفته و به آنها احترام گذاشته می شود
- ترندلاین نزولی قابل ترسیم از دو قله است
- قیمت درون تایم فریم ۴ ساعته هنوز خیلی با D هفتگی فاصله دارد
- چکار باید بکنیم:
- در تمام سوپلایهای معتبر ۴ ساعته می توانیم فروش انجام بدیم (پوزیشن شورت) تا زمانی که به یک D هفتگی تازه برسیم
- تریدهای مومنتومی است زیرا بر اساس مومنتوم حرکت تایم بالا حرکت می کند.

سناریو ۲:

- هفتگی نزولی
 - دیمندهای هفتگی در حال از بین رفتن هستند
 - سوپلایهای جدید هفتگی در حال شکل گیری است و به آنها احترام گذاشته می شود
 - می توانیم از ۲ قله برای ترسیم خط روند نزولی استفاده کنیم که نشان از شورت گرفتن است
 - به تازگی یک دیمند هفتگی حذف شده است.
 - روزانه نزولی
 - حرکات قوی (ایمپالس های) جدیدی به سمت پایین در حال شکل گیری است که این امواج باعث شکست آخرین دیمند هفتگی شدند.
 - یک سوپلای جدید هم پس از شکست یک دیمند هفتگی شکل می گیرد
 - چکار باید بکنیم:
 - پس از شکست یک منطقه مخالف و با یک روند خیلی واضح، مناطقی که برای ما خیلی مهم هستند و می توانند به ما کمک کنند، CP ها هستند (گرفتن شورت)
 - همه سوپلایهای روزانه و ۴ ساعته می توانند برای ما معتبر باشند برای شورت گرفتن
- تصویر زیر: در این مسیر می توانیم به تعداد زیادی CP برخورد کنیم که می توانیم از آنها برای ورود به معامله در جهت روند استفاده کنیم.

MOMENTUM TRADE SETUP



ستاپ‌های لوکیشنی: در مناطقی ظاهر می‌شوند که زون‌های آشیانه کرده داریم، یا مناطق همپوشانی (مثلاً EMA و کندل و ترند و...). در مواقعی که می‌خواهیم ضد روند ترید کنیم هم بکار می‌رود. این ستاپ‌ها کجا ایجاد می‌شوند:

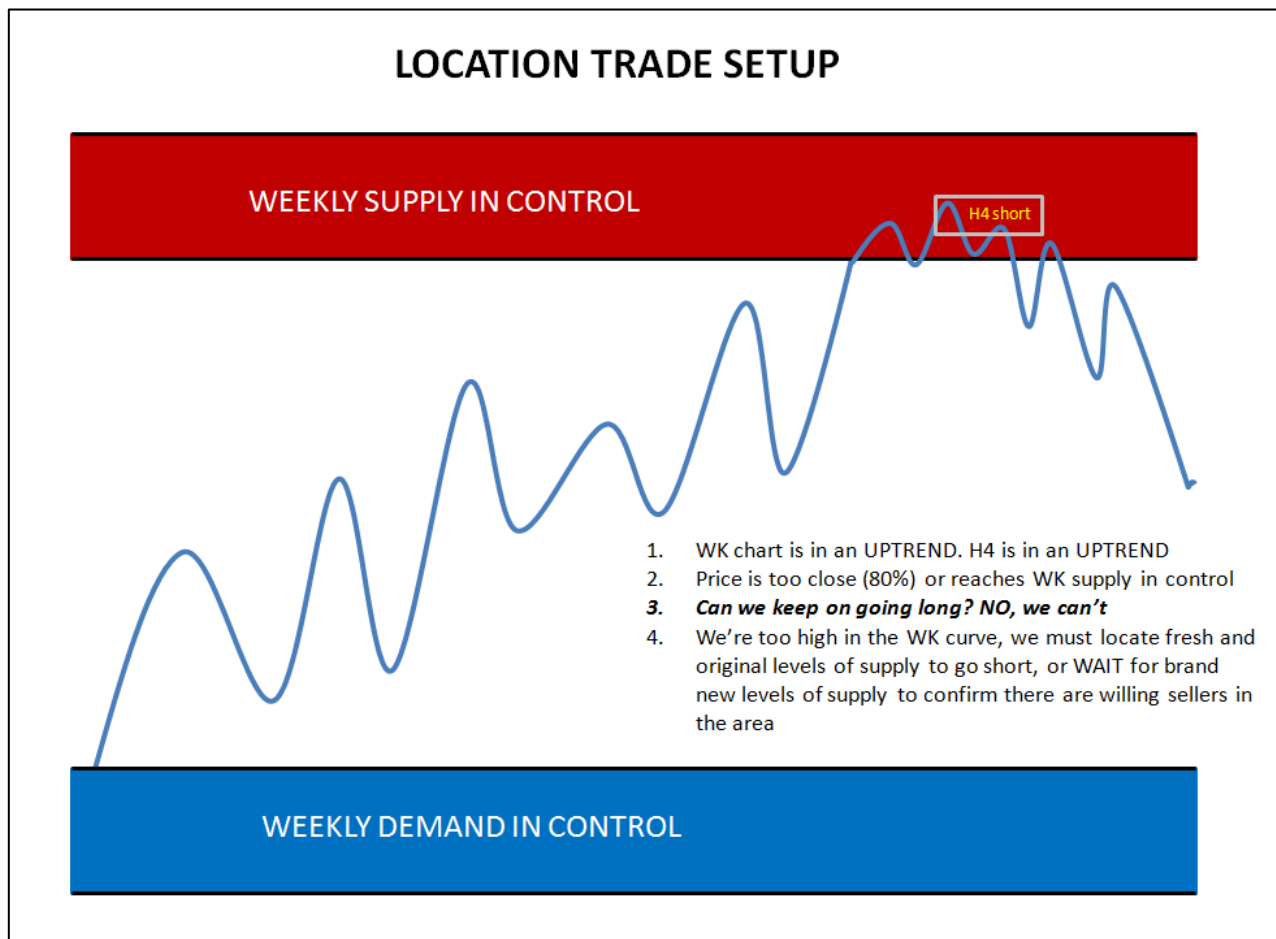
- در محلی که قیمت خودش را تصویر بزرگ هم‌جهت می‌کند. مثلاً در ماهانه و هفتگی صعودی هستیم و روزانه نزولی است و همسو با ماهانه و هفتگی نیست. زمانی که قیمت به دیمند هفتگی برخورد می‌کند، احتمالاً رالی را از آنجا شروع کرده و همسو با تایم فریم ماهانه و هفتگی می‌شود.
- قبل از اینکه یک WoW ترید شکل بگیرد. زمانی که یک عدم تعادل تایم بالاتر تست شده و کنترل قیمت را در دست می‌گیرد، قیمت تمایل دارد که به آن واکنش نشان دهد و یک ترندلین تایم فریم پایین را بشکند. اگر صبر کنیم که آن WoW ترید شکل بگیرد، که تبدیل به یک ترید مومنتومی می‌شود اما دقیقاً پیش از رخ دادن WoW ترید، همینکه قیمت به یک منطقه آشیانه کرده در تایم فریم بالاتر برخورد کرده و در حال تست است، ما آنجا می‌توانیم ستاپ لوکیشنی خودمان را قرار دهیم.
- تایم فریم بزرگ ما در حال رنج باشد. مثلاً ماهانه رنج است قیمت تمایل دارد از دیمند ماهانه به سمت سوپلای ماهانه حرکت کند، تا زمانی که یکی از آن دو شکسته شود. ما باید منتظر تأییدیه باشیم زمانی که قیمت در بالا یا پایین آن رنج است. خیلی از تریدهایی که در این تأییدیه رخ می‌دهند می‌توانند درون عدم تعادل ماهانه قرار بگیرند.
- تریدهای ضد روند صرفاً بر اساس محل قیمت. ستاپ‌های لوکیشنی معمولاً از آن نوع حرکت‌ها هستند که برگشت‌های V شکل را تشکیل می‌دهند.

در ستاپ‌های لوکیشنی جهت حرکت تایم فریم بالا را خیلی در نظر نمی‌گیریم، فقط برای ما مهم است که در SD range چقدر بالا یا پایین هستیم. صرفاً در مورد این هست که دقیقاً کجا هستیم.

سناریو از تریدهای مومنتومی:

سناریو ۱:

- هفتگی صعودی
- روزانه تریدینگ رنج صعودی
 - یک دیمند روزانه از بین رفته
 - یک سوپلای روزانه جدید هم تشکیل شده
- ۴ ساعته صعودی
 - ۴ ساعته در حال حرکت به سمت سوپلای روزانه‌ای است که جدیداً تشکیل شده است
 - یک سوپلای ۴ ساعته دقیقاً درون سوپلای روزانه آشیانه کرده است.
- چکار باید بکنیم:
 - آیا می‌توانیم لانگ بگیریم؟ نه! چون روزانه همسو با هفتگی نیست. شورت‌های ضد روند اینجا می‌توانند اتفاق بیافتند.
 - ما در روزانه خیلی بالا و نزدیک سوپلای روزانه هستیم.
 - به دنبال یک سوپلای ۴ ساعته هستیم که درون سوپلای روزانه آشیانه کرده است.



ستاپ‌های مومنتومی + لوکیشنی: بسیار عالی و قدرتمند. این ستاپ‌ها در جهت تایم بالا هستند و درون یک عدم تعادل تایم بالاتر قرار گرفته‌اند. مثلاً یک D روزانه که درون یک D هفتگی جای گرفته و در عین حال روند ماهانه و هفتگی هم صعودی است. این نوع ستاپ دقیقاً همان نوع ستاپ Set and Forget است.

این ستاپ‌ها بسیار قوی بوده و منتظر تأییدیه‌ای برای ورود نخواهیم بود. برای شکار این ستاپ‌ها نیاز به صبوری بیشتری است.

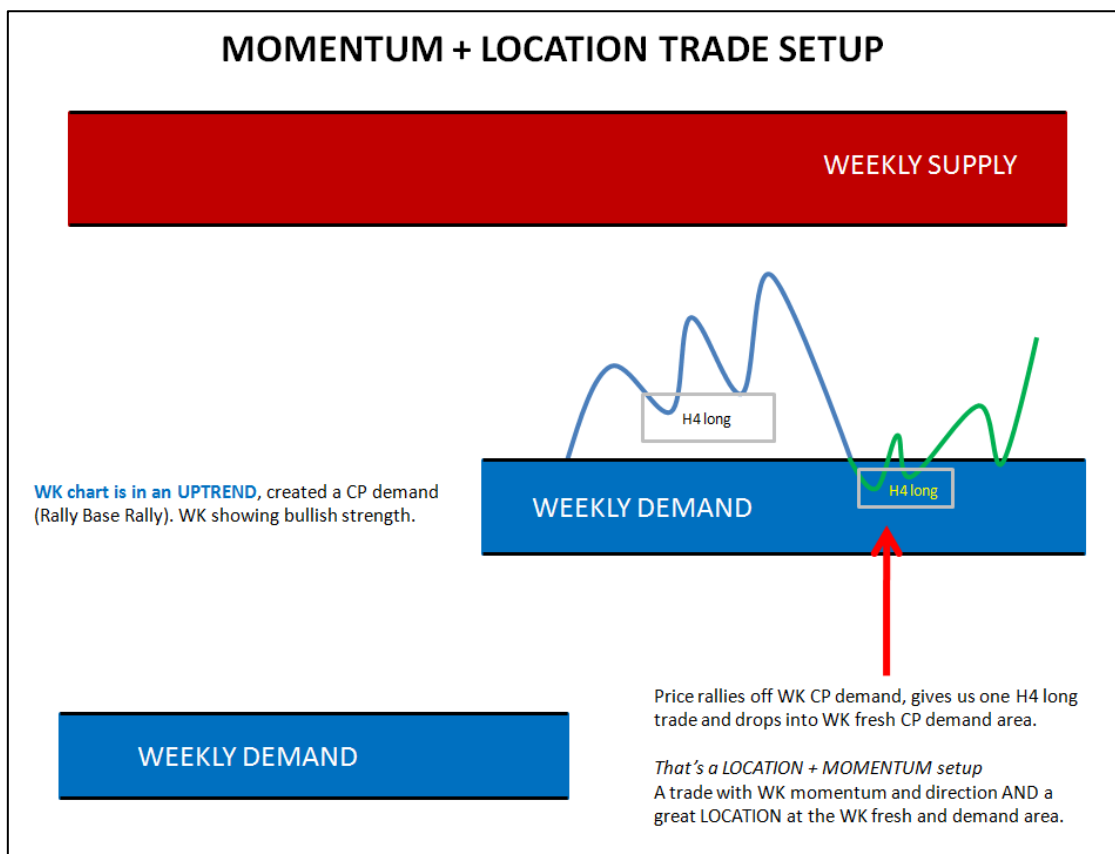
این ستاپ در دو حالت رخ می‌دهد:

- وقتی قیمت خودش را در حال همسو کردن با تایم فریم بالاتر خود است. مثلاً اگر ماهانه و هفتگی صعودی هستند و قیمت به یک دیپند روزانه که درون یک دیپند هفتگی قرار دارد برخورد می‌کند.
- زمانی که یک WoW ترید در درون یک عدم تعادل تایم بالا بازی می‌کند. WoW ترید، یک ترید مومنتومی است ولی اگر WoW ترید دقیقاً درون یک زون تایم بالا باشد، پس یک ترید لوکیشنی هم هست.

سناریو از تریدهای مومنتومی:

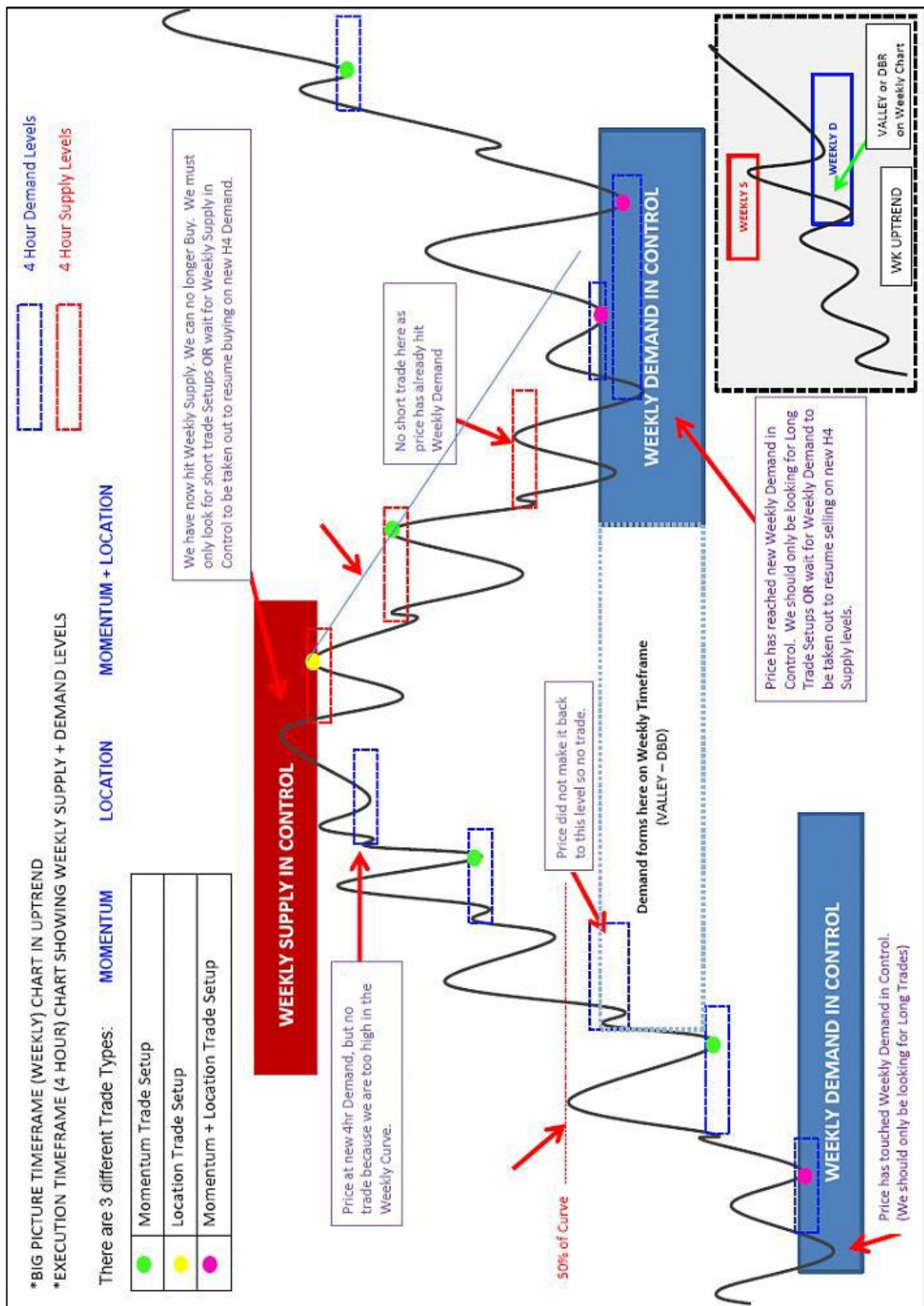
سناریو ۱:

- ماهانه صعودی
- هفتگی صعودی
- سوپلای‌های هفتگی در حال از بین رفتن هستند.
- دیپندهای هفتگی در حال شکل‌گیری و تأیید هستند.
- یک ترند لاین صعودی هم در هفتگی می‌توان ترسیم کرد.
- قیمت به یک دیپند هفتگی هم در حال نزدیک شدن است
- روزانه نزولی
 - دیپندها در حال از بین رفتن هستند.
 - سوپلای‌های جدید در حال شکل‌گیری است
 - ترند لاین نزولی روزانه را می‌توانیم ترسیم کنیم.
- چکار باید بکنیم:
 - آیا می‌توانیم شورت بگیریم؟ نه! چون در SD range هفتگی بسیار پایین هستیم و به یک دیپند تازه نزدیک‌تر هستیم.
 - یک Set and Forget لانگ را برنامه‌ریزی می‌کنیم با ورود روزانه. یک دیپند روزانه را داخل دیپند هفتگی شناسایی و یک Buy Limit آنجا قرار می‌دهیم.
 - روزانه و ۴ ساعته می‌توانند بعنوان تأییدیه مورد استفاده قرار گیرند (وقتی مطمئن نیستید).



مثال جامع تمام موارد و نکات گفته شده در ستاپ‌های مومنتومی و لوکیشنی:

- تمام نواحی با خطچین آبی و قرمز مربوط به تایم ۴ ساعته است.

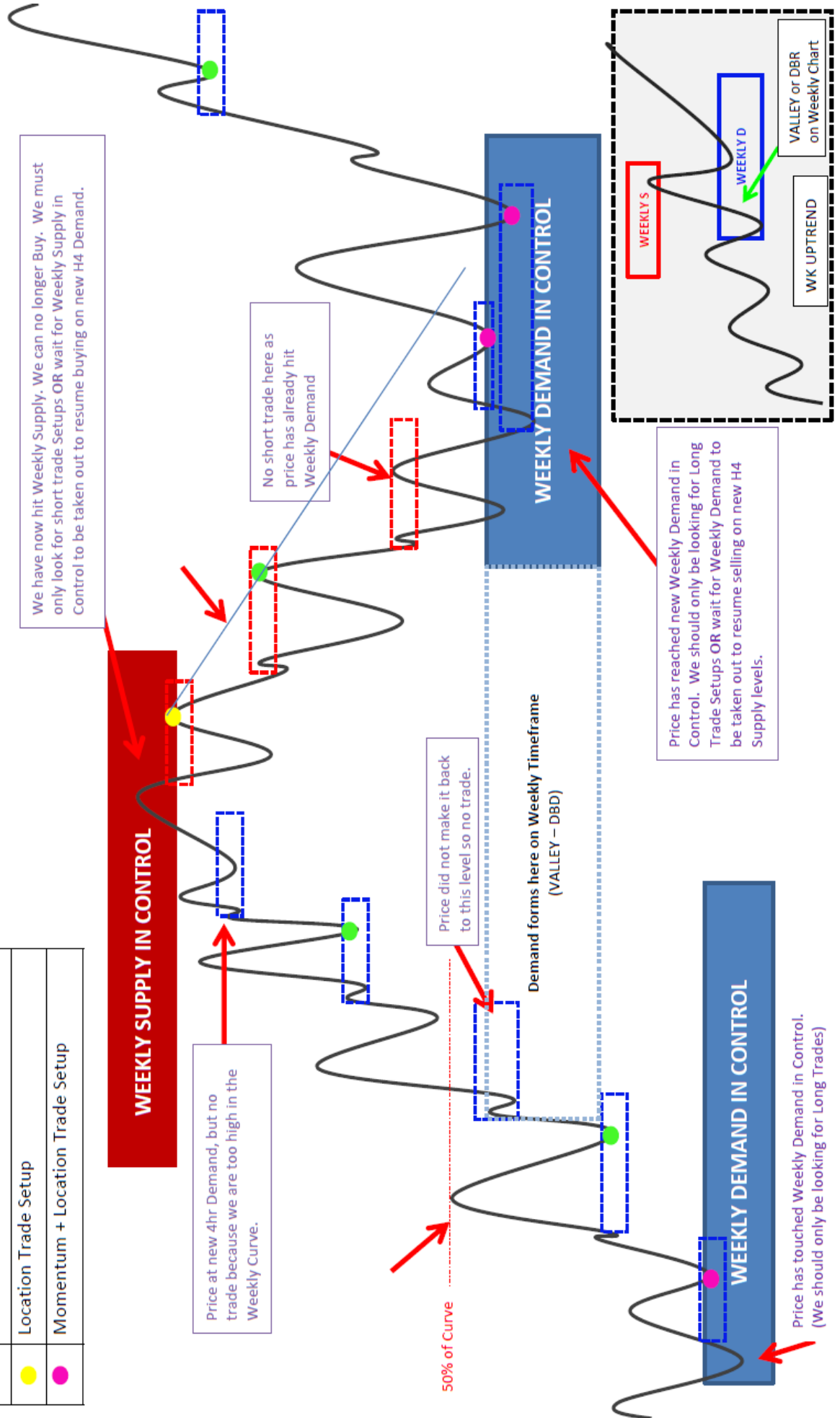


4 Hour Demand Levels
4 Hour Supply Levels

*BIG PICTURE TIMEFRAME (WEEKLY) CHART IN UPTREND
*EXECUTION TIMEFRAME (4 HOUR) CHART SHOWING WEEKLY SUPPLY + DEMAND LEVELS

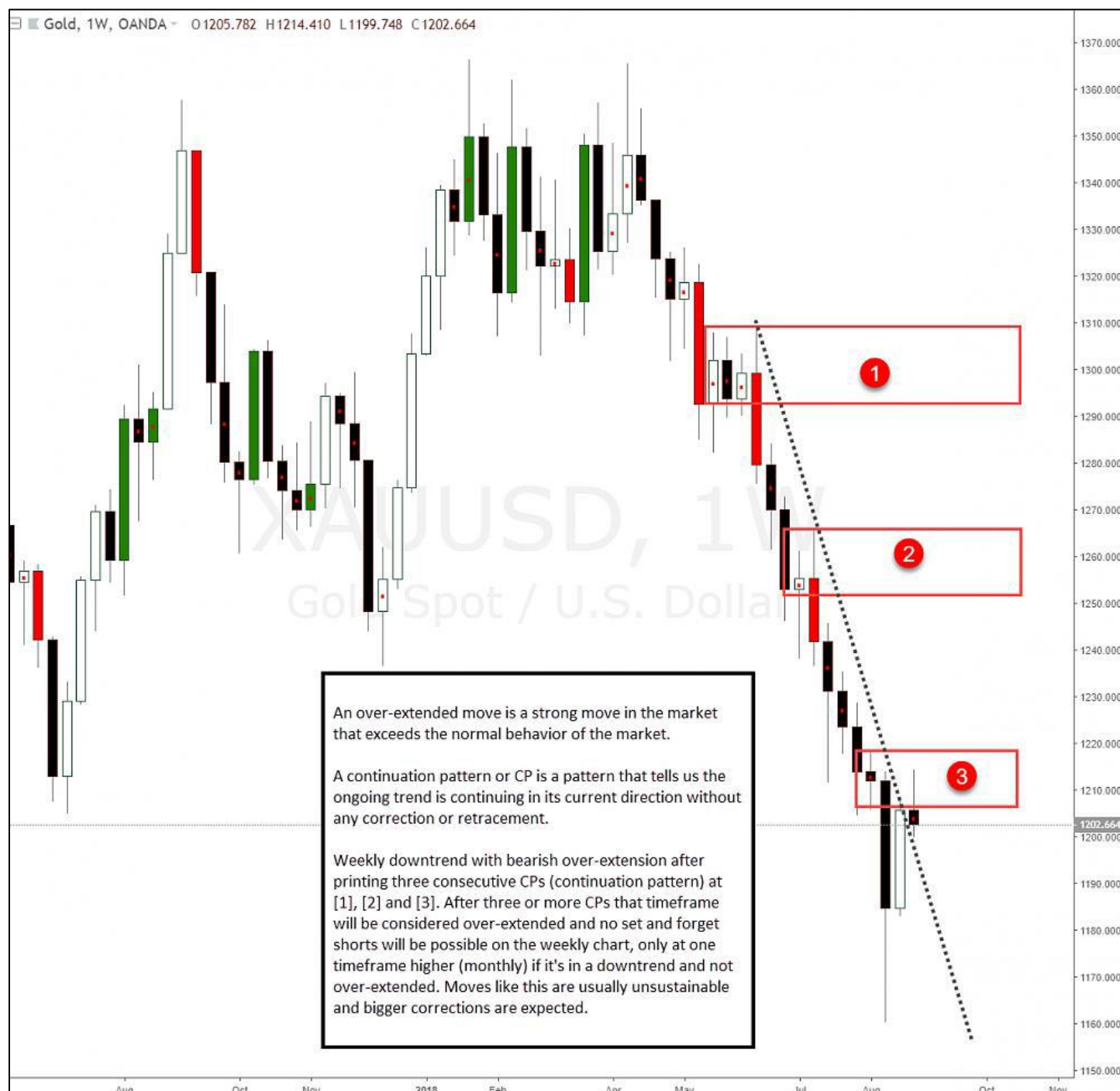
There are 3 different Trade Types: **MOMENTUM** **LOCATION** **MOMENTUM + LOCATION**

●	Momentum Trade Setup
●	Location Trade Setup
●	Momentum + Location Trade Setup



Over-Extension و حرکات ناپایدار

Over-Extension یک حرکت قوی قیمت است که از رفتار نرمال مارکت خارج است. این اتفاق زمانی می‌افتد که فشار خرید و فروش خیلی زیاد است. حرکات اصلاحی در چنین حرکتی بسیار ضعیف و کوچک است. قیمت معمولاً پس از Over-Extension به منشا شروع حرکت خودش بازمی‌گردد.



CP ها روندی را نمی‌سازند، بلکه همان روند قبلی را ادامه می‌دهند.

سرمایه‌گذارهای بزرگ در منشاء حرکت Over-Extension تصمیم به حرکت دادن قیمت می‌کنند و در CPهای اول و دوم به حجم معاملات خود اضافه می‌کنند و در CP سوم سایر معامله‌گران به بازار اضافه می‌شود.

ما در کجا می‌توانیم از Over-Extension استفاده کنیم برای ترید:

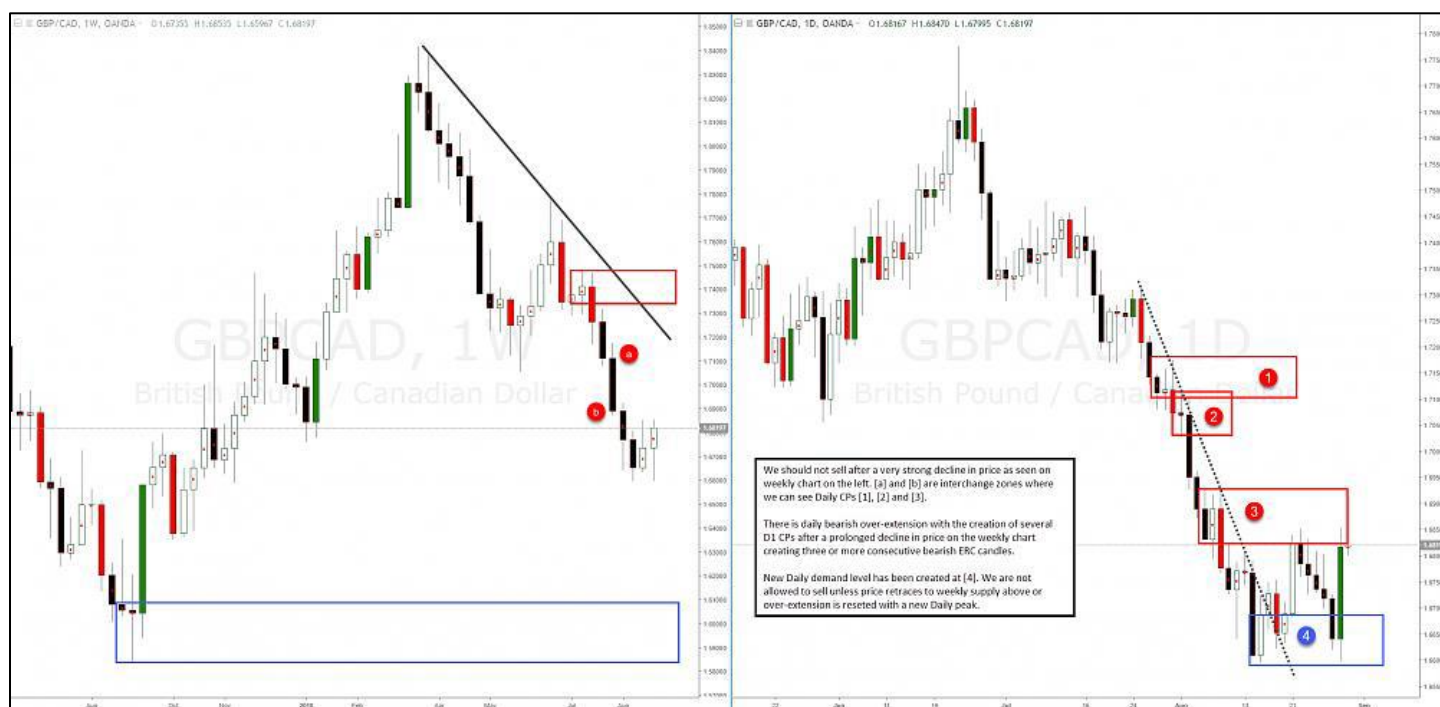
- **تریدهای ضد روند**، زمانی که قیمت پس از Over-Extension به یک عدم تعادلی در تایم بالا برخورد می‌کند.
- **تریدهای Set and Forget**، زمانی که به یک عدم تعادل خیلی قدرتمند می‌رسیم در تایم کوچکتر یک Over-Extension داشته باشیم. زمانی که قیمت به یک عدم تعادل تایم بالا می‌رسد و آخرین CP با برگشت قیمت از بین می‌رود می‌توانیم با اطمینان بیشتری این ستاپ را قرار دهیم.
- **برای تریل کردن پوزیشن‌ها**، از ناحیه‌ای که پوزیشن گرفتیم و قیمت Over-Extension می‌کند، و چون این حرکت یک حرکت موقت است و احتمالاً قیمت به منشا حرکت برگردد، باید پس از هر CP سیو سود داشته باشیم، به ویژه پس از CP سوم.
- **برای مواقعی که می‌خواهیم پوزیشن را ببندیم**، زمانی که Over-Extension شده بهتر است از پوزیشن خارج شویم. مگر اینکه صبر کنیم قیمت یک اصلاح عمیق انجام دهد و ما وارد پوزیشن جدید با مسیر جدید شویم.

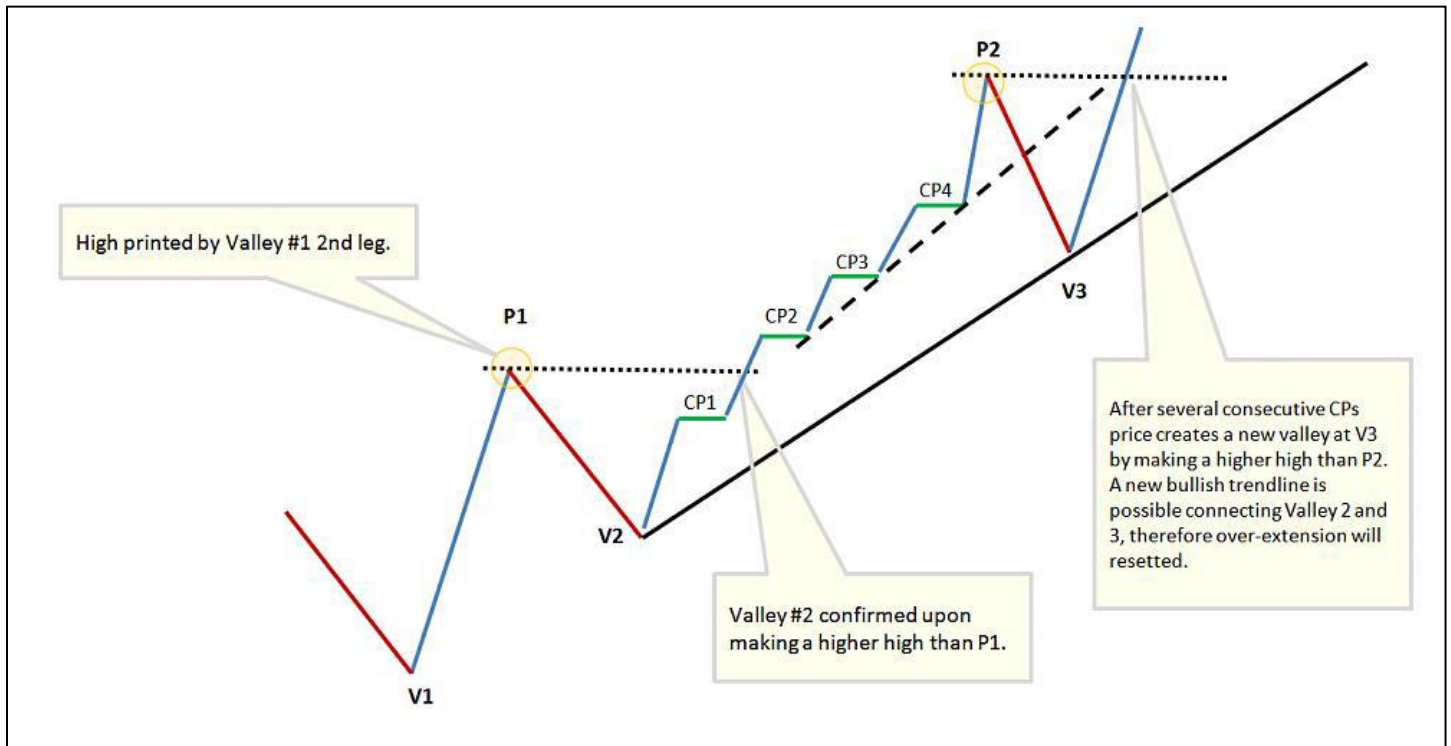
Over-Extensionها معمولاً پس از یک ایمپالس بسیار قوی رخ می‌دهند.

دیدگاه عرضه و تقاضایی: در قیمت پایین بخریم و در قیمت بالا بفروشیم

وقتی چندین کندل ERC رخ می‌دهد، قیمت از ناحیه خرید خیلی فاصله گرفته است. در نواحی بین کندل‌های ERC می‌توانیم چندین interchange zone تشخیص دهیم که در تایم پایین CP هستند.

مثلاً در تصویر زیر، مارکت در تایم هفتگی به شدت ریخته (با کندل‌های ERC) وقتی به تایم روزانه می‌رویم مشاهده می‌شود که در interchange zoneهای هفتگی CP داریم.



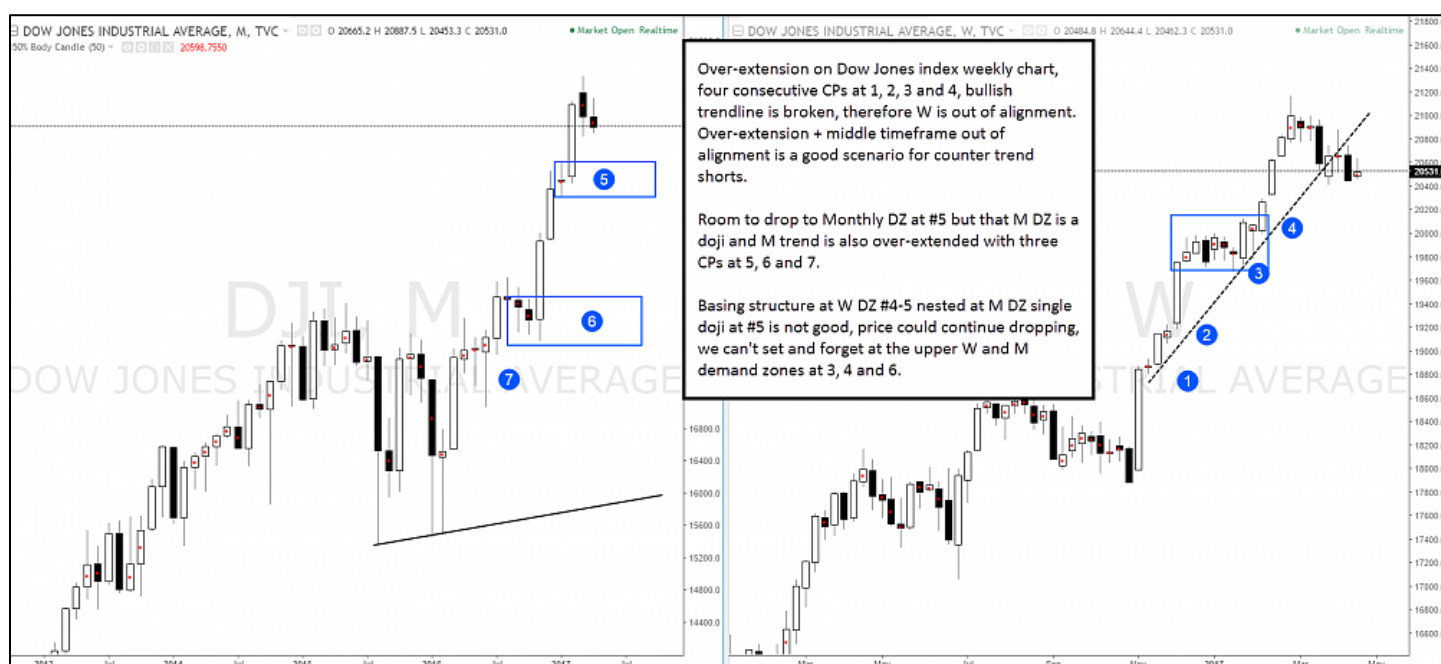


مثال





مثال: مطابق زیر ماهانه صعودی ولی هفتگی پس از Over-extension و شکست خط روند، وارد رنج صعودی شده. در ماهانه دیدیم ما (شماره ۵) یک تک کندل دوجی است بنابراین خیلی منطقه مهم و دیدیم قوی به حساب نمیداد.

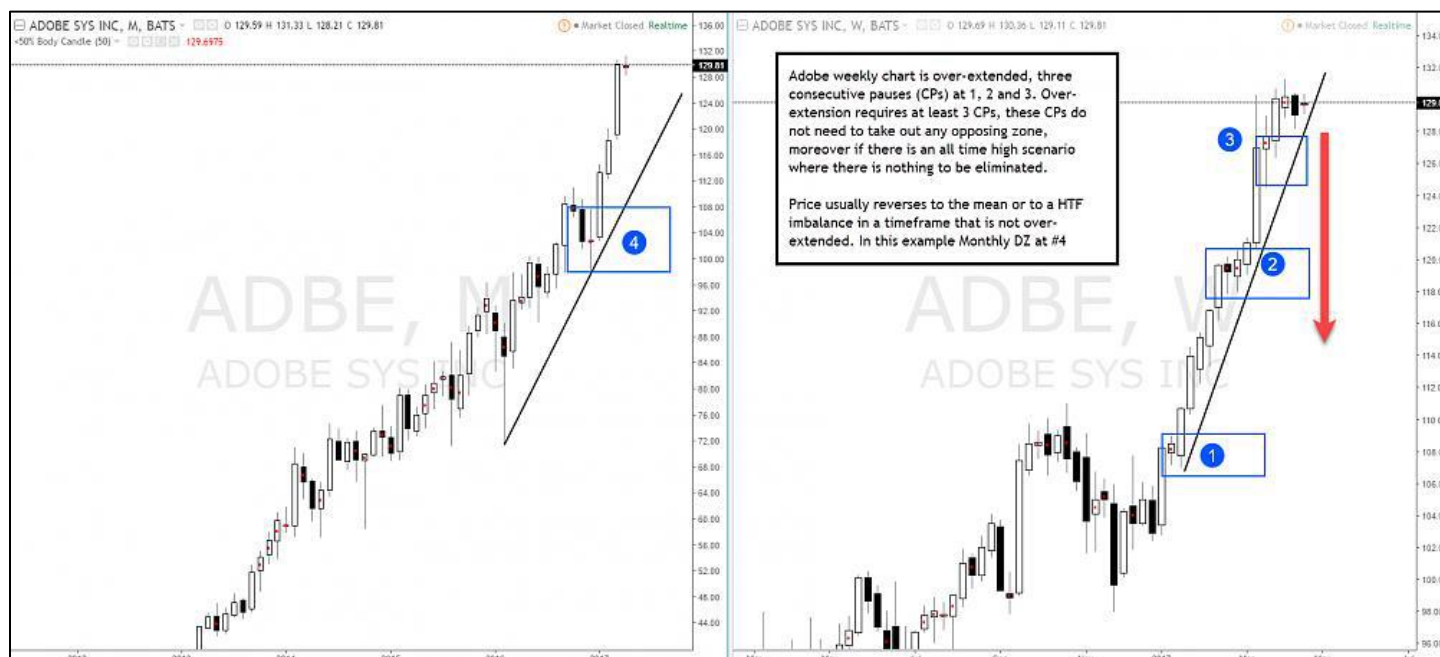


مثال: در ناحیه ۲ چون کندلی که سایه بلندی دارد نتوانسته زیر کندل قبلی خودش بسته شود پس CP محسوب می‌شود. در تایم روزانه Over-extension انجام شده و بعد آن ریزش کرده است. برگشت قیمت در هفتگی تبدیل به Over-extension شده و سه CP شکل داده و میتوان در ناحیه ۹ یک ستاپ Set and Forget گذاشت.



مثال. در تایم روزانه یک Over-extension داریم و در هفتگی هم به ناحیه ۴ برگشت خورده و همین ناحیه ۴ در روزانه باعث شده ترند نزولی شکسته شود.





مثال. در تایم هفتگی نمی توانیم شورت داشته باشیم مگر اینکه به یک سوپلای ماهانه برخورد کرده باشد.



← دقیقه ۵۵ = نکات تکمیلی در مورد ترندلاین

ترندلاین‌ها مثل چراغ‌های راهنمایی هستند که به ما چراغ سبز و یا قرمز می‌دهند مبنی بر اینکه آیا در همان راستای ترند موجود تردید کنیم یا نه. برخی قوانین در مورد ترندلاین:

۱. ترندلاین‌ها در تمام تایم فریم‌ها قابل ترسیم هستند برای فهمیدن جهت و ارزیابی توالی و ساختار قیمت.

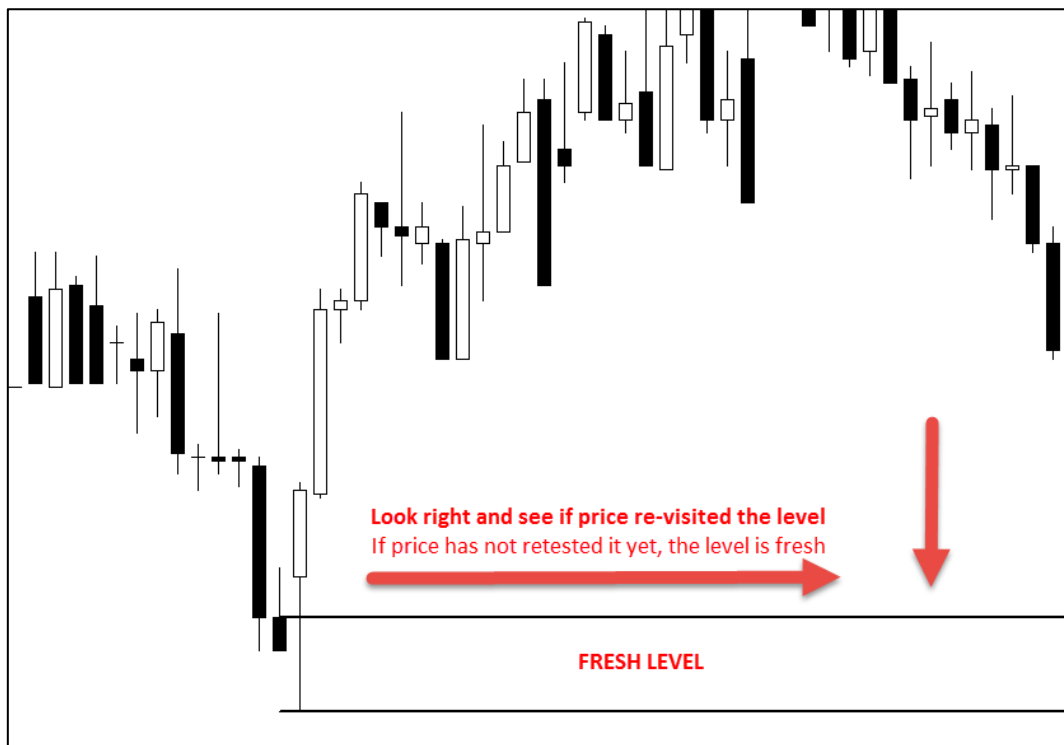
۲. برای ترسیم ترندلاین‌ها نیاز به دو قله یا دره داریم.
۳. ترسیم ترندلاین به تنهایی به معنای آن نیست که ما یک ترندی داریم، بلکه باید زون مخالفی رو هم حذف کند.
۴. باید ترندلاین‌ها را مدام به روزرسانی کنیم. اگر قیمت به ترندلاین ترسیم شده برای دو قله/دره قبلی برخورد کند نشان از قدرت بالای آن ترندلاین است.
۵. برای ترسیم ترندلاین از CPها استفاده نمی‌کنیم.
۶. اگر یک پوزیشن خرید داشتید، جایی که ترندلاین شکسته شد، بهتر است از پوزیشن خارج شوید زیرا اولین نشانه‌ها از خارج شدن روند صعودی است.
۷. اگر یک پوزیشن نزولی داشتید، جایی که ترندلاین شکسته شد، بهتر است از پوزیشن خارج شوید زیرا اولین نشانه‌ها از خارج شدن روند نزولی است.
۸. وقتی یک روند صعودی/نزولی داریم و این روند به یک دیمند/سوپلای تایم بالا برخورد می‌کند، دیگر ترندلاین ترسیم شده معتبر نیست. ترسیم ترندلاین در محدوده‌های SD تایم بالا اعتبار ندارد. زیرا این مناطق، مناطقی هستند که ایجاد چرخش در مارکت ایجاد می‌کنند.
۹. زمانی که قیمت در تایم فریم‌های بالا به محدوده‌های SD برخورد کرده باید منتظر باشیم تا در تایم فریم ورودمان ترندلاین‌های جدید شکل بگیرد.
۱۰. اگر منطقه‌ای که می‌خواهیم ورود به پوزیشن کنیم، درون یک تایم فریم بالاتر باشد و یک ضرر بدیم، وارد پوزیشن نمی‌شویم تا قیمت نفوذ بیشتری به زون تایم فریم بالاتر داشته باشد. در این صورت پس از ساخت یک زون جدید و شکل‌گیری روند جدید مجدد وارد پوزیشن می‌شویم.
۱۱. وقتی به یک ترندلاین صعودی تایم بالاتر رسیدیم یا نزدیک‌تر شدیم بهتر است فروشنده نباشیم. و برعکس برای خرید.
۱۲. وقتی قیمت یک ترندلاین را شکسته و آن را رد کرد است، در بازگشت دوباره به آن محدوده برای ری-تست نمی‌توان وارد پوزیشن شد، مگر اینکه یک فلیپ زون (Flip zone) داشته باشیم که قیمت با ورود به آن ناحیه برای خرید/فروش می‌تواند مناسب باشد. یا اینکه قیمت در برگشت به محدوده ترندلاین برای ری-تست باید یک زون منطقه بالا وجود داشته باشد که ما را مجاب به ورود به پوزیشن کند.
۱۳. در نقطه شکست ترندلاین نباید ترید کرد، صرفاً بخاطر اینکه شکسته شده است
۱۴. اگر در تایم فریم پایین یک ستاپ دارید ولی قیمت نزدیک یک ترندلاین تایم بالاتر است بهتر است در جهت تایم فریم بالاتر ترید کنیم یا صبر کنیم ترندلاین شکسته شود. و وقتی به ترندلاین تایم بالاتر نزدیک می‌شویم و قیمت به آن احترام می‌گذارد نباید به تریدهای خود تریدهای خلاف روند اضافه کنیم.

◀ (V-24) - پرسش و پاسخ (رفع اشکال بلاک ۲).....

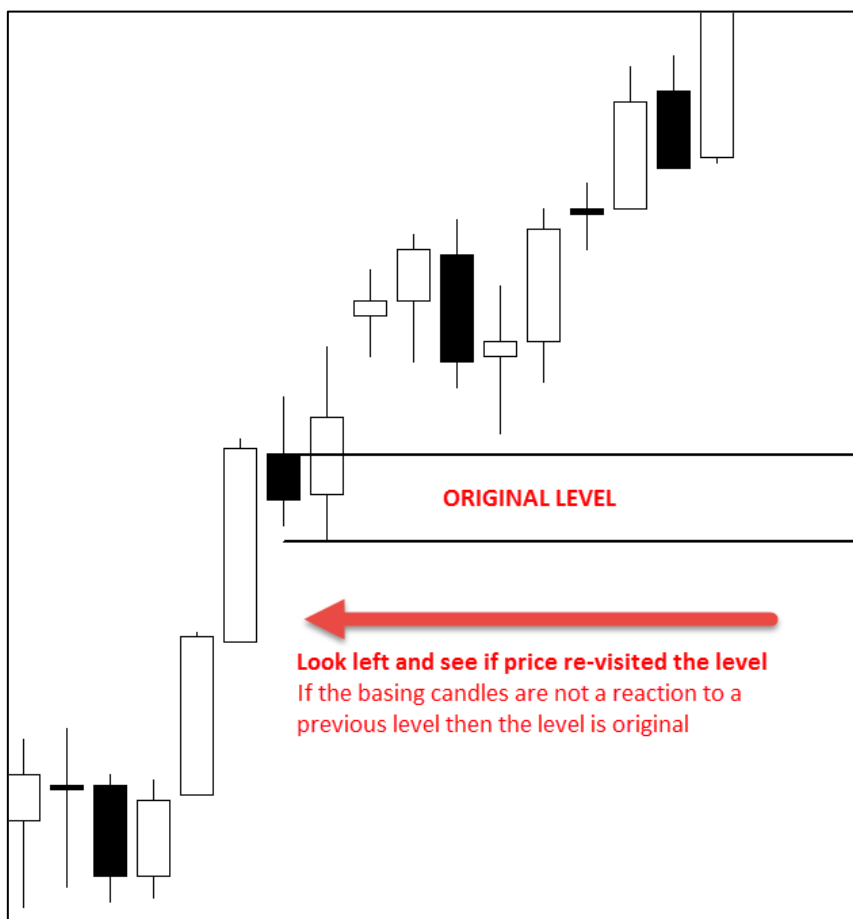
◀ (V-25) - شروع بلاک ۳.....

زون‌های ما از لحاظ تازه بودن به ۵ مدل تقسیم می‌شوند:

۱. **زون تازه (Fresh/Untested).** عدم تعادل جدیدی که ساخته شده ولی هنوز قیمت به آن پولبک نزده.
۲. **زون تست شده.** حداقل یک بار لمس شده باشد. برای اینکه زون را تست شده بدانیم باید حداقل یک کندل OHCL از زون ما دور شده باشد و بعد اگر برگشت و به زون ما خورد (در پولبک)، زون ما تست شده محسوب می‌شود. اگر در حرکت اول کندل OHCL نداشته باشیم و دوباره قیمت به محدوده زون برگردد، به معنای تست شده نخواهد بود.



۳. **خالص / اصلی (Original).** زون‌هایی که ایجاد شده و واکنشی به سطح قبلی نیستند. زونی که بدون اتکا به زون دیگر خودش ایجاد شده باشد. برای تشخیص خالص بودن زون نباید از درون کندل‌ها رد شویم (یعنی به سمت چپ حرکت می‌کنیم به اولین کندلی که سمت چپ می‌رسیم بررسی می‌کنیم که آیا یک ناحیه را شکل داده یا نه، و بعد از آن حق نداریم دوباره به سمت چپ برویم). حتی اگر زون نزدیک به زون خالص اینگلف شده و یا بی‌اعتبار شود، باز هم زون کناری آن زون خالص نیست. مگر اینکه زیر زون قبلی یک ناحیه و زون جدیدی بسازد (حتی با همپوشانی با بخشی از زون شکسته شده)



۴. اصل و تازه.

۵. مصرف شده. موقعی که زون ما چندین بار تست شده باشد (۲ مرتبه یا بیشتر). این زون‌ها برای ترید اصلاً مناسب نیستند و اگر قصد ترید داشتیم باید یک تأییدیه روندی در تایم فریم ورود از آن بگیریم.

چه زمانی از زون‌های تازه و اصل استفاده می‌کنیم؟

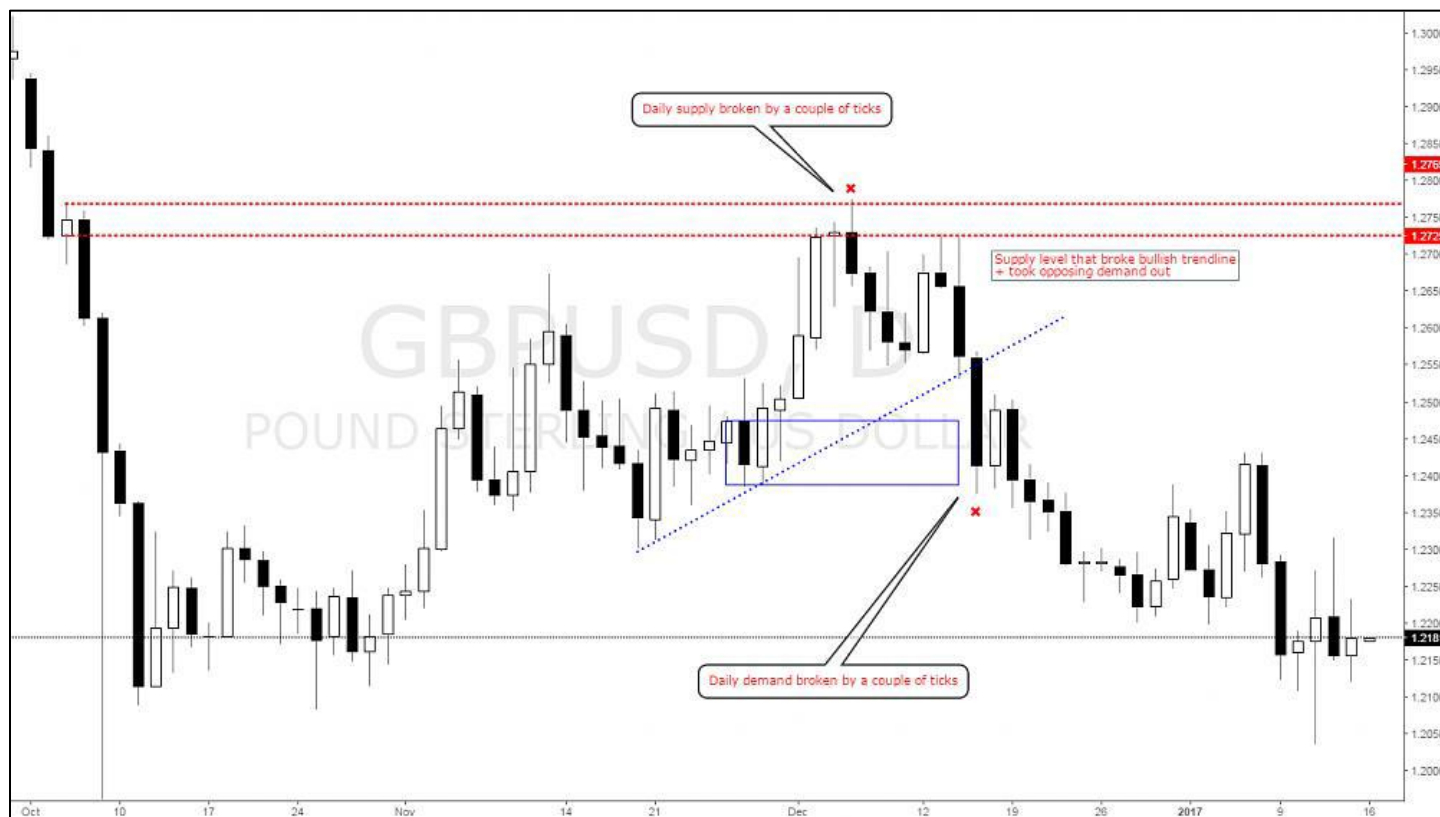
- ما معمولاً از زون‌های تازه (تست نشده) استفاده می‌کنیم.
 - زون‌های تازه (Fresh) و اصل (Original) برای ستاپ‌های ضد روند استفاده می‌شوند. همچنین برای ستاپ‌های لوکیشنی هم مناسب هستند.
 - تریدهای مومنتومی و تریدهای همراه با روند فقط نیاز داریم که زون ما تازه (Fresh) باشد و مهم نیست که اصل (Original) باشد. ما نیاز داریم که بیس درستی داشته باشیم، یعنی قیمت از آن دور شده باشد. همچنین در صورتی که قیمت خودش، زون خود را بلافاصله پس از تشکیل تست کرده باشد، از اعتبار اصل بودن آن کاسته نخواهد شد و همچنان زون ما اصل باقی می‌ماند.
- مثال: در اینجا زون ما بلافاصله بعد از اولین کندل شکل دهنده به زون تست شده، در این حالت وقتی زون، خودش، خودش را تست می‌کند، وقتی قیمت برمی‌گردد که زون را تست کند (پولبک بزند) احتمال اینکه عمیق‌تر به ناحیه نفوذ کند بیشتر است، بنابراین در این حالت، خط بالای سایه‌ای که زون را تست کرده را بعنوان نقطه ورود انتخاب می‌کنیم نه خط پروکسیمال را.



زمانی که قیمت به سایه‌های کندلی که بیس را تشکیل داده برخورد می‌کند (نه به بدنه کندل) آیا می‌توانیم بگوییم زون تست شده یا تازه نیست؟ این وضعیت بسیار در مارکت اتفاق می‌افتد و یک موضوع فریب دهنده است و شاید متناسب با بروکر متفاوت باشد (به ویژه در فارکس). و جواب آن بلی است مشروط بر آنکه زون مخالف دورتر از این زون باشد و قیمت پس از برخورد با نوک سایه کندل از این زون فاصله گرفته باشد.

* برای بررسی مارکت هر چقدر که لازم باشد باید به عقب برگردیم.. یک روز.. یک ماه... یک یا چند سال...

چه زمانی یک زون معتبر نخواهد بود؟ عبور قیمت حتی به اندازه یک پیپ از زون اعتبار آن را از بین می‌برد. در این شرایط ما برای بسته شدن کندل صبر نمی‌کنیم، بلکه با عبور حتی یک پیپ قیمت زیر زون، آن را اینگلف شده می‌دانیم. همچنین منتظر کندل OHCL هم چه بالا چه پایین زون نخواهیم بود. (مثال، تصویر زیر)



مزایا و معایب ترید به سبک Set and Forget

- خیلی از مواقع زون ما Over-shot می‌شود (با یک پیپ زون ما غیرمعتبر می‌شود) برای این منظور می‌توان SL را کمی با فاصله قرار داد.
- گردانندگان بازار مدام در حال رصد و تله گذاری در بازار هستند، پس مراقب باشید ناامید نشوید.
- خیلی از مواقع قیمت استاپ ما را زده و به سرعت از آن ناحیه دور می‌شود. در این شرایط به دنبال ناحیه جدید و موقعیت جدید باشید.

◀ (V-26) و (V-27) و (V-28) - مثال و مرور از احمدی

◀ (V-29)

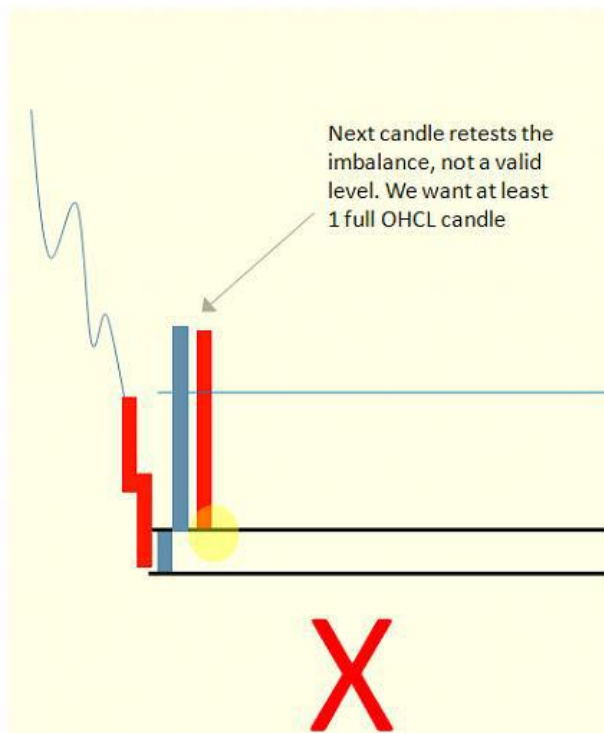
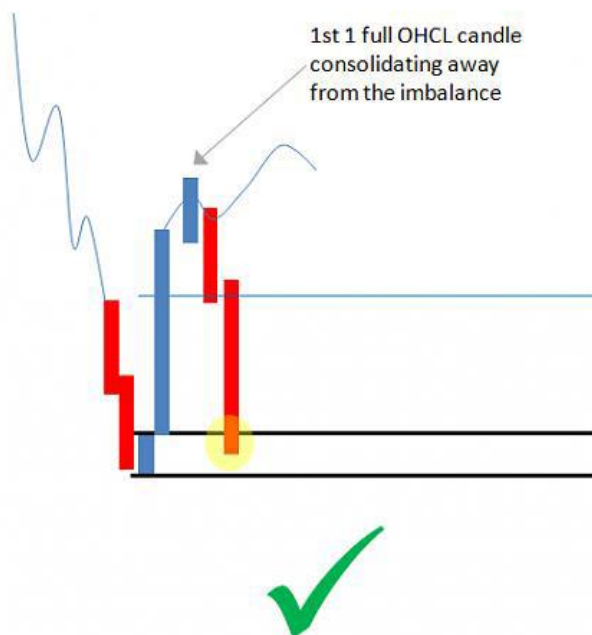
آنچه باعث حرکت قیمت می‌شود وجود مناطق عدم تعادل است و از سمت یکی به سمت دیگری حرکت می‌کند. برای یک منطقه عدم تعادل Consolidation away اجباری است، یعنی دور شدن از بیس آن عدم تعادل. در این شرایط دور شدن به معنای بسته شدن یک کندل به صورت کامل خارج از بیس است. این کندل الزامی است.

* همه زون‌های آشیانه کرده در زون تایم بالایی که Consolidation away برای آن اتفاق نیافتاده "نامعتبر" است. بنابراین حتی اگر زون تایم فریم کوچک Consolidation away کرده باشد، تا زمانی که زون بالاتر Consolidation away نکند نامعتبر خواهد بود. همچنین زون ما باید ریوارد ۲ را بدهد.

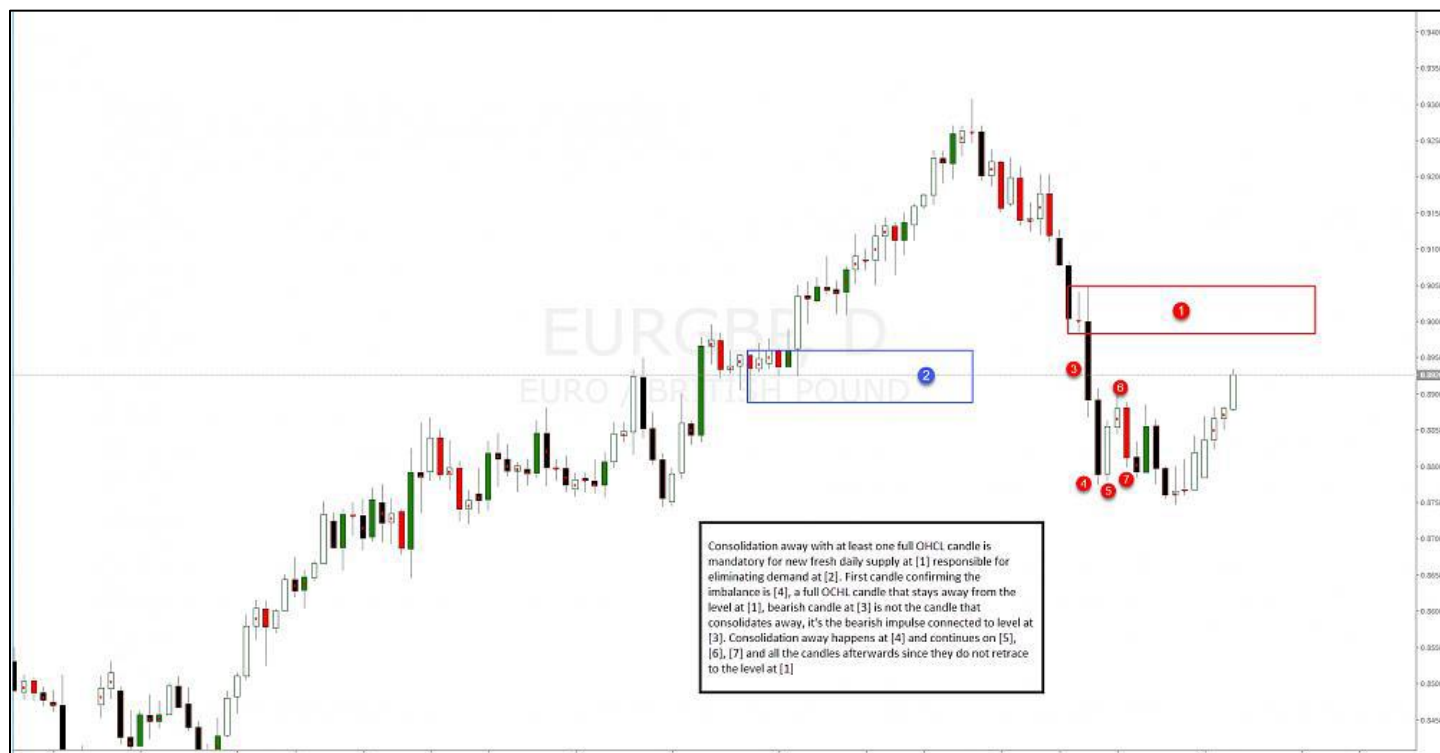
1 FULL OHCL CANDLE CONSOLIDATING AWAY FROM THE LEVEL

Minimum requirements to validate an imbalance

We need at least 1 full OHCL candle consolidation away from the imbalance in order to validate a level. If that does not happen, the level has got no imbalance. Having the next candle returning to the origin of the imbalance EQUALS to no imbalance (piercing and engulfing patterns)

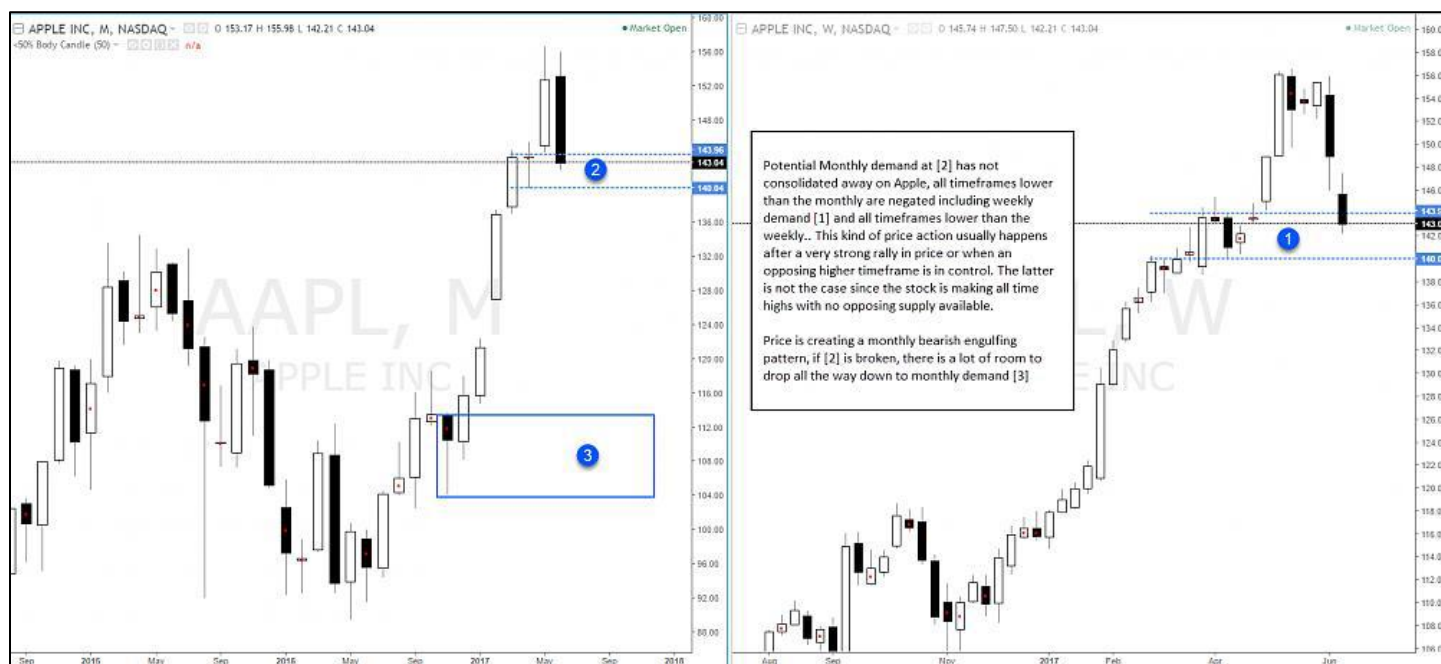


مثال:

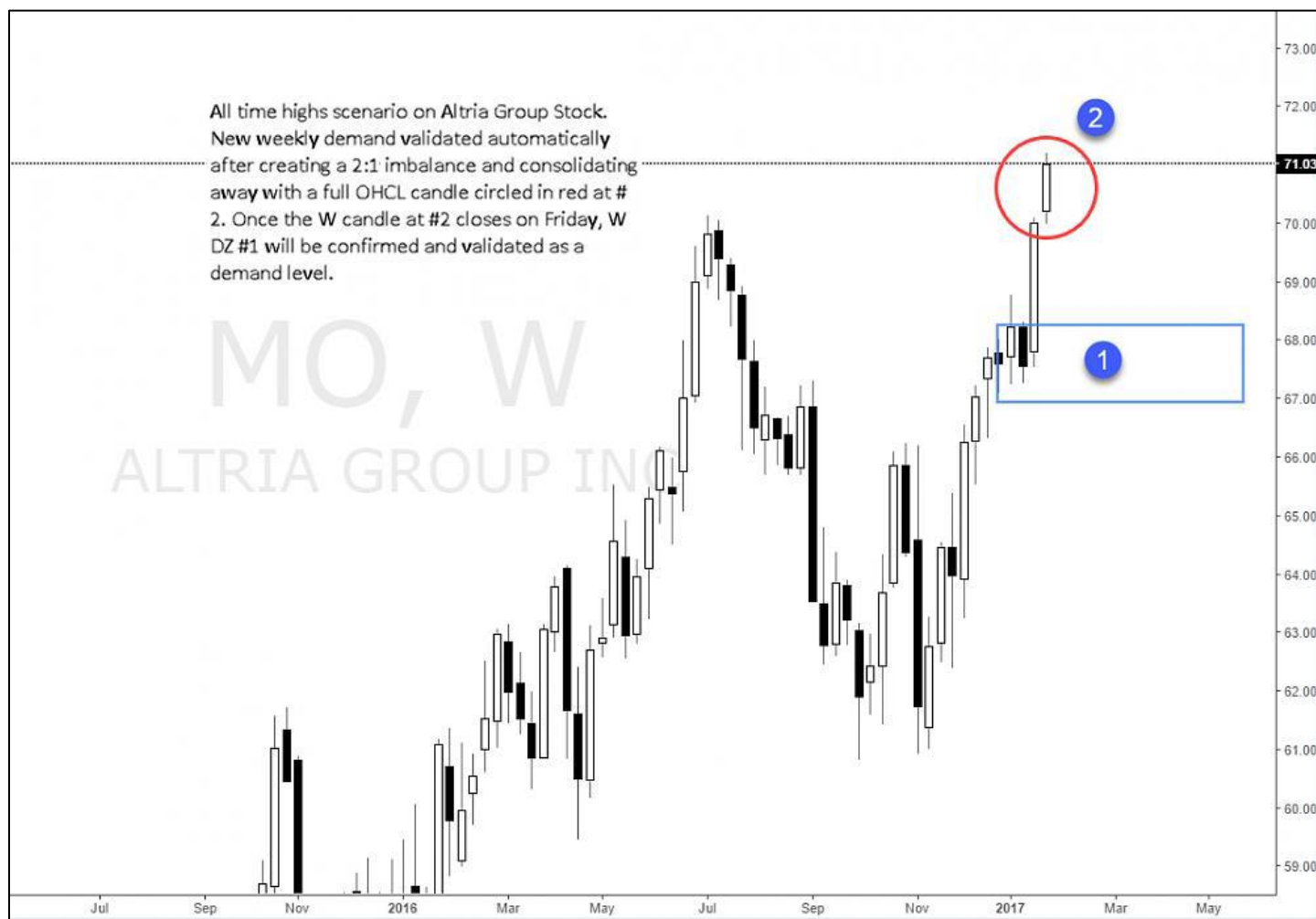




مثال: ناحیه ۲ تصویر چپ (ماهانه) Consolidation away نکرده است بنابراین ناحیه ۱ تصویر راست (هفتگی) با وجود اینکه Consolidation away کرده است نامعتبر است.



مثال: کندل ۲ هنوز بسته نشده پس هنوز نمی توان با قطعیت گفت که ناحیه ۱ زون D به حساب میاد.



مثال:



مثال: ناحیه ۱ تصویر چپ (ماهانه) Consolidation away نکرده است بنابراین ناحیه ۲ تصویر راست (هفتگی) با وجود اینکه Consolidation away کرده است نامعتبر است.



مثال: در ماهانه در ناحیه ۱ Consolidation away کرده ولی در هفتگی Consolidation away انجام نشده، حالا در روزانه و در ناحیه ۳ Consolidation away انجام نشده.



قدرت حرکت (ایمپالس)

به قدرت ایمپالس، Departure (حرکت و دور شدن) می‌گوییم.

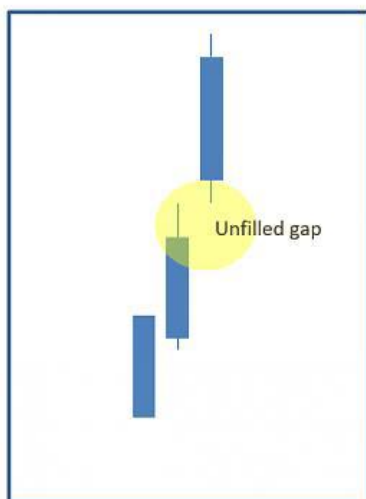
یک قیمت چگونه زون را ترک می‌کند:

- قیمت با گپ از بیس دور می‌شود، بهترین و قویترین حرکت (مانند دور شدن یک موشک از زمین)
- حرکت قوی، دور شدن با کندل‌های ERC (۲ یا بیشتر کندل ERC) که ۸۰٪ کل کندل بصورت بدنه باشد. (شلیک یک توپخانه)
- حرکت ضعیف، کندل‌هایی که از زون هم دور می‌شوند ولی با فشردگی از بیس خارج می‌شود (یک ماشین را به سمت بالای تپه هل می‌دهید) امتیاز = صفر

سطوح ضعیف را ضربدر بزنید و سمت آن‌ها نروید

STRENGTH OF THE IMPULSE

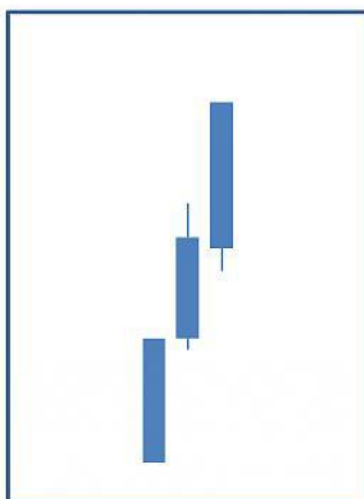
Strongest (unfilled gap)



An unfilled gap is the strongest look of an impulse, price tends to fill that gap.



Strong



At least 2-3 several ERC candles closing at or near the 80% range of a candle range makes a level strong, it's the most common look for a strong level



Weak



Candles departing slowly from a zone are not a good sign, we need strong ERC candles away from a level. Stay away from weak levels.



مثال: مناطق عرضه روزانه در نواحی ۱ و ۲ یک یا چند کندل قوی نزولی متوالی ایجاد کرده‌اند.



مثال: گپ قوی‌ترین نوع عدم تعادل است، که در اینجا در ناحیه ۱ قابل مشاهده است، کندل قوی با گپ بسیار بالاتر از ناحیه ۱ ایجاد شده است.



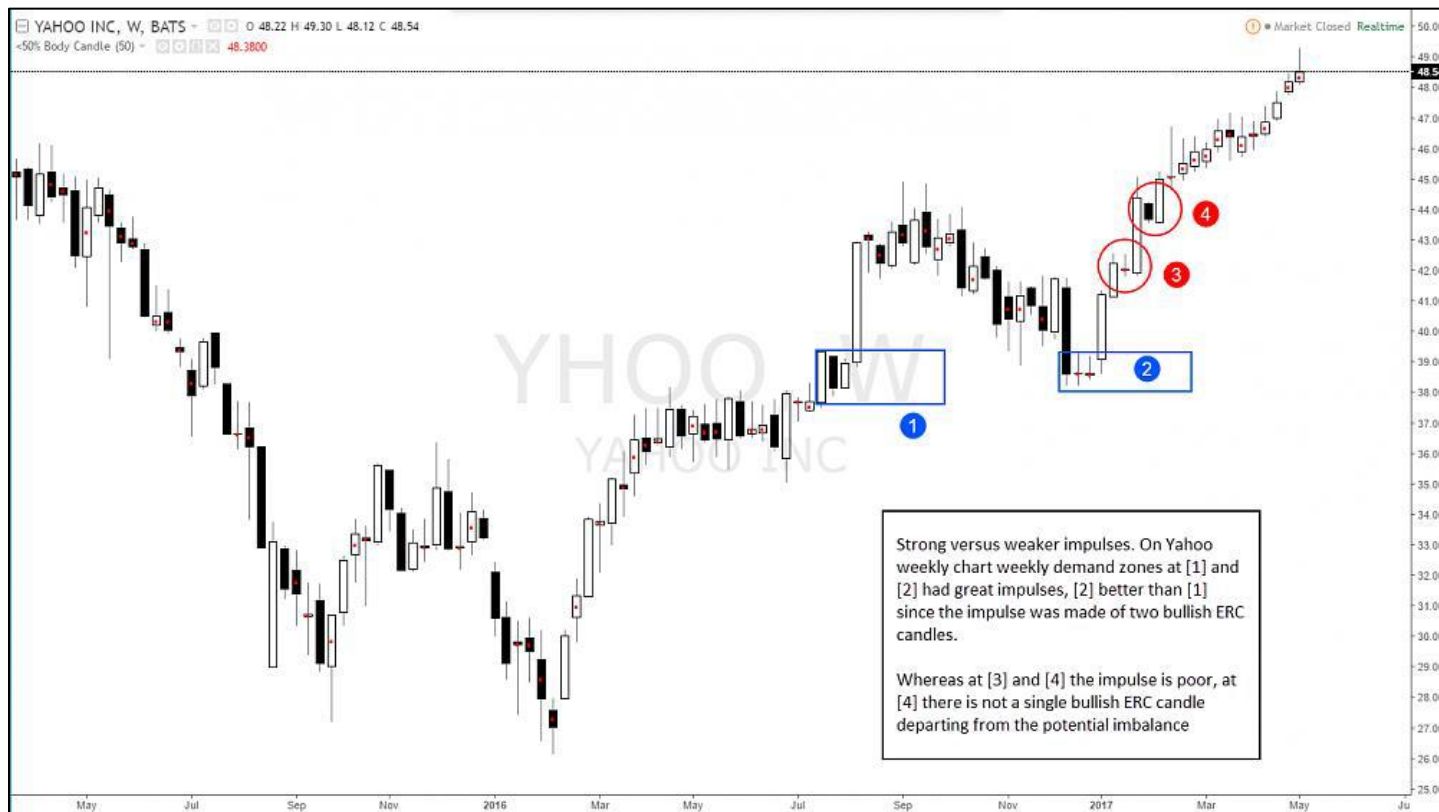
مثال: سهام اپل که سه ناحیه تقاضای عالی و قوی را نشان می‌دهد. تقاضا در ناحیه ۳ با یک شکاف بسیار قوی است و در نواحی ۱ و ۲ نیز حرکت قوی دیده می‌شود.



مثال: حرکت‌های قوی در تایم ۴ ساعته AUDUSD، ۶ و ۷ ساختارهای پیچیده هستند و خیلی مناسب ترید نیستند.



مثال: حرکت‌های قوی در برابر حرکت‌های ضعیف. در نمودار هفتگی یاهو، مناطق تقاضای هفتگی ۱ و ۲ دارای حرکات بسیار خوبی هستند، ۲ بهتر از ۱ است زیرا از دو شمع ERC صعودی تشکیل شده است. در حالی که ۳ و ۴ حرکت ضعیفی هستند، در ناحیه ۴ حتی یک کندل ERC صعودی هم وجود ندارد.



مثال: در زیر عدم تعادل‌ها بر اساس قدرت حرکت و زون به قوی و ضعیف تقسیم شده. مواردی که با ضربدر مشخص شده فقط یک کندل ERC دارد.



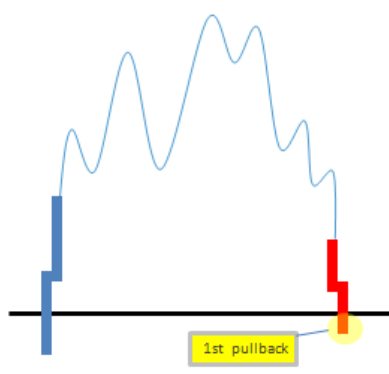
تازگی یک سطح و تعداد برگشت‌هایی که به آن زده می‌شود.

اگر آن ری-تست‌هایی که به زون زده شده دستاورد خاصی نداشته باشد (مثلا نتواند زون مخالفی را حذف کند)، ما انتظار نفوذ بیشتری به زون را خواهیم داشت. به ویژه اینکه یک زون مخالف تایم بالا کنترل را در دست داشته باشد.

- اولین پولبک همیشه شانس بالایی دارد. بنابراین ما فقط و همیشه اولین ری-تست یک ناحیه را معامله می‌کنیم، یعنی سطوح تازه.
- پولبک دوم، شانس کمتری دارد و ما وارد معامله نمی‌شویم مگر اینکه تائیدیه بگیریم (حذف زون مخالف).
- پولبک سوم، اصلا وارد معامله نمی‌شویم (ممنوع است)

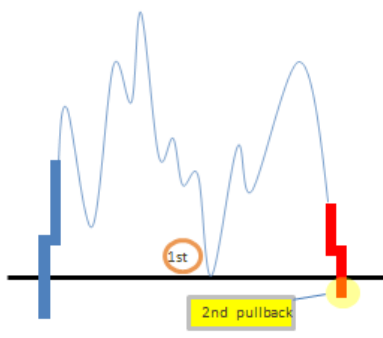
NUMBER OF RETRACEMENTS

Strongest



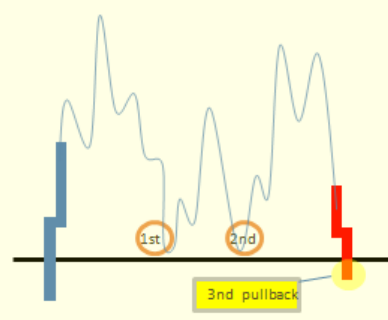
The first pullback is always the highest odds. **We will ONLY and ALWAYS trade the first pullback, that is, only fresh levels.**

Strong



The second pullback does not have the same odds, we want the highest odds for our trades, thus we will skip second pullbacks and wait for confirmation

Weak



3rd pullbacks are forbidden, that would mean we'd be trading a used-up level. Low odds of success, no trade.



چه زمانی یک زون تست شده؟ زمانی که پس از پولبک یک کندل خارج از زون ببندد.

مثال: اولین ری-تست در شماره ۱ انجام شده زمانی که کندل شماره ۲ بسته شده، دومین ری-تست در شماره ۳ انجام شده زمانی که کندل شماره ۴ بسته شده.



مثال مرحله‌ای: ۱. سطوح تازه



۲. سطح تازه در حال تست شدن



۳. سطح تست شد (با بسته شدن کندل شماره ۳)



۴. سطح برای بار دوم در حال تست شدن



۵. سطح مصرف شده



۶. سطح مصرف شده با ۳ بار ری-تست



..... ◀ (V-32) - نکته از احمدی

..... ◀ (V-33)

قدرت حرکتی یک جابجایی

قدرت حرکت به اعتبار یک سطح وابسته است.

قیمت چطور سطح را ترک کرد؟ با کندل‌های ERC یا کندل‌های بیس ترک کرده؟

اگر زون یک CP باشد و قیمت حتی با قدرت هم از زون خارج شود احتمال شکست دارد، زیرا CP ها زون‌های قدرتمندی نیستند.

..... ◀ (V-34)

ساختار پایه‌ای یک سطح

این ساختار بسیار مهم است و یادگیری درک یک سطح خوب با بد بسیار زمان‌بر هستند.

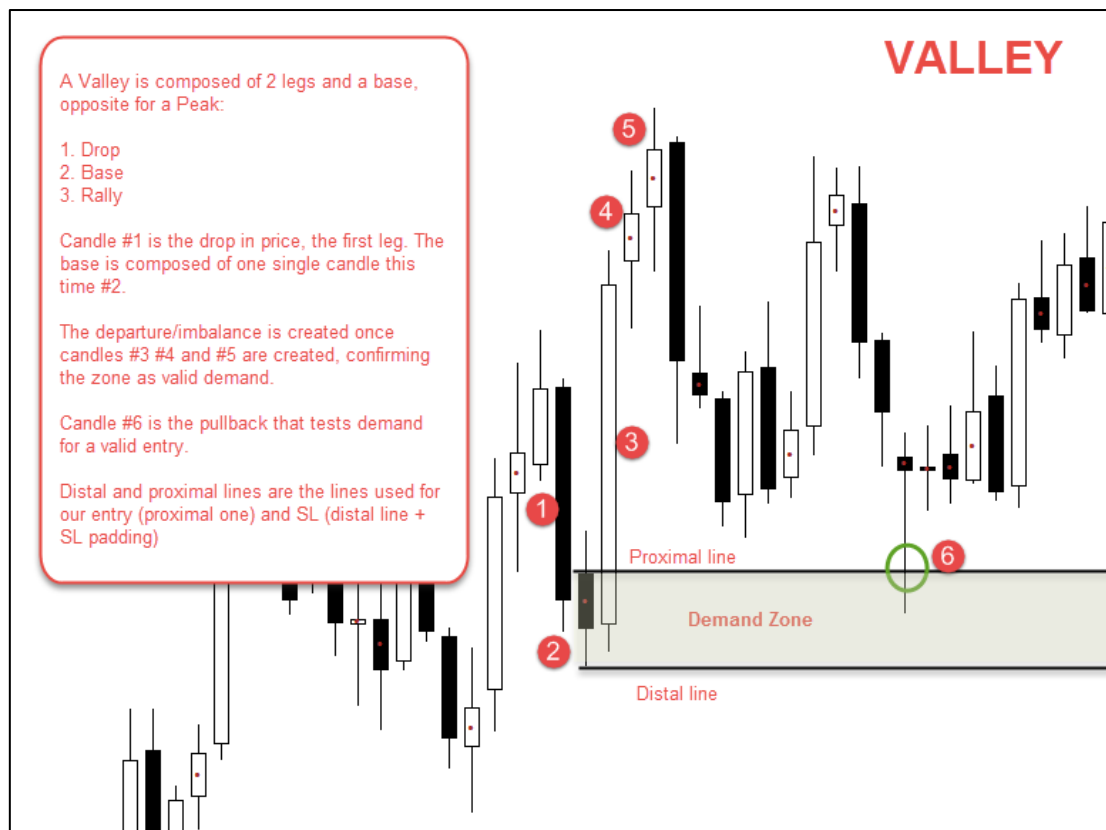
قوانین اصلی:

۱. ما نیاز داریم بیس ما حداکثر ۴ الی ۶ کندل باشد. تایم فریم مهم نیست. اگر از ۶ کندل بیشتر شود امتیاز کمتری می‌گیرد
۲. ما دوست داریم در ناحیه بیس کندل‌های ۵۰٪ یا کوچکتر از ۵۰٪ ببینیم. این می‌تواند در CP ها نادیده گرفته شود. در CP ها بجای کندل‌های ۵۰٪ بیشتر الگوهای اینگلفینگ چسبیده به هم دیده می‌شود.
۳. خروجی قوی داشته باشد
۴. الگوهای کندلی توضیح داده شده در این دوره داخل آن دیده شود

۵. یک تک کندل دوجی نمی‌تواند جزء بیس باشد. زیرا بافت، ساختار و زمینه شکل‌گیری آن دوجی بسیار مهم است. دوجی همراه با سایر کندل‌ها می‌تواند خوب باشد.

۶. بیسی که کندل‌هایی با سایه‌های بلندی داشته باشد، بیس خوبی نیست. زیرا این‌ها واکنش به سطوح دیگر هستند.

مثال: در ناحیه ۶ دوجی شکل گرفته واکنش به یک سطح دیگر است که بر اساس شماره ۲ ترسیم شده



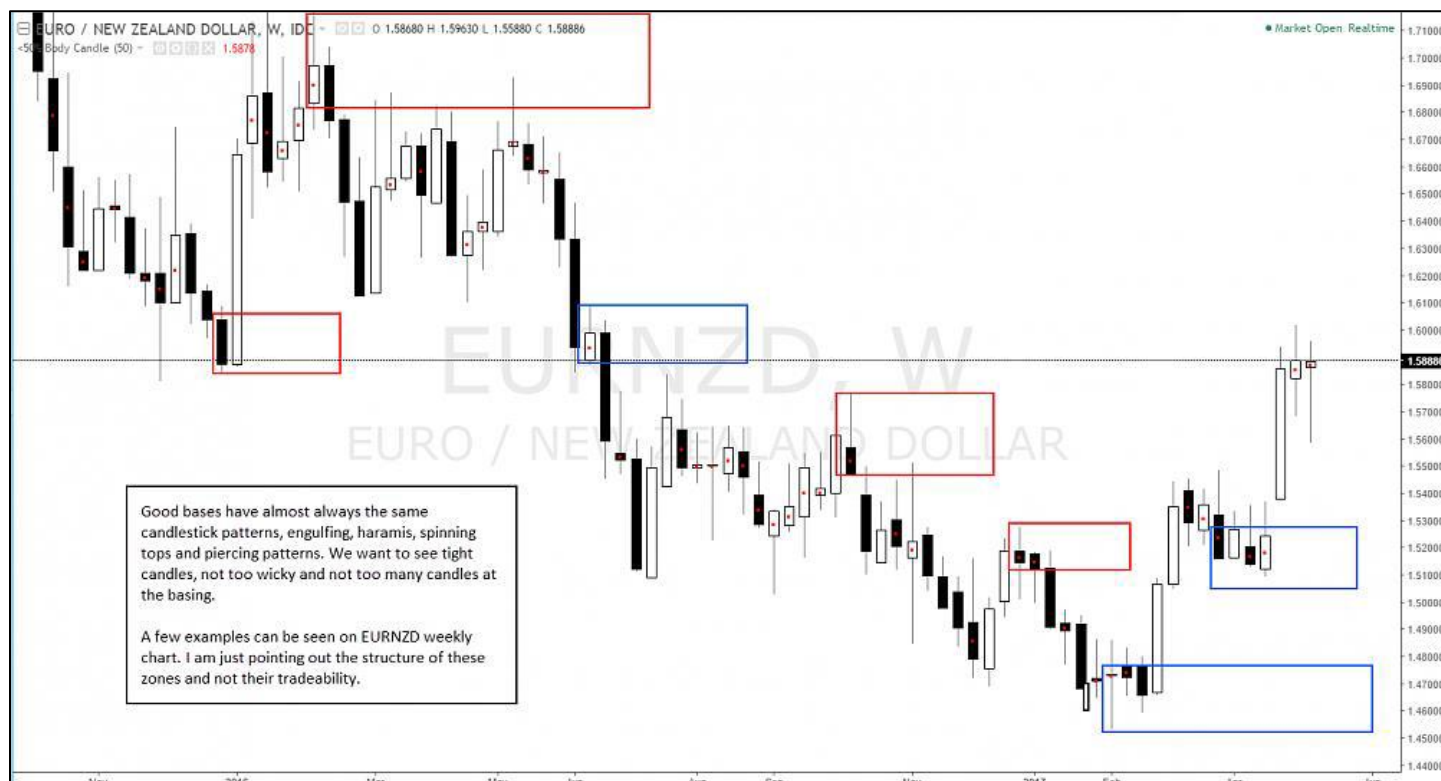
مثال: ناحیه شماره ۱ ساختار خوبی ندارد



مثال: ساختاری نامناسب برای بیس



مثال چند نمونه از ساختار بیس خوب



مثال: چند نمونه از ساختار بیس خوب



◀ (V-35)

زمانی که قیمت در یک زون منتظر می ماند

- بیش از ۶ کندل نباید باشد و اگر بیش از ۶ کندل شد ما نیاز به تأییدیه داریم (شکست ترند لاین و حذف زون مخالف)
- اگر بیس سایه های بلندی داشت نیاز به تأییدیه دارند زیرا این نوع بیس ها واکنش به زون های دیگری هستند.
- گاهی در تایم میانی مثلاً هفتگی زون بسیار خوبی برای ورود تشکیل می شود ولی وقتی به تایم روزانه می رویم مشاهده می کنیم که بیش از ۶ کندل در زون وجود دارد. اگر تایم ورود ما روزانه باشد، نیاز به تأییدیه داریم.

◀ (V-36)

حداقل ریسک به ریوارد موجود برای اینکه یک زون قابل ترید باشد.

اگر یک زون حداقل ریوارد را نداشته باشد، قابل ترید نیست ولی زون معتبری است.

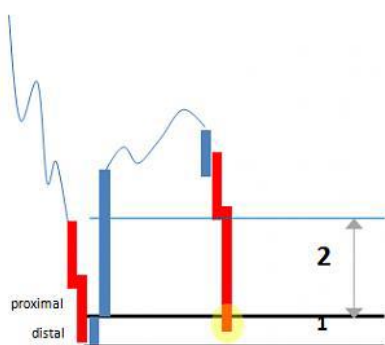
۱. ما از منشا حرکت نیاز به داشتن ریوارد ۲ هستیم تا معتبر باشد.
 ۲. حداقل ریوارد ۲ و یک کندل OHCL که بصورت Consolidation away از این سطح خارج شده باشد نیاز داریم. حداقل حاشیه سود با ریوارد ۳ را تا زون مخالف باید به ما بدهد. این ریوارد حتی می تواند تا EMA 20 یا ترندلاین مقابل مسیر قیمت نیز باشد.
 ۳. برای خیال آسوده تر خوب است به ریوارد ۳ یک ریوارد دیگر هم اضافه کنیم، یعنی ریوارد ۴، زیرا خیلی از مواقع قیمت دقیقاً به زون مخالف برخورد نمی کند و پیش از رسیدن به آن برمی گردد. در این شرایط بهتر است که ما یک ریوارد اضافه هم داشته باشیم که مطمئن از معامله خارج شویم. بعبارتی بهتر است در برابر یک زون مخالف خیلی زیاد پوزیشن خود را نگه نداریم.
- اگر به دنبال فرصت معاملاتی با ریوارد ۳ هستیم <= ما نیاز داریم حاشیه سود را ریوارد ۴ نسبت به زون مخالف داشته باشیم ولی ما در ریوارد ۳ خارج می شویم.

- اگر به دنبال فرصت معاملاتی با ریسورد ۴ هستیم => ما نیاز داریم حاشیه سود را ریسورد ۵ نسبت به زون مخالف داشته باشیم ولی ما در ریسورد ۴ خارج می‌شویم.
- اگر به دنبال فرصت معاملاتی با ریسورد ۵ هستیم => ما نیاز داریم حاشیه سود را ریسورد ۶ نسبت به زون مخالف داشته باشیم ولی ما در ریسورد ۵ خارج می‌شویم.

MINIMUM RISK REWARD RATIO TO VALIDATE SD LEVEL

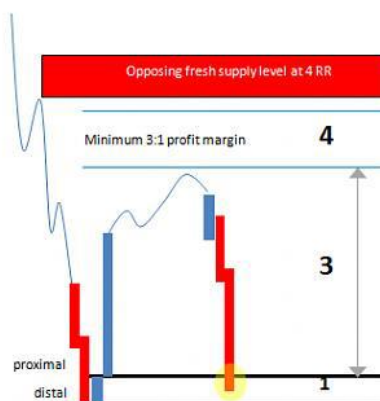
Imbalance versus profit margin

1. We need a 2:1 RR imbalance at the origin to validate a level



A level needs to create a minimum 2:1 RR imbalance in order to be validated. RR is measured from distal to proximal line. Wiggle room and padding pips are not taken into account.

2. We need 3 RR + 1 Profit Margin cushion for a 3 R/R Take Profit



We need 3:1 RR to plan a trade, but we want to have more than 3:1, we don't want an opposing level sitting right at 3:1. A rule of thumb would be having 1RR more than our final TP.

* وقتی یک عدم تعادل تایم پایین یک عدم تعادل تایم بالاتر را از سر راه برمی‌دارد نشان می‌دهد که خیلی قدرتمند است.

مثال: ناحیه ۱ ریسورد ۲ به ما نداده است، پس زون قابل ترید نیست، در این شرایط زون‌های آشیانه کرده در آن نیز ترید نمی‌کنیم (ناحیه ۲)، در ۴ ساعته ناحیه ۳ زون ۱ و ۲ را اینگلف کرد، بنابراین بیس شماره ۳ بسیار قوی و مهم است، چون توانسته یک زون تایم بالاتر خود را حذف کند.



◀ (V-37) - توضیح تکمیلی احمدی

◀ (V-38)

یک زون تایم فریم بالاتر تمامی زون‌های تایم فریم پایین‌تر خودش را درون آن جای گرفته نامعتبر می‌کند.

این قانون را روی سناریوهایی بکار می‌بریم که احتمال موفقیت بالاتری دارند. این اتفاق زمانی می‌افتد که زون تایم بالای ما Consolidation away نکند. برای تأیید شدن یک زون Consolidation away و حذف زون مخالف الزامی است. زمانی که زون ما Consolidation away انجام نمی‌دهد، یعنی اینکه هیچ منطقه عدم تعادلی وجود ندارد، زیرا در این شرایط نشان از وجود فشار برابر خریداران و فروشندگان است و یک ناحیه خنثی به حساب می‌آید. فرض می‌گیریم که قیمت در تایم ماهانه Consolidation away نکرده ولی ریوارد ۲ را داده، ولی دارای کندل‌های ۵۰ درصد کند و حرکت ضعیف است یا ساختار بیس مناسب نیست، ما تمام زون‌های قرار گرفته داخل این زون را حذف شده در نظر می‌گیریم.

مثال: زون مشخص شده Consolidation away نداشته پس هم این زون و هم زون‌های داخل آن نامعتبر خواهد بود.



مثال



◀ (V-39)

یک زون تایم فریم بالاتر که هنوز معتبر نشده همه Set and Forget های تایم پایین خود را مردود می‌کند. یعنی زون‌های تایم پایین وجود دارد، ولی نمی‌توانیم او در قرار دهیم.

◀ (V-40)

مراحل و وضعیت‌های یک عدم تعادل

۴ مرحله داریم برای یک عدم تعادل طی کند تا به مرحله قابل ترید بودن برسد.

۱. مرحله بالقوه

- ایجاد **Consolidation away**: حرکت‌های قوی ایجاد شود، کندل‌های قوی ERC زده شود، بیس قوی داشته باشیم. و لازم است که Consolidation away تثبیت شده و حداقل یک کندل خارج از زون بسته شود.
- شکست خط روند: قیمت خط روند را شکسته و یک بیس جدید را تشکیل دهد.

۲. مرحله تأیید شده

- **Consolidation away**: حرکت آنقدر قوی بوده باشد بتواند Consolidation away کند، در این شرایط عدم تعادل تأیید شده و تمام عدم تعادل‌های قرار گرفته داخل آن نیز تأیید می‌شود.
- **دستاورد داشته باشد**: حرکت قیمت باید کاری کرده باشد. یا عدم تعادل ناحیه مخالف را حذف کرده باشد، یا خط روند را شکسته باشد و یا هر دو را انجام داده باشد. اگر دستاورد نداشته باشد، تأیید نخواهد شد.

۳. مرحله قابل ترید بودن

- **پلن معاملاتی**: اگر تمام مراحل عدم تعادل تأیید شد و زمینه نیز با پلن شما همراه بود و اجازه ترید را می‌داد، آنگاه عدم تعادل تأیید شده قابل معامله خواهد بود.
- **نمرات بالا**: اگر تمام ویژگی‌های یک زون امتیاز بالایی داشت، عدم تعادل قابل معامله خواهد بود.

۴. مرحله غیرقابل ترید بودن

- **پلن معاملاتی**: در پلن معاملاتی خود چه مرحله‌ای را انجام می‌دهید؟ آیا فقط بازارهای پرترفدار را معامله می‌کنید؟ قوی‌ها؟ ضد روند؟ تمام سطوح تأیید شده باید از پلن معاملاتی شما فیلتر شوند. اگر تمام مراحل عدم تعادل تأیید شده باشد، اما برنامه معاملاتی شما بیان کند که مورد قبول نیست.
- **عدم تعادل ما درون یک عدم تعادل تایم بالاتر قرار گرفته که Consolidation away نکرده است**: نشان می‌دهد عدم تعادل ما قوی نیست.
- **امتیاز پایین**
- **خیلی بالا و یا پایین داخل محدوده رنج بودن**: یعنی یک زون نزدیک به زون مخالف خودش در تایم فریم بالا باشد.
- **Over-extension**: وقتی قیمت به این شکل بالا رفته باشد، چون احتمال برگشت به نقطه و منشاء شروع حرکت وجود دارد، در این شرایط زون‌های شکل گرفته در پس این Over-extension غیرقابل ترید خواهد بود.
- **وجود همپوشانی‌های ترندلاین / EMA 20**: رسیدن قیمت در تایم پایین به ترندلاین یا EMA 20 تایم بالا.

مثال:

زون بالقوه ۳: عرضه روزانه (شماره ۱) کنترل قیمت را در دست دارد. خط روند صعودی که آخرین دره‌ها را به هم متصل کرده (شماره ۲). برای اینکه یک منطقه عرضه معتبر در ۳ داشته باشیم، باید خط روند روزانه کاملاً شکسته شود یا ناحیه ۲ حذف شود.



زون بالقوه ۳: خط روند صعودی هنوز با یک کندل OHCL شکسته نشده است. برای اینکه یک زون معتبر در ناحیه ۳ داشته باشیم، باید خط روند روزانه کاملاً شکسته شده یا ناحیه تقاضایی ۲ حذف شود.



ناحیه تأیید شده در ۳: خط روند صعودی با یک کندل OHCL در بخش ۱ شکسته شد و همچنین ناحیه ۲ نیز حذف شد. حالا ما یک زون عرضه تأیید شده در شماره ۳ داریم.



ناحیه قابل معامله در ۳: خط روند صعودی با یک کندل OHCL شکسته شد و همچنین ناحیه ۲ حذف شد. رفتار قیمت در بیضی ترسیم شده ۱ خوب بوده و Consolidation away خوبی انجام داده است که قدرت ناحیه ۳ را تأیید می‌کند.

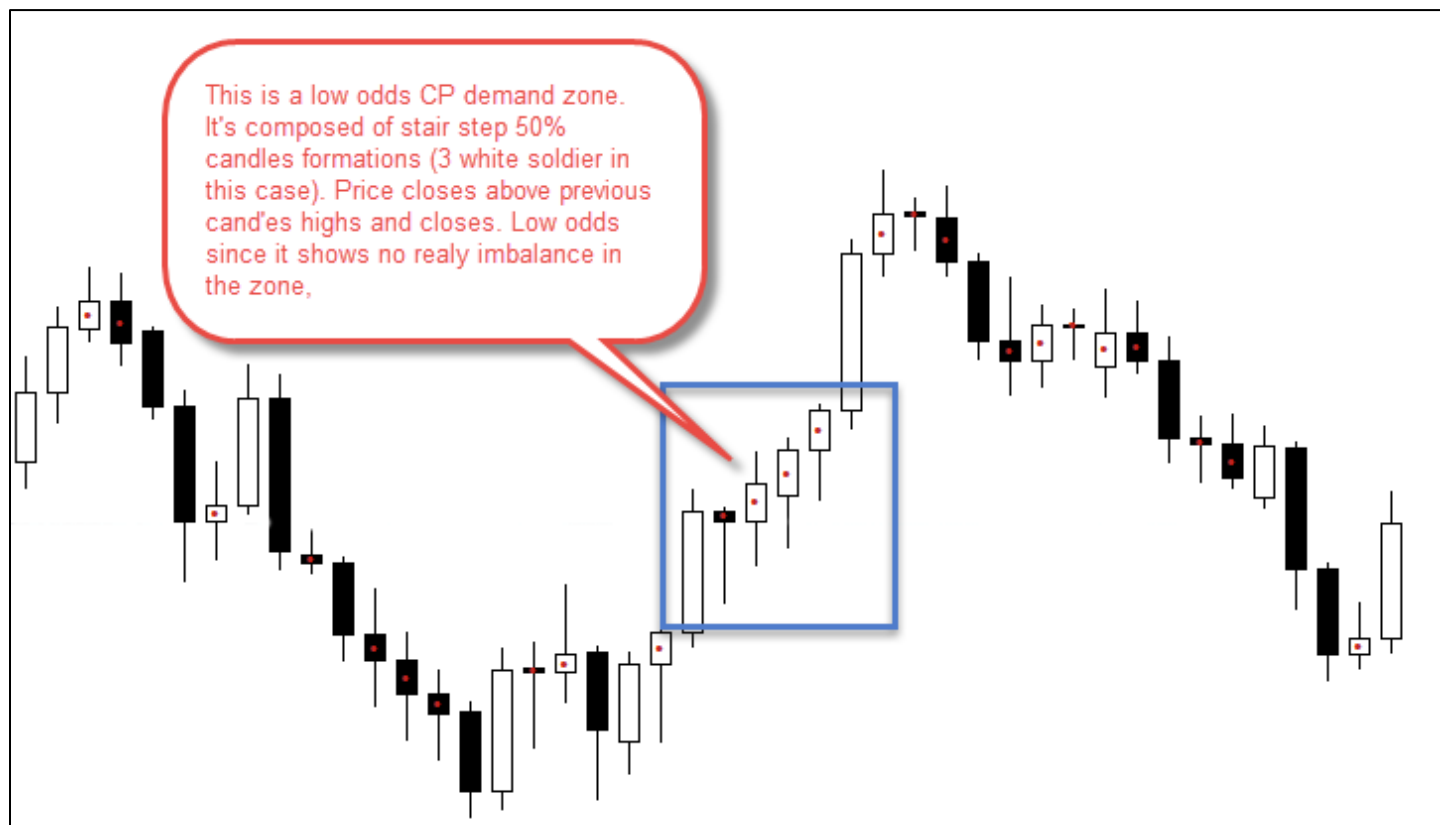
اگر بخواهیم به ناحیه ۳ امتیاز دهیم، یک حرکت قوی خوبی داریم که ریوارد ۲ را همراه با ساختار حرکتی خوبی داده و فضای زیادی برای بازگشت به ناحیه تقاضای روزانه در ۴ دارد. حالا ما یک سطح تأیید شده در ۳ داریم.



الگوهای ادامه دهنده، تأیید و رد CP ها، زمان معامله CP ها

الگوهای ادامه دهنده یا CP ها الگوهای بسیار قوی از قیمت هستند که معمولاً در شروع یک روند جدید یا پس از شکست‌ها ایجاد می‌شوند. ساختار CP: یک کندل ERC ورودی + کندل‌های بیس/مارابوزو در ناحیه بیس + یک کندل ERC خروجی. این یک ساختار ایده‌آل CP است و این ساختار ایده‌آل همیشه رخ نمی‌دهد. کندل مارابوزو نباید خیلی عریض باشد زیرا ناحیه عریض می‌شود و بهتر است در محل یک ترند لاین یا در منطقه شکست یک SD مهم رخ دهد.

اگر ناحیه CP حالت پلکانی داشته باشد بیس خوبی نخواهد بود (مثال زیر).



چه زمانی CP ها را ترید می‌کنیم؟

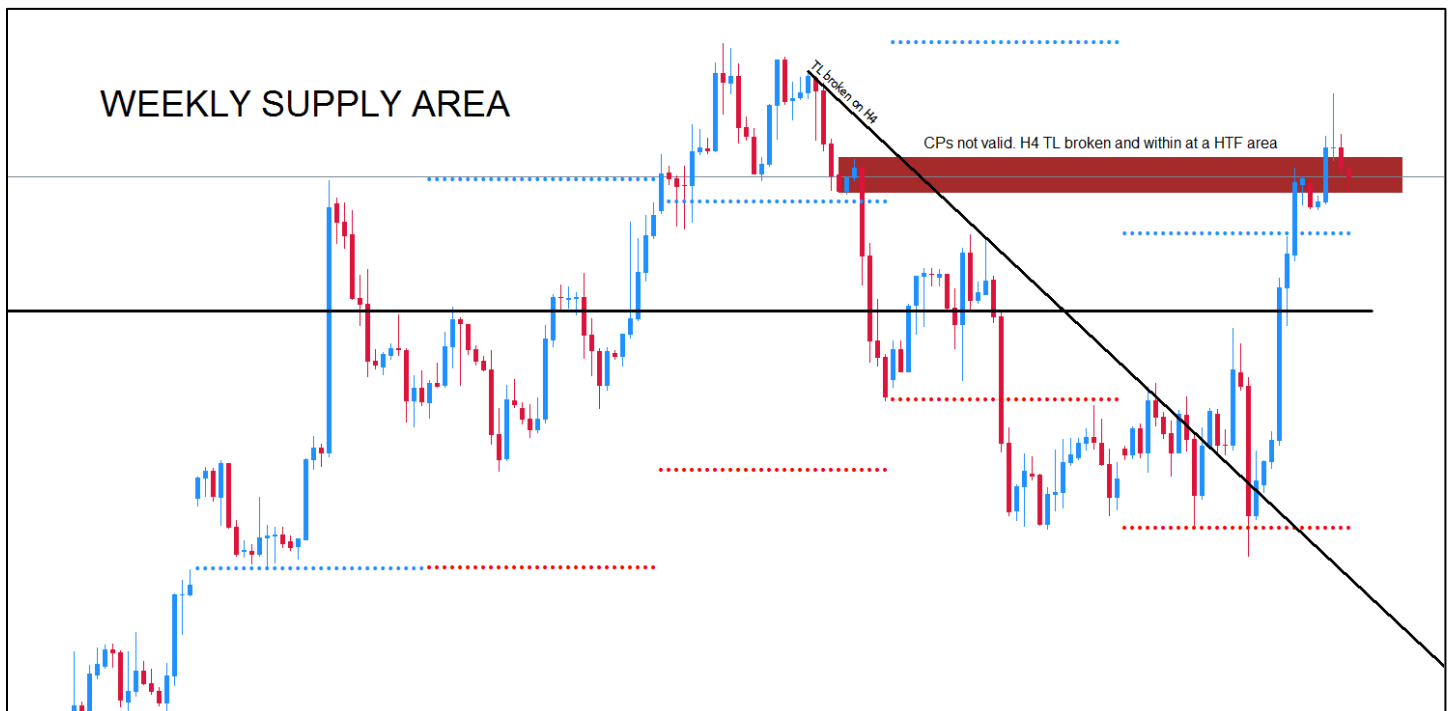
- همراه با ترند باشد، همراه با مومنتومی که در آن تایم فریم وجود دارد.
- وقتی که در حال آغاز حرکت از یک زون تایم بالاتر هستیم، CP که در داخل یا مجاورت یک زون قرار گرفته و یک ستاپ مومنتومی - لوکیشنی است.
- در مناطق حمایت و مقاومت تاریخی (فلیپ زون‌ها)، معمولاً زمانی که یک ناحیه حمایت یا مقاومت می‌شکند، یک CP در تست مجدد آن ناحیه بسیار خوب کار می‌کند.
- هر CP کندل ۵۰ درصد ندارد. در عمل خیلی CP های با احتمال بالا داریم که از کندل‌های مارابوزو و یا الگوهای اینگلفینگ تشکیل شده‌اند که فاقد کندل‌های ۵۰ درصد بیس می‌باشند.
- بسیاری از الگوهایی که ۵۰٪ نیستند هم CP هستند.
- رنگ کندل‌ها در CP مهم نیستند.
- معمولاً یک کندل نزولی در یک CP تقاضایی و یک کندل صعودی در یک CP عرضه‌ای نیاز داریم، اما در فلیپ زون‌ها رنگ‌ها مهم نیستند، برای ما مهم توقف در مسیر است.

چه زمانی CP ها را ترید نمی‌کنیم:

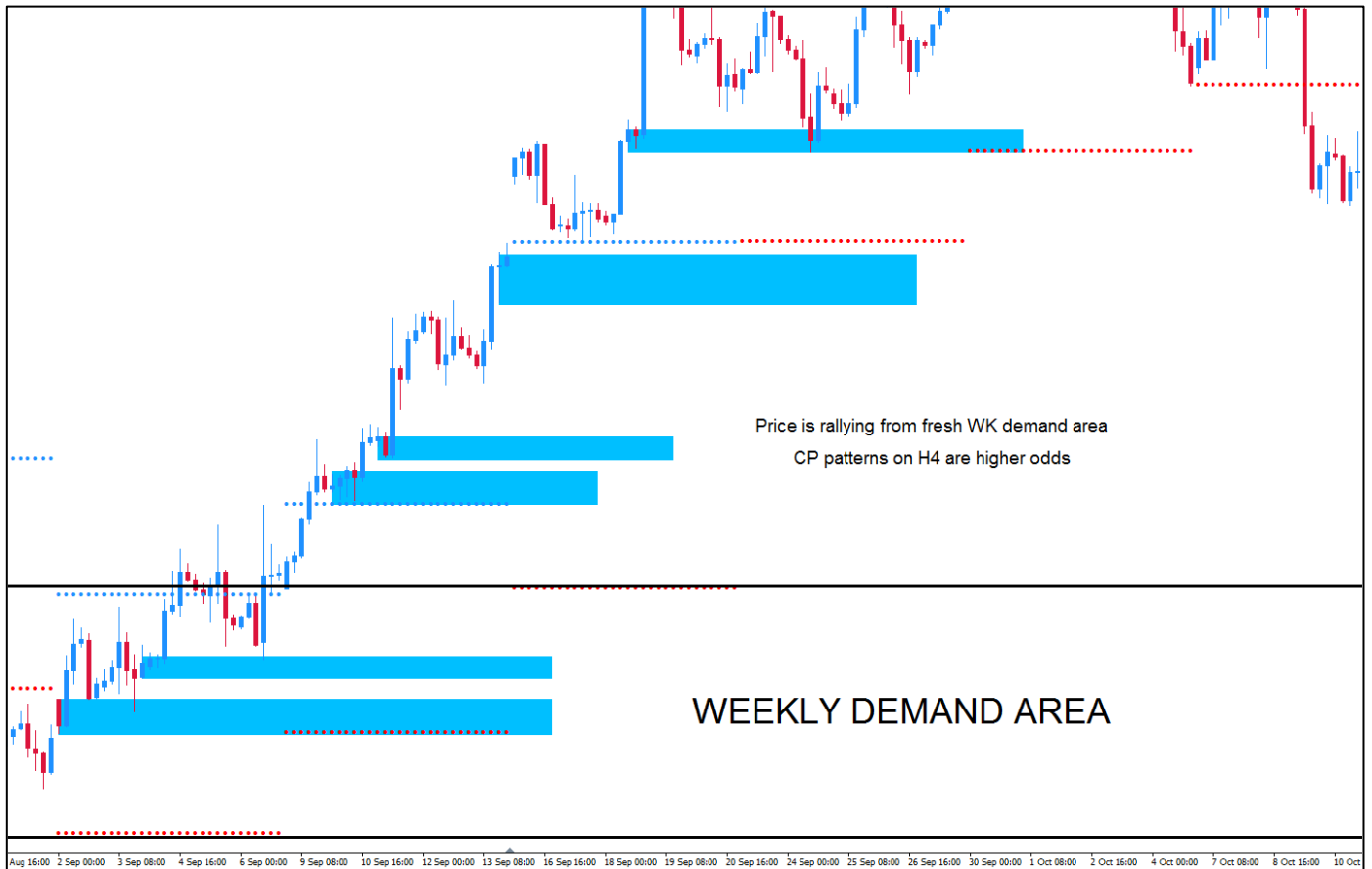
- بیش از ۶ کندل در بیس باشد.
- بیس با کندل‌های خیلی ضعیف باشد.
- فقط یک کندل دوجی میانی داشته باشیم. اگر دوجی دستاورد داشته باشد مشکلی ندارد.
- کندل با ابعاد و سایه‌های خیلی بلند.
- ساختار پله‌ای داشته باشد.
- ترندلاین شکسته شود.
- در تایم فریم بالاتر زون، قیمت را در کنترل بگیرد.
- الگوهای V شکل برای ترید بهتر از روندها می‌باشند.
- عرض CP خیلی زیادتر از میانگین عرض کندل‌های بیس آن instrument در آن تایم فریم باشد.
- زمانی که بیش از ۳ عدد CP داریم ترید در جهت روند پیشنهاد نمی‌شود.

زمانی که کندل‌های خیلی بلندی داریم، در تایم کوچکتر آن یک CP بصورت مخفی داریم.

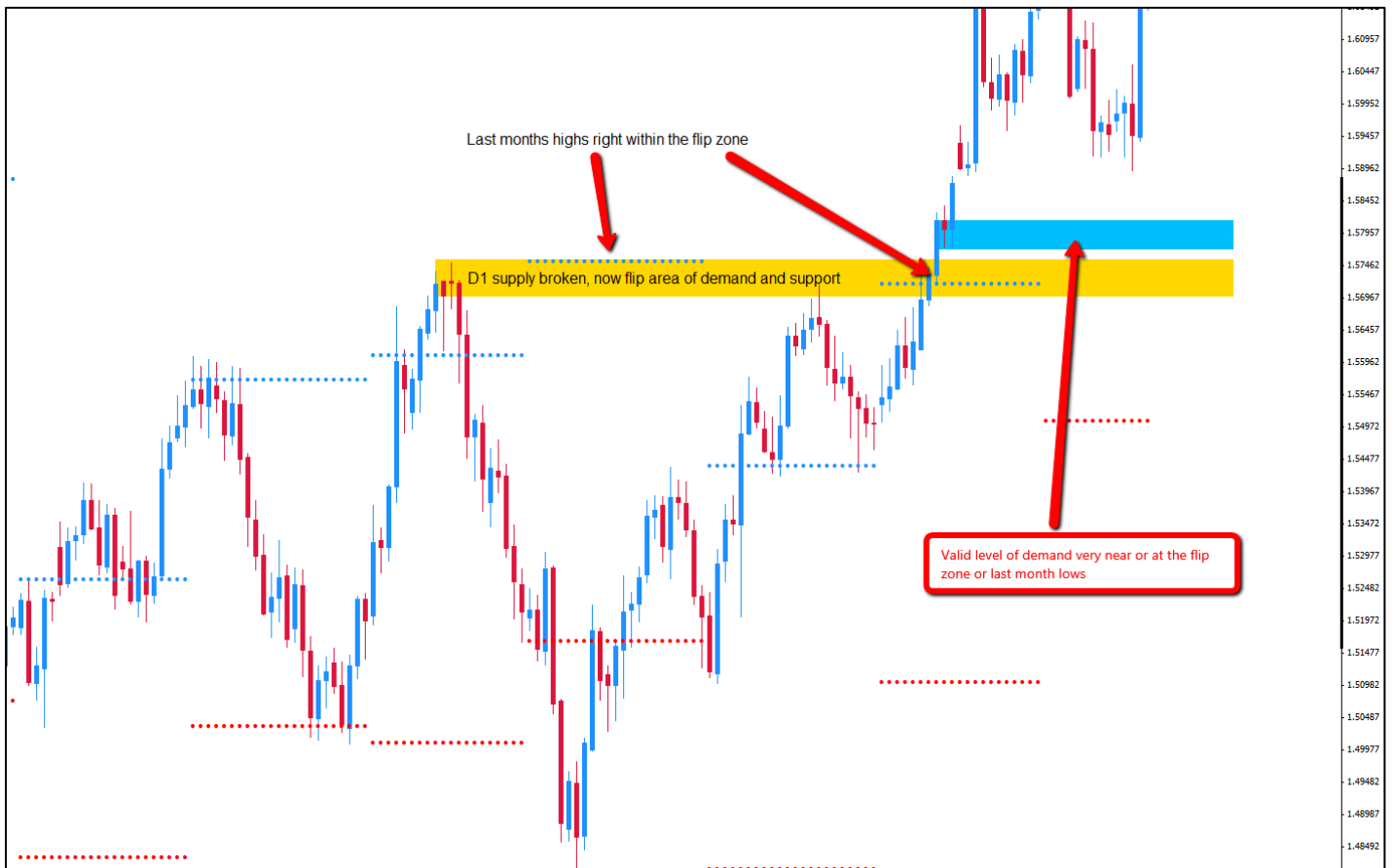
مثال



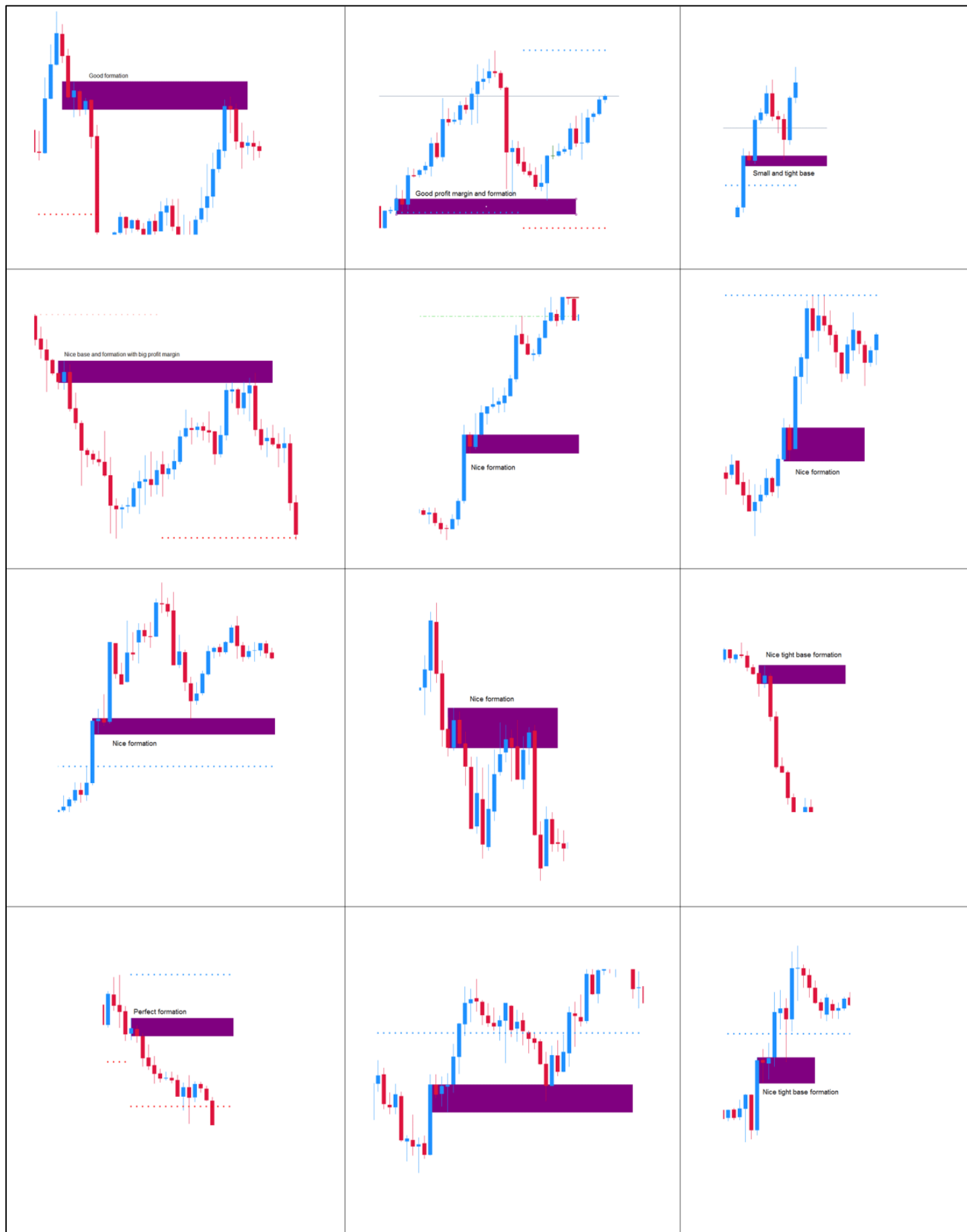
مثال: CP های مومنتومی در مسیر حرکت قیمت



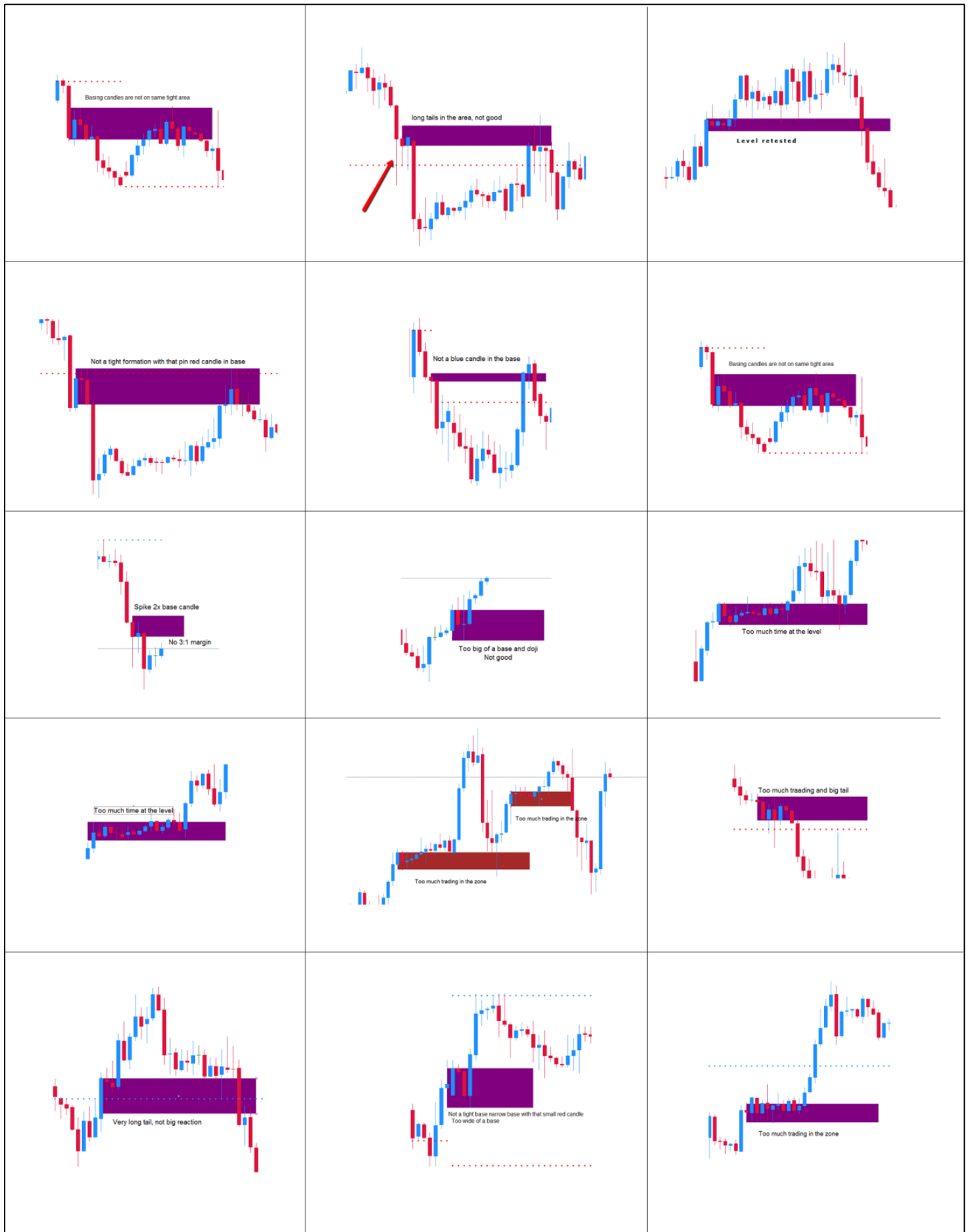
مثال: فلیپ زون



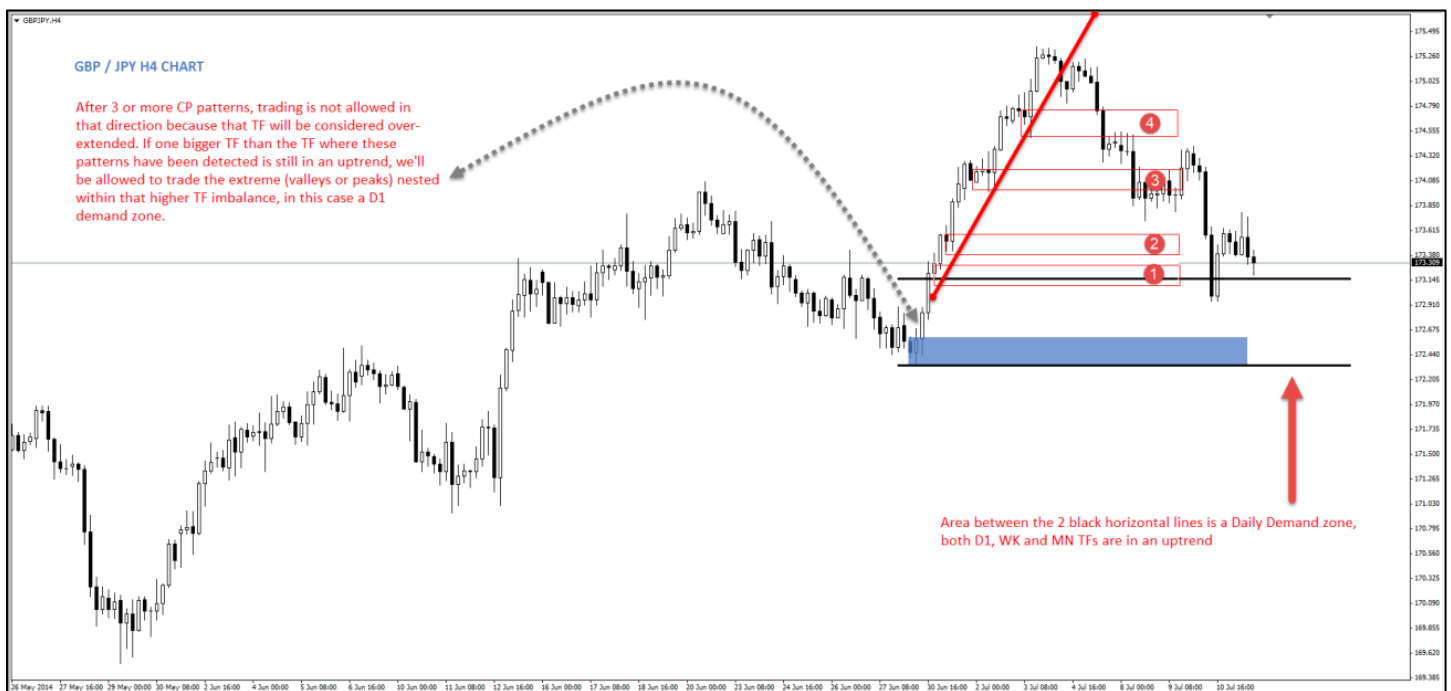
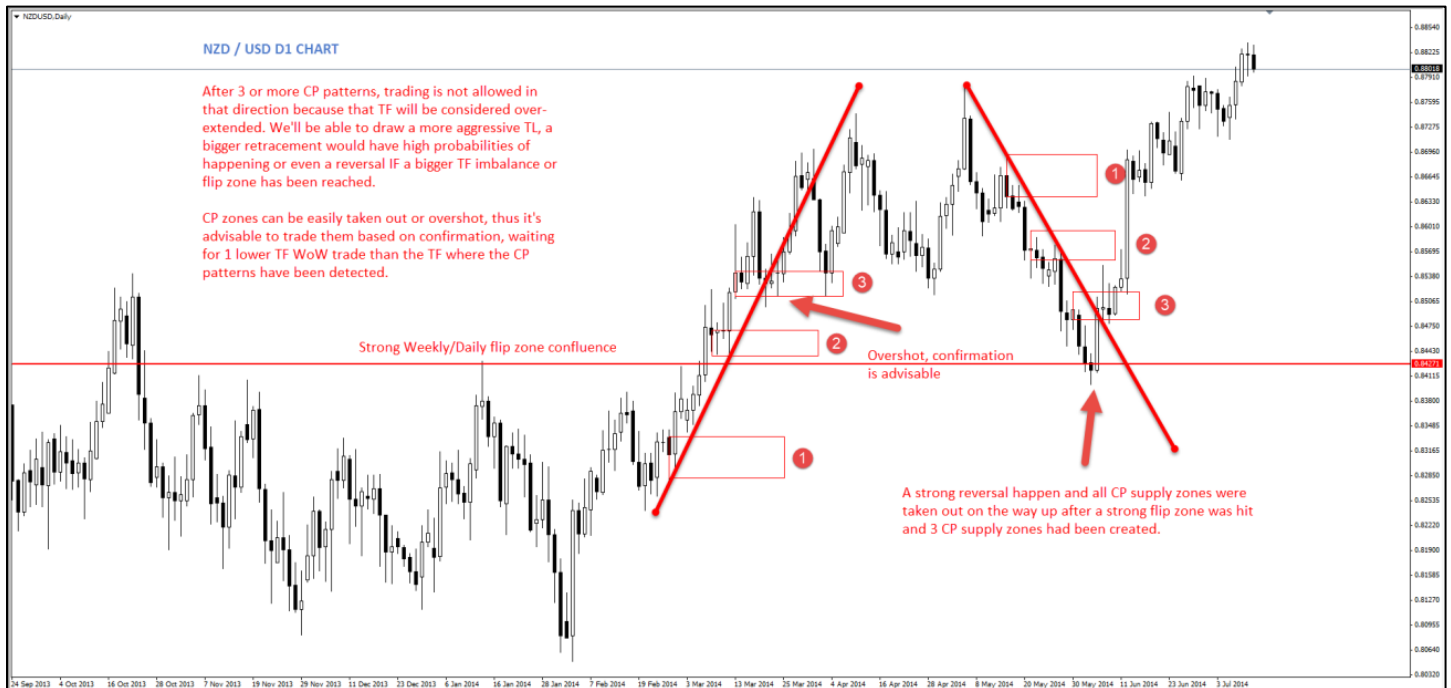
• مجموعه‌ای از شکل‌گیری الگوهای CP معتبر



• مجموعه‌ای از شکل‌گیری الگوهای CP نامعتبر



مثال: اگر Over-extension داشته باشیم ترید نمی‌کنیم حتی اگر به CP، واکنش خوبی هم داشته باشیم.



..... (V-42) ◀

کندل‌های Failed ERC، کندل‌های فیک ۵۰٪ توقف هستند.

هر کندل ۵۰٪ لزوماً به معنای توقف یا بیس در مارکت نیست. برخی از این کندل‌ها نشان از بی‌تصمیمی در بازار می‌باشند.

کندل ERC، کندلی است که طول آن کشیده شده است، که معمولاً ۸۰ الی ۹۰ درصد رنج خودش بسته می‌شود. در کندل‌های Failed ERC، بدنه ۵۰٪ کل طول کندل را تشکیل می‌دهد.

آیا Failed ERC می‌تواند لگ ورود و خروج یک عدم تعادل باشد؟ بله Failed ERC ها می‌توانند لگ ورود و خروج CP ها باشند، مادامی که قابل تشخیص باشند.

Failed ERC ها دارای سایه‌های بلند و بدنه آن معمولاً ۲ برابر کندل‌های معمول ۵۰٪ در بازار است.

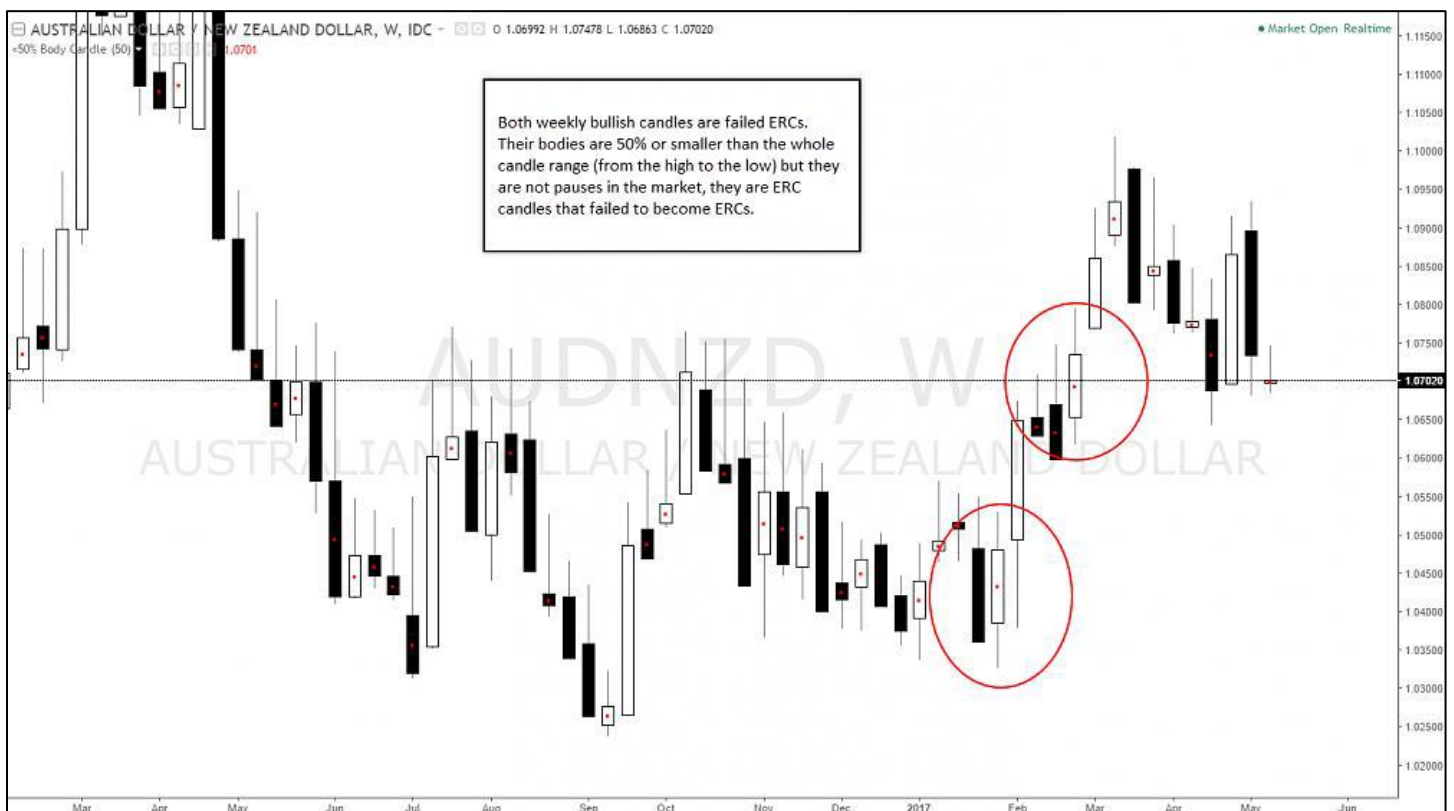
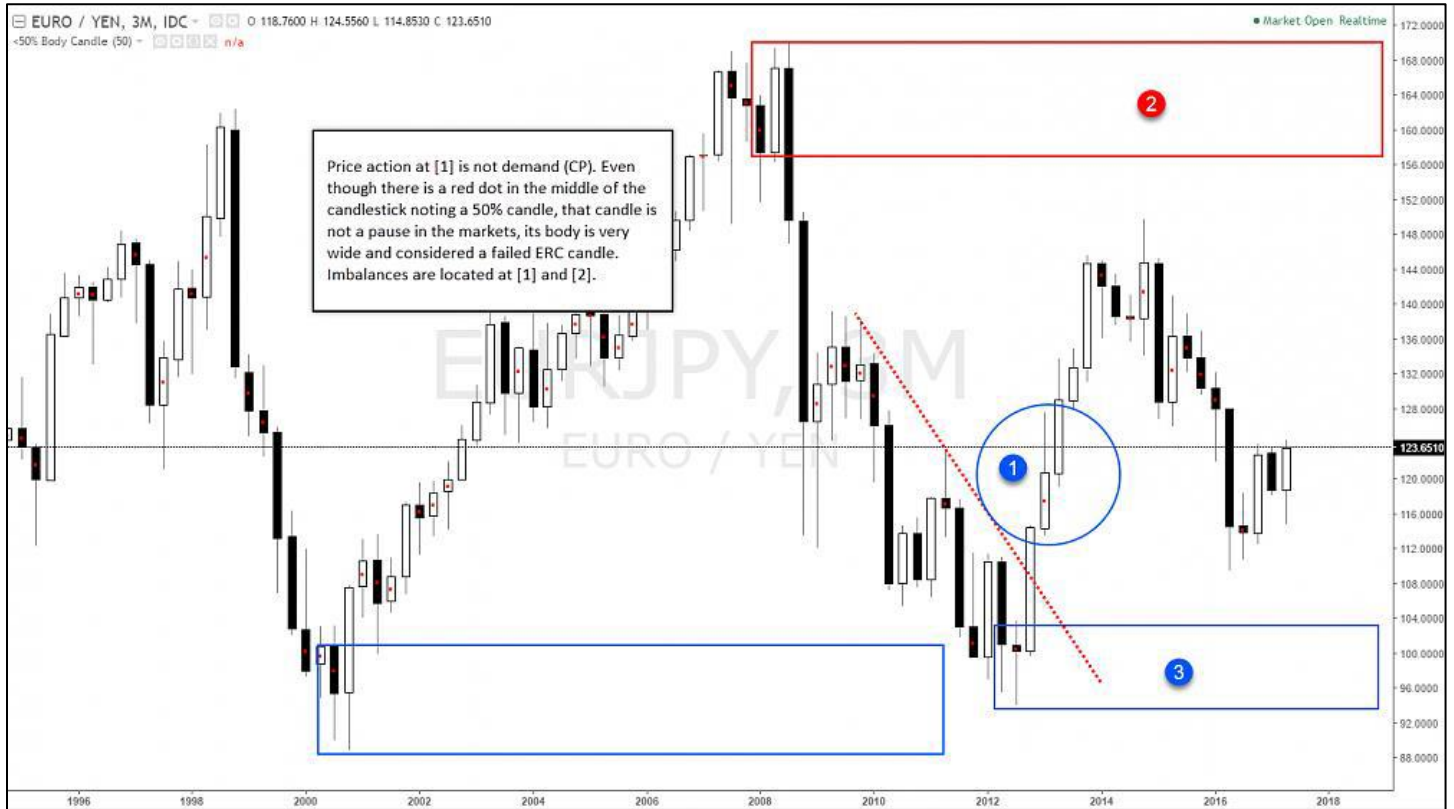
معمولاً کندل Failed ERC بعد از یک یا دو کندل ERC قوی ظاهر می‌شود.

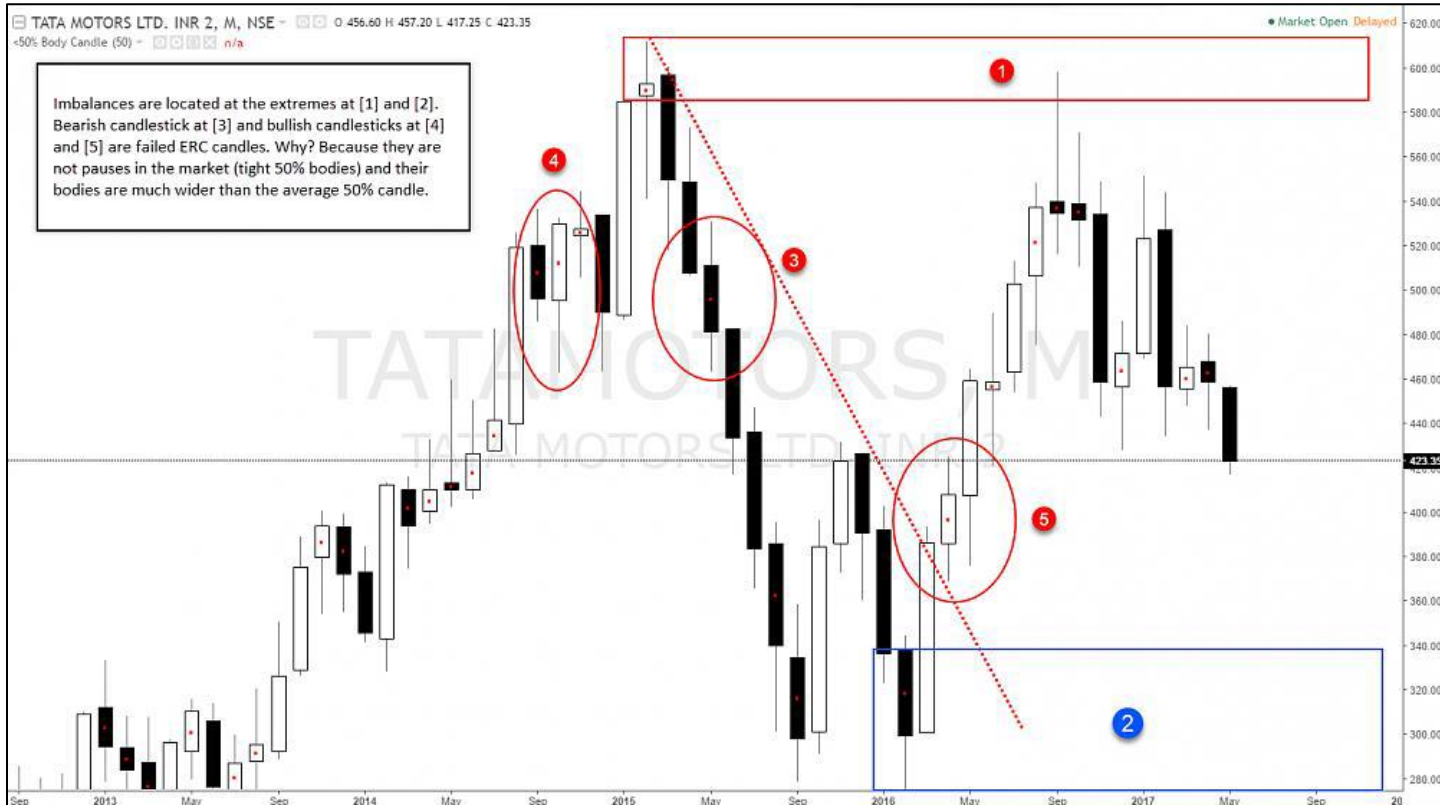
معمولاً کندل Failed ERC بعد از بریک اوت و یا حرکت سریع از عدم تعادل‌ها ظاهر می‌شوند.

آیا یک Failed ERC می‌تواند جزئی از بیس باشد؟ نه

چند مثال از کندل‌های Failed ERC







هر جفت ارزی شخصیت خودش را دارد و باید کندل‌های هر ارزی در ساختار خودش بررسی شود.

◀ (V-43) - شروع بلاک ۴ (قوانین اصلی)

همسویی: توالی و زون‌های آشیانه کرده

مفاهیم توالی و همسویی یک رویکرد مکانیکی است برای تجزیه و تحلیل بالا به پایین که به ما این امکان می‌دهد یک تحلیل یکسان را بارها و بارها انجام دهیم، بنابراین قوانین و باورهای ما را در مورد قوانینی که بر اساس آن معامله می‌کنیم تقویت می‌کند. ما باید سه تایم فریم را برای توالی خود انتخاب کنیم و در مورد روند هر یک از آن‌ها اطلاعات کسب کنیم.

هر تایم فریم ترند و عدم تعادل مستقل خودش را دارد.

قوانین:

- فقط ۳ تایم فریم را برای توالی انتخاب کنید. اگر تایم فریم خود را بیشتر از ۳ انتخاب کنیم، بهانه‌ای برای عدم ورود به معامله پیدا خواهیم کرد.
 - همواره آخرین ترندلاین صعودی و نزولی را در هر ۳ تایم فریم ترسیم کنید تا عدم تعادل‌ها مشخص شوند.
 - آنالیز را از بالاترین تایم فریم شروع و به تایم پایین می‌آییم.
 - پس از اینکه در تایم فریم مومنتوم و حرکت را از دست دادیم، به یک تایم فریم بالاتر از زمانی که روند شکسته شده می‌رویم و در آنجا منتظر می‌مانیم که به یک عدم تعادل معتبر برسد تا در همان تایم فریم بالاتر معامله را انجام داده و با تایم بالاتر همسو شویم.
- بهترین توالی ماهانه، هفتگی و روزانه است، در این توالی می‌توان مارکت‌های زیادی را بررسی کرد و از طرفی استرس کمتر و زمان کمتری را نیز خواهد داشت.

CORE RULES BRIEFING: THE REALIGNMENT

All timeframes are up, we plan our trades at demand imbalances in our entry timeframe, the Daily.



© 2016 All rights reserved. www.set-and-forget.com Supply and Demand Trading Community

CORE RULES BRIEFING: THE REALIGNMENT

Monthly and weekly are up, **Daily down** out of alignment. We plan our trades at demand imbalances nested at Weekly imbalances.



© 2016 All rights reserved. www.set-and-forget.com Supply and Demand Trading Community

CORE RULES BRIEFING: THE REALIGNMENT

Monthly is up, weekly and daily are down and out of alignment. We plan our trades at demand imbalances nested at monthly imbalances.



© 2016 All rights reserved. www.set-and-forget.com Supply and Demand Trading Community

زون‌های آشیانه کرده

این زون‌ها ریسک ورود را خیلی کمتر می‌کنیم.

زون‌های آشیانه کرده الزاما نباید کاملاً درون زون تایم بالاتر باشد و حداقل همپوشانی دو زون هم در این مورد صدق می‌کند.

چه زمانی می‌توانیم Set and Forget کنیم؟

۱. اگر ماهانه و هفتگی و روزانه صعودی و ۴ ساعته نزولی باشد، به روزانه مراجعه کرده و یک دیپند در آنجا ستاپ پیدا می‌کنیم و اوردر را قرار می‌دهیم.
۲. اگر ماهانه و هفتگی صعودی و روزانه نزولی، باید به تایم هفتگی رفته و یک دیپند در آنجا ستاپ پیدا می‌کنیم و اوردر را قرار می‌دهیم.
۳. ماهانه صعود و هفتگی نزولی باشد، باید به تایم ماهانه رفته و یک دیپند در آنجا ستاپ پیدا می‌کنیم و اوردر را قرار می‌دهیم.

	MONTHLY	WEEKLY	DAILY	OPPOSING.ZONE	FRESH	ODDS
1	↑	↑	↓	NONE	--	+++
- D1 is out of alignment --> Buy nested D1 demand zones at valid WK demand zones or at obvious WK/MN flip zones with D1 WoW longs if price falls short of hitting WK/MN demand zone - As a conservative trader you should not be looking to go short trying to grab the movement down to your long entry - D1 WoW longs can always be used as confirmation <i>(the statements above apply to all the scenarios, 2 to 6)</i>						
2	↑	↑	↓	D1/WK	FRESH	++
- Fresh opposing zone hit, less odds than scenario 1						
3	↑	↑	↓	D1/WK	FRESH & ORIGINAL	+
- Fresh & original opposing zone hit, less odds than high odds scenario 1						
4	↑	↑	↓	D1/WK	NON FRESH	++
- Non-fresh opposing zone hit, better odds than 2nd and 3rd scenarios where the opposing zones were either fresh or fresh and original						
5	↑	↑	↓	D1/WK	USED-UP	++
- Used-up opposing zone hit, better odds than previous scenarios because the opposing zone is used-up thus it's most likely to be taken out						
6	↑	↑	↓	MONTHLY	ANY	-
- Opposing MN supply zone has been hit, a conservative trader should wait for confirmation to go long. Why? A MN supply zone is in control, MN is stronger than WK - If MN is used up we could try to go long at a WK area of demand as conservative						

	MONTHLY	WEEKLY	DAILY	OPPOSING.ZONE	FRESH	ODDS
1	↑	↓	↓	NONE	--	+++
- WK is out of alignment --> Buy nested D1 demand zones at valid MN demand zones or at obvious WK/MN flip zones with D1 WoW longs if price falls short of hitting MN demand zone - As a conservative trader you should not be looking to go short trying to grab the movement down to your long entry - D1 WoW longs can always be used as confirmation. <i>(the statements above apply to all the scenarios, 2 to 6)</i> - No opposing zone, highest odds						
2	↑	↓	↓	D1/WK	FRESH	++
- Fresh opposing zone hit, less odds than first scenario.						
3	↑	↓	↓	D1/WK	FRESH & ORIGINAL	+
- Fresh & original opposing zone hit, less odds than high odds scenario 1						
4	↑	↓	↓	D1/WK	NON FRESH	++
- Non-fresh opposing zone hit, better odds than 2nd and 3rd scenario where the opposing zones were either fresh or fresh and original						
5	↑	↓	↓	D1/WK	USED UP	++
- Used-up opposing zone hit, better odds than previous scenarios because the opposing zone is used-up thus it's most likely to be taken out						
6	↑	↓	↓	MONTHLY	ANY	-
- Opposing MN supply zone has been hit, a conservative trader should wait for confirmation to go long. Why? A MN supply zone is in control, MN is stronger than WK - If MN is used up we could try to go long at a MN area of demand as conservative by using a D1 WoW long as confirmation						

وقتی قیمت به زون تایم فریم ورودی ما رسید چه باید کرد؟

- ماهانه و هفتگی صعودی و روزانه نزولی: باید منتظر باشیم تا قیمت به یک دیمند هفتگی رسیده و ما با شانس بالایی اقدام به خرید کنیم. فقط با WOW ترید می‌توانیم فروش داشته باشیم.
- اگر زون روزانه داخل هفتگی بود می‌توانیم set and forget داشته باشیم.
- اگر هیچ زون دیمند در روزانه پیدا نشد یا پیدا شد و تازه نبود، باید با تأییدیه وارد شویم.

WoW ترید و چگونگی ترید ترندلاین‌های شکسته شده در زون‌های تایم فریم بالاتر

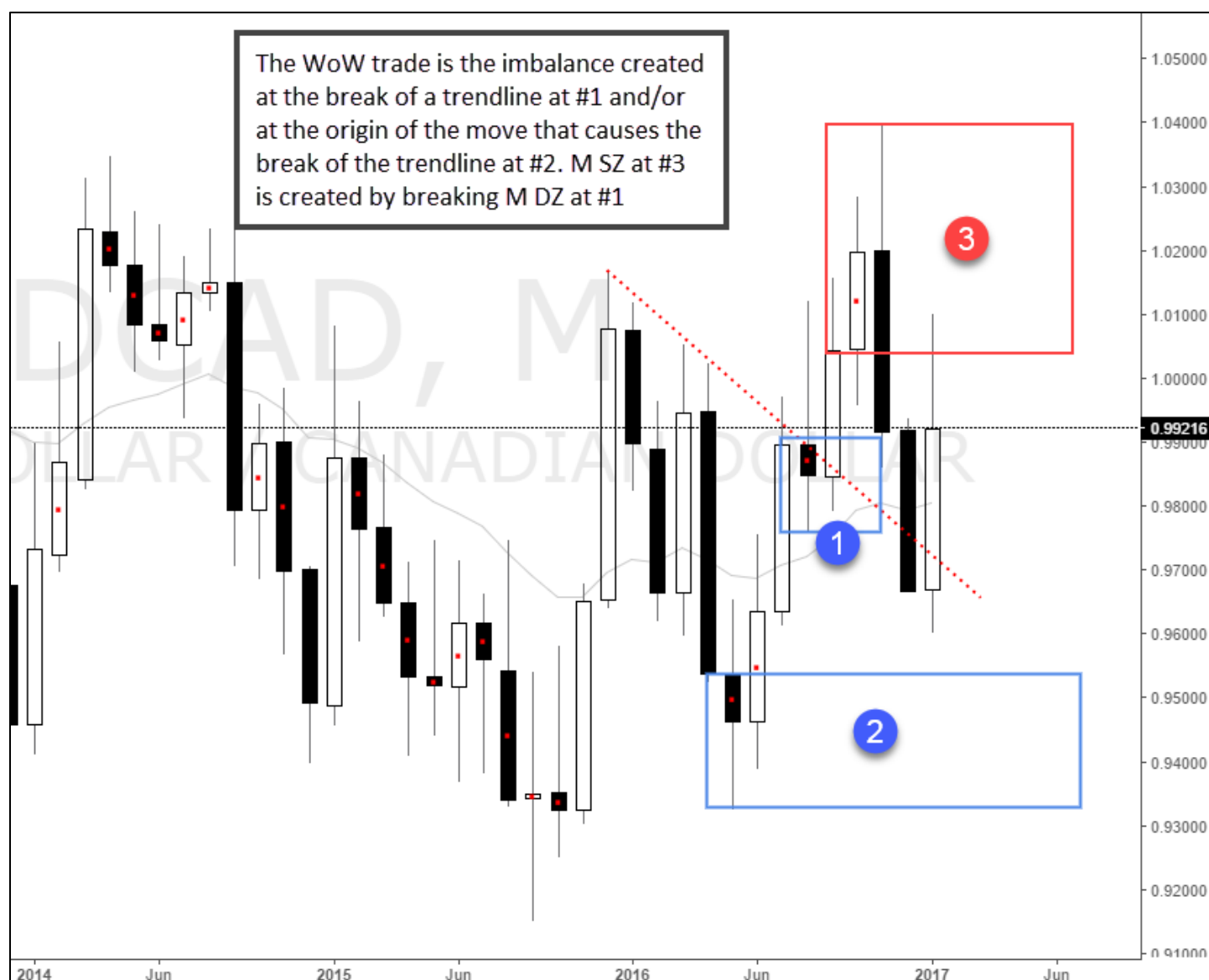
WoW ترید یکی از اضافات مهم مجموعه قواعد Set and Forget است. WoW ترید بسیار قوی و سودده و دارای ریسک بسیار کم است. ظاهر این ترید شبیه W یا M است.

WoW ترید با شکست ترندلاین‌های صعودی و نزولی مرتبط است.

WoW ترید زمانی شکل می‌گیرد که به یک زون تایم بالا برخورد می‌کنیم. بیشتر هم مواقع هم زمانی اتفاق می‌افتد که قیمت Over Extend شده و یا ترند لاین ما به شکل مستحکمی شکسته شده.

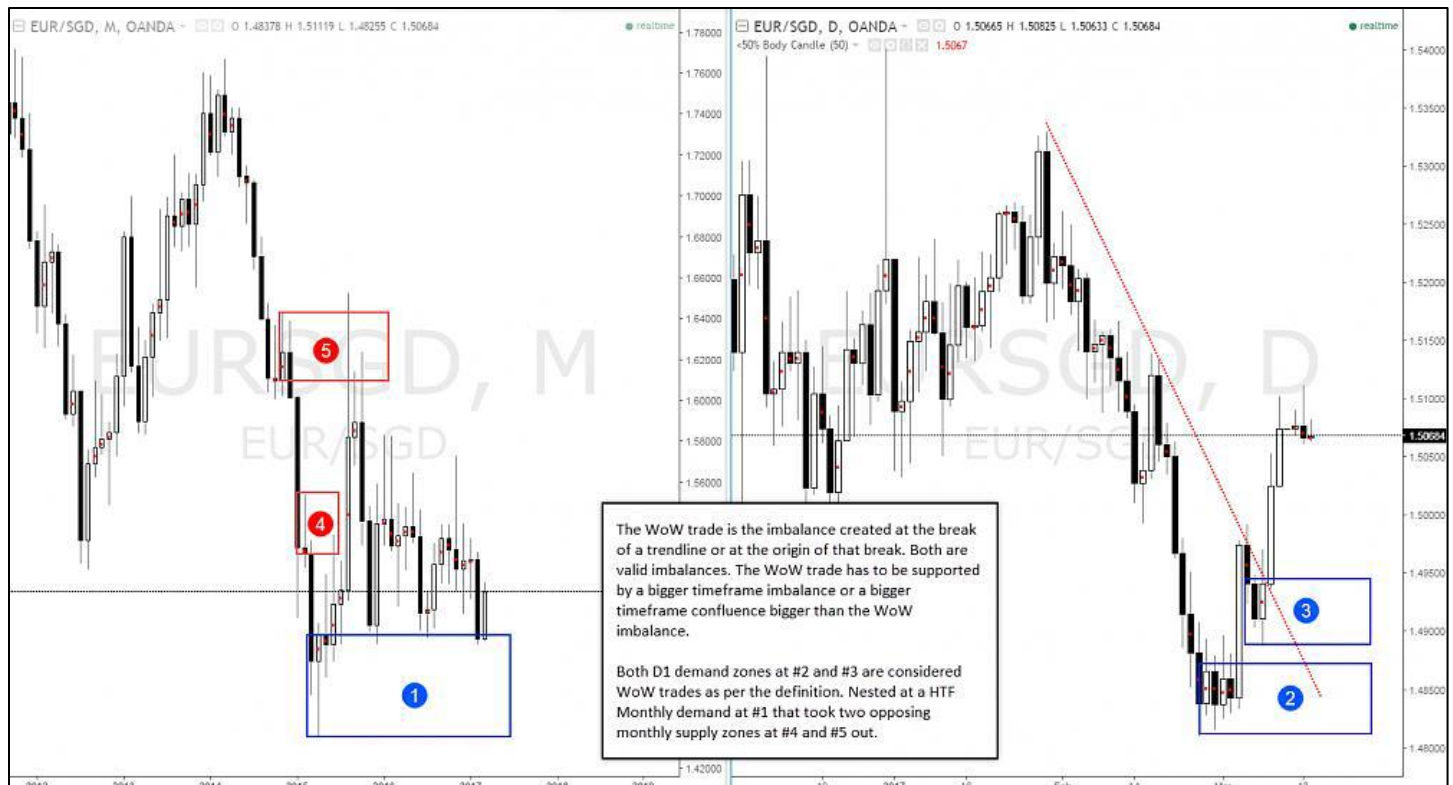
WoW ترید عدم تعادل جدیدی ایجاد می‌کند که در محدوده شکست خط روند و یا در مبدا حرکت ایجاد می‌شود. WoW ترید باید توسط زون تایم فریم بالاتر خودش حمایت شود یا توسط یک همپوشانی تایم فریم بالاتر خودش (ترند لاین، EMA 20، فلیپ زون‌ها و...) حمایت شود.

مثال: چارت ماهانه AUDCAD که نمایش واضحی از ستاپ WoW ماهانه در آن دیده می‌شود. عدم تعادل WoW ترید با شکست خط روند در شماره ۱ و یا در مبدا حرکت است که باعث شکست خط روند در شماره ۲ می‌شود، شماره ۳ با شکستن دیمند ماهانه شماره ایجاد می‌شود.



مثال: عدم تعادل WoW ترید که در خط روند و یا در منشاء حرکت ایجاد شده، هر دو عدم تعادل معتبر هستند. WoW ترید باید توسط یک عدم تعادل تایم بالاتر یا همپوشانی تایم بالاتر حمایت شود. هر دو منطقه تقاضای روزانه در ۲ و ۳ طبق تعریف WoW ترید در نظر گرفته می‌شود که هر دو در ناحیه تقاضای ماهانه در شماره ۱ قرار گرفته است و توانسته هر دو زون مخالف ماهانه خود در ۴ و ۵ را حذف کند.

زون‌های ۲ و ۳ در حمایت از زون شماره ۱ قرار دارد پس منتظر شکل‌گیری ستاپ WoW خواهیم بود.



WoW ترید یک ستاپ تأیید‌های است با احتمال موفقیت بالا که اگر به درستی بررسی و با حمایت تایم بالاتر همراه شود، نتایج عالی به همراه دارد. اگر یکسری موارد رعایت نشود مدام WoW تریدهای ضد روند می‌گیریم. پس باید مراقب باشیم با هر شکست خط روند WoW ترید نکنیم. هر ستاپ پرایس اکشنی اگر قدرت مومنتوم آن مارکت را داشته باشد قدرت بالایی خواهد داشت.

چرا WoW ترید رخ می‌دهد؟

۱. قیمت Over Extend می‌شود.
۲. بیش از ۳ CP داشته باشیم.
۳. رالی‌ها و دراپ‌های بزرگ پایدار نیستند. مارکت تمایل دارد به تعادل حرکتی خود برگردد.
۴. قیمت به تایم فریم بالا واکنش نشان می‌دهد و ایجاد یک عدم تعادل جدید می‌کند.
۵. در منشاء این شکست‌های خط روند ما معمولاً می‌توانیم الگوهای کلاسیک همانند دو یا سه قله/دره، ۱۲۳ و.. را ببینیم. و بخاطر شکل‌گیری این الگوها ما WoW ترید شکل می‌گیرد. ما این الگوها را معامله نخواهیم کرد، بلکه فقط عدم تعادل عرضه و تقاضا را ترید می‌کنیم.
۶. قیمت نیاز دارد یک تایم فریم بالاتر از تایم فریمی که WoW ترید در آن شکل گرفته است. اگر ترندلاین نزولی می‌بینیم که شکسته شده است ولی دیمند هفتگی وجود نداشته باشد، WoW ترید ستاپ معتبری نخواهد بود.

سناریوهای با احتمال بالا WoW ترید (از امتیاز بالا به پایین)

۱. سناریوهای مومنتومی و لوکیشنی، هم قدرت مومنتوم و هم قدرت لوکیشن را دارد. در این مورد تایم بالا دارای ترند است. فرض کنیم ماهانه و هفتگی صعودی است، روزانه نزولی می‌شود، ولی ما به یک دیمند هفتگی مهم برخورد می‌کنیم، قطعاً در این دیمند ما باید

به دنبال لانگ باشیم، در این حالت ترند لاین نزولی ما در روزانه شکسته می‌شود و یک زون روزانه درون هفتگی شکل می‌گیرد، در این حالت ما WoW ترید را می‌گیریم.

۲. **برخورد به زون تایم فریم بالا،** بهتره تایم فریم بالا دارای ترند باشد زیرا WoW ترید نیاز به پشتیبانی از یک تایم فریم بالاتر دارد. به عنوان مثال اگر یک منطقه تقاضای هفتگی کنترل قیمت را در دست بگیرد، WoW ترید لانگ معتبر خواهد بود. اگر تایم فریم‌های هفتگی و ماهانه هم دارای ترند باشند حتی بهتر هم خواهد بود.

۳. **برخورد به یک تلاقی تایم فریم بالا،** فرض می‌کنیم هیچ زونی نداریم و قیمت به سمت بالا حرکت می‌کند و یک ترند لاین تایم بالاتر بصورت نزولی وجود دارد که قیمت به آن رسیده است، در این شرایط قیمت ترند لاین صعودی تایم خود را شکسته و یک سوپلای جدید می‌سازد که می‌توان در این شرایط یک WoW ترید نزولی داشت (هرچه ترند لاین با قدرت شکسته شود شانس موفقیت بالایی خواهیم داشت).

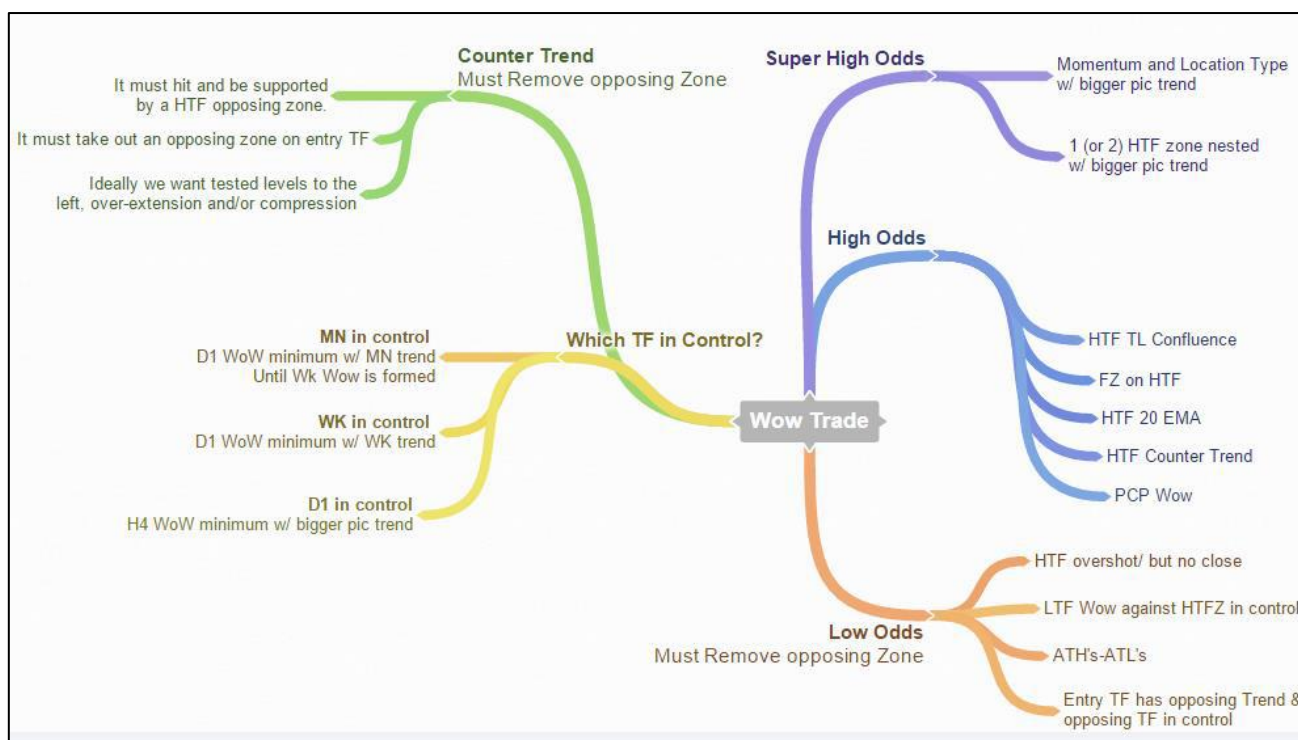
۴. **برخورد با EMA 20 تایم بالا،** در این شرایط تایم بالا باید دارای روند باشد، این شرایط تنها زمانی قابل استفاده است که ترند شفافی داشته باشد. مثلاً اگر روند تایم روزانه صعودی است و به EMA 20 هفتگی برخورد می‌کند، روند هفتگی ما باید نزولی باشد.

۵. **هنگام برخورد با زون تایم بالاتر و بصورت ضد روند،** مثلاً روزانه، هفتگی و ماهانه صعودی است و روزانه به یک ناحیه عرضه هفتگی برخورد می‌کند ولی چون روندهای بزرگ ما صعودی است، ریسک بالایی برای شورت گرفتن دارد. مگر اینکه سوپلای در یک ناحیه خیلی بالایی قرار گرفته باشد و از دیمند خود در تایم ماهانه فاصله زیادی پیدا کرده باشد.

۶. **زون تایم بالا نفوذ بیش از حد شده (Overshot)،** شانس بسیار کمی دارد ولی چون زون تایم بالا کاملاً حذف نشده احتمال موفقیت دارد.

- در حالات ATH و ATL ترید WoW دارای ریسک بالایی است.
- فرض کنید یک WoW ترید بسیار خوبی شکل گرفته و ترند لاین هم شکسته شده ولی به زون تشکیل شده پولبک نمی‌دهد (تریگر نمی‌شود)، و قیمت مدام پیش رفته و بعد با تغییر روند به سمت زون تشکیل شده برگردد، زیرا احتمال شکست زون با تغییر روند ایجاد شده بسیار بالا خواهد بود. برای یک WoW ترید باید یک زمان و فاصله منطقی برای پولبک در نظر گرفت، اگر روند با ترند WoW ترید مخالف شد، اوردرد باید حذف شود.

- فرض کنید یک WoW ترید بسیار خوبی شکل گرفته و ترند لاین هم شکسته شده ولی به زون تشکیل شده که داخل یک زون تایم بالاتر است پولبک نمی‌دهد (تریگر نمی‌شود)، و قیمت مدام پیش رفته و به زون مخالف در تایم بالاتر می‌رسد، در نهایت دوباره در حال برگشت به زون WoW ترید است، در این شرایط رسیدن قیمت به زون، در اصل برخورد دوم به زون بالاتر را شامل می‌شود و بنابراین دارای ریسک بالایی است.



هر چه تایم فریم بزرگتری کنترل را در دست داشته باشد، باید تایم فریم انتخابی برای ستاپ WoW هم بالاتر انتخاب شود.

ستاپ‌های WoW با احتمال موفقیت بسیار بالایی هستند که اگر با بالاترین تایم فریم هم مسیر (ترند یکسان) باشند، بسیار عالی خواهد بود. فرض کنید ماهانه تایم بالایی شماست و در اینجا تریدهای WoW در تایم روزانه شانس بالاتری نسبت به تایم ۴ ساعته خواهند داشت.

به عنوان یک قاعده کلی

هر چقدر تایم فریم بزرگتر قیمت را در دست داشته باشد، تایم فریم WoW ترید را هم باید بالا ببریم

برای مثال:

- دیمند ماهانه کنترل قیمت را در دست دارد، تایم فریم‌های ۴ ساعته یا زیر آن مناسب برای WoW ترید نیستند.
- قیمت معمولاً به یکباره از زون ماهانه بلند نمی‌شود، تا زمانی که یک WoW لانگ هفتگی بدهد، در عین حال شورت هم می‌تواند در روزانه و یا هفتگی اتفاق بیافتد، حتی اگر نمودار ماهانه در یک روند صعودی است.

راهنمایی‌های مهم:

- **دیمند ماهانه کنترل را در دست دارد و صعودی است:** حداقل تایم فریم برای معامله WoW لانگ‌های **روزانه** است. WoW لانگ‌های هفتگی هم می‌تواند رخ دهد.
- **دیمند هفتگی کنترل را در دست دارد و ماهانه هم صعودی است:** حداقل تایم فریم برای معامله WoW لانگ‌های **روزانه** است. WoW لانگ‌های ۴ ساعته هم می‌تواند رخ دهد ولی باید مطمئن باشید که به هیچ سوپلای زون روزانه، یا هیچ ترندلین هفتگی، یا EMA 20 هفتگی برخورد نکرده باشد.
- **دیمند زون روزانه کنترل را در دست دارد و هفتگی صعودی است:** حداقل تایم فریم برای معامله WoW لانگ‌های ۴ ساعته است.

ستاپ‌های ضد روند WoW

WoWها زمانی خوب کار می‌کنند که با ترند تایم بالاتر همراه باشند و از یک زون تایم بالاتر بلند شوند.

قوانین ستاپ‌های ضد روند WoW:

- **شرط ۱:** باید به یک زون تایم بالا برخورد کرده و حمایت شود.
- **شرط ۲:** باید یک زون مخالف را با بسته شد کندل حذف کند (زون را رد کرده و کندل را بیرون زون ببندد).
- **ایده‌ال:** زون مخالف تست شده باشد و یا Over-extension شده باشد و یا فشردگی قیمت را داشته باشد.

با تازه بودن یک سطحی که WoW ترید داخل آن رخ داده چکار کنیم؟

فرض می‌کنیم در تایم روزانه که قیمت از ناحیه تازه به سمت پایین در حال حرکت است و یا قیمت در مسیر حرکت یک ناحیه تازه درست کرده است، شما می‌خواهید WoW لانگ بگیرید، ولی سوپلای ماهانه تازه بالاتر قرار دارد. این سوپلای تازه زمانی برای ما اهمیت ندارد که روند ماهانه صعودی باشد.

اگر زونی که انتظار داریم حذف شود، اگر فرمت خوبی نداشت، می‌توان انتظار داشت که حذف شود و جسورانه ترید کنید.

پیشنهاد: توصیه می‌شود موانع از سر راه قیمت برداشته شود.

زون تست شده تایم فریم بالا قیمت را در دست دارد؟

باید منتظر باشیم یک زون جدید ساخته شود که یک زون مخالفی را حذف کرده باشد (زون جدید داخل زون تایم بالای تست شده است). اگر هیچ زونی وجود ندارد که حذف شود و یا نزدیک‌ترین زون خیلی فاصله دارد، می‌توان وارد پوزیشن شد. (مثال زیر)



اگر زون تایم بالا استفاده شده بود؟ هیچ کاری نمی‌کنیم. باید منتظر شد تا بازار یک روند جدید بگیرد.

WoW تریدهای ضدروند؟ باید منتظر باشیم تا یک زون مخالف حذف شده باشد و حواس ما به EMA 20 تایم فریم بالا باشد، مطمئن شویم که رفتار قیمت در سمت چپ برای ترید ضدروند ایده‌آل است.

چگونه برای WoW ترید برنامه‌ریزی کنیم؟

در WoW تریدها معمولاً چند زون ایجاد می‌شود؛ یک زون منشا حرکت که زون‌هایی داخل زون تایم بالا است، یک زون دقیقاً روی ترندلاین یا حوالی آن ایجاد می‌شود، یا یک زون که زیر ترندلاین است و یا مسئولیت شکست ترندلاین را بر عهده دارد. سوال اینجاست که باید کدام زون را بعنوان زون ترید WoW باید در نظر بگیریم. در درجه اول باید زونی که دارای امتیاز بالایی است را در نظر بگیریم، اگر امتیازهای برابری داشتند و یا زون‌هایی بود که برتری نسبت به دیگری نداشت روی همه زون‌های شکل گرفته پوزیشن قرار می‌دهیم:

۱. اگر هیچ CP ساخته نشد، ما قله/دره ساخته شده را در نظر می‌گیریم.
۲. CP اگر نزدیک ترندلاین باشد و تأیید شده باشد (دست‌آورد داشته باشد) قابل ترید است.
۳. زمانی که ترندلاین پر قدرت شکسته می‌شود، قیمت تمایل دارد که به منشاء برگردد، بنابراین زون منشاء را ترید می‌کنیم.

در چه تایم فریمی باید منتظر یک عدم تعادل باشیم؟

- اگر تایم بالا تست شده باشد و به روزانه برخورد می‌کنیم حداقل تایم فریم WoW ترید ۴ ساعته است.
- اگر هفتگی تست شده باشد، WoW روزانه را می‌گیریم.

WoW تریدهای آشیانه کرده (NESTED WoW)

هر چقدر WoW تریدهای آشیانه کرده بیشتر داشته باشیم شانس WoW تریدی که می‌خواهیم ورود بزنیم بالا می‌رود.

مثلاً

- WoW لانگ روزانه داشته باشیم داخل یک WoW لانگ هفتگی در برخورد با یک دیمند ماهانه
- دیمند ماهانه تازه و هفتگی هم Over-extend شده است.

- بهتر است WoW لانگ روزانه را بگیریم تا در صورت ریسک فری استاپ ما نخورد.

◀ (V-45) - مثال آلفونسو

WoW تریدهای آشیانه کرده (NESTED WoW)

یک استراتژی قوی هم برای مارکت‌های رونددار و هم ضدروند.

دقیقه ۱۹ (بررسی فایل PDF شماره ۳) - جدول

- این جدول بصورت محافظه‌کارانه (کم ریسک) طراحی شده
- این جدول برای روند صعودی طراحی شده، پس برای روند نزولی برعکس خواهد بود.
- زون مخالف ما چون روند صعودی است، سوپلای است.
- توالی زمانی هم بر اساس ماهانه، هفتگی و روزانه است.
- شانس موفقیت بصورت روبرو است + = بالا، ++ = بسیار بالا، +++ = به شدت بالا، - = ضعیف
- همواره می‌توانید بجای اینکه Set and Forget کنید، از WoW تایم ورود استفاده کنید، یعنی بجای صبر کردن، بر اساس تأییدیه تایم ورود وارد پوزیشن WoW شوید. فقط و فقط از یکی از این دو روش استفاده کنید و مدام سبک ورود را تغییر ندهید.

جدول ۱: ماهانه و هفتگی صعودی و روزانه متفاوت از ترند ماهانه و هفتگی

رفتار: منتظر باشید تا به زون دیمند هفتگی برخورد شود. در دل دیمند زون هفتگی دیمند آشیانه کرده روزانه را لانگ می‌کنیم.
ما هم در دیمند زون‌ها و هم در فلیپ زون‌ها می‌توانیم لانگ بگیریم.

	MONTHLY	WEEKLY	DAILY	OPPOSING.ZONE	FRESH	ODDS
1	↑	↑	↓	NONE	--	+++
- D1 is out of alignment --> Buy nested D1 demand zones at valid WK demand zones or at obvious WK/MN flip zones with D1 WoW longs if price falls short of hitting WK/MN demand zone - As a conservative trader you should not be looking to go short trying to grab the movement down to your long entry - D1 WoW longs can always be used as confirmation <i>(the statements above apply to all the scenarios, 2 to 6)</i>						
2	↑	↑	↓	D1/WK	FRESH	++
- Fresh opposing zone hit, less odds than scenario 1						
3	↑	↑	↓	D1/WK	FRESH & ORIGINAL	+
- Fresh & original opposing zone hit, less odds than high odds scenario 1						
4	↑	↑	↓	D1/WK	NON FRESH	++
- Non-fresh opposing zone hit, better odds than 2nd and 3rd scenarios where the opposing zones were either fresh or fresh and original						
5	↑	↑	↓	D1/WK	USED-UP	++
- Used-up opposing zone hit, better odds than previous scenarios because the opposing zone is used-up thus it's most likely to be taken out						
6	↑	↑	↓	MONTHLY	ANY	-
- Opposing MN supply zone has been hit, a conservative trader should wait for confirmation to go long. Why? A MN supply zone is in control, MN is stronger than WK - If MN is used up we could try to go long at a WK area of demand as conservative						

جدول ۲: ماهانه صعودی و هفتگی و روزانه متفاوت از ترند ماهانه و هفتگی

رفتار: منتظر باشید تا به زون دیمند ماهانه برخورد شود. در دل دیمند زون ماهانه دیمند آشیانه کرده هفتگی را لانگ می‌کنیم.

باید مراقب EMA 20 هفتگی و ماهانه و سطوح تلاقی ترندلاین‌های ماهانه و هفتگی بود.

	MONTHLY	WEEKLY	DAILY	OPPOSING.ZONE	FRESH	ODDS
1	↑	↓	↓	NONE	--	+++
<p>- WK is out of alignment --> Buy nested D1 demand zones at valid MN demand zones or at obvious WK/MN flip zones with D1 WoW longs if price falls short of hitting MN demand zone</p> <p>- As a conservative trader you should not be looking to go short trying to grab the movement down to your long entry</p> <p>- Watch WK / MN 20 EMAs and MN/WK TL confluences. Don't go against them if price is at or very close to them</p> <p>- D1 WoW longs can always be used as confirmation</p> <p><i>(the statements above apply to all the scenarios, 2 to 6)</i></p> <p>- No opposing zone, highest odds</p>						
2	↑	↓	↓	D1/WK	FRESH	++
- Fresh opposing zone hit, less odds than first scenario.						
3	↑	↓	↓	D1/WK	FRESH & ORIGINAL	+
- Fresh & original opposing zone hit, less odds than high odds scenario 1						
4	↑	↓	↓	D1/WK	NON FRESH	++
- Non-fresh opposing zone hit, better odds than 2nd and 3rd scenario where the opposing zones were either fresh or fresh and original						
5	↑	↓	↓	D1/WK	USED UP	++
- Used-up opposing zone hit, better odds than previous scenarios because the opposing zone is used-up thus it's most likely to be taken out						
6	↑	↓	↓	MONTHLY	ANY	-
<p>- Opposing MN supply zone has been hit, a conservative trader should wait for confirmation to go long. Why? A MN supply zone is in control, MN is stronger than WK</p> <p>- If MN is used up we could try to go long at a MN area of demand as conservative by using a D1 WoW long as confirmation</p>						

جدول ۳: ماهانه رنج صعودی و هفتگی و روزانه متفاوت از ترند ماهانه و هفتگی

رفتار: با تأییدیه می‌توانیم در زون‌های ماهانه و هفتگی لانگ و یا شورت روزانه بگیریم. اگر الگوهای کندلی را در تایم فریم‌های روزانه و یا هفتگی دیدیم نشان‌دهنده ریزش بیشتر است و می‌توان شورت گرفت و تا زون‌های تازه پایین‌تر یک تایم فریم بالاتر نگه داریم.

باید مراقب EMA 20 هفتگی و ماهانه و سطوح تلاقی ترندلاین‌های ماهانه و هفتگی بود.

اگر در هفتگی WoW لانگ داشته باشیم، اما به زون خاصی در ماهانه برخورد نکرده باشد و یک سوپلای ماهانه کنترل را در دست داشته باشد، آن WoW لانگ شانس پایینی دارد.

	MONTHLY	WEEKLY	DAILY	OPPOSING.ZONE	FRESH	ODDS
1				NONE	-	-
<p>- MN is consolidating → Shorts and Longs are allowed based on confirmation at obvious HTF zones and WK/MN flip zones with D1 WoW trades</p> <p>- Pay attention to WK/D1 candlestick patterns like bearish engulfing, shooting stars and spinning tops with dojis, they are signals that price might be ready for a drop and a bigger retracement. Remember MN is in consolidation, that is, either an opposing MN demand has been taking out or the ascending MN TL has been broken</p> <p>- Watch WK / MN 20 EMAs and MN/WK TL confluences. Don't go against them if price is at or very close to them <i>(the statements above apply to all the scenarios, 2 to 6)</i></p> <p>- WK WoW are low odds if they are against the reaction of the biggest TF in control, that is, MN. For example, MN has got MN bullish consolidation, MN SZ in control. We have a new WK WoW DZ without hitting MN DZ, that long is low odds. Realignment rules require support from a bigger timeframe (MN in the case of a WK WoW) or a strong flip zone</p> <p>- No opposing zone has been hit. No reason to short unless we see obvious rejection candlestick patterns and supply zones as well as strong resistance above which WK and D1 candles cannot close</p>						
2				D1/WK	FRESH	++
<p>- Fresh opposing zone hit. Shorts bias. Price could make a bigger retracement once opposing fresh supply zone is hit and give us some shorts on the way fresh and original demand zones</p>						
3				D1/WK	FRESH & ORIGINAL	+++
<p>- Fresh and original opposing zone hit. Shorts bias. Price could drop further once the opposing fresh and original supply zone has gained control and give us some shorts on the way fresh and original demand zones</p>						
4				D1/WK	NON FRESH	++
<p>- Non-fresh opposing zone hit. Shorts bias on confirmation. Watch price action to the left and see if price is compressed and no fresh and original area could prevent price from dropping lower</p>						
5				D1/WK	USED UP	+
<p>- Used-up opposing zone hit. Shorts bias on confirmation, Price action to the left is critical, we need compressed zones and no obstacle or we might have some unnecessary losses because the opposing zone is used-up and it could just be a small retracement to gain some fuel to rally again</p>						
6				MONTHLY	ANY	+++
<p>- Opposing MN supply zone has been hit, a conservative trader should wait for confirmation to go short. Why?</p>						

◀ (V-46) و (V-47).....

تریدهای Set and Forget در برابر تریدهای تأییدیه‌ای

فواید تریدهای Set and Forget:

۱. حذف احساسات خود از ترید. احساسات بدترین دشمن ما هنگام ترید هستند.
۲. لذت از زندگی. زیرا ساعت‌های بی‌شماری برای خیره شدن به کامپیوتر و تجزیه و تحلیل نیاز نخواهید داشت.
۳. اخبار تأثیری در ترید شما ندارد.

تفکری که هرچه بیشتر است بهتر است تله روانشناسانه است که باعث میشه در فارکس سود کمتری داشته باشیم.

به طور کلی می‌توان نوع معاملات را به دو دسته تقسیم کرد:

- **تریدهای Set and Forget.** نیاز به تأییدیه ندارد. شانس با ما همراه است، تا زمانی که ترند تایم فریم بالا همراه با ما باشد، اهمیتی نمی‌دهیم که بازار چه تصمیمی می‌گیرد یا پس از ورود ما به ترید چه اتفاقی می‌افتد.
- **تریدهای تأییدیه‌ای.** به دلایل مختلفی نیاز به تأییدیه داریم: سطح ضعیف، تست شده یا مصرف شده است (بیشتر از ۲ بار تست شده)، روند با ما نیست، یک مانع مهم (فلیپ زون، EMA 20 تایم بالا، ترند لاین تایم بالا یا زون مخالف تایم بالا) در برابر ترید Set and Forget وجود دارد یا در مورد ورود به معامله تردید دارید.

هرچقدر تایم کمتری را در فارکس بگذرونید و سعی کنید ترید مناسب خود را پیدا کنید، باعث می‌شود بیشتر درآمد داشته باشید، چون ریسک‌تری هستید یا ترید بیش از حد انجام نمی‌دهید.

چه زمانی Set and Forget کنیم؟

توالی شما به شما خواهد گفت که چه زمانی Set and Forget کنید،

- زمانی که می‌خواهیم با روند بزرگ‌ترمان همراه و همسو باشیم.
- موقعی که یک زون آشیانه کرده در یک زون تایم بالا در یک بازار رونددار هستیم.
- زمانی که از قوانین ساختار اصلی مارکت پیروی می‌کنیم.
- زمانی که می‌خواهیم تریدهای مومنتومی یا مومنتومی + لوکیشنی انجام دهیم.
 - Set and Forget را فقط روی سطوح تازه دیمند یا سوپلای انجام می‌دهیم زمانی که مارکت دارای ترند است.
 - اگر می‌خواهید ضدروند معامله کنید از سطوح تازه (Fresh) و اورجینال استفاده کنید. در این حالت لوکیشن قیمت خیلی مهم است.

چه زمانی Set and Forget نکنیم؟

- زمانی که قیمت در SD رنج بسیار بالا/پایین است. نیاز به تأییدیه داریم.
- زمانی که سطح ما تازه نیست.
- زمانی که سطح ما مصرف شده است.
- زمانی که یک CP داریم که در SD رنج بسیار بالا/پایین است.
- منطقه عدم تعادل نامنظم است
- زمانی که یک CP داریم که بر خلاف ترند تایم فریم ورود است.

چه زمانی برای ترید تأییدیه‌ای اقدام کنیم؟

در این نوع ترید به معنای تأیید قطعی و موفقیت ترید نیست.

ترید مثل ماهیگیری است و فاکتور صبر کردن را دارد. خیلی وقت‌ها این صبر به سود و خیلی از زمان‌ها به ضرر می‌رسد.

تأییدیه یعنی ایجاد شدن یک عدم تعادل جدید داخل یک عدم تعادل تایم بالاتر یا یک تلاقی تایم بالاتر

زمانی که مثلا در تایم روزانه ترید می‌کنید و شرایط مبهم و خاصی وجود دارد یک تایم فریم پایین‌تر آمده (۴ ساعته) و در آنجا تأییدیه می‌گیریم. نکات مهم برای ترید تأییدیه‌ای

۱. یک زون مخالف شکسته شده باشد.

۲. ترندلاین با یک کندل OHCL شکسته شده باشد. همان WoW ترید. خیلی بهتر است که در این شرایط زون مخالف هم حذف شود.

چه سناریوهایی هستند که برای ورود به آن‌ها به تأییدیه نیاز داریم:

۱. زمانی که یک زون تایم بالاتر کنترل قیمت را در دست دارد و شما می‌خواهید خلاف روند ترید کنید. فرض می‌کنیم ماهانه نزولی، هفتگی صعودی و روزانه نزولی است و قیمت از یک زون ماهانه و از یک سوپلای به سمت پایین آمده و به زون (دیمند) هفتگی برخورد می‌کند، در اینجا باید منتظر باشیم تا در تایم روزانه یک WoW شکل گرفته باشد و لانگ بگیریم.
۲. اگر زون تایم بالا تست شده باشد. اگر تایم فریم بالا تازه نیست، باید منتظر سطوح جدید SD در تایم فریم پایین باشید و تأییدیه بگیرید.
۳. زمانی که زون تایم فریم بالاتر ریوارد ۲ نداد. منتظر حذف یک زون مخالف در تایم ورود می‌شویم.

◀ فیلم ۴۷

۴. CP که درون یا نزدیک زون دیمند یا سوپلای تایم بالا است. چون ترند CP شکسته شده و روند مخالفی گرفته باید منتظر باشیم تا ترند لاین مخالف CP شکسته شود و یک زون جدید شکل بگیرد.
۵. سطوح بالای سطوح دیگر (Level on top of level). وقتی چند سطح روی هم قرار دارد چون نمی‌دانیم روی کدام سطح وارد شویم، منتظر تأییدیه می‌مانیم.
۶. زمانی که تایم فریم بالاتر مجدد تست (تست دوم) می‌شود. باید منتظر باشیم تا یک زون جدید ایجاد شود و همزمان زون مخالف هم حذف شود (شکل‌گیری زون جدید بخاطر حذف یک زون مخالف باشد) و زون جدید ترندلاین قبلی رو هم شکسته باشد.
۷. برای ترید ضد روند بدون ریوارد ۲. باید زون مخالف حذف شود.
۸. بیس ضعیف بود، حرکت قیمتی مناسبی نداشت و یا حداقل ریوارد لازم را نداد.
۹. زمانی که تایم بالاتر حرکت قوی نداشت یا ریوارد ۲ نداد، یا استفاده شده بود. حتما باید منتظر حذف زون مخالف بود.
۱۰. زمانی که Over-Extension و می‌خواهیم خلاف آن حرکت کنیم. در این ساختار قیمت دوست دارد به منشاء حرکت خود برگردد.
۱۱. زمانی که در تایم بالاتر الگوهای برگشتی مثل پین بار یا اینگلف یا سایر الگوهای کندلی را ببینیم. مثلا تایم بالاتر ما (هفتگی) صعودی است و یک اینگلف زده می‌شود حالا در تایم روزانه و ۴ ساعته ورود برای صعود از یک دیمند روزانه یا ۴ ساعته ریسک بالایی دارد بنابراین بهتر است وارد تایم ۴ ساعت شده و پس از گرفتن تأییدیه لانگ بگیریم.
۱۲. رسیدن قیمت به زون بصورت ساختارمند و غیراحساسی.

مطمئن نیستید چه باید کرد؟ صبر کن یا کاری نکن.

به عنوان یک قاعده کلی برای تأیید، این قوانین ساده را دنبال کنید (این قوانین برای WoW ترید هم صدق می‌کند):

۱. زون تازه تایم بالا؟ نیازی ندارید تا زون مخالف را حذف کنید.
۲. زون تایم بالا تازه نیست؟ منتظر باشید برای شکل‌گیری یک زون جدیدی که زون مخالف را حذف کرده باشد.
۳. زون استفاده شده تایم بالا؟ هیچ کاری نکنید یا اگر می‌خواهید جسورانه ترید کنید، همان کاری که در شماره ۲ گفته شد را انجام دهید.

مثال: ترید بر اساس Set and Forget: ماهانه صعودی است پس در تایم ورود یک دیمند درون تایم ماهانه پیدا کنیم و پوزیشن را بکارید. شماره ۱ زون دیمند ماهانه، شماره ۲ زون دیمند هفتگی درون دیمند ماهانه و شماره ۳ زون دیمند روزانه درون دیمند ماهانه و هفتگی.



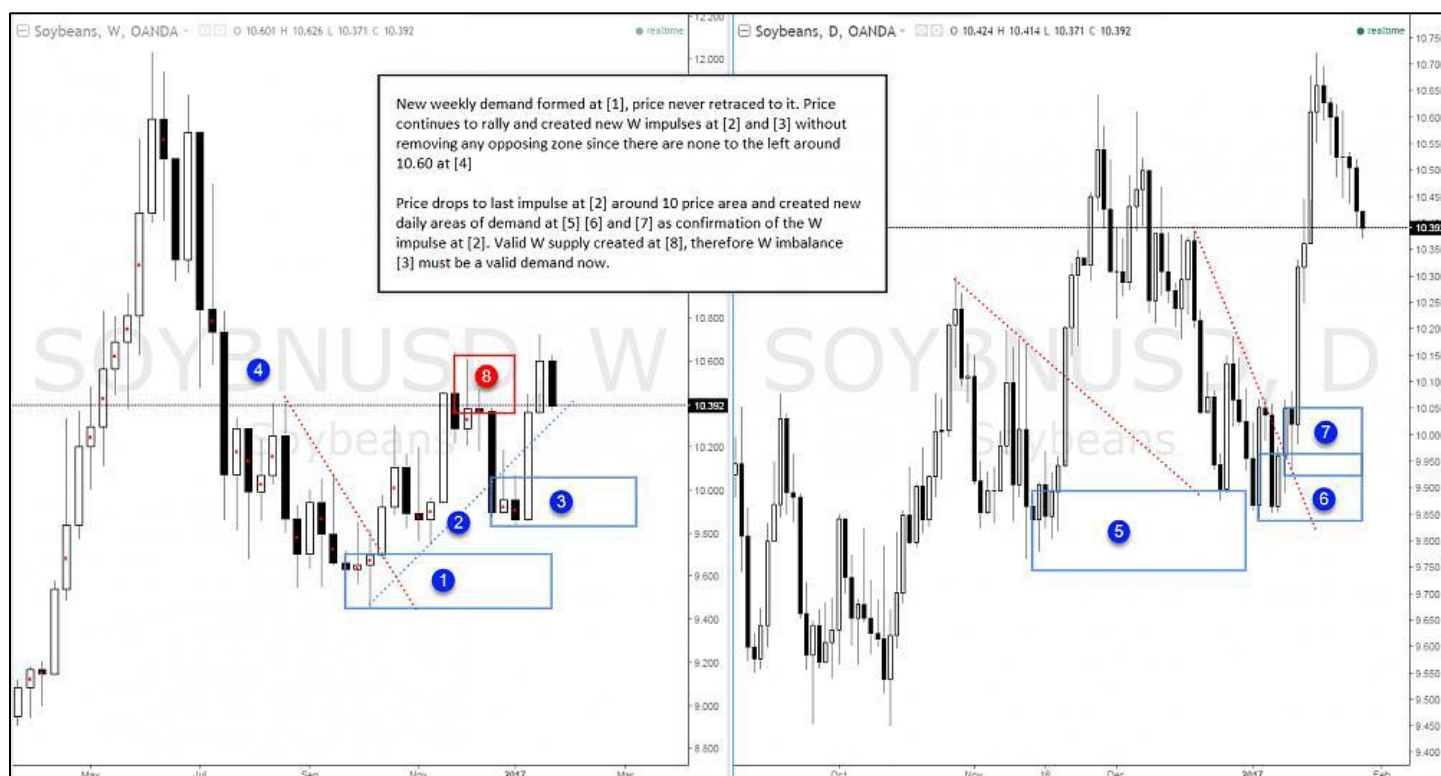
مثال بالا بر اساس ورود تأییدیه‌ای:



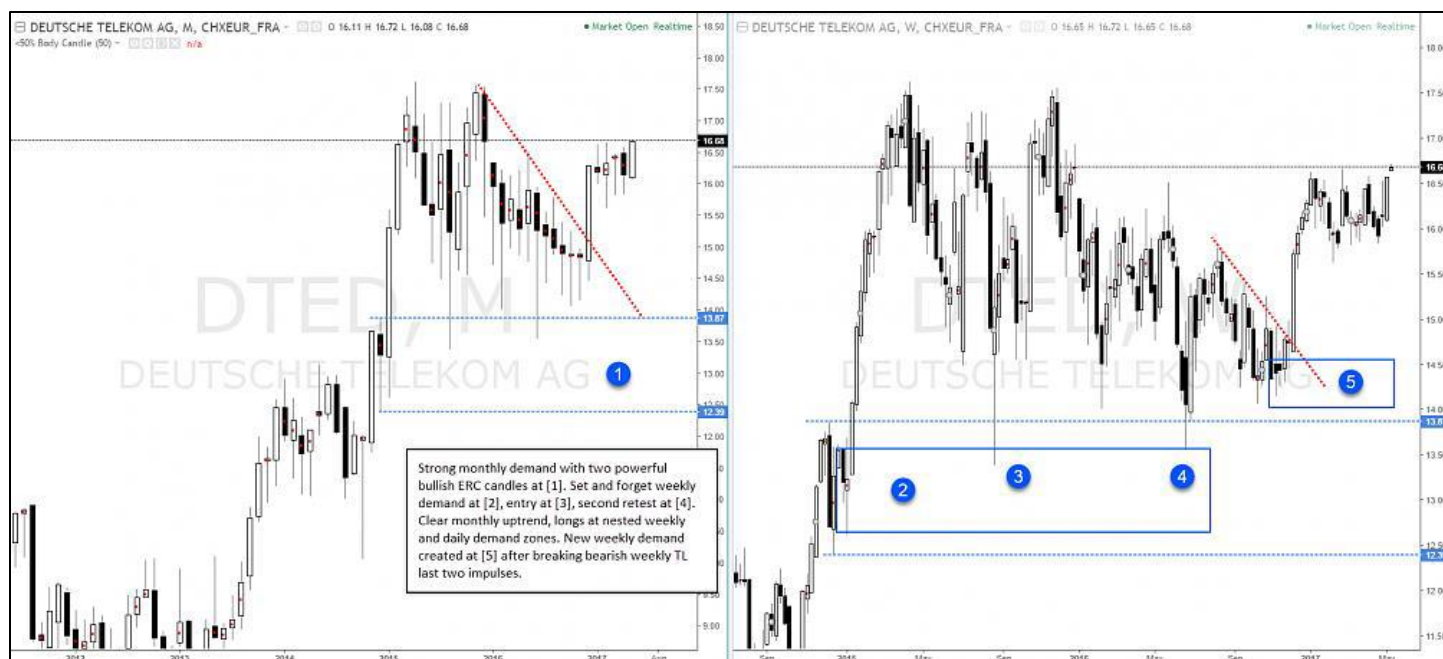
مثال: زون ماهانه قبل از تست شده. می‌توانیم روی زون ۴ در تایم روزانه و زون ۳ در تایم هفتگی پوزیشن بگیریم، چون زون تست شده ماهانه بود هر دو با تأییدیه است.



مثال: این سناریو، سناریوی پیچیده و پیشرفته است. قیمت در هفتگی ترند را شکسته و دیمند ۱ را ساخت ولی هیچ وقت به این دیمند پولبک نزد و بالاتر رفت، ناحیه ۲ هم زون تأیید شده‌ای نبود و صرفاً یک حرکت قوی هفتگی است، ولی همین ناحیه در روزانه یک WoW ترید بوده و ناحیه ۵ را ساخته و پس از پولبک و فشردگی قیمت به شدت بالا رفته است.



مثال. ماهانه صعودی بودیم، ناحیه ۱ یک CP ماهانه است و زون آشیانه کرده هفتگی درون ناحیه ۱ (ناحیه ۲) طی شماره ۳ و ۴ برخورد شده که شماره ۳ را می‌توانستیم بصورت Set and Forget ترید کنیم ولی برای ۴ مجاز نبودیم و باید تأییدیه بگیریم.



..... (V-48) ◀

مثال آلفونسو برای ترید Set and Forget روی USDCAD

تایم ماهانه صعودی است و ما دیمندهای روزانه درون دیمند ماهانه را می‌توانیم لانگ کنیم.

دقیقه ۱۳. تحلیل بالا به پایین و امتیازدهی به سطوح

هر عدم تعادلی که پیدا می‌کنیم را باید امتیازدهی شود. اگر همه شرایط در یک عدم تعادل اشاره به شورت زدن داشت (تایم بالاتر روند نزولی داشت، یک زون آشیانه کرده نزولی داریم، مومنتوم هم نزولی است)، ولی امتیاز پایین داشت، بهتر است ترید انجام نگیرد.

هر سطحی که انتخاب می‌کنیم باید این شرایط را داشته باشد.

۱. **امتیازبندی سطح.** ما با این فاکتورها سطح را امتیازبندی می‌کنیم: Consolidation away (اجباری)، تازگی سطح (تست نشده باشد)،

طول زمانی که قیمت در بیس بود، قدرت حرکت قیمت و دور شدن (Departure)، ریسک به ریوارد حداقل

۲. **دستاوردها.** عدم تعادل چه دستاوردی داشته است. آیا ترند لاین را شکسته است؟ آیا یک منطقه مخالف را از بین برده است؟ آیا دو

منطقه مخالف را از بین برده؟ آیا توانسته است یک منطقه مخالف تایم بالا را حذف کند؟

۳. **موقعیت و زمینه (Location and context).** سطح در کجا قرار دارد؟ آیا در رنج ماهانه، هفتگی و روزانه در بالا/پایین قرار دارد؟ آیا

قیمت درست وسط ناکجا آباد است؟ آیا وسط یک محدوده است؟ آیا در یک عدم تعادل تایم فریم بالا آشیانه کرده است؟ آیا درون

هر دو زون هر دو تایم بالاتر خود آشیانه کرده است؟ آیا درون یک تایم بالایی که هنوز تأیید نشده آشیانه کرده است؟

۴. **ترند.** آیا عدم تعادل در یک بازار روندی مومنتومی شکل گرفته است؟ آیا در یک روند مخالف شکل گرفته است؟ آیا تایم بالاتر رنج

است؟

۵. **افزایش و کاهش دهنده شانس وجود دارد یا ندارد.** آیا چیزی در تایم فریم بالا وجود دارد که ترید را تقویت و بهبود بخشد؟ یا بر

عکس محدودیت‌هایی در تایم بالا وجود دارد و یا مقاومت‌هایی در مسیر دیده می‌شود؟ موانع زیادی می‌تواند مانع پیشرفت قیمت

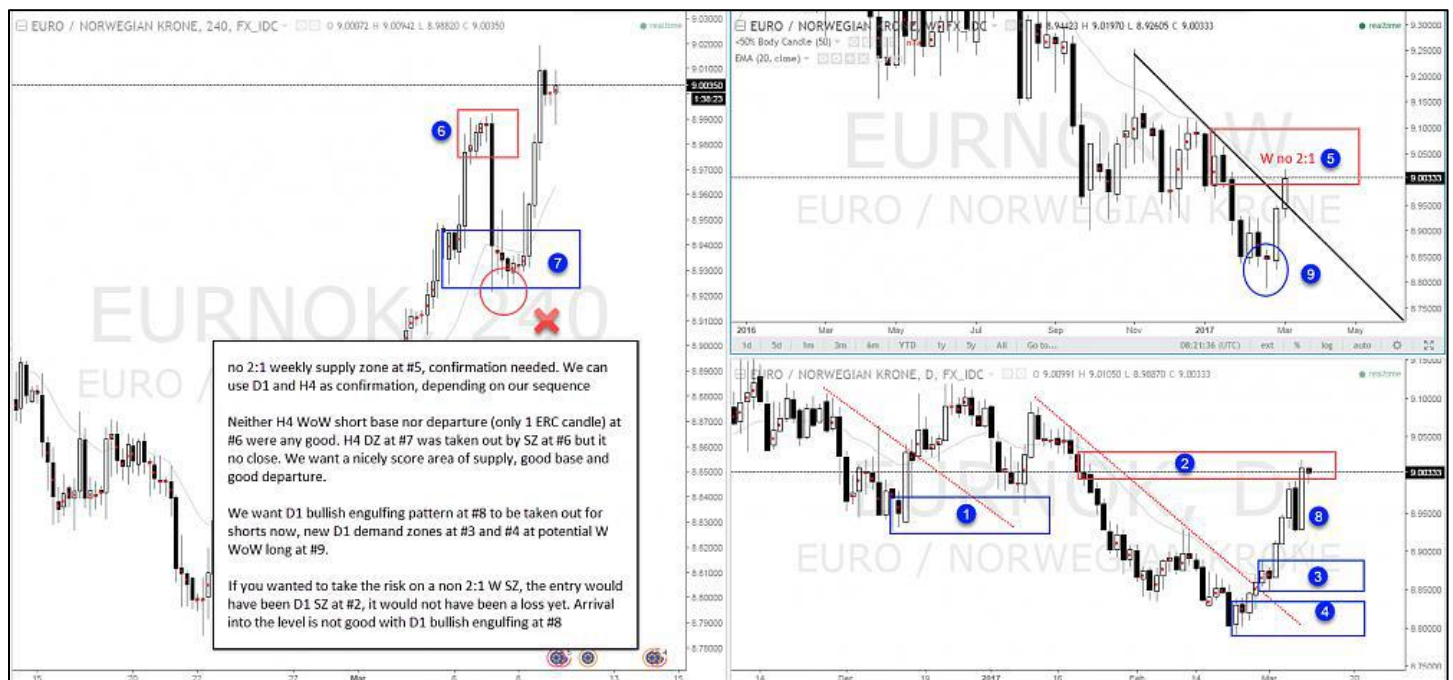
شود مانند تلاقی با EMA 20 در تایم بالا، ترند لاین تایم بالا، الگوهای کندلی تایم بالا و...

پس از بررسی‌ها با سه موقعیت روبرو می‌شویم: ۱. خرید ۲. فروش ۳. هیچ کاری انجام ندادن و منتظر ماندن.

تصمیم سوم، یعنی هیچ کاری انجام ندادن، بر خلاف انتظار شما رایج‌ترین تصمیم خواهد بود. احتمالاً میل به خرید یا فروش دارید حتی اگر هیچ کاری انجام ندهید. شما باید احساسات خود را کنترل کنید و جرات نه گفتن را داشته باشید. زمانی که قوانین می‌گویند نمی‌توانید معامله کنید، اما همچنین باید جرات این را داشته باشید که هر بار که قوانین می‌گویند می‌توانید معامله کنید، ماشه را فشار دهید.

علاوه بر ۵ مورد بالا باید به این نکته هم توجه کرد که آیا در سطحی که حضور داریم، فضای بازی برای قیمت وجود دارد یا نه (فاصله بین دیمند و سوپلای خیلی کم باشد) حداقل ریبورد ۱ به ۴ بدهد.

مثال. توالی هفتگی، روزانه و ۴ ساعته. هفتگی نزولی و شماره ۵ سوپلای هفتگی است و ریبورد ۲ را نداده پس باید با تأییدیه در روزانه و یا ۴ ساعته وارد معامله شویم. در تایم هفتگی ۲ سوپلای است که درون سوپلای ۵ هفتگی آشیانه کرده است و میتوان شورت گرفت ولی با نگاهی به شماره‌های ۳ و ۴ که نشان از حرکت ساختارمند است، باید با تأییدیه شورت کنیم. در ناحیه ۸ وقتی به ناحیه ۲ رسیده اینگلفینگ صعودی ساخته. پس با احتمال حرکت صعودی نیز مواجه هستیم به ویژه اینکه در روزانه ترند لاین نزولی خودش را هم شکسته است (WoW ترید). علاوه بر این موارد در تایم ۴ ساعت در برگشت از ناحیه ۷، ناحیه ۶ را غیرمعتبر ساخته ولی زیر زون ۷ کندی بسته نشده است. پس بر این اساس می‌توان ناحیه ۸ را با دیدگاه صعودی دید.



◀ (V-49)

مثالی که در ادامه آمده تحلیل بالا به پایین NZDUSD در ۳ تایم فریم ماهانه، هفتگی و روزانه است. اگر تایم بالاتر ما (در اینجا ماهانه) بدون روند بود می‌توانیم به یک تایم بالاتر (در اینجا ۳ ماهه) برویم.

اگر در تایم میانی یک الگوی اینگلفینگ دیده شود می‌تواند نشان دهنده این موضوع باشد که در تایم پایین، یک ترند لاین شکسته شده و یک الگوی WoW شکل گرفته است.

زون‌های آشیانه‌ای، قدرت عدم تعادل‌های آشیانه‌ای

یک زون تایم پایین که درون یک زون تایم بالا قرار گرفته بود.

ما هرچه زون‌های آشیانه‌ای تو در تو داشته باشیم، شانس موفقیت ما بیشتر خواهد بود.

زون‌های آشیانه‌ای هم باید از لحاظ قابل ترید بودن بررسی و امتیازدهی شوند. اگر بخواهیم در زون‌های آشیانه‌ای ریز شویم و وارد زون‌های تایم پایین شویم، باعث از دست دادن معامله می‌شویم.

مثال: سوپلای ۱ درون سوپلای هفتگی شماره ۲ قرار گرفته است و واکنش قیمت به زون هفتگی است.



مثال: دیمند شماره ۳ درون دیمند شماره ۱ هفتگی قرار گرفته و قیمت به زون ۳ واکنش نشان داده است.



مثال: داخل زون ماهانه یک زون هفتگی قرار گرفته است



مثال: زون شماره ۱ درون زون شماره ۲ ماهانه و ۳ هفتگی قرار دارد.



(V-51) ◀

زمانی که زون یک تایم بالاتر کنترل را در دست می‌گیرد، ترند لاین تایم پایین نادیده گرفته می‌شود.

ترندلاین تایم پایین اگر شکسته شده باشد، ولی کنترل قیمت در دست زون تایم بالاتر بود، ترندلاین تایم پایین را نادیده می‌گیریم.

در تایم بالا و محدوده زون، اگر الگوهای کندلی یا قیمتی (مثلث و گوه و...) همراه باشد، می‌توان با تأییدیه تردید کرد.

مثال: زون شماره ۱، که ۶ ماهه است، قیمت را در دست گرفته و روند نزولی است پس شکسته شدن ترند لاین در تایم ۳ ماهه (تصویر راست) نمی‌تواند نشان از موقعیت لانگ باشد.



وقتی می‌خواهیم چارت را تحلیل کنیم، باید ۳ سوال از خودمان بپرسیم:

۱. آیا این زون یک زون مخالفی را حذف کرده یا نه؟
۲. آیا ترندلاینی را شکسته است یا نه؟
۳. آیا زون با کندل‌های قوی از زون دور شده یا نه (Consolidation away)?

(V-52) ◀

تمام قوانین آموزش داده شده در قالب یک مثال گام به گام مرور و روی چارت برای تحلیل پیاده می‌شود.

(V-53) ◀ - شروع بلاک ۵

تست کردن در تردید مانند مدیتیشن برای سلامت روح است

برای اینکه بهترین در کار خودت باشی، باید راضی به ریاضت باشی

الگوهای ذهنی (عادت‌ها) زمانی شکل می‌گیرد که تکرار شوند. عادات به شما کمک می‌کند که ترس کمتر شود.

باید پلن معاملاتی داشته باشیم (علت‌های ورود به معامله و علت‌های خروج از معامله)

◀ (V-54)

چگونه یک پلن معاملاتی را آماده کنیم

اگر پلن معاملاتی برای خودمان نداشته باشیم، پلن شکست‌مان طراحی می‌شود.

بعد از طراحی پلن معاملاتی باید مانند یک ربات ترید کنید و با تغییر روند مارکت نباید پلن را تغییر دهید.

برخی زون‌ها پیچیدگی دارند که شما برای ترسیم آن‌ها تردید می‌کنید، هیچ راه‌حلی برای ترسیم این زون‌ها وجود ندارد و صرفاً بر اساس تجربه باید آن‌ها را ترسیم کنید.

باید بپذیریم که نهایتاً ۴۰ الی ۵۰ درصد مواقع درست تحلیل می‌کنیم.

چه مواردی را برای پلن معاملاتی باید در نظر داشته باشیم:

- کنترل احساسات
- مشخص کردن زمان‌های ترید و استراحت و شروع ترید و پایان ترید
- باید حداکثر زمان مشخصی برای ترید مشخص کنید تا بیش از حد ترید نکنید.
- توالی و تایم فریم‌های معاملاتی خود را از قبل مشخص کنید
- مشخص کنید که سوئینگ تریدر هستید یا اسکالپر و یا ...
- قوانین ورود و سناریوهای IF THEN را باید انتخاب کرده باشید.
- قوانینی باید داشته باشیم که ماه‌ها تست کرده باشیم.
- ترجیحاً قوانینی را باید مشخص کنید که برای شما در ترید ایجاد سهولت کند.
- الگوهای انتخابی برای ورود به معامله را باید از قبل مشخص کنید و به سهولت قابل مشاهده باشد.
- باید سطحی از ریسک را برای خودتان مشخص کنید. میزان ضرری که آمادگی از دست دادن آن را دارید.
- برای خودتان قوانین خروج بگذارید و مشخص کنیم میزان ریسک به ریوارد چقدر باید باشد.
- اهداف ماهانه قابل دسترس و منطقی تعیین کنید و ترجیحاً پس از رسیدن به اهداف تعیین شده ترید نکنید.
- مشخص کرده حداکثر پوزیشن‌هایی که باید همزمان باز داشته باشید (با ریسک ۱ درصد حداکثر ۵ معامله باز منطقی است).
- جفت ارزها و یا مارکت‌هایی که ترید می‌کنید را فیلتر کنید و خوب‌ها را ترید کنید.
- همبستگی جفت ارزها را باید در نظر گرفت.
- پس از پایان هفته معاملاتی، تریدهای خود را پلن خود مقایسه کنید تا ببینید چقدر مطابق پلن خود انجام داده‌اید.
- پلن معاملاتی خود را هر ۳ ماه یکبار بازنگری کنید برای امکان بهبود.

◀ (V-55)

قدرت ریسک به ریوارد، چه انتظاری از عرضه و تقاضا داریم

باید انتظارات خود را از میزان سود ماهیانه مشخص کنید. بسیاری از تریدرهای بزرگ انتظار ماهانه ۵٪ رشد را بسیار مناسب می‌دانند.

اگر در مارکت برتری در مارکت نداشته باشید، یا سر به سر بیرون می‌آیید یا با ضرر بسیار کمی معامله می‌کنید.

اگر وارد معامله‌ای شوید که ریوارد کمتر از ۳ دارد، شما عمداً شانس را بجای پلن انتخاب کرده‌اید.

ریسک به ریوارد باید دینامیک باشد. برخی از تریدرها همزمان هم مومنتومی و هم لوکیشینی است، این نوع تریدها قدرتمند هستند و بهتر است به جای بستن روی یک ریوارد یکسان، استاپ را تریل کنیم.

چرا پول در نمی‌آورید؟ عوامل زیادی وجود دارد که بر تصمیمات شما تاثیر می‌گذارد. هنگامی که احساسات کنترل را در دست می‌گیرند، شما از اجرای برنامه و استراتژی مدیریت سرمایه باز می‌دارند.

استراتژی زیر را برای مدیریت سرمایه به مدت ۳ ماه اجرا کنید:

- ریسک فقط ۱٪ به ازای هر ترید
- تنظیم ریوارد ۳ برای هر ترید
- ریسک به ریوارد با حاشیه سود متفاوت است؛ ریسک به ریوارد تعادل سرمایه را تأیید می‌کند، در حالی که حاشیه سود، نقطه خروج و سود را مشخص می‌کند.
- مطمئن شوید که حداقل حاشیه سود ۱ به ۴ برای SD مخالف وجود دارد.
- ترید خود را بصورت Set and Forget تنظیم کنید و به آن دست نزنید.
- نقطه استاپ خود را به نقطه ورود منتقل نکنید
- معامله یا باخت می‌شود یا برد

برای بهترین و ایده‌آل‌ترین ستاپ‌ها باید "صبر" کرد.

◀ (V-56)

چالش ریسک به ریوارد ۱ به ۳

هر تصمیمی که بگیرید باید این مراحل را کامل کنید (با ترید مثل یک بیزینس رفتار کنید)

۱. **باید استراتژی را حداقل ۳ ماه فوروارد تست کنید.** فوروارد تست کردن را هیچگاه متوقف نمی‌کنید و همواره باید در پروسه کاری شما وجود داشته باشد. پس از انجام این مرحله اگر مثبت بود، وارد مرحله ۲ می‌شوید.
۲. **ترید در لایو مارکت بصورت دمو به مدت ۳ ماه.** رشد ماهانه ۵ درصد. باید ورودها در تایم‌های روزانه و ۴ ساعته باشد. اگر این مراحل کامل شد وارد مرحله ۳ می‌شویم.
۳. **حساب واقعی با نیمی از سرمایه خود را باز می‌کنیم.** حداقل ۳ ماه پشت سر هم باید سودده باشید و با ریسک ۱ درصد در تایم‌های روزانه و ۴ ساعته باشد. اگر این مرحله را کامل کردید، وارد مرحله ۴ می‌شویم.
۴. **یک حساب واقعی با سرمایه کامل باز می‌کنیم.** فقط در تایم‌های روزانه و ۴ ساعته ترید می‌کنید، تا به یک سود مستمر در طی ۶ ماه برسید.
- حتما باید حساب دمو را داشته باشید.
۵. **هر زمان یک ضرر ۲۰ درصدی را متحمل شدید، ترید را متوقف کنید.** به مرحله ۲ رفته و مجدد با دمو شروع به ترید می‌کنیم.

پلن معاملاتی ساده

- ریسک ۱٪ برای هر ترید
- حداکثر ترید باز همزمان ۴ عدد باشد. ریسک ۴٪
- حداکثر سرمایه ضرر ماهانه: ۴٪
- حداکثر ضرر روی کل حساب: ۱۰٪
- هدف ماهانه: ۵ الی ۶ درصد
- همه تریدها را ثبت کن (۴ اسکرین‌شات، از لحظه ورود و خروج و SDها)
- جمعه‌ها ترید نکنید
- آخر هفته تریدهای هر هفته را بررسی کن

دو حساب جداگانه داشته باشید برای تایم میانی و تایم پایین توالی سه گانه زمانی

قواعد سوئینگ ترید:

- تایم ورود ۴ ساعته یا روزانه
- فقط روی سطوح تازه ترید شود
- ترید در جهت روند باشد (خلاف روند ترید نکنید)
- حداکثر زمان پشت چارت روزانه ۲ ساعت باشد.

◀ (V-57)

مدیریت ترید و تاکتیک‌های خروج از ترید

شما اگر به ۵ نکته توجه کنید از مارکت انتظار معجزه نخواهید داشت:

۱. هر چیزی می‌تواند اتفاق بیافتد
۲. حتما نیاز نیست بدانی در لحظه بعد چه اتفاقی می‌افتد.
۳. بین سودها و ضررها یک توزیع برابر و یکسانی وجود دارد.
۴. برتری داشتن در مارکت تنها به این معنا است که احتمالاتی را حدس می‌زنید که احتمال وقوع آن‌ها بیشتر باشد.
۵. هر لحظه در مارکت یک لحظه خاص و بی‌همتا است

ورود به یک ترید خیلی راحت است ولی خروج از آن بسیار مشکل است.

هر ستاپ ترید شامل ۳ مرحله است:

۱. **پیش برنامه (قبل از ورود به ترید)**
 - هیچ تردیدی بدون برنامه انجام ندهید
 - تحلیل مارکت و تصمیم‌گیری برای ورود به ترید اگر تمام فاکتورها بررسی و امکان ورود به ترید را می‌داد.
 - محاسبه حد ضرر و نقطه قرارگیری آن بر اساس قوانین.
 - قرار دادن اورد و انتظار برای باز شدن آن
 - ما می‌پذیریم که ترید ما می‌تواند **ضرر** شود.
 - ما می‌پذیریم که ترید ما برای به نتیجه رسیدن نیاز به **زمان** دارد.
۲. **ورود به معامله**
 - اینجا مرحله‌ای است که بسیاری از افراد ترید خود را خراب می‌کنند.
 - باید احساسات را کنترل کنیم. ترید ما یا سود است یا ضرر و اجازه بدید مارکت ثابت کند که ترید شما درست بود یا غلط
 - هیچ کاری نکنید
۳. **مدیریت حد سود و حد ضرر**
 - حد ضرر را به ناحیه ورود بیاورید (مزایا و معایبی دارد)
 - تارگت اول کجاست؟ آیا بیش از ۱ تارگت دارید؟ آیا قرار است در ناحیه SD مخالف قرار است خارج شوید.

چه زمانی حد ضرر را به نقطه ورود ببریم؟ به عنوان قاعده کلی می‌توان زمانی که قیمت به محدوده ریوارد ۲ رسید، حد ضرر را به نقطه ورود ببریم. قیمت در خیلی از موارد یک ری-تست به ناحیه ورود می‌زند و این می‌تواند ما را از معامله به بیرون بیاندازد. ری-تست قیمت به ناحیه ورود برای انرژی گرفتن برای حرکت سریع‌تر و قوی‌تر است بنابراین با ریسک-فری کردن ترید، این فرصت از دست می‌رود.

چه کاری کنیم تا با ری-تست قیمت ترید سر به سر بسته نشود؟

۱. حد ضرر را به نقطه ورود منتقل می‌کنیم پس از اینکه قیمت به ریوارد ۳ یا ۴ رسید.
۲. حد ضرر را به نقطه ورود منتقل نکنید
۳. پس از رسیدن به ریوارد ۲ یا حتی ۳ نیمی از پوزیشن را ببندید.

چگونگی تریل کردن حد ضرر:

- خروج بر مبنای تارگت‌های پله‌ای در محدوده‌های SD مخالف
- خروج بر مبنای یک \$ مشخص
- خروج بر مبنای یک % مشخص
- خروج بر مبنای ریسک به ریوارد مشخص

خروج‌های داینامیک (بنا بر شرایط مارکت خارج می‌شویم نه یک قاعده از پیش تعریف شده)

حد ضرر تکنیکال

- پس از ورود حد ضرر را زیر/بالای نزدیک‌ترین SD انتقال دهید.
- در ترند صعودی پس از یک سقف بالا زدن، حد ضرر را زیر آخرین Higher Low قرار می‌دهیم و در روند نزولی برعکس

ترندلاین‌ها

- رسیدن قیمت به یک ترندلاین به ویژه در تایم‌های بالا

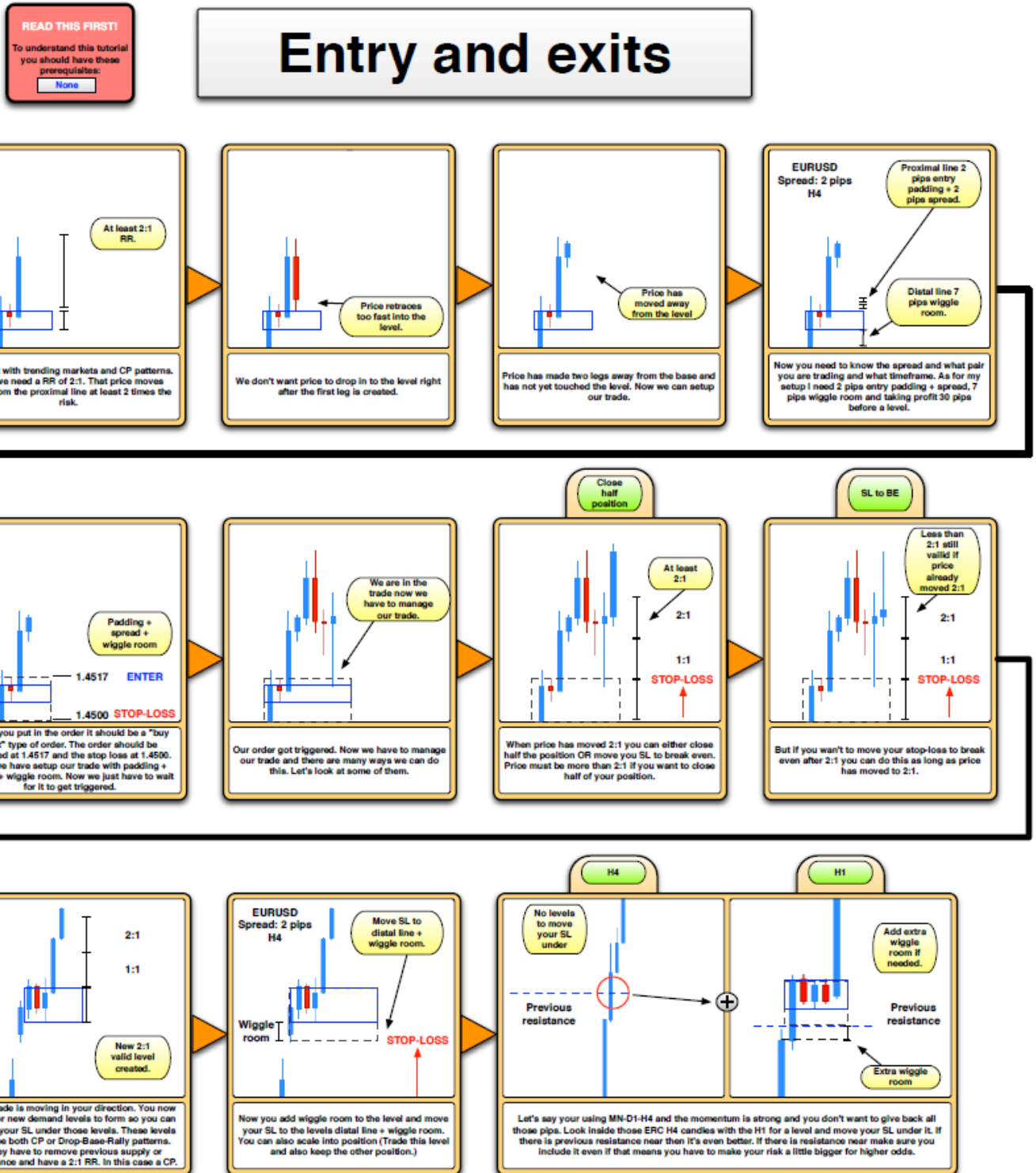
در تریدهای مومنتومی روی ریوارد ۲ یا ۳ نیمی از پوزیشن بسته می‌شود و حد ضرر را دست نمی‌زنیم.

در تریدهای لوکیشینی و لوکیشنی + مومنتومی، روی ریوارد ۳ یا ۴ نیمی از پوزیشن بسته می‌شود و حد ضرر را دست نمی‌زنیم.

تریدهای لوکیشنی + مومنتومی مانند یک راکت است به حد ضرر و حد سود آن‌ها دست نزنید. تا زمانی که ما به یک زون تازه تایم بالا برسیم.

ورودها و خروجها

مطابق تصویر ۲. در صورتی که قیمت بلافاصله پس از بالا رفتن به سرعت به محدوده زون ما برگردد، حرکت زیبایی نیست و برای ورود به پوزیشن زیاد جذاب نیست.



کارهای روزانه. داشتن یک چک لیست برای تبدیل شدن به یک اجرا کننده حرفه‌ای

شک داشتن به اینکه من موفق می‌شوم، مهم‌ترین مانع موفقیت است.

دستورالعمل ترید به سبک آلفونسو:

(۱) تشخیص زون‌ها

۱. ترسیم خط ترند (ترندلاین) در ۳ تایم فریم (اتصال قله‌ها/دره‌های آخر یا ۳ CP).
۲. ترسیم نواحی (زون‌های) S یا D با استفاده از الگوهای کندلی (بر اساس دره‌ها / قله‌ها / CP ها/ مناطق مبادله‌ای) و تعیین دیستال لاین و پروکسیمال لاین در هر تایم فریم.
۳. مشخص کردن SD range ها در تایم فریم‌های مختلف.
۴. تعیین اینکه روند در حالت صعودی است یا نزولی و یا رنج.

(۲) معتبر بودن زون‌ها



۱. گرفتن تأییدیه زون ترسیم شده (زون مخالف خودش را حذف کرده باشد / ترند لاین را شکسته باشد)
۲. شکسته شدن ترند لاین < جهت حرکت قیمت عوض می‌شود.
۳. شکسته شدن ترند لاین < حذف S یا D در لگ قبلی و شکل‌گیری SD در حرکت جدید.
۴. به هنگام شکست ترندلاین قبل از هر چیز باید به تایم فریم بالاتر برویم و ببینیم در چه ناحیه‌ای از تایم بالاتر این شکست اتفاق افتاده است.
۵. اگر قیمت SD قبلی را شکست می‌توان نواحی معتبری از CP نیز ترسیم کرد (تصویر روبرو: S بالایی محدوده تایم فریم بالا بود که واکنش نشون داد و بعد ما S دوم را از CP ترسیم می‌کنیم).
۶. یک SD زمانی معتبرتر است که علاوه بر شکست ترندلاین یک ناحیه SD یا CP را نیز شکسته باشد.
۷. برای خرید و فروش، SD های تایم بالا بر SD های تایم پایین اولویت دارند به ویژه اگر SD های تایم پایین نزدیک نواحی SD تایم بالاتر باشند.
۸. در تعیین زون‌ها، نزدیک‌ترین زون به ترند برای ما اولویت دارد.
۹. ویژگی‌های یک زون خوب (امتیازدهی به زون): ۱. یک کندل OHCL خارج از زون زده باشد ۲. قیمت سریع از ناحیه زون ما خارج شود (Consolidation away) ۳. به ما ۲ RR یا بالاتر از ۲ بدهد ۴. بیس تمیزی داشته باشد (کندل‌های سایه‌دار کمی داشته باشد). با این ویژگی‌ها ما یک زون قابل تأیید داریم و باید برای اینکه آیا قابل ترید است یا نه مورد بررسی قرار دهیم.
۱۰. پیدا کردن CP ها از طریق interchange Zone از طریق یک تایم فریم کوچکتر.
۱۱. مشخص کردن اینکه آیا در روند هستیم یا در وضعیت تریدینگ رنج.
۱۲. تا زمانی که در حالت تریدینگ رنج هستیم نمی‌توانیم بر اساس روند قبلی پوزیشن بگیریم.
۱۳. منتظر شدن تا شکل‌گیری روند (شکست خط روند + از بین بردن دو زون مخالف) - در روند صعودی، حذف ۲ زون S و شکست خط روند نزولی یا ایجاد خط روند صعودی و حذف یک زون S و در روند نزولی حذف ۲ زون D و شکست خط روند صعودی یا ایجاد خط روند نزولی و حذف یک زون D.
۱۴. مشخص کردن ستاپ‌های مومنتومی و لوکیشنی و یا مومنتومی + لوکیشنی
۱۵. مشخص کردن اینکه زون‌ها تازه (Fresh)، تست شده، خالص (Original)، یا مصرف شده هستند.
۱۶. وقتی یک زون ۲ بار تست شده باشد اصلاً برای ترید مناسب نیست.

۳) قابل ترید بودن زون‌ها

۱. حداقل یک Consolidation away خارج از زون داشته باشیم و یک کندل بصورت کامل خارج از زون بسته شود.
۲. خروج قیمت با گپ و دور شدن از زون نشان‌دهنده یک حرکت بسیار قوی زون است.
۳. داشتن یک بیس خود (بیس حداکثر ۴ الی ۶ کندل داشته باشد)
۴. در ناحیه بیس کندل‌های ۵۰٪ یا کوچکتر از ۵۰٪ وجود داشته باشد (این موضوع در CP ها نادیده گرفته می‌شود).
۵. دیده شدن الگوهای کندلی در یک زون
۶. بیس با کندل‌های دارای سایه‌های بلند، بیس خوبی نیست (زیرا واکنش به سطوح دیگر است).
۷. حداقل ریوارد ۲ و یک کندل OHCL بصورت Consolidation away را داده باشد.
۸. حداقل حاشیه سود ۱ + ۳ را تا زون مخالف به ما بدهد (در ریوارد ۳ خارج می‌شویم ولی برای ورود باید ریوارد ۴ را بدهد).

۴) WoW تریدها

۱. در نواحی که شکست ترندلاین‌ها را داریم WoW ترید اتفاق می‌افتد.
۲. WoW ترید زمانی شکل می‌گیرد که به یک زون تایم بالا برخورد می‌کنیم.
۳. WoW ترید عدم تعادل جدیدی در محدوده شکست خط روند یا در مبدا حرکت ایجاد می‌کند.
۴. WoW ترید باید توسط زون تایم فریم بالایی خود و یا یک همپوشانی تایم فریم بالا (ترندلاین، EMA 20 و...) حمایت شود.

واژه‌نامه:

Nested Zone = یک ناحیه SD که درون یک ناحیه SD تایم بالاتر خودش قرار گرفته باشد.	Accumulation = انباشتگی سفارش، در پس آن اسپایک صعودی داریم
OCHL Candle = کندلی که بصورت کامل خارج از خط روند تشکیل شده و آن را بشکند.	Aggressive Trendline = خط روند تهاجمی که برای اتصال ۳ یا بیشتر CP ترسیم می‌شود (Over-Extension).
CP = Over-Extension = CP‌هایی که بصورت متوالی تشکیل می‌شود و ایجاد یک روند پرشیب و تهاجمی است، خط روندهایی که برای این منظور استفاده می‌شود را Aggressive Trendline می‌نامیم.	Brand new Zone = شکل‌گیری یک زون جدید
Overshot = نفوذ بیش از حد به زون	CP = الگوهای ادامه‌دهنده
Padding pips = به میزان ۱۰٪ عرض زون به سمت قیمت اضافه می‌کنیم تا شانس ورود به معامله را افزایش دهیم.	Consolidation away = دور شدن سریع قیمت با یکسری کندل قوی از زون‌های ترسیم شده.
Profit margin = حاشیه سود	Consolidation = فشردگی قیمت، رنج زدن قیمت
Proximal Line = خط نزدیک به قیمت که برای اوردرگذاری برای ورود به پوزیشن می‌توانیم از آن استفاده کنیم.	Demand = تقاضا
Realignment = ساختار	Departure = حرکت قیمت و دور شدن از ناحیه عرضه یا تقاضا
Retracement = اصلاح	Distal Line = خط دورتر به قیمت که معمولاً برای مشخص کردن ناحیه حد ضرر از آن استفاده کنیم.
Reversals = برگشت‌های قیمت	Distribution = توزیع سفارش، در پس آن ریزش و نزول داریم.
SD Range = محدوده عرضه و تقاضا	Extremes = انتهایی‌ترین نقاط دره‌ها و قله‌ها
Supply = عرضه	Flip zone = نواحی مقاومتی که به حمایت تبدیل می‌شوند و یا بالعکس
Sequence = توالی قیمتی (وضعیت قیمت در سه تایم فریم متوالی فراکتالی)	HFT = تایم فریم بالاتر
Wicky Base = بیس‌های سایه‌دار (شدو دار)	Imbalance = عدم تعادل، نواحی که باعث شکل‌گیری محدوده‌های عرضه و تقاضا می‌شود و قیمت به جهتی سوق داده می‌شود.
Wiggle room = فضای بازی - برای استاپ‌گذاری به میزان ۲۵٪ عرض زون استاپ را از زون دورتر می‌کنیم.	Impulse = موج و یا حرکت قوی که بسیار واضح در چارت دیده می‌شود.
	Interchange zone = مناطق مبادله‌ای، مناطقی در تقاطع سایه دو کندل